



پشاوَر سانی اور انداز

کشمیر مدنی اور پشتہ و ساندھ

۲

صلیل خسرو

ڈاکٹر رات

برادری کا



هُر هَای زِیبَای کُثُر

اداره کل موزه ها و فرهنگ غایه

شماره ۳

پوشک باستانی ایرانیان

از من ترین زمان تا پایان شاهنشاهی ساسانیان

از

جلیل صیبا، پور

از این کتاب هر ار نسخه‌ی زرگوب در چاپخانه‌ی سازمان سمعی و بصری هنرهای زیبای گنور
بچاپ رسیده است .

این کتاب دارای (۲۸۲) عکس و طرح میباشد . همه‌ی عکس‌های این کتاب توسط آقای مرتضی
رسنمی عکاس موزه‌ی ایران باستان تهیه و از روی مدارک استنساخ شده است .

۱۳۴۳ ماه فروردین

اداره کل موزه‌ها و فرهنگ عامه هنرهاي زيبايه كشور موظف است که درس اسرزندگی مادي و معنوی ايرانيان (صنعتها، پيشدها، كشاورزی، معتقدات، رسماها و آئينها، دانشها و هنرها و ادبیات عاميانه، گويشها، سرگرميهها، شيوه‌هاي گوناگون زندگي اجتماعي و سازمانهای آن) از کهن ترین زمان تا امروز به بررسی پردازد و نتيجه‌های آن را از سه راه زير در دسترس همگان بگذارد:

۱ - چاپ و نشر يك سلسه انتشارات.

۲ - بنیاد گذاري موزه‌هاي گوناگون در پايتخت و شهرستانها و تكميل موزه‌هاي موجود.

۳ - برپا کردن نمايشگاهها.

بخش از وظایف اداره کل موزه‌ها و فرهنگ عامه بررسی در پوشاكهای ملی است که خود دوبخش جداگانه (تاریخی و کنونی) دارد. بررسی در پوشاكهای کنونی ایران از پنج سال پيش آغاز شد و گروههای که به چندین استان فرستاده شدند توائيند که بسياري از پوشاكهای محلی را گردآوري و بررسی نمایند. از روی اين پوشاكها نمونه‌های فراوان به اندازه‌های گوناگون دوخته و در موزه‌ها و نمايشگاهها (در ايران و كشورهاي ديگر) به نمايش گذاشته شد.

کار بررسی در پوشاكهای پيشين نيز از همان پنج سال پيش (از راه مطالعه در نوشه‌ها و نقشه‌ها و تنديس‌ها) آغاز شد و نمونه‌های از برخی از اين پوشاكها فراهم و به نمايش گذاشته شد.

آقاي جليل ضياءپور از هنرمندانی بودند که به بررسی در پوشاكهای باستانی ايران دلبستگی فراوان داشتند و پس از چند سال همکاری و كوشش در اين راه خواستار شدند که نوشن کتابی درباره پوشاكهای ايران از کهن ترین زمان تا پايان شاهنشاهي ساسانيان به عهده ايشان گذاشته شود. برای اين که بررسیهای ايشان کامل گردد چندبار برای ديدن آثار باستانی ايران به شهرستانهایی که لازم بود فرستاده شدند و سرانجام به نوشن اين کتاب به مسئولیت و شيوه و سليقه خاص خود موفق گردیدند.

اداره کل موزه‌ها و فرهنگ عامه اميدوار است که بررسیهای خود را درباره پوشاكهای دوره‌های ديگر و همچنین پوشاكهای کنونی ايران به زودی نشر دهد و در دسترس همگان بگذارد.

دكتور صادق كيا

توضیحات و مقدمات

پوشاك ، همیشه متناسب با اوضاع و احوال جغرافیائی و آب و هوایی و حفاظت و ترقیات قومی و لزوم تبدیل به احسن « برای کارآمد بودن » تهیه میشود؛ و سپس میل بجلوه‌گری سبب میشود که در آن بعنوان بهترنماei دستکاری کنند و قشنگتر و باشکوهتر ش بنمایند.

برای ایران وسیع بعلت داشتن مناطقی با آب و هوای مختلف ، ایجاد میکرده است که مردمش دارای پوشاك گونه‌گون باشند (هم‌اکنون ، ساکنین مناطق مختلف ایران دارای بیش از بیست نوع پوشاك اند) .

لباس مردم منطقه‌ی پارس هم در قدیم متناسب با آب و هوای آن منطقه فراهم شده بوده و با پوشاك مردم ماد که در منطقه‌ی شمالی ایران می‌زیستند تفاوت فاحش داشته است (هنوز هم در مناطق جنوبی پارس ، هستند مردمی که از لونگی بعنوان دامن « که یادآور دامنهای پارسی زمانهای گذشته است » استفاده میکنند و از همان جنس هم یک روانداز برای حفاظت از سرما و موارد دیگر ، بر دوش می‌افکنند) ولی مردم ماد بعلت سرمای مناطق خود ناگزیر از پوشیدن لباس مناسب سرما « چنانکه با کارهای روزانه‌شان وفق بدهد و بتوانند بدلاخواه خود بکار پردازنند » بودند .

او مستد . ا . ت « استاد تاریخ شرق » میگوید : (این مادیها هنوز نیمه صحراء گرد بودند . روی نقشهای آسوری آنها را با موی کوتاه که آنرا با نوار سرخی بسته‌اند ، و با ریش پیچیده و تابدار کوتاه نقش کرده‌اند ؛ روی پیراهن ، یک نیم‌تنه‌ی پوست گوسفند در بر دارند ، که هنوز بهترین دوست رهسپاران در زمستان سخت فلات است که نیز نیازمند به پای افزارهای بلند برای گذشتن از میان برف بود . سلاح آنها فقط نیزه‌ی بلند بود و در پناه سپرهای سبدبافته‌ی چهار گوش می‌جنگیدند . با این نیمه صحراء گردان و بیاری پارسیان ، فرورتش ، دلیری داشت که با آسور تاخت آورد . « تاریخ شاهنشاهی هخامنشی صفحه‌ی - ۴۲ - سطر - ۱۲ - » .

*

دیرتر که پارسیان و هخامنشیان خود را نیازمند پوشانک مرتب و کارآمد دیدند ، علاوه بر اینکه به لباس خود با دادن ترتیبات و چین‌های پر جلوه ، صورتی بخشیدند ، برای تأمین کافی نظرات خود از مردم ماد نیز سلیقه‌گرفتند و بخواستهای خود جامه‌ی عمل پوشاندند .

*

در جلد اول ایران باستان صفحه‌ی - ۲۲۲ - سطر - ۱۸ - چنین میخوانیم :

(که شاهان هخامنشی چیزهای زیاد از ماد اقتباس کردند و همین نکته که بسیاری از ترتیبات دوره هخامنشی شبیه دوره ماد بود ، یکی از جهاتی است که نمیتوان محققان معلوم کرد ، از چیزهایی که در دوره هخامنشی می‌بینیم ، کدامیک مادی و کدام هخامنشی است . فقط در موارد کمی میدانیم که اقتباس پارسی‌ها از مادی‌ها چه بوده ، مثلاً هرودوت و سترابون نوشتند که پارسی‌ها شکل لباس را از مادی‌ها اقتباس کردند و بنابراین تصور می‌رود که کلاه نماین ، قبای آستین‌دار و کفش‌های پارسی‌ها از چیزهایی است که از مادها اقتباس شده) .

نیز در صفحه‌ی ۲۲۳- سطر- ۱۸- میخوانیم : (... و دولت هخامنشی کاری را که ماد شروع کرده بود ادامه داد . این نکته یکی از جهاتی است که محققین ، دورهٔ هخامنشی را متمم دورهٔ مادی میدانند).

*

بنابراین ، موافقت هخامنشیان در دنبال کردن نظرات مردم ماد ، میرساند که خود در استفاده از نوع البسمی مادی « که کارآمدتر بوده » رغبت نشان داده‌اند.

*

سرپرسی سایکس میگوید : (لباس ارغوانی شاهنشاه پارس ، همان جامه بلند و باوقار مردم ماد بود و بر سر تاجی داشت بلند و مشعشع و این تاج منحصر شاهنشاه بود و در حجاریهای تخت‌جمشید منقوش است . « تاریخ ایران جلد اول صفحه‌ی ۲۲۶ - سطر - ۱۴ - » .

*

۱ . ت . او مستد در استفادهٔ مردم پارس از پوشак مادی میگوید : (.... و آمادهٔ بجا آوردن بازپسین آذینهای بخاک سپردن در پرتو شعله‌ی لرزان شدند . نسای^۱ کوروش را در تابوتی از زر گذاشتند که بر تختی نهاده شده بود که پایه‌ها یش از زر ساخته بود . میزی برای برات گذاشته شده بود که بر آن شمشیرهای کوتاه پارسی ، گردن‌بندها و گوشواره‌هائی از سنگ‌های گرانبها در زر نشانده ، نهاده بودند . سندس^۲ و کنان دوخت بابل ، تنبانهای مادی ، جامه‌های آبی ارغوانی و رنگهای

۱ - نسا = Corpse = نساکده (Necropolis) . در روایات داراب هرمزدیار به صورت نسا - خانه آمده است . نعش صورتی دیگر از واژهٔ « نسا » است) تاریخ شاهنشاهی هخامنشی .

۲ - سندس : بضم = (دیبا ، نوعی از دیبا تنگ ، معرب است . فرهنگ منتهی‌الارب) . (سندس = نوعی از دیبا لطیف نازک بافته با زر و سیم . فرهنگ اشتباین گاس) .

دیگر « کاوناکس^۱ » و بافت‌های گل و بوته‌دار بابلی ، همه را رویهم چیده بودند تا پادشاه در گذشته ، با شکوه شایسته و آئین درست بجهان دیگر نیاکان آریائیش درآید . « تاریخ شاهنشاهی هخامنشی صفحه‌ی ۹۱ - سطر - ۱۶ - » .

*

در تأیید استفاده‌ی هخامنشیان از پوشاش مادی ، گزنفون نیز تعریف می‌کند که چگونه کوروش از قصر خود در دفعه‌ی اول بیرون آمد و دوستان خود را خواست و گفت : (میخواهم بمعابر رفته مراسم قربانی را بجا آرم و این کار باید با طمطران و تجملات فوق العاده بشود . فردا صبح در دربار حاضر شوید و موافق ترتیبی که « فرولاس » بشما خواهد گفت صف بینید . بعد او لباس‌های مادی از رنگ‌های مختلف یعنی ارغوانی ، سیاه ، سرخ و پُررنگ بسرداران داد . « کتاب - ۸ - فصل - ۳ - گزنفون . جلد اول ایران باستان . صفحه‌ی ۴۲۴ - سطر - ۶ - ») . و نیز می‌گوید : (کوروش این قاعده را اعمال می‌کرد که اگر پادشاهی میخواهد دیگران را نسبت بخود علاقمند کند نه فقط باید به از آنان باشد ، بلکه باید در مواردی تدبیر عملی « بقول گزنفون مصنوعی » بکار ببرد ، مثلاً او لباس مادی را اقتباس کرد و تردیکان خود را بر آن داشت که این لباس را بپوشند .

حسن این لباس آنست که معایب بدن را می‌پوشاند و اشخاص را بزرگتر و شکیل‌تر مینماید . کفش‌های مادی چنان ترتیب داده شده بود که شخص می‌توانست در آن چیزهایی بگذارد تا بلندتر بنماید بی‌آنکه کسی ملتافت آن بشود . کوروش سرمه کشیدن و آرایش صورت را تصویب می‌کرد تا چشمان و صورت اشخاص زیباتر از آنچه هست بنظر آید « گزنفون . کتاب - ۸ - فصل - ۱ - ایران باستان - جلد اول صفحه‌ی ۴۱۷ - سطر - ۱۹ - » .

۱ - کاوناکس = در چگونگی آن لاروسهای بزرگ فقط بتوضیح نوعی لباس اکتفا کرده‌اند .

در بارهی لباس کوروش « حین حرکت او از میان صف سپاهیان » گزلفون مطلبی دیگر دارد ؛ گواینکه نوشههایی از تاریخ‌نویسان دیگر برای تأیید نوشهی گزلفون در این مورد موجود نیست و در هیچ جای نقوش سنگی تخت‌جمشید هم از آنگونه لباس که گزلفون بکوروش پوشانده اثری نیست ، با این وصف ، آگاهی از آن بیفایده نیست . او میگوید : (... تمام سواره نظام هم در اینجا جمع شده ، سواره‌ها پیاده شده جلو اسبهایشان را گرفته‌اند و سربازان دستهایشان را در روپوش « شنل » پنهان کرده‌اند . این ترتیب امروز هم وقتی که در حضور شاه ایستاده‌اند رعایت میشود . پارسی‌ها در طرف راست راه ایستاده‌اند و متخدین در طرف چپ . عرابه‌ها هم نصف بنصف از دو سمت راه صف بسته . درب قصر باز شد . اول چهار گاو نر بیرون آورده‌اند ، اینها را باید برای زوس « مقصود خدای بزرگ است » و خدایان دیگر چنانکه معنی کردند ، قربان کنند . این قاعده‌ایست ترد پارسیها که باید در اموریکه راجع بخدایان است موافق عقیده اشخاصی که در این کار خبره‌اند رفتار کنند . بعد از گاوها نر ، اسبهای را که باید برای آفتاب قربانی کنند آورده‌اند . سپس گردونه زوس که مالبندی از طلا داشت و با گل آراسته بود نمودار شد . پس از آن گردونه سفیدی که به آفتاب اختصاص داشت و نیز با گل‌ها آرایش یافته بود . بالاخره گردونه سوم که اسبهای آن جله‌ای ارغوانی داشت پدیدار گشت . از دنبال این گردونه‌ها اشخاصی حرکت میکردند که بدست مجرمهای بزرگی پرآتش داشتند ، بعد کوروش بیرون آمد . او بر گردونه‌ای قرار گرفته بود و بر سر تیاری^۱ داشت نوکتیز « گزلفون مانند اغلب مورخین یونانی کلاه شاه را تیار نمی‌میله » بر تن قبائی نیم ارغوانی و نیم سفید که اختصاص بشاه دارد و یک نیم‌شلواری که رنگی تند داشت و ردائی از ارغوان . تیار اورا افسری احاطه دارد .

۱ - تیار « Tiara » را که فارسی آن باید همان تارک باشد ؛ برهان قاطع چنین معنی میکند : (کله سر و فرق سر و میان سر آدمی باشد و هر چیز که آنرا در جنگ بر سر گذارند ، همچو کلاه‌خود و مغفر و امثال آن) . سرپرسی سایکس تیار را در مبحث اشکانیان تاجی گرد میداند که پادشاهان بر سر میگذاشتند . « مؤلف » .

اقربای شاه هم این زینت را که امتیازی است، دارا بودند، چنانکه امروزهم اقربای شاه همین زینت را استعمال میکنند. دستهای او از آستینها بیرون آمده و پهلوی او گردونه رانی نشسته که دارای قامتی است بلند ولی پستتر از قامت کوروش. واقعاً قامت کوروش بلند بوده یا بوسیله‌ی مصنوعی باین نتیجه رسیده بود معلوم نیست. همینکه مردم کوروش را دیدند همه بخاک افتادند. بامر این کار شد یا از حیرتی که از این شکوه و عظمت کوروش و سیماهی خوش او بمردم دست داده بود معلوم نیست ولی بهر حال تا آنروز یکنفر پارسی در پیش کوروش بخاک نیفتاده بود.

« گزنفون کتاب - ۸ - فصل - ۳ - ایران باستان جلد اول صفحه‌ی - ۴۲۵ - سطر - ۴ - ». *

*

رویه‌مرفته، این توضیح: که کوروش تیاری نوکتیز با افسری پیچیده بدور آن برسر، و یک نیم شلواری پیا داشت « با توجه باینکه در نقوش سنگی تخت جمشید برای هیچیک از اقوام و ملل تابعه‌ی دور و نزدیک چنین شلواری ساخته نشده است » و اینکه دست را از آستین قبادرآ ورده باشد « با توجه باینکه اگر آستین قبا گشاده نبوده و مانند آستین قبای مادی تنگ بوده باشد، در آوردن دست از آن غیر عملی است، مگر که لباس، پارسی باشد و آنهم ساختمانش بنحوی است که آستین سرخود بوده و مانند شنل است و با آن قبا نمیشود گفت » فهم موضوع و نوع پوشش کوروش را مشکل میکند و خواننده، در جور کردن و پذیرفتن آن مجبور باندیشه و درنگ است (گو اینکه گزنفون گفته است: کوروش عقیده داشت که برای تحییب اقوام تابع از خصوصیات مناسب آنان باید استفاده کرد، و بهمین جهت نزدیکان خود را وا میداشت تا از لباس مادی که عیب‌پوش بود و اشخاص را شکیل مینمود بپوشند، و تا آنحد بزیبائی پای‌بند بود که سورمه میکشید و آرایش صورت را تصویب میکرد و روی همین اصل هم امکان داشته که از کلاهی نوکتیز به افسر پیچیده « که بفراوانی از آنها در تخت جمشید برای اقوام

مختلف ساخته شده است » استفاده کرده باشد ، ولی نیمشلواری پوششی است که با قبای موصوف آنچنانی و کلاه نوکتیز پیچیده به افسر هیئتی بوجود میآورد که با سلیقه‌ی کوروش جور نمی‌آید ، زیرا کوروش بقول گزنفون ، لباس مادی را بخصوص از اینجهت که عیب پوش بوده اقتباس کرده بوده است) پس کوروش لباس کوتاه تن‌نما را نمی‌پسندیده « و لباس قومی او نیز که همان لباس پارسی دامن چین‌دار بوده و آنرا آنقدر بلند میگرفته‌اند که برای پوشیدن پاهای تا حد زیاد مزاحم راه رفتن نبودن ، مناسب باشد » چگونه کوروش ، نیم شلواری‌ای را که قطعاً بحدود زانو و ساق میرسیده ، می‌پوشیده است ؟

*

گزنفون میگوید : (سربازان دسته‌ایشان را در روپوش « شنل » پنهان کرده‌اند « این ترتیب امروز هم وقتی که در حضور شاه ایستاده اند رعایت میشود » یا « اقربای شاه هم این زینت را که امتیازی است دارا بودند . چنان‌که امروز هم اقربای شاه همین زینت را استعمال میکنند ») .

با این گفته‌ها « که این ترتیب (امروز) هم رعایت میشود و یا (امروز) هم اقربای شاه . . . خوب نشان میدهد که گزنفون توضیح پوشش کوروش را در این صحنه « که پیش از زمان خود او بوده است » درست برداشت نکرده ، یا چه بسا ممکن است که خوب جوری استنباط نکرده باشد . بنابراین ، از آن میگذریم و برای آشنائی بیشتر ، به لباس مادی « که مورد استفاده‌ی مردم نواحی پارس بوده » می‌پردازیم .

پوشانک مادی

او مستد می‌نویسد : کیاکسارس (او و خشتره) جانشین پدرش فروورتش شده بود ، فراخور او بود که کنیه‌ی بعجنگ ور ثرغنه (بهرام) را گرفته بود . سپاه را او روی طرح امروزین از نو سازمان داده و به نیزه‌دار ، کماندار و سوار بخش کرده بود . بنظر می‌آید که او و خشتره بود که تنپوش و سلاحها را نیز تغییر داد . دو صورت بکلی مختلف روی پیکره های تراشیده‌ی^۱ تخت جمشید مرتب نموده شده است . مادی‌ها با پوشیدن لباسهای اصلی‌تر ایرانی بازشناخته می‌شوند . بر سرشان کلاه گرد نمدی مایل بجلو با دنباله‌ی آویزان روی گردن دارند . یک تنزیب^۲ چرمی تنگ آستین دراز که تا بالای زانو میرسید در بر کرده‌اند که یک کمر دوتا با گل کمر گرد آنرا نگاه میدارد ؛ روی تنزیب هنگام آذین شاید جبه‌ای می‌انداختند . شلوار بلند چرمی و کفش بند دار با نوك برجسته ، نشان میدهد که پوشندگان آنها بسیاری از وقت خود را بسواری می‌گذرانند . یک ریش نوك تیز کوتاه ، سبیل و موی دسته شده روی گردن ، همه پرتاب

۱ - تغییراتی که در ترجمه و تعویض برخی کلمات متن کتاب فارسی او مستد « تاریخ شاهنشاهی هخامنشی » داده شده است ، با نظر و موافقت خود مترجم شده است .

۲ - تنزیب (تنزیب) = جامه کوچکی باشد که در زیر قبا پوشند و ترکان ارخالق گویند . برهان قاطع . (در اینجا ، تنزیب که در برابر Tunic آمده در لاتین بزر جامه‌ی نازک با آستین که مرد و زن هردو می‌پوشند گفته می‌شود ؛ و در انگلیسی جامه‌ی گشاد را گویند) .

و پرچين و گوشواره و گردن بند بزبور آنها می افزواد . سلاح عمدی تاخت ، همان نیزه‌ی از چوب سخت با نوک پرنگی^۱ لبه بر جسته و تهفلزی بود ؛ و بسیاری از جنگجویان نیز کمانی در کماندان پرکار و بسیار نقش و ترکش پر از تیر همراه داشتند « تاریخ شاهنشاهی هخامنشی صفحه‌ی ۴۳ - سطر ۱۲ - » .

*

هروdot ، در باره‌ی پوشاك مردم ماد چنین شرح میدهد : (پس از شماره نفرات ، جنگی‌ها را نظر به قومیت آنها بگروههای تقسیم کردند و ترتیب چنین بود :

۱ - پارسی‌ها این لباس و اسلحه را داشتند « کلاهی نمدین که خوب مالیده بودند و آن را تیار می‌گفتند برسر ، قبائی آستین‌دار رنگارنگ در بر . زرهی که حلقه‌های آهنین آن بغلس‌های ماهی شباهت داشت بر تن . شلواری که ساقها را می‌پوشید در پا . سپری از ترکه بید بافته و در زیر آن ترکشی آویخته . زوین^۲ هائی کوتاه و کمانی بلند . تیرهایی از نی داشتند و قمهای کوتاه از طرف راست بکمر بند بسته بودند .

۲ - مادی‌ها اسلحه‌شان مانند پارسی‌ها بود ، چه اسلحه‌ای که شکلش را بیان کردیم در واقع اسلحه مادی است نه پارسی) « ایران باستان . جلد اول . صفحات ۷۳۰ - سطر ۲ - و - ۷۳۱ - سطر ۷ - » .

*

اینک با توجه بگزارش تاریخ نویسان ، لباس مردم ماد را از تخت جمشید استناد می‌کنیم . با اینکه او مستند نیز از تخت جمشید برای توضیح لباس مادی استفاده نموده است ، در مواردی اشتباهات عمدی دارد .

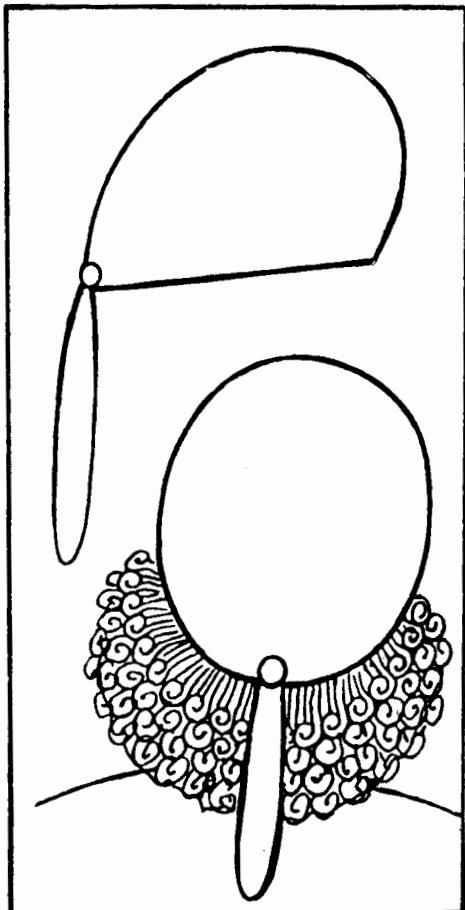
۱ - پرنگی = برتری . برنجی .

۲ - زوین = نیزه‌ی کوتاه .

کلاه مادی

در نقوش سنگی تخت جمشید کسانی که لباس مادی را پوشیده و قمه‌ی آنانرا بکمر بسته و کفش آنانرا پوشیده‌اند و از نظر ظاهر از همه‌ی پوشش مادی استفاده نموده‌اند. پنج نوع کلاه بر سر دارند. این کسان، یا از سپاهیان مختلف

ملبس پوشش مادی هستند که برای مشخص بودن، فقط کلاه قومی خود را حفظ کرده‌اند، یا از ایل و تبار مستقیم مادیان درباری میباشند که در نواحی دور از پایتخت «چون سکاهای تیز خود و سعدی‌ها» زندگی میکردند. بهر جهت آنچنان که نقوش سنگی مینماید، استنباط چنین است که پوشندگان لباس مادی با کلاههای گونه‌گون باید از ایل و تبار مادیان درباری باشند، و این انواع کلاه را که بر سر دارند، یا خود در اصل داشته‌اند، یا از دیگران گرفته‌اند؛ و بهر صورت در نقوش سنگی تخت جمشید مورد استفاده‌ی مادپوشان است و اینهاست:



شکل ۱ کلاه مادی نوع اول

۱ - نوعی کلاه گرد ساده‌ی نمدی

است که قسمت جلوی آن «پیشانی

کلاه» اند کی جلو آمده‌تر است و در پشت سر آن روی لبه، دنباله‌ای دوخته شده است. بلندی این دنباله در پشت گردن و مهره‌های پشت اغلب تا بمحاذی

زیر بغل میرسد « شکل‌های ۱ - و - ۲ ». این نوع کلاه را ماد پوشان مقرب که با پارسیان محسورند بر سر دارند.

*

۲ - نوع دوم ، کلاه گرد نمایی است که علاوه بر دنباله‌ی پشت سر ،



شکل ۲ کلاه مادی نوع اول

دارای گوش‌پوش است و در موقع بی‌نیازی ، گوش‌پوش‌ها را ببالا زده ، بوسیله‌ی

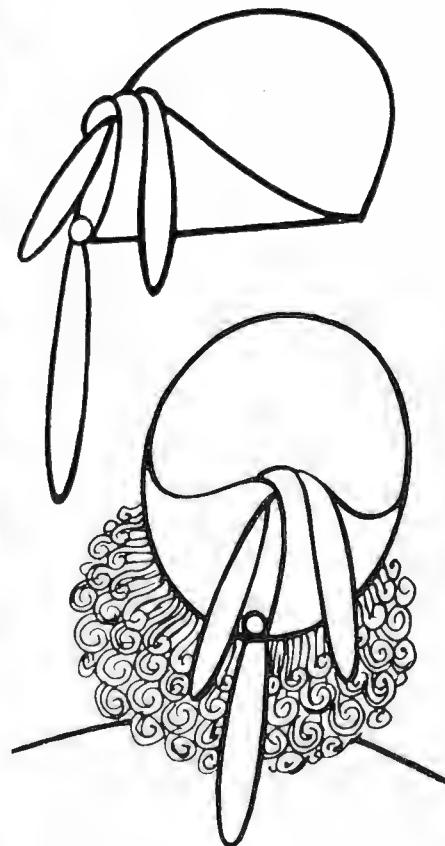
دنباله‌ی خودشان مانند گره از هم رد می‌کنند « شکلهای - ۳ - و - ۴ - ». این کلاه را مادپوشانی که هدیه می‌آورند بر سر دارند.

*

۳ - نوع سوم ، کلاه گرد نمدی ایست که در پشت سر بجای دنباله‌ی دراز ،



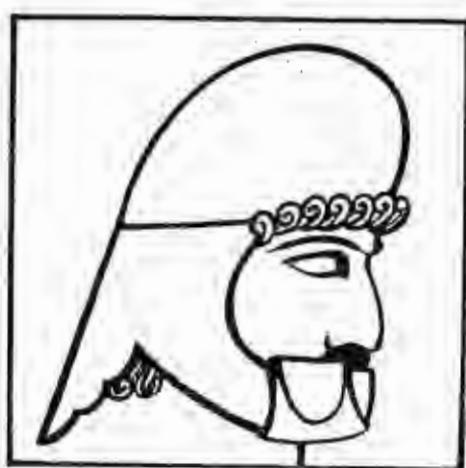
شکل ۴ - نوع دوم کلاه مادی پوشان



شکل ۳ - نوع دوم کلاه مادی پوشان

دنباله‌ای منضم بخود دارد و با کلاه یکسره مالییده شده و با آن دوخته نیست ، و در دو پهلوی خود کنگره‌های محدب دارد و آخرش نیز نوکتیز ختم می‌شود ، و کلاه در دو پهلوی خود گوش پوشانی « چون نوع دوم ، منتهی بلند تر » دارد ، بطوریکه قسمت ریش و چانه را می‌پوشاند و در موقع لزوم یکی را در زیر چانه روی دیگری قرار داده مقداری از آخر گوش‌پوش روئی را در بغل گوش‌پوش

زیری فروکرده قسمت آخری دنباله را بیرون میگذارند. این کلاه را مادپوشانی به سر دارند که در صف یک در میان پارسی از پلکان بالا می‌روند و هر یک هدیه‌ای به دست دارند « شکلهای - ۵ - و - ۶ - ».

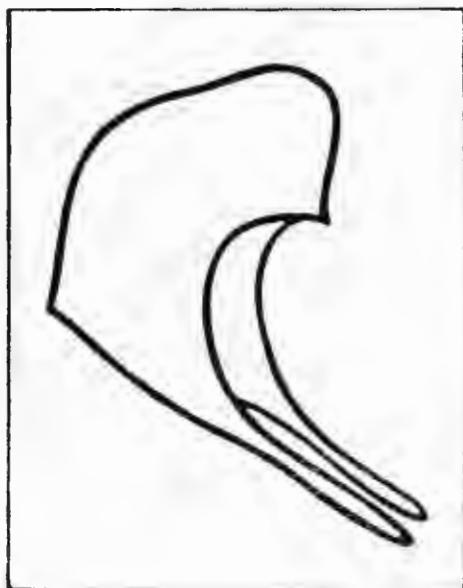


شکل ۵ نوع سوم کلاه مادی پوشان



شکل ۶ نوع سوم کلاه مادی پوشان

۴ - نوع چهارم ، کلاه نمدی بی دنبالهایست که دارای دو گوش پوش



شکل ۷ نوع چهارم کلاه مادی پوشان



شکل ۸ نوع چهارم کلاه مادی پوشان

نوك تيز بلند است و در زير چانه بهم بسته ميشود . اين کلاه در بالاي خود « پيشاني کلاه » بر جسته و گرد است . ميگويند اين مردم از اهالي سعد مibاشند « شکلهای ۷ - ۸ - ». *

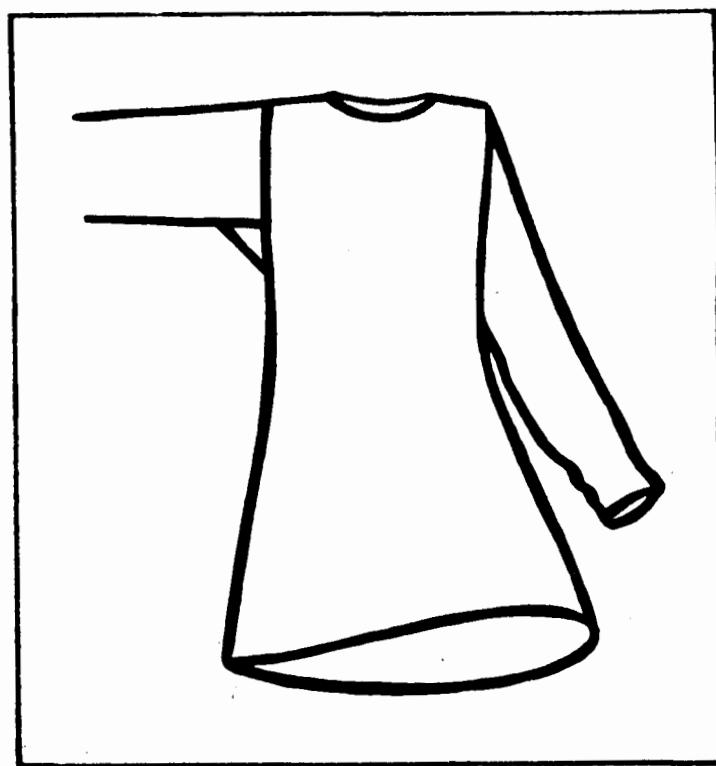


شكل ۹ کلاه نوع پنجم مادی پوشان

۹ - نوع پنجم ، کلاه بلند نوك تيزی است که قسمت آخر نوك آن ، ملائم بسمت عقب سر و بialا متمایل است . اين کلاه بر لبه عقبش نظیر کلاه نوع سوم ، دنبالهای دارد ، و بعلاوه برای مقاومت در برابر باد بوسیلهی بندی که بنوك يکی از گوش پوشهای کلاه وصل است از زير چانه به پس سر رفته يكدور روی کلاه گشته بصورت علامت ضرب در × دوباره بجلوی پيشاني آمده به پس سر ، بند ميشود . اين کلاه را ماد پوشاني بسر دارند که بوسیلهی يكمنبر مادي مقرب دربار برای معرفی هدايت ميشوند « شکل - ۹ - ». *

پیراهن مادی

پیراهن مادی ، یک پوشش بلند است که تا بزانو میرسد . در نقوش تخت جمشید سه جور یخه در این نوع پیراهن دیده شده است « شکل - ۱۰ - ». ۱ - نوعی ، گرد است و چال گردن را می پوشاند .



شکل ۱۰ پیراهن مادی

- ۲ - نوعی ، سه‌گوش بسیار ملایم و نزدیک بخط مستقیم است « این یک هم بر چال گردن قرار دارد » .
- ۳ - و نوع سوم از سر یک شانه مستقیم بسر شانه‌ی دیگر رفته است « نوع اخیر فقط در یک نقش برجسته دیده شده است » .

پیراهن مادی ، دارای آستین بلندی است که با یک ملایمت از سر شانه بسوی مچ دست تنگ شده چسبان و اندکی چین دار میشود . (در سه جا بر نقوش سنگی دیده شده است که پیراهن مادی دارای چند چین میباشد « دو تای آن در نقش داریوش در موزه‌ی ایران باستان هست که یکی مرد مادی حرمت‌گزار و دیگری اسلحه‌دار است » و نقش سوم در تخت جمشید « شکل ۱۱ » میباشد) .



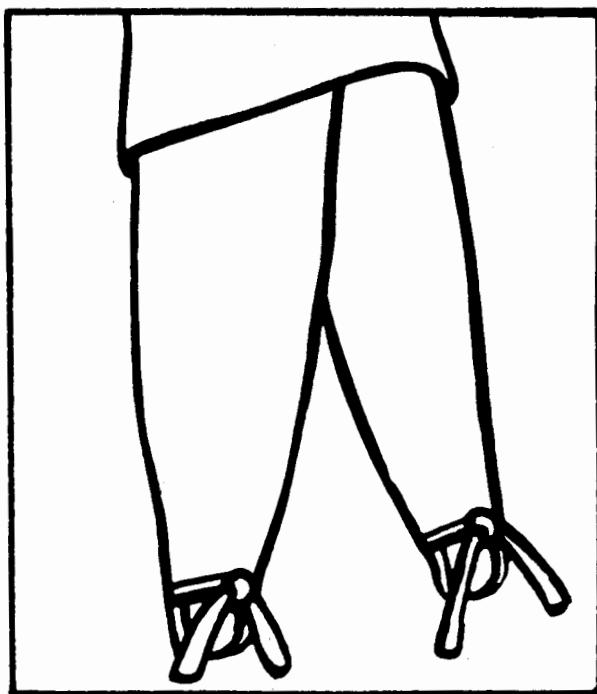
شکل ۱۱ پیراهن مادی

بر هیچ جای این پیراهن‌های مادی « که از رو برو نیز تراشیده‌اند »

درزی را نشان نداده‌اند. استنباط این است که برای دوخت، درز را برشانه و دوپهلو تعییه کرده‌اند.

شلوار مادی

شلوار مادی یکراسته بوده تا مج پا و بر روی کفش میرسد. شلوار که از بالا تا پائین بتدریج بتنگی گرائیده است بر مج آن نواری دارد که بر روی جلوی دهانه‌ی کفش گره دار شده دمپای شلوار را جمع و تنگ میکند و دنباله‌ی آن بر روی کفش می‌افتد. علاوه بر این، شلوار، یک نوار دیگر نیز بسمت پائین



شکل ۱۴ شلوار مادی

دارد که برای نگاهداری ساقه‌ی آن « که بیala کشیده نشود » چون رکابی کار گذارده‌اند. این رکاب که از دو سو بلبه‌ی شلوار دوخته است بمانند حلقه‌ایست که کفش از آن عبور کرده وسطش روی رکاب شلوار قرار می‌گیرد. « شکل ۱۲ ».

بر نقوش سنگی تخت جمشید چنین ساخته شده است که گاهی دو سر رکاب ، در قسمت
جلوی دمپای شلوار و گاهی در میان کُلُفتی مج پا کار گذارده شده است
« شکل ۱۳ ». .

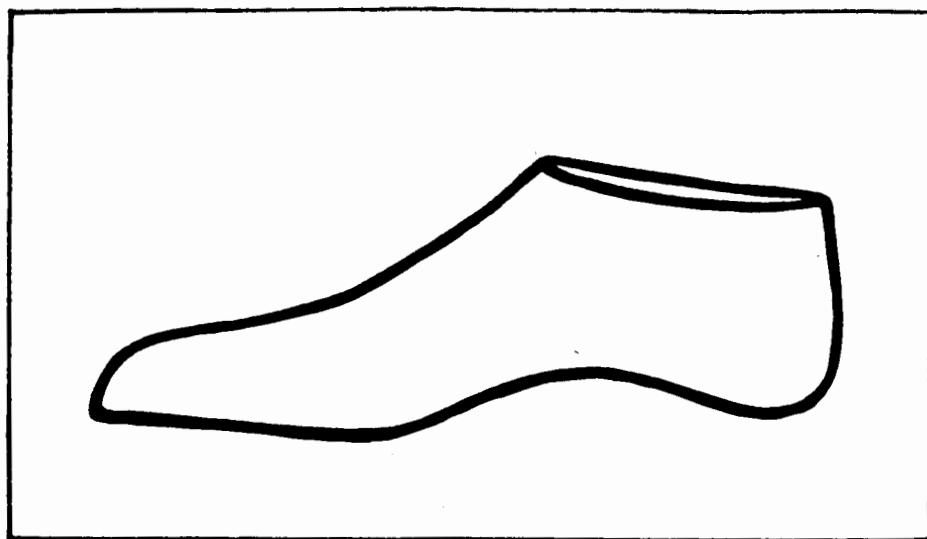


شکل ۱۳ شلوار مادی بر تن دو مرد طرفین نقش

کفش مادی

کفش مادی از چرمی یک تکه است و مانند جوراب پا کشیده شده
و بی تخت اضافه است و هیچ نوع درزی در نیمرخ آن دیده نشده است . بنظر
می‌رسد که درز کفش در پشت پاشنه و بر رویه‌ی آن باشد . کفش مادی دارای
پاشنه‌ای گرد است . این پاشنه بوسیله‌ی چرم یک تکه‌ای کفش ، از بیرون پوشیده
و بی‌سر پاشنه می‌باشد . پنجه‌ی آن کشیده و سر پنجه پهن و بریده و بنحوی ملایم
بسوی زمین و بطرف بیرون پا کج است . « شکل ۱۳ و ۱۴ ». .

(این تمایل پنجه‌ی کفش بکجی در جهت بیرون ، باید برای بهتر بندشدن)



شکل ۱۴ کفش مادی

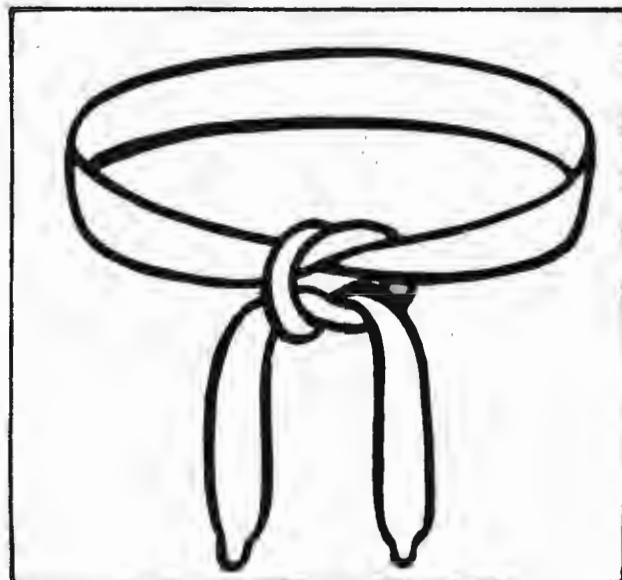
کفش بر کاب در حین سواری باشد) . از این نوع کفش ، پادشاهان هخامنشی نیز استفاده کرده‌اند ، و در پارساگد و تخت جمشید ، اغلب بچشم می‌خورد .

کمربند مادی

از روی نقوش سنگی تخت جمشید ، کمربند مادی یک تکه چرم بلند به اندازه‌ی دوبرابر دور کمر است که در محل ختم یکدور کمر ، در جلو از پهناش کاسته شده ، پس از یکدور از هم‌دیگر رد و زیورو شدن ، دوباره گره می‌خورد . پس از آن ، شکل کمربند عوض شده دو سر آن از حالت باریکی بدرآمده هر یک از دو طرف بشکل محدب ، منحنی می‌شود و در انتهای خود چون نوک پستان ، یک گردی می‌گیرد « شکل‌های ۱۵ و ۱۶ » .

مردم ماد ، علاوه بر این کمربند عادی دو کمربند دیگر نیز داشتند که

یکی برای آویختن کماندان و دیگری برای قمه بوده است، و در موقع لزوم هرسه‌ی آنها را با هم می‌بستند.



شکل ۱۵ گمریند مادی



شکل ۱۶ گمریند مادی

۱ - کمربند قمه - یک سر این کمربند دارای گل‌میخ و سر دیگر آن دارای سوراخ است و چنگک غلاف قمه در جائی از این کمربند، بند است؛ و کمربند پس از آنکه از راه پشت بجلوی بدن آمد سر سوراخدار آن بگل‌میخ بند می‌شود « قمه را معمولاً در جلوی بدن متمایل بسمت راست می‌آویختند؛ و انتهای قمه بوسیله‌ی بندی چرمی که بدور ران می‌بیچید در جای خود نگاهداشته می‌شد « شکل‌های ۱۷ و ۱۸ » .

(در جائی از نقوش سنگی تخت جمشید، حاملین قمه‌ی مادی « سعدی‌ها » بند غلاف آنرا سه تا کرده بوسیله‌ی یک بند بهم بسته‌اند . « شکل ۸ » .



شکل ۱۷ یکنفر مادی با قمه



شکل ۱۸ کمربندهای مادی

(سوراخهای سربند کمرهای مادی بر نقوش تخت جمشید فقط بروی تکه سنگی در حوالی کاخ تَچَر دیده شد . این تکه سنگ دارای پنج نقش « دو نفر پارسی و سه نفر مادی » است) . « شکل ۱۹ »

*

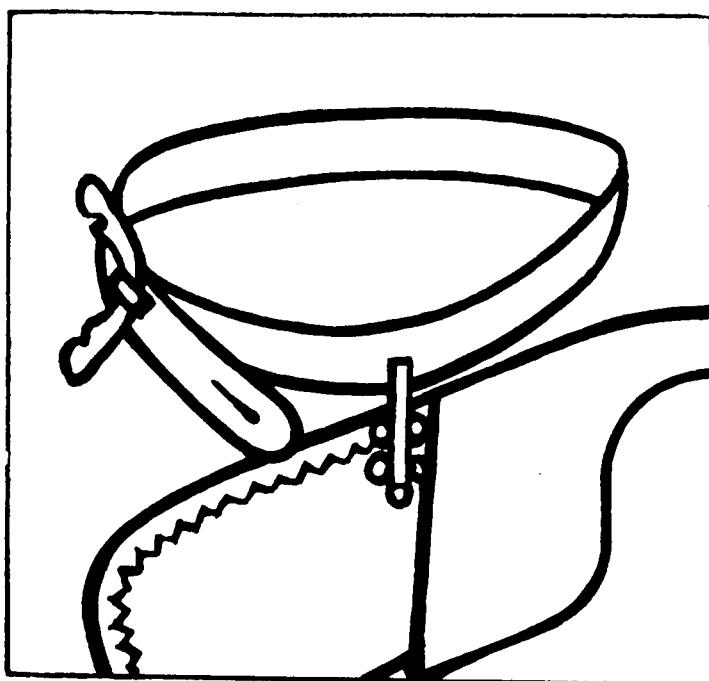
۲ - کمربند کماندان - یک سر این کمربند باریک است و بینان یک چوب یا



شکل ۱۹ کمربند میخدار مادی

استخوانی که شبیه دست و پای بز یا حیوان دیگری است محکم بند شده است .

دو سر این دست و پایی سهمدار را مانند هم درست کرده‌اند. «شکلهای ۲۰ و ۲۱». (سر کمربند کماندان در شکل ۲۱ بدست چپ اسلحه‌دار مادی می‌باشد).



شکل ۲۰ کمربند کماندان مادی

این کمربند نیز مانند کمربند قمه بر تھیگاه و چال کمر، گیر است و کماندان را که در قسمت چپ مرد مادی واقع می‌شود بخود آویخته دارد. «شکل ۲۲» و قمه‌ی مادی که از شاهکارهای سنگتراشی در جهان است. «شکل ۲۳»

جبه و شنل مادی

طبق نقش سنگی تخت جمشید، مردم ماد جبهای که آستین‌های آنرا بخوبی و مشخص تراشیده اند، بردوش افکنده اند، و سراسر لبهی آن از پائین یک بر، بیالا تا پشت گردن و سوی دیگر لبه، حاشیه‌ی پوستی دارد، و بر روی



شکل ۴۱ سربند گماندان بدست چپ اسلحه‌دار مادی است



شکل ۲۲ گماندان مادی

این حاشیه ، حاشیه‌ی دیگری نیز پوستی بر دور یخه ، دوخته اند . در دو انتهای حاشیه‌ی دومی دو دنباله تعبیه کرده‌اند که در موقع لزوم آنها را در جلوی سینه بهم گره میزنند تا جبهه بی‌آنکه از آستین‌هایش استفاده شود ، چون شنل بر دوش قرار گیرد . « شکل ۲۴ »

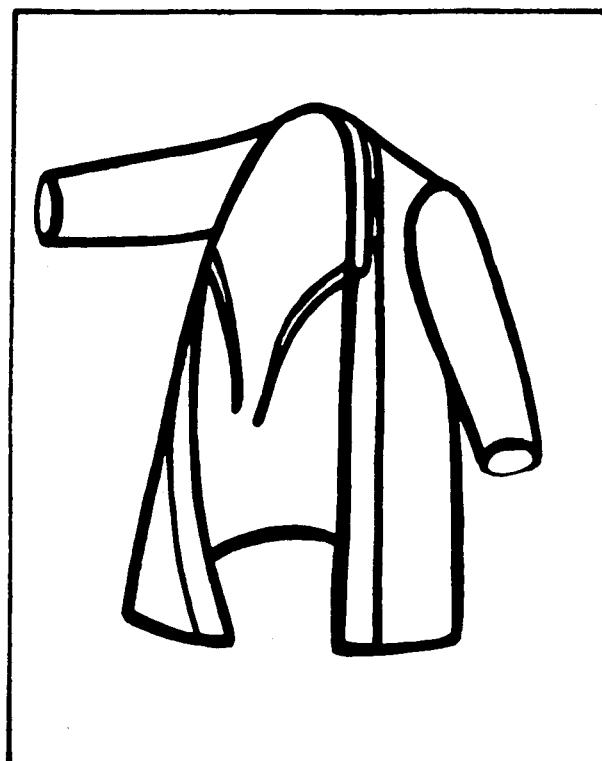
شنل مادی

مردم ماد ، طبق نقوش سنگی تخت جمشید ، شنلی دارند که مستطیل است ، و قد آن از جبهه بلندتر است و تا بنزدیک مچ پا میرسد . بر دو گوشه‌ی بالای شنل دو بند تعبیه شده که در جلوی سینه بهم گره زده میشده است . این شنل در نقوش تخت جمشید بر دوش قوم ماد اغلب بچشم میخورد . « شکلهای ۲۵ و ۲۶ »

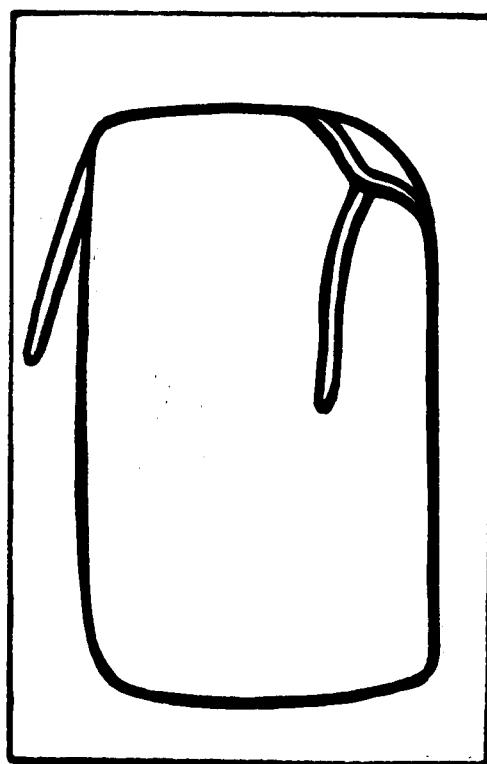


شکل ۲۷ قمه‌ی مادی

قوم ماد ، دارای تزئیناتی چون گوشواره‌های حلقه‌ای ، دستبند و گردن‌بند بوده اند ؛ و بطوریکه نقوش سنگی نشان میدهند مردان ماد در برخی جاها یک نیزه‌ی کوتاه قدی نیز بدست دارند ، و در جائی ، یکنفر (که میگویند مادی است « شکل ۲۷ ») نیزه‌ای بلند در دست دارد که در حوالی دستگیره‌ی آن مانند یک نعلبکی بر نیزه تعییه شده که مانع غلتیدن دست بر روی نیزه باشد .



شکل ۲۴ جبهی مادی



شکل ۲۵ شنل مادی



شکل ۳۶ جبه و شنل بردوش قوم ماد که یک درمیان، پارسیان قرار دارند



یک سوار مدی

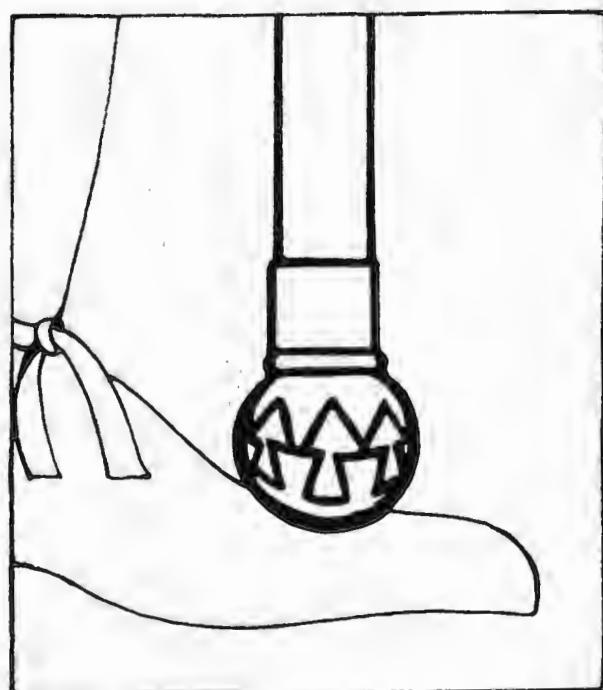
از کتاب لوزارد موسوم به کلت دو میتر اگرفته شده است

شکل ۲۷

گوی نیزه‌ی یکنفر مادی دارای نقشی جالب است. این مادی در میان دو نفر پارسی «که ته نیزه‌شان ساده است» ایستاده است «شکلهای ۲۸ و ۲۹».



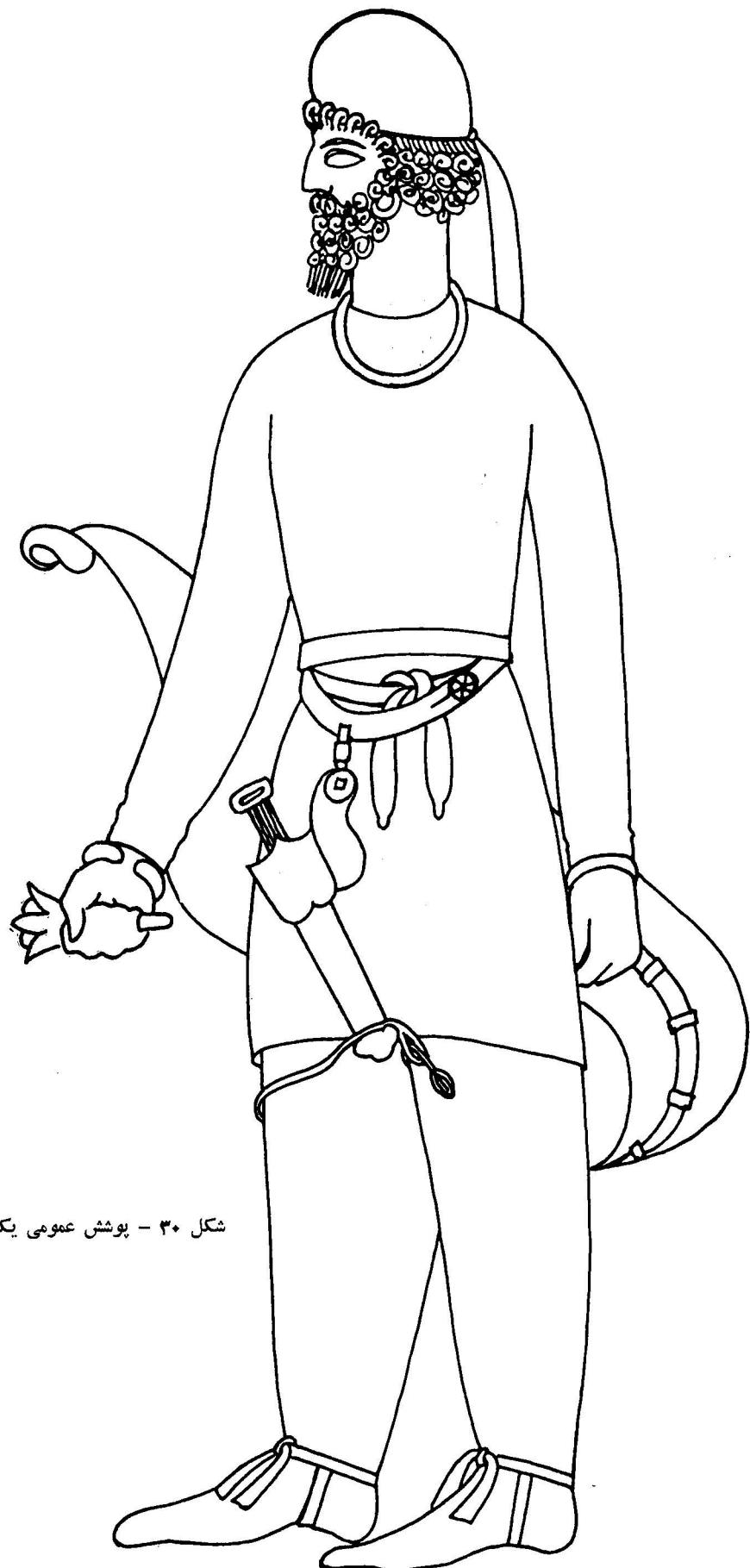
شکل ۲۸ نقش بر جسته‌ی ته نیزه‌ی یکنفر مادی در تخت جمشید



شکل ۲۹ طرح گوی نیزه‌ی مادی

پوشش مادی

۳۱



شکل ۳۰ - پوشش عمومی یکنفر مادی

پوشاك پارسيان

اينك که بوسيله‌ی نقوش سنگي تخت جمشيد با لباس مادي ، آشنائي و آگاهی روشن دست داد ، بچگونگی لباس پارسيان «نخست ، طبق نوشه‌ی محققان و تاريخ نويسان و سپس روی مدارك سنگي » می‌پردازيم .

*

سترابون ميگويد : (لباس رؤسا عبارت است از زير شلواري سه قسمتی ، کمرچين دو قسمتی که دامنه‌یش تا زانو ميرسد ، لباس زير سفيد است و لباس رو از رنگهای گوناگون . جامه تابستانی ارغوانی يا بنفش است و جامه‌های زمستانی از رنگهای مختلف . دستارها مانند دستار معنها است و كفشهایشان گود است . بيشتر مردم قبائی می‌پوشند که دامنه‌یش نصف ساق پا را می‌گيرد ، و پارچه‌ای از کتان بدور سر می‌پيچند . هر کس کمان و فلاخني دارد و نگاهداری پارسي‌ها گران تمام ميشود « جلد دوم ايران باستان صفحه‌ی ۱۵۴۵ - سطر ۱۲ - » .

*

سترابون در باره‌ی البسه‌ی پارسيان « چنانکه آمد » از جامه‌ی تابستانی

با رنگهای ارغوانی و بنفش و جامه‌ی زمستانی با رنگهای مختلف سخن گفته و دیگران چون هرودوت از شلواری که ساقها را می‌پوشیده، و گزنهون از نیم‌شلواری که کوروش بپا داشته «با اینهمه اختلاف» صحبت کرده‌اند. صرفنظر از نوشه‌های متناقض اکثر تاریخ نویسان، اصولاً باید توجه داشت که در تخت جمشید نیز مدارکی از پوشانش مردم گوناگون و مادیان و پارسیان هست. گواینکه تاریخ نویسان در ذکر پوشانش پارسیان هریک نوعی از انواع البسه‌ی سپاهیان مخلط ایرانی را کلاً بنام پارسی وصف کرده‌اند و گاهی نیز شده که گزارش آنان بر حسب تصادف با هم جور آمده و با مدارک زنده نیز موافق است، ولی این نوشه‌ها جزئیات لباس‌ها را روشن نمی‌کند و حتی تاریخ نویسان متأخر و کسانی که با تخت جمشید آشنائی دور و تزدیک داشته‌اند، نیز توضیح روشن و قابل تجسم از پوشانش آن دوره نداده‌اند و در برخی موارد نیز نظرات آنان درباره‌ی لباس، پاک مشکوک بوده مورد بحث است (مثلًاً طرحهای موجود است که اشخاص آنها را از روی لباس در ردیف پارسیان گذارده‌اند، در صورتیکه بنظر میرسد بعلی چنین نمی‌تواند باشد).

شکل ۳۱



یك منظره از شکار ایرانی از روی يك ظرف دارای نقاشی الوان . موزه هرمیتاج

در صفحه‌ی (۵) از جلد اول تاریخ ایران نوشه‌ی سایکس، طرحی هست «شکل ۳۱» که در آن کلاه و شنل مرد سمت راستی، و زن واقع

در وسط ، بونه Bonnet یا باشلق مهریان « میترائیست‌ها » ای اشکانی است و نظیر کلاه و شنل مهر در جنگ با گاو « شکل ۳۲ » و ، مهر با بونه Bonnet و برنه در شکل ۳۳ می‌باشد .



شکل ۳۲ جنگ مهر با گاو نر

در طرح ۳۱ پیراهنی که بر تن مرد سمت راستی و زن است ، از همان نوعی است که برای اشکانیان نام برده شده است ! و لباس مرد سمت چپی بلباس اشکانیان بیشتر شباهت دارد تا بلباس پارسی - هخامنشی .

*

در شکل ۳۴ - مردی که بحیوان بالدار حمله کرده است نیز کلاه مهری بر سر دارد و کمربند او هیچ شباهتی بکمربند پارسیان ندارد .



شکل ۳۳ مهر ، برهنه با باشلوق

در شکل ۳۵ - شکارچیان زن و مرد ، پیراهن زن این نقش « که حاشیه‌ای از زیرگدن بر روی سینه تا بیان و بندی زیر پستانها و کمربندی بر کمر دارد ، از نوع پیراهن زنان اشکانی است .

*

باين ترتیب ، نظریه‌ی پارسی بودن اشخاص این طرحها مورد تردید قرار

میگیرد ، و بنابراین ، در نوشته‌های آنان باید بیشتر دقت کرد و با مدارک زنده مقایسه نمود .



قسمتی از منظرة شکار ایرانی
(تصویر روی یک ظرف گلی در موزه هرمتاچ)

شکل ۳۴



قسمتی از منظرة شکار پارسیان
اقتباس از یک ظرف سفالین در موزه هرمتاچ

شکل ۳۵

او مستد میگوید : (تن پوش مادی‌ها ، با آنچه بنام تن‌پوش پارسی خوانده شده بسیار فرق دارد . تن‌پوش پارسی بکلاه نمدی خیاره‌دار ، لباس بلند تا معچ‌پا و کفش‌های کوتاه بازشناخته میشود « تاریخ شاهنشاهی هخامنشی صفحه‌ی ۴۴ - سطر - ۵ - ») .

*

این ، ظاهر لباسی است که او مستد « با اینکه از مشخصات لباس بلند تا معچ‌پا چیزی نگفته است » چون با نقوش سنگی تخت جمشید و نقوش کاشی لعابدار شوش بظاهر مطابقت دارد ، قابل پذیرش است .

*

در جائی از نقوش سنگی یا کاشی لعابدار دیده نشده است که در زیر این لباس روئی ، زیرپوشی وجود داشته باشد . حتی در برخی جاها که بالاتنه‌ی لباس در محل آستین بالا زده شده و روی شانه قرار گرفته است ، بدن بکلی برهنه است و اثری از پوشش زیری نیست « شکل ۳۶ » .

با این وصف ، نمیشود پذیرفت که پارسیان فقط دارای همین یک تکه لباس روئی بوده و برای هوای سرد محیط خود جز اینها پوششی نداشته‌اند و یا زره‌های خود را بر تن برهنه می‌پوشیده‌اند .



شکل ۳۶

لباس پارسیان طبق دققی که روی مدارک سنگی بعمل آمده ، عبارت است از یک بالاپوش شبیه شنل و یک دامن پُرچین « که خود بر دو نوع است ». بالاپوش و دامن در محل کمر دارای یک کمربند چرمی میباشند .

بالاپوش پارسیان

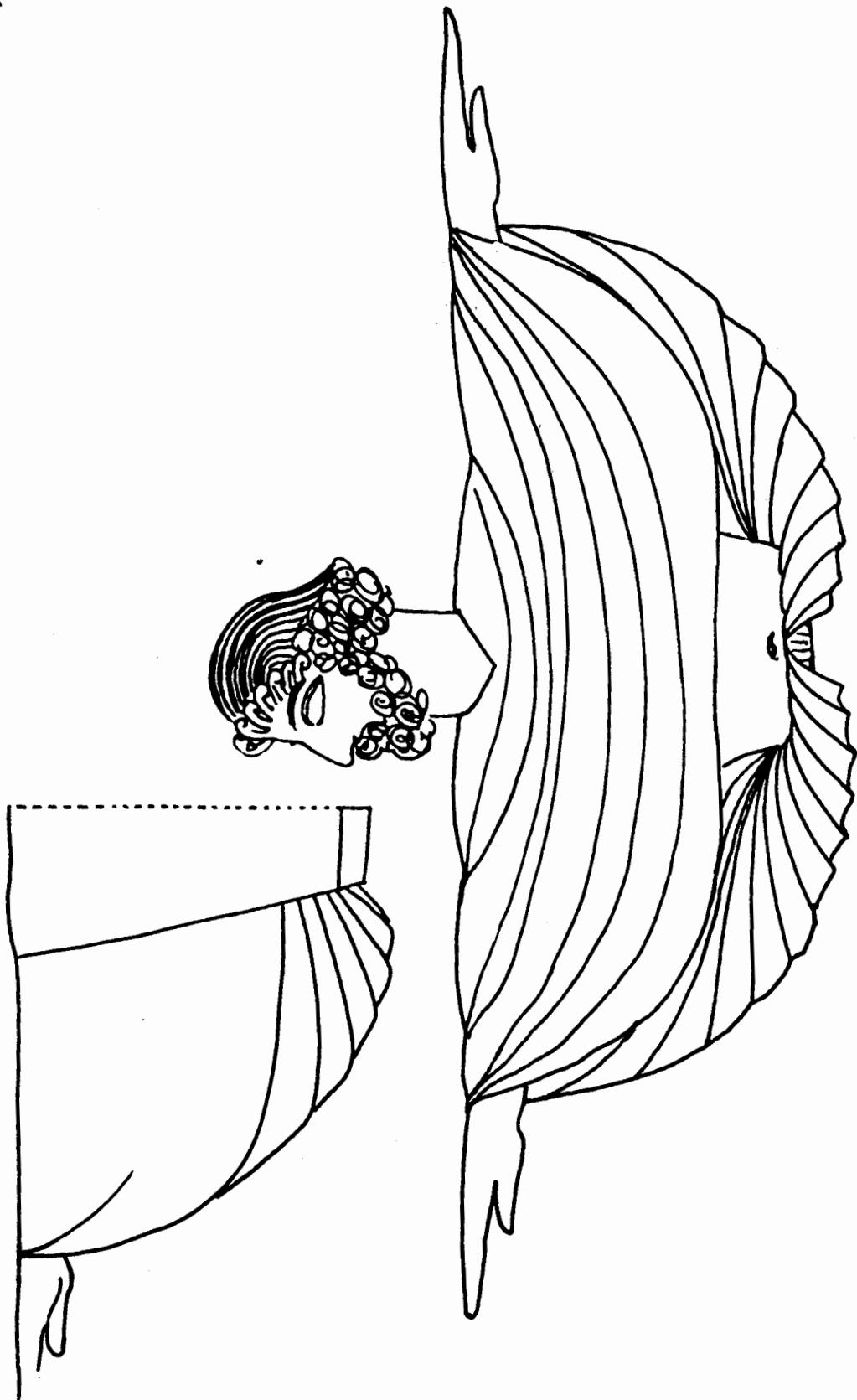
بالاپوش ، پوششی مانند شنل است . در برخی‌ها جلوی آن باز و در برخی دیگر بسته است . بالاپوش جلو بسته « که از سر پوشیده میشود » دارای یخهایست که از نقطه‌ی چال‌گردن بشکل هفت « ۷ » است . قسمت پائین بالاپوش در جلو آزاد است و در محاذی ناف رها و افتاده است . پوشنده‌ی آن اگر دستهایش را بطرفین باز کند ، بالاپوش از یک مج تا مج دست دیگر شکل‌کمانی را « که در وسط تو رفتگی دارد » خواهد داشت « شکل ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ » .

بلندی این بالاپوش به اندازه‌ی بالاتنه است و در محل کمر و ناف ، بلندی آن ختم میشود ، و در این قسمت ، دارای کمر لیفی است که سر چینهای فراوان پشت بالاپوش را که از بعد از پهنانی پشت و از طرفین آن شروع میشود ، بجلو تا جائیکه سر کمر لیف در برابر ناف بهم می‌آید بخود میگیرد « جز چهار چین اولی پشت بالاپوش را » که آنها از کمر لیف بیالا ، به دو پهلوی پارچه‌ی پشت دوخته میشود و در کمر لیف جا ندارد .

*

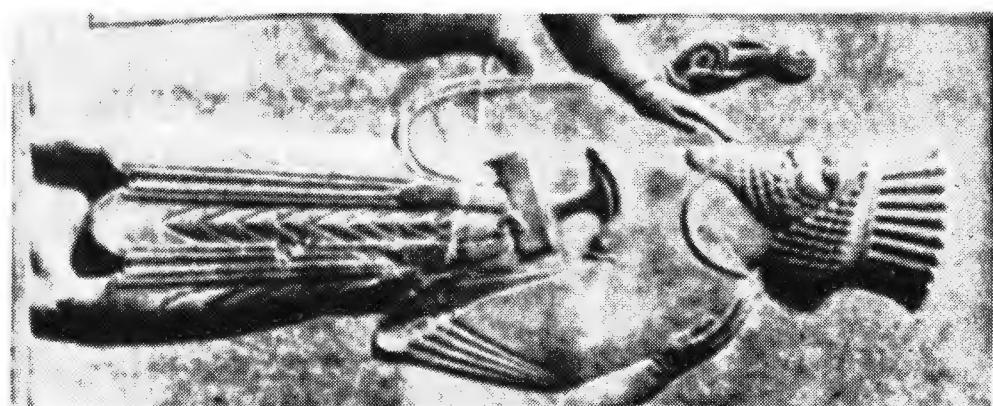
بالاپوش جلو باز روی چال‌گردن بوسیله‌ی دگمه‌ای بهم می‌پیوندد « شکل ۴۰ » .

شکل ۲۶
بالا و پایه
پوش

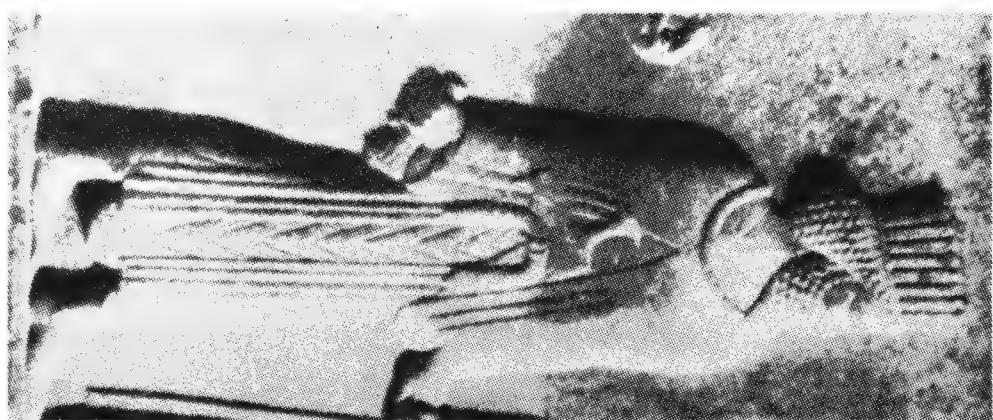




شکل ۳۸ بالاءوش



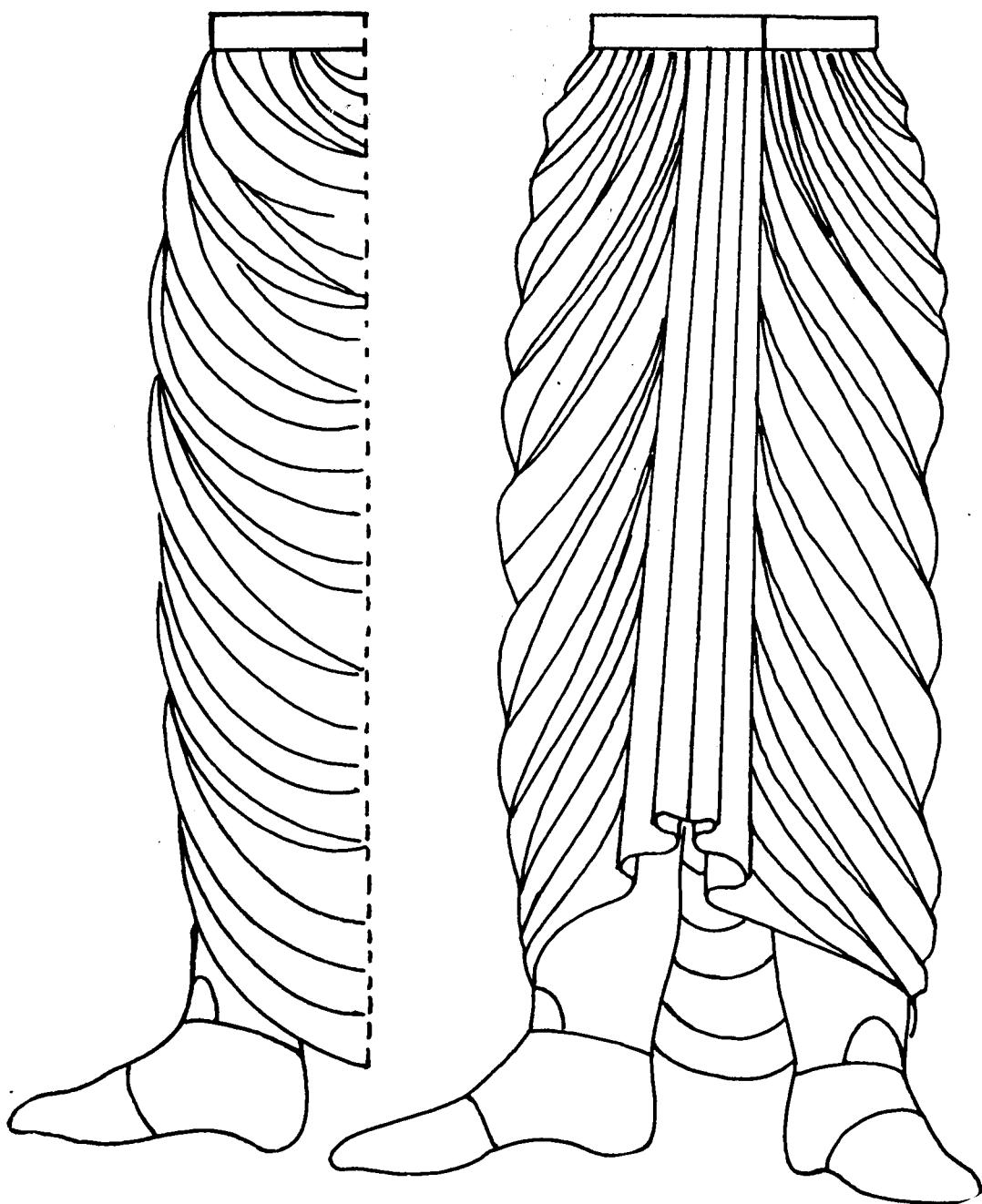
شکل ۳۹ بالاءوش



شکل ۴۰ بالاءوش

دامن پارسیان

دامن پارسیان بر دو نوع است : نوعی دارای یک راسته چین است و نوع



شکل ۴۱ طرح دامن پارسی از روی رو و پشت

دیگر دارای دو راسته چین میباشد.

- ۱ - دامن یک راسته چین ، در جلو و میان راستای دو پا دارای چین هائی است که از دو سمت چپ و راست بصورت منحنی های افتاده به پشت دور میزند . دوسر این چین های دامن در جلو ، به پهلوهای یک راسته چین مرتب چهارتائی « که در میان راستای دو پا قرار دارد » دوخته شده است . دامن در محل کمر دارای حاشیه یا لیف کمر میباشد « شکل های ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ » .
- ۲ - دامن دو راسته چین ، از پهلوها و پشت ، همان دامن یک راسته چین



شکل ۴۳ دامن پارسی از پهلو و رویرو



شکل ۴۲ دامن پارسی

است ، ولی در جلو بجای یک راسته چین چهارتائی ، دارای دو راسته چین چهار تائی است « که از همدیگر بوسیله‌ی یک پارچه‌ی با چین‌های منحنی افقی به بلندی دامن ، فاصله دارند ». « شکل‌های ۴۴ و ۴۵ » و دامن دو راسته چین در حال

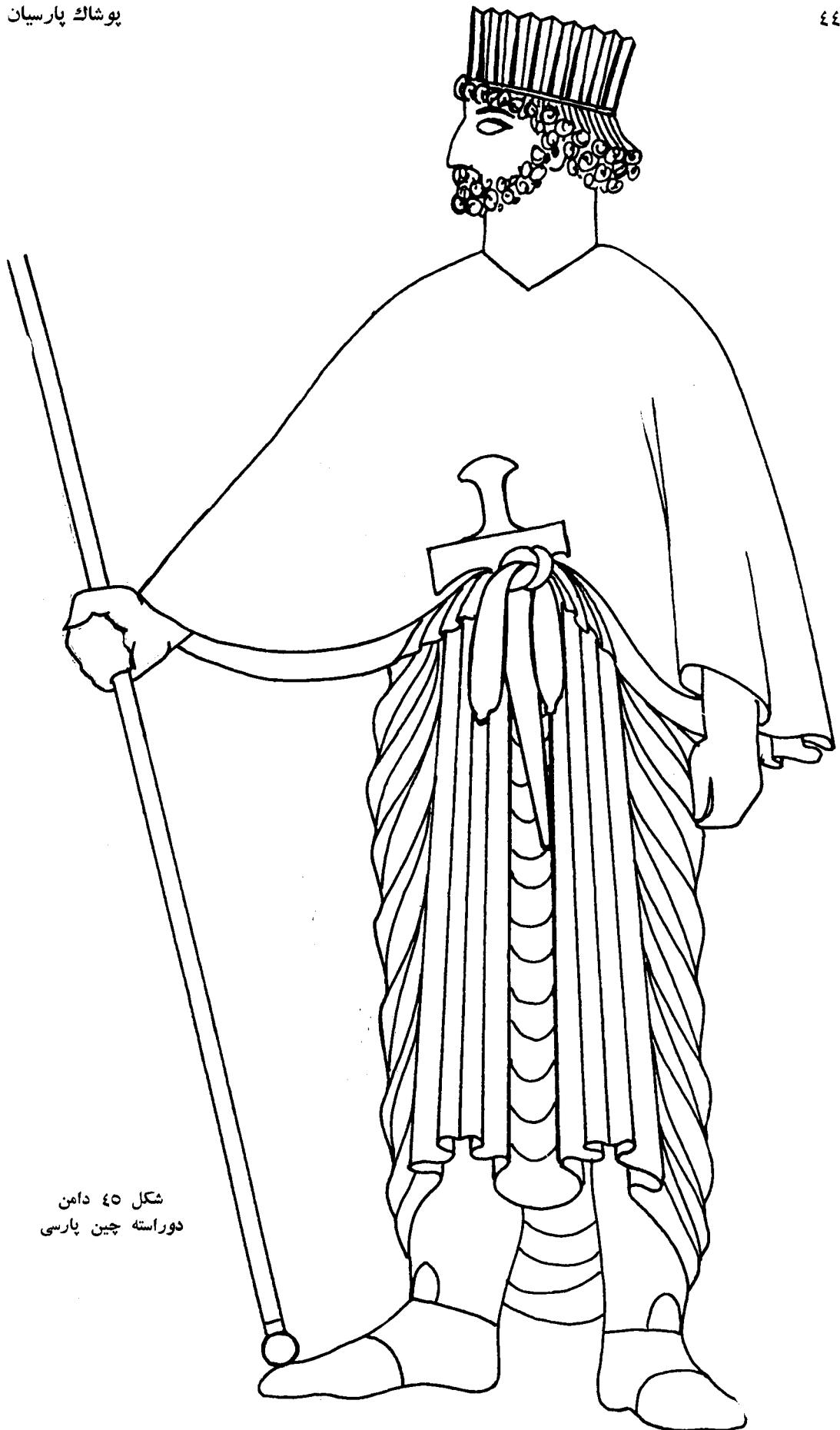


شکل ۴۴ دامن دوراسته چین پارسی

حرکت « شکل ۴۶ » و مقایسه‌ی دامن یکراسته چین با دو راسته چین در شکل ۴۷ .

*

در حالیکه دامن و بالا پوش بر تن استوار است و کمر لیف ایندو بر رویهم منطبق است و هریک جداگانه بوسیله‌ی بند لیف محکم شده‌اند ، روی هر دو را



شکل ۴۵ دامن
دورسته چین پارسی



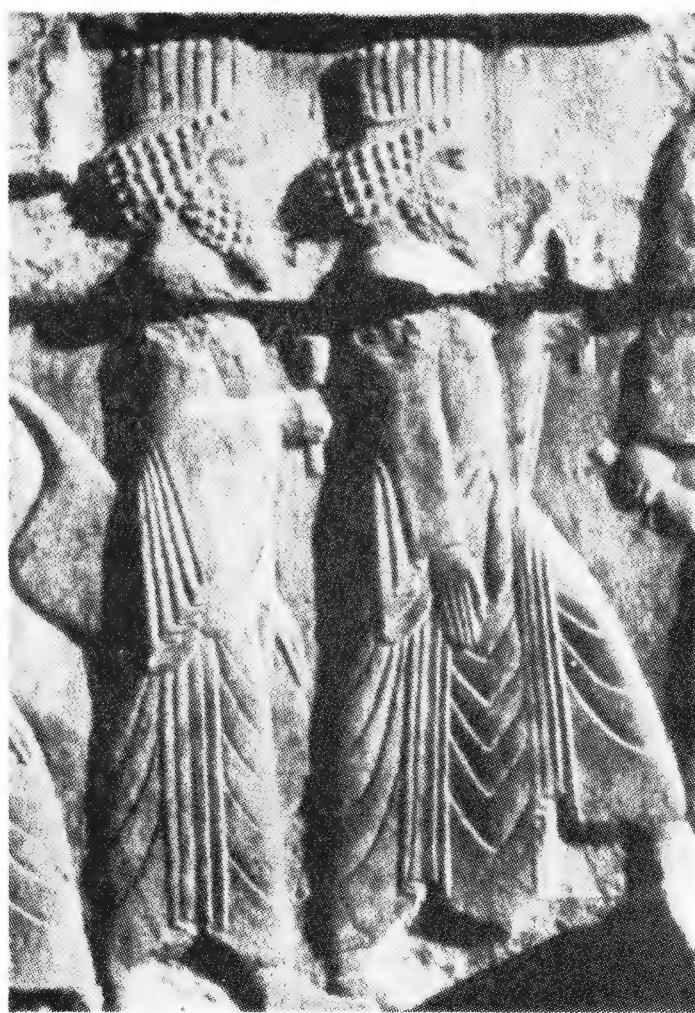
شکل ۴۶ دامن دو راسته چین در حال حرکت

کمربندی چرمی بمنظور نگاهداری سلاح می‌پوشاند « شکلهای ۴۸ و ۴۹ » .

*

البته خاورشناسان و تاریخ نویسان ، هیچیک درباره‌ی دو تکه بودن لباس پارسیان « که دامن از بالا پوش جدا باشد » ذکری نکرده‌اند ، و در نقوش سنگی

تحت جمشید نیز علی‌الظاهر مدرکی که دلیل بر این نظر باشد وجود ندارد . ولی نقشی از مُهرها هست که این نظر را تأیید می‌کند :



شکل ۴۷ دامنهای یکراسته و دوراسته چین پارسی

مُهری هست که مردی را در حال زراعت نشان میدهد « زارع فقط یکدامن بر تن دارد و گوئی بالاپوش خود را بعلت گرمای کار بکناری افکنده است ». « شکل ۵۰ »

پوشش پارسیان

۴۷



شکل ۴۸ وضعیت کمربند و اسلحه



شکل ۴۹ وضعیت کمربند پارسی در نیمرخ پشت

و مُهری دیگر هست مردی را که بنظر میرسد شاه باشد « چون تاج بر سر دارد » در حال شکار شیر نشان میدهد « شکل ۵۱ ». شکارچی با دست چپ یکپایی شیر را چسبیده از زمین بلند کرده است و بدست راست ، قمهای را



شکل ۵۰ زارع پارسی با بالاتنه‌ی برهنه با یکدامن



شکل ۵۱ شکار شیر

آماده‌ی ضربه زدن گرفته است. شکارچی، دامنی یک راسته چین پوشیده و دور دامن

دارای ترئینات گرد ردیف هم است و در بالا ، حاشیه یا لیف کمر دارد . بالا نهادش پوشیده از یک جلیقه است که دارای دو رج ترئینات گرد ردیف هم در هر طرف است . جلوی جلیقه کاملاً باز است و سروسینه و بازوan برhنه میباشد . در این شکل بخوبی پیداست که دامن از پوشش بالائی « که هرچه میخواهد باشد » جداست .

*

مهری دیگر هست که پادشاهی را در حال شکار شیر با عرابه نشان میدهد . در اینجا نیز شاه دارای دامن و جلیقه میباشد . « شکل ۵۲ » .



شکل ۵۲ شکار شیر با عرابه

مهری دیگر هست که پادشاهی را در جدال با دوشیر نشان میدهد . در اینجا نیز پادشاه دامن و جلیقه پوشیده و پیداست که ایندو ، از هم جداست . « شکل ۵۳ » .

*

و نقشی بر جسته بر سنگ هست که مردی را نشان میدهد شیری را با دست



پادشاه هخامنشی در حال جدال با دو شیر (مهر استوانه‌ای در موزه بریتانی)

شکل ۵۳ جدال شاه با دو شیر

چپ بغل زده می‌پسرد و با قمه‌ای که بدهست راست دارد، قصد کشتن او را دارد «شکل ۵۴».

اینمرد نیز دامن یکراسته چین، پوشیده، جلیقه‌ای بتن دارد؛ و نیز می‌شود فهمید که دامن از بالا پوش جدادست.

*

بهرحال، در همه‌ی این نقوش که ارائه شد شکارچیان دارای یک دامن و یک جلیقه هستند که نظر دو تکه بودن لباس پارسی را تأیید می‌کنند؛ خاصه وجود مجسمه‌ی کوچک نقره‌ای که در موزه‌ی بریتانیا موجود است، مدرک دیگری برای منظور می‌باشد. «شکل ۵۵».

*

(جلیقه‌ای که بر تن شکارچیان دیده می‌شود، از نوع جلیقه‌های خیاره‌دار



شکل ۵۵ مجسمه‌ی نقره‌ای



شکل ۵۴

نمدی کُردي است که هماکنون کردان ما از آنها استفاده ميکنند) .

*

پارسیان ، اين لباس مرکب از دامن و بالا پوش خود را « طبق نقوش کاشی رنگی شوش » از پارچه‌های نقش و نگاردار و با رنگهای گيرا و پرشکوه تهيه ميکرده‌اند . اين لباس از نظر ساختمان هيچگونه تفاوتی با لباسهای مشروحه‌ی



شکل - ۵۶ - پیراهن‌های منقش شوشی

پارسی « جز در ترئینات » ندارد . لباس پارسی منّقش و مزین شوشی ، از دو رنگ پارچه تهیه شده است . (نوعی : نارنجی - قهوه‌ای و نوعی دیگر : سفید - زرد است) .

*

لباس نارنجی - قهوه‌ای ، دارای دامن نارنجی است ، دوره‌ی لبه‌ی دامن و کناره‌های راسته چین جلوی آن ، دارای حاشیه‌ای قهوه‌ایست « این حاشیه ، خود دارای دو حاشیه‌ی باریک متشکل از زیکراک‌های برنگ « سبز - آبی و سفید ، و در وسط ، گردیهای زرد است ». پشت پیراهن در زیر کمربند و بالای دامن ، پارچه‌ای زائد قهوه‌ای رنگ و بشکل نیم دائره « آنهم با حاشیه‌ای از همان قبیل » دارد . گرداگرد لبه‌ی بالا پوش و پیش سینه ، دارای همین حاشیه‌ی برنگ قهوه‌ایست . پارچه‌ی چین‌های بالاپوش نیز همه‌اش قهوه‌ای رنگ میباشد . کمربند در اینجا چرمی نیست و از شال سبز و زرد « طلائی » بوده ، ویخه‌ی پیراهن ، سبز - آبی است (بر روی پارچه نقوشی از ستاره‌های سفید در گردیهای سبز - آبی دارد) .

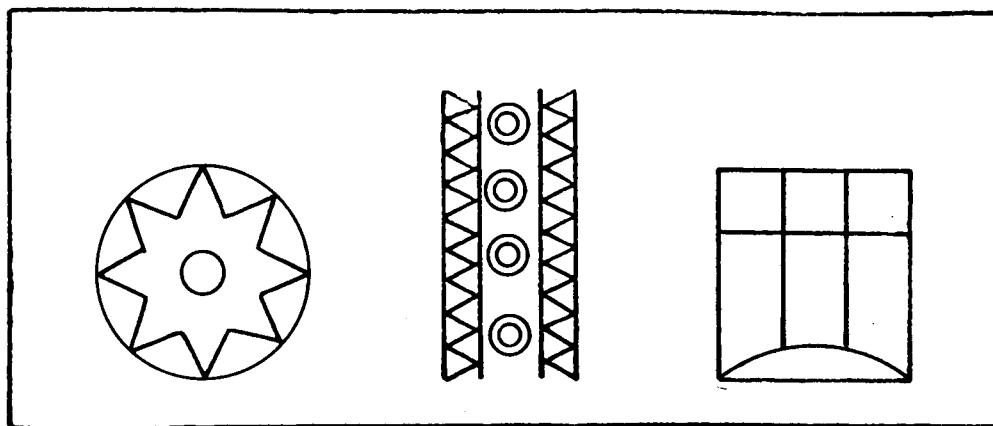
*

در لباسی دیگر « که دارای زمینه‌ی زرد و سفید است » حاشیه‌ها دارای زمینه‌ی سبز - آبی و چین پشت بالا پوش و جلوی سینه ، همه‌اش زرد و با حاشیه‌اند . نقوش روی پارچه‌ی این لباس ، مرکب از چهارگوش‌هایی است که داخل آنرا با تقسیمات هندسی بمربعات و یک قوس برنگ‌های زرد و سبز درآورده‌اند . « شکلهای ۵۶ و ۵۷ » .

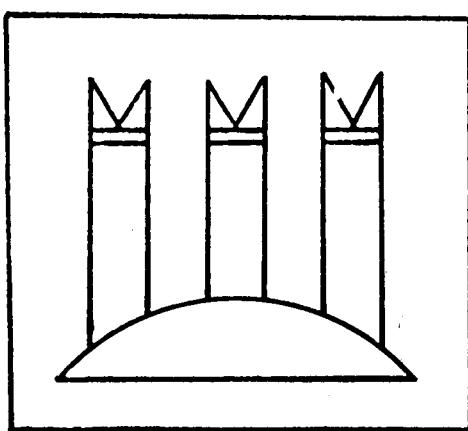
*

(در برخی از نقوش رنگی شوش « که یک نمونه‌ی آن در موزه‌ی ایران

باستان موجود است « نقشهای روی پیراهن بصورت دیگری طرح و رنگ آمیزی شده است : « در روی این پیراهن ، قوسی مانند تپه‌ای در داخل یک چهارگوش



شکل ۵۷ نقش تزئینی روی لباس شوی



شکل ۵۸ نقش تزئینی دیگر لباس شوی

و در قسمت پائین آن برنگ سفید و در برخی دیگر فیروزه‌ای طرح کردند؛ و روی تپه سه مستطیل بلند برنگ‌های زرد و سفید ، عمود بر تپه ساخته‌اند که روی هریک از آنها دو مثلث برنگ زرد در امتداد ضلع طرفین مستطیلها ، نقش کردند « بطوریکه مجموعاً هیئت برجهای جنگی را دارند ». زمینه‌ی خود چهارگوش برنگ قهوه و بند زیر مثلث فیروزه‌ای میباشد « شکل ۵۸ » .

*

او مستد ، در باره‌ی این پوشش پارسی و ابهتی که شاه با آن در اردوگاه پارسیان در پارساگد داشته وصف جالبی دارد و میگوید : (روی درگاههای

پيش و پس ساختمان ، اين صحنه چهار بار نمایانده شده بود . شاه در جامه‌ی شاهانه‌ی بلند دامن‌کشان که چين دار ميان پاهایش آويخته بود ، پاپوش شاهانه بيا ، و چوبدستی شاهانه بدست ، درحالی‌که از کاخ برای گردش در پرديز بیرون ميرفت دیده ميشد . ابروان و مژ گانهايش ، تاچين‌ها و گلهای جامه‌اش زمانی زرشان بوده . پشت سر شاه ، بندھی کوچکتری که با لباس فراخورش ميرفت ، يیگمان آفتابگيري را که از روزگار سارگون آسوری فقط برای پادشاه بكار ميرفت روی سر شاه نگاهداشته بود . روی اين صحنه‌ی بیرون رفتن از کاخ ، نوشته‌اي بسه زبان لقبهای شاهانه را ميداد و برخانه ، بر پيکر و بر نوشته‌ي او آفرين در میخواند . بر چين جامه‌اش به ايلامي و اكدي افزوده شده بود : (کوروش شاه بزرگ ، هخامنشي) « تاریخ شاهنشاهی صفحه‌ی - ۸۸ - سطر - ۱۰ - » .

*

نقوش برجسته‌ی فراوان تخت جمشيد و آنهمه پوشش مختلف که روی سنگ تيره ساخته شده است ، نظر کنجکاوان را هميشه معطوف اين پرسش ميکند : « که آيا پوشاك اين مردم بچه رنگهائی می‌باید بوده باشد ؟ » و خيلي دير زير بار اين باور ميروند که چه شکوه و جلالی از رنگ‌آميزی در آن زمانها وجود داشته ، و که ، اگر همان رنگهائی مورد استفاده‌ی آن زمانها را هم‌اکنون بر همه نقوش برجسته‌ی تيره‌ی سنگی بنظر آورند چه خيره‌گيهها ، بچشم دست خواهد داد !

*

او مستند ميگويد : (کاخ جنوبي ، که در آنجا ييستر در يك جدا افتادگي بع مانندی بسر می‌برد ، از يك گذرگاه خلوت ، شاه به اپдан می‌آمد . بر سرش افسر^۱ بلند شاهانه بود ، که به لبه‌ی آن موی فرزده بسوی بالا روی پيشاني شانه

۱ - افسر در برابر کلمه‌ی Cidaris — Kitaris یونانی و بمعنی تاج پادشاهان است . (افسر بمعنی تاج باشد و آنرا بعربي اکليل گويند « برهان قاطع ») .

زده شده و روی گردن انداخته شده و پف کرده؛ گاهی تارک افراشته را سر میگذاشت که گرد آن دیهیم^۱، نوار آبی با خالهای سفید پیچیده شده بود. گوشواره‌هایش از زر گوهرنشان بود. اگر نزدیک در پیشگاه شاه بایستیم، می‌بینیم که چشمش برآمده و ابروانش مشخص، بینی‌اش اندکی خمیده، دهانش استوار است؛ سبیلها افتاده ولی نوکش تاییده است. ریشش در کمر، چهارگوش بریده شده و با رجهای افقی شکنهاش تقلیدی از رسم آسوری است. جامه‌ی سندس‌اش با ارغوانی گرانبهای فینیقی، رنگ شده، و با قلابدوزی زر که بازها یا غولهای جنگی را نشان میدهد سنجین شده است. سر زبانها افتاده بود که بهای آن دوازده هزار قنطار بود. این سندس روی کتان ارغوانی با خالهای سفید که ویژه‌ی شخص شاه بود پوشیده میشد. کناره‌ی شلوار سفید یا قرمزش که کمی از زیر جامه نمایان است ارغوانی است. کفش‌های نوکتیز پاشنه‌دار ساده‌اش، آبی یا زعفرانی است. بازو بندهای زر، و یک یخهی زر به جلوه‌ی او می‌افزاید، و کمر بند زرین شمشیر کوتاه پارسی را، که غلافش گفته شده است از یک سنگ گرانبهای یکپارچه بوده، نگاه میدارد. در دست راستش چوب‌دستی‌ای از زر، باریک و گردان، دارد؛ در دست چپش نیلوفری با دوغنچه نگاهداشته است. هنگامی که سرانجام چشم خود را از این دیدار تابناک «که ما را و امیدارد بپذیریم که براستی داریم بخداؤندگار روی زمین نگاه میکنیم» بر میگردانیم، چشم ما بدبو پیشکار می‌افتد. آنها جامه بر تن و کفشهای ارغوانی بپا دارند. ولی کلاه آنها کوتاه‌تر و ریششان گرد است نه چهارگوش) «تاریخ شاهنشاهی هخامنشی صفحه‌ی ۳۸۳ - سطر ۱۶ - ».

*

این صحنه‌های رنگین که او مستد با قدرت تخیل آنها را پرورانده است،

۱ - دیهیم = تاجی که مخصوص پادشاهان است و معنی تخت و چهار بالش و چترهم گفته‌اند و بعضی گویند دیهیم افسری بوده که آنرا در قدیم بجهت تیمن و تبرک بالای سر پادشاهان می‌آویختند، و کلاه مرصع را نیز گویند «برهان قاطع» .

البته بی‌پایه و بی‌هیچ زمینه و مایه‌ای نمیتوانسته است رنگ‌آمیزی شود، و بقول خود او: (اگر پرده‌های رنگارنگی که در کتاب استر وصف شده، پوسیده و خاک شده، آجرهای لعابدار آنرا با همه‌ی شکوهش میتوان از تکه‌های بیشماری که مانده باز شناخت. چه بسا که نمی‌دانیم آنها را کجا باید جا بدھیم، ولی اقلاً نقش‌ها را میتوان سرهم کرد. از این نقش‌ها میشود نمایش رنگها را که چشم فرستادگان یونانی را خیره میکرد و به آنها ثروت و نیروی شاه بزرگ را میفهمانید بیانگاریم) « تاریخ شاهنشاهی هخامنشی صفحه‌ی - ۲۳۲ - سطر - ۷ - » .

*

این ده هزار بیم‌گ، بجز پارسیان، دسته‌هائی از مادیان و ایلامیان نیز دربر داشت. کاشی‌های لعابدار رنگین در شوش عکس این ایلامیان را زنده و جاندار میکنند. برخی، پوست تیره‌رنگ، تقریباً سیاه دارند؛ دیگران رنگ و آب بازتر دارند؛ ولی همه سلاحمند‌اند و لباس‌های همانند پوشیده‌اند. سرها برھنه است، با موھائی که بانوار تاییده‌ی سبز فامی تنگ، پائین نگاهداشته شده؛ ریش کوتاهشان تابدار است، همچنین دسته‌ی موئی که بر گردن‌شان افتاده؛ جائی که ریش و زلف بهم می‌پیوندد؛ یک گوشواره‌ی زرین نموده شده. هر سربازی خشک و سخت ایستاده هر دو دستش که با دستبندهای زرین بزرگ آویزان آرایش یافته نیزه‌ای را که از چوب سخت است، سفت چسبیده که تیغه‌ی سیمین و زیور انار مانند سیمین‌اش را با فشار روی پنجه‌های پا گذاشته و نشان میدهد که از « ده هزار » است. یک لباس پرکار همه‌ی تن او را از گردن تا میچ و قوزک می‌پوشاند؛ و فقط کمی بالای کفش‌های چرمی نرم که تکمه‌دار یا بنددار است و زبانه‌ی بلند پیش‌آمده دارد گوشت برھنه‌ی پا پیداست. در ترکش، لباس و کفش است که قرینه سازی دقیق فراموش شده و نقش بافت و رنگ‌آمیزی پرآشوب است. تکه‌های چرم که بشکل هلال بریده شده زینت ترکش است؛ رنگ آنها زرد رنگ پریده

يا آبي کمرنگ روی مایهی گوناگون قهوه‌ای ، يا قهوه‌ای روی زمینه‌ی سفید است . تمام ترکش ، میشود دارای یک نقش و رنگ باشد مگر باریکه‌ای از سه‌گوش‌های یکی در میان – قهوه‌ای سفید یا آبی سفید – که از حلقه‌ی آنها رشته‌ها و منگله‌ها رنگین آویزان است . کفش‌ها زرد یا آبی است . گاهی لباس‌ها زرد ساده یا ارغوانی خیلی باز است ؛ در این صورت یک رو دوشی قهوه‌ای پرکار محملی با حاشیه‌ی سبز که با چند رج دائره‌های سفید آرایش یافته روی سینه و زیر بازو انداخته شده که برآمدگی‌های ران را بپوشاند . لباس‌های پرکارتر ، زیورنشان شده است : ستاره‌های سفید یا زرد روی دائره‌های آبی یا قهوه‌ای پررنگ ، یا چهارگوش‌های بزرگ نزدیک هم که با خط‌های قهوه‌ای نصف یا چهاربخش شده روی پارچه‌ی زرد یا سفید دوخته شده است . برای بیمرگان پارسی و مادی تخت‌جمشید باید همینگونه رنگها را انکار کنیم . اینجا سربازانی که کتیبه‌ها را نگهبانی میکنند یا از پلکانها بالا می‌روند یا در برابر بزرگانی که برای دیدن خداوند گارشان می‌روند صف‌کشیده‌اند ، یا برای سان دیدن شاه خبردار ایستاده‌اند ، همه کلاه بر سر دارند ، « یا کلاه خیاره‌دار نمدی ، یا کلاه نمدی مایل بجلو ». بسته باینکه از نیاکان پارسی یا مادی باشند ، تن‌پوش آنها جامه‌ی پارسی یا ژاکت و شلوار مادی است . سلاح آنها فقط نیزه یا کمان و ترکش است . یا هردو با هم ، و گاهی کماندان بآن افزوده شده است . میان آنها دسته‌ی « هزار » نفری را میتوان یافت که نامشان را به « هزار بد » داده‌اند ، زیرا اینها از بازمانده‌ی « ده هزار » از روی زیور انار مانند زرین که دارند باز شناخته می‌شوند . « تاریخ شاهنشاهی هخامنشی . شوش صفحه‌ی ۳۲۲ – سطر ۷ – » .

*

شوش که مرکز کار و کوشش و جنب‌وجوش و بازار بزرگ جهان آنروز بوده آثاری باین گرانبهائی بجهان امروز عرضه کرده است . از قراری که او مستند

مي گويد ، لوحه هائي فراوان از آن ناحيه بدست آمده است که حاکي بسا سياهداهای سوداگري و درآمد و باج و سازوبرگ سپاهيان و وضع زندگاني روزانه مردم شوش ، بافندگي و پارچه در ايران آن روزگاران ميباشد . واضح است که چگونگي وضع ماده اوليه لباس ، در هرجائي نحوه پوشاك اهالي آنجا را چنانکه باید روشن ميکند . او مستند ميگويد : (هرچند که اين لوحها خشک و خسته‌كشند بنظر بيايند ، آنها نيز به آگاهی ما از آنzman ، بسيار میافرايند . از حيث مقدار درآمدی که جمع ميشده نخست پارچه‌های يافته هستند که با گوناگونی سرگردان‌كشند از رنگها و شيوه‌های محلی دیده ميشوند . تنزيب‌های مادي در دروازه‌های کاخ همچو يك انحصار شاهانه فراهم ميشده است ، يا ختی‌های سوريهی شمالي آنها را میآورند . از يکصد و بیست جامه که برای داد و ستد دوخته شده و دو شکل وزن رنگ ارغوانی گرانها که در رنگرزی آنها بكار رفته خبر داريم . « تاریخ شاهنشاهی هخامنشی صفحه ۹۶ - سطر ۲۵ - » .

*

در شوش ، اسکندر خزانه داريوش را تصرف کرد . روایات در باب مقدار ذخائر آن مختلف است « جلد دوم ایران باستان صفحه ۱۴۰۶ - سطر ۲۱ - ». پلوتارک گويد (اسکندر بند ۵۱ -) که اين ذخیره چهل هزار تالان نقره مسکوك بود و اشياء نفيسه و پارچه‌های ارغوانی اعلا بوزني معادل پنج هزار تالان پارچه‌ها را در مدت ۱۹۰ سال جمع کرده بودند و با وجود اين ، از درخشندگی آنها نکاسته بود . مورخ مذکور علاوه کرده ، که رنگ سرخ اين پارچه‌ها را از عسل ، و رنگ سفيد را از سفیدترین روغن ساخته‌اند . « جلد دوم ایران باستان صفحه ۱۴۰۷ - سطر ۱۰ - » .

*

با اين وصف ، پيداست که چه ثروت و جلالی در ايران قدیم وجود داشته

است، و شاهان و بزرگان و ثروتمندان (که شاخص سلیقه‌ی اکثریت ما بودند) چه سلیقه و شکوهی در زندگانی خود داشته‌اند؛ و بیقین، که تخت جمشید، نقش‌رستم و پارساگد یا مراکز دیگر هنر قدیم ما، هیچیک خالی از شکوه رنگ و رنگ‌آمیزی نبوده است و ازین‌رو نباید به نقوش سنگی باز مانده از آنروز گاران بی‌دخلالت و رونق این جادوگر متلون نگریست؛ زیرا ترئینات و آرایشی که در نقوش سنگی بکار رفته باندازه‌ی کافی حاکی وجود و جلوه‌گری آنست.

کنت‌کورث میگوید: (ترئینات داریوش «مقصود داریوش سوم است») زینت‌های دیگران را از خاطرها میزدود؛ قبای ارغوانی او در وسط باقره ملیله‌دوزی شده بود و ردای «شنل» او که از زر میدرخشد، مزین بود بدوقرقی که یکی روی دیگری افتاده با منقار ضربتهائی با او میزد و هر دو را از زر باfte بودند. بالاخره از کمربند زرین او قمهای آویخته بود که غلافش تماماً مرصع و خود کمربند شبیه زنان بود. تاج شاهان را پارسی‌ها سیتاریس نامند «هرودوت و پلوتارک آنرا تیار نوشته‌اند» و تاج داریوش دیهیمی بود برنگ آبی و سفید «جلد دوم ایران باستان، صفحه‌ی ۱۲۹۸ - ۲ - سطر - ». .

کلاه پارسیان

در باره‌ی کلاه پارسیان همگی تاریخ نویسان همداستانند که از جنس نمد بوده است «مگر کلاههای جنگی که از آهن و مفرغ ساخته میشده است» . سترابون میگوید: جوانان پارسی بر سر کلاهی دارند که شبیه برج است و پارچه‌ای کتانی بدور سر می‌پیچند. هرودوت میگوید: پارسی‌ها کلاهی نماین که خوب مالیده بودند و آنرا تیار می‌گفتند بر سر دارند.

*

در باره‌ی تاج شاهان نیز تاریخ نویسان گفته‌هایی در هم دارند. سرپرسی

سایکس میگوید : لباس ارغوانی شاهنشاه پارس همان جامه‌ی بلند با وقار مردم ماد بود و برسر تاجی داشت بلند و مشعشع و این تاج منحصر بشاهنشاه بود و در حجاری تخت جمشید منقوش است (و در اینجا ، شکل تاج را روشن و مشخص نکرده است و خواننده‌ای که آشنائی بنقوش تخت جمشید ندارد نمیداند مقصود سایکس کدام تاج و به چه شکل است « چون تاجهای گوناگون در تخت جمشید ساخته شده است »).

*

او مستد از روی نقش سنگی تخت جمشید برای پارسیان کلاه نمدی خیاره دار و در جائی برای پیادگان پارسی ، کلاه نمدهاین و سربند « که نوعش را معلوم نکرده قائل است ، و در باره‌ی تاج میگوید : (... شاه به اپدان می‌آمد . بر سرش افسر بلند شاهانه بود . گاهی تارک افراشته را برسر میگذاشت که گرد آن دیهیم ، نوار آبی با خالهای سفید پیچیده شده بود) .

*

کنت کورث میگوید : (تاج داریوش « داریوش سوم » دیهیمی^۱ بود

۱ - در باره‌ی دو نام (دیهیم و افسر) اغلب ، مفهوم روشن نداده‌اند . برخی ، هریک را بمعنی تاج گرفته‌اند : (... و تاج داریوش دیهیمی بود برنگ آبی و سفید « کنت کورث ») - (و دیهیم تاج که مخصوص پادشاهان است . بعضی گویند افسری بوده که آنرا در قدیم بجهت تیمن و تبرک بر بالای سر پادشاهان می‌آویختند « برهان قاطع ») .

و برخی دیگر بمفهوم پارچه‌ای که بدور تاج پیچیده میشده گرفته‌اند (که ممکن است این پارچه بینالله باشد « چون افسر کلاه یک پارسی در شکلهای سه گانه‌ی ۵۹ - » یا مانند تاج شاهان ساسانی با دنباله‌های چین دار و پرسکوه باشد) .

در اینجا ، که میگویند : (گاهی تارک افراشته را برسر میگذاشت که گرد آن ، دیهیم « نوار آبی با خالهای سفید » پیچیده شده بود) مقصود او مستد از دیهیم ، پارچه‌ایست ورنگ آبی با خالهای سفید . و در جای دیگر که میگویند : (... بعد کوروش بیرون آمد برسرش تیاری داشت تیار اورا افسری احاطه دارد . اقربای شاه هم این زینت را که احتیازی است دارا بودند ، چنانکه امروز هم اقربای شاه همین زینت را استعمال میکنند) مقصود گرنفون (ر افسر ، پارچه‌ایست که بدور کلاه پیچیده بوده است .



BAKED-CLAY SCULPTURE OF A PERSIAN'S HEAD (PTS 767), SCALES, 2:1 AND 1:1

شکل - ۵۴ - سر یکنفر پارسی .

برنگ آبی و سفید) .

در باره‌ی کلاه‌خود ، گرنفون می‌گوید : (اسلحه‌ی تمام سپاهیان مانند اسلحه‌ی کوروش بود ، یعنی قبای ارغوانی رنگ با زرهی بر تن و خودی با پر بسر داشتند) .

*

با این ترتیب ، آنچه از نظر تاریخ نویسان استنباط می‌شود این است که ، کلاه پارسیان را از نمد خوب مالیه میدانند « بی‌آنکه شکل آنرا بوضوح مشخص کنند ، مگر او مستد که او هم از روی نقوش تحت‌جمشید در باره‌ی کلاه پارسی فقط بگفتن کلاه نمدی خیاره‌دار اکتفا می‌کند .

*

کلاه خیاره‌دار که عدد خیاره یا ترکهای آن از هجده تا بیست و دو تا شمرده شده است ، بر گرداگرد لبه‌ی پائین خود نواری دارد که اساساً برای باز نشدن چین‌های خیاره‌ها از هم تعییه شده است و بنظر میرسد که جنس این نوار ، نیز از خود نمد باشد « شکلهای ۲۶ - ۳۸ - ۴۰ - ۴۲ - ۴۳ - ۴۷ » آنچه از این کلاه در باره‌اش ذکری نرفته سقف یا تپه‌ی آنست که نقوش برجسته نیز بعلت مشکل فنی ، داشتن سقف یا ساختن آنرا در بالای کلاه « با آن سبک کار معمول و قراردادی و عدم توجه کافی به پرسپکتیو » غیر مقدور می‌سازد ؛ و فقط ادامه‌ی دندانه‌های خیاره‌ها را در حدود کلثقتی نمد در محل سقف ، در برخی جاها زیکزاکی و جاهائی دیگر نیمگرد نشان داده‌اند ؛ و بدیهی است که تحت تبعیت شکل این کنگره‌ها ، سقف‌سازی برآن ، روی اصول فنی نمدمالی کاری مشکل و غیر عملی است ، و نیز بعید بنظر میرسد که در هر حال لااقل دارای کلاه‌کی چون عرقچین در داخل خود نباشد ؛ زیرا اگر نداشته باشد ، در برابر گردوخاک

و باران، کارآمد نخواهد بود « مگر که تصور کنیم چنین کلاهی نوعی تاج یا کلاه تشریفاتی است که در موقع مخصوص و هوای مساعد یا زیر جاهای سرپوشیده، بر سر مینهاده‌اند » و گرن، برای اینکه کلاه، کارآمدتر باشد میباید مانند کلاه نمدی چوپانان و بومیان امروزی پارس « شکل ۶۰ » که تغییر شکل یافته‌ی آشنائی

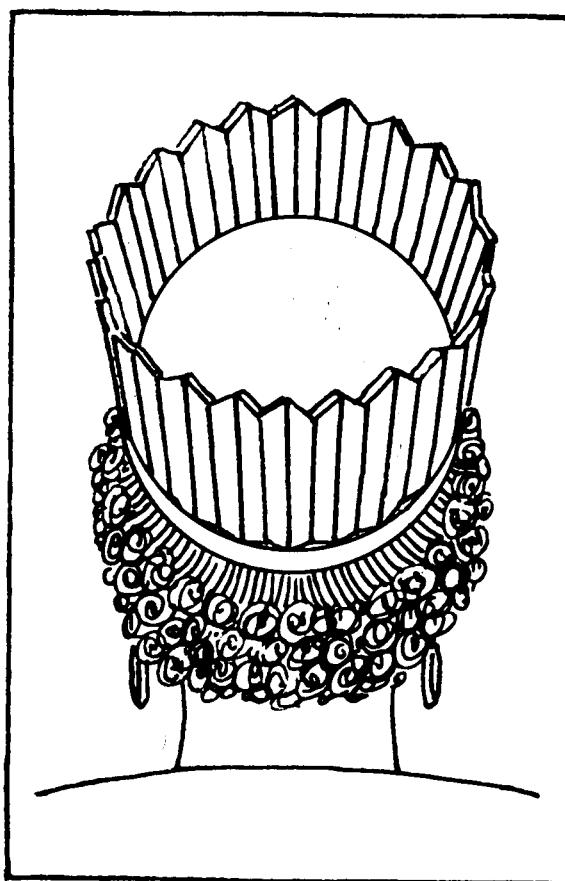


شکل ۶۰ کلاه نمدی بومیان پارسی

از کلاه قدیمی مادی و پارسی است، یک کلاه‌ک نمدی هم که از لبه‌ی پائین کلاه خیاره‌دار بداخل آن منضم شده باشد، برای آن پذیرفت « شکل ۶۱ ». *

*

در مورد گفته‌ی سترابون: (که جوانان پارسی کلاهی شبیه به برج داشتند و پارچه‌ای از کتان به دور سر می‌بیچیدند) نقوش و مدارک سنگی چنین کلاهی را نشان نمی‌دهند؛ ولی کلاههای شبیه باین وصف را « نه چون برجی ایستاده، بلکه خم شده بعقب سر » در تخت جمشید ساخته‌اند « شکل ۴۶ ». *



شکل ۶۱ کلاه پارسیان

این پارسی از پیشکاران شاهی است که چیزی بر دوش دارد و از پلکان بالا می‌رود. کلاهش نوکتیز منتهی بعقب سر خمیده می‌باشد و پارچه‌ای نیز بدور آن و سر و گردن پیچیده است.

*

باید توجه داشت که تاریخ نویسان « یا برای بهتر گفتن و قایع نویسان » انواع کلاه سپاهیان مختلط ایرانی را « که ممکن است از جمله : کلاههای سعدی و سکائی و دیگر اقوام تابعه بوده باشند » بی توجه بقومیت و خصوصیت پوشاك محلی آنان ، پارسی نامیده‌اند . با این وصف ، فقط برای پارسیان هشت نوع کلاه

و تاج میتوان عرضه کرد؛ ولی نوع اصلی و معمولی و مشخص کلاه پارسی، همان کلاه خیاره دارست « شکل ۶۱ » که بنام کلاه پارسی شناسا است.

أنواع دیگر عبارتند از :

۲ - نوعی کلاه با دیواره کوتاه نمایی که مانند حلقه‌ای کم ارتفاع موهای دور سر را محاصره کرده و از بالای آن موی سر دیده میشود « شکل ۶۲ ». .



شکل ۶۳ کلاه کوتاه پارسی

۳ - کلاه نمدی بلند نوک تیز که بعقب سر خمیده ، و آن بر سر پیشکار پارسی نموده شد « شکل ۴۶ ». .

*

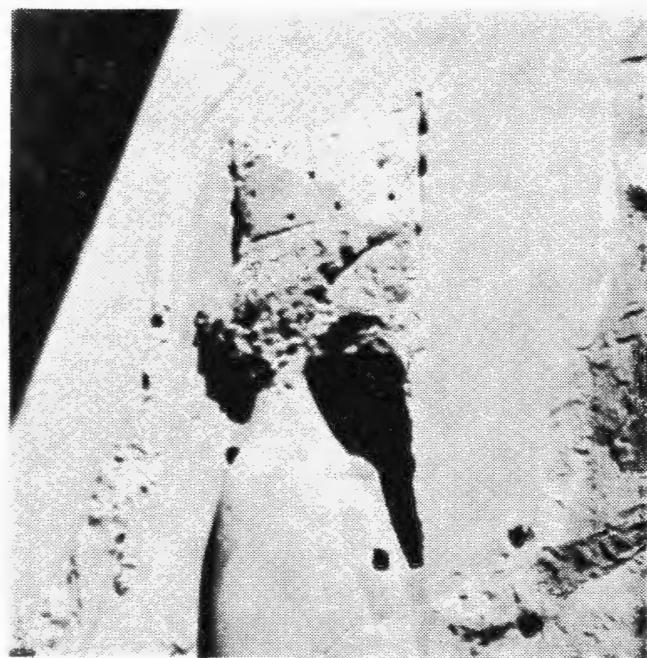
۴- کلاه ساده‌ی استوانه‌ای مسقف ، که قسمت بالای آن با برگشتگی مختصری به بیرون « اندکی گشادرتر از قسمت پائین » می‌باشد . از این کلاه برخی از پارسیان که بعزم شرفیابی از پلکانها بالا می‌روند بر سر دارند . (وهمچنین از این کلاه با بلندی بیشتر « که قسمت بالای آن به بیرون برگشته‌تر است » شاهنشاه هخامنشی بر سر دارد ، که باید تاج باشد) « شکل ۶۳ ». .



شکل ۶۳ نوعی کلاه یا تاج پارسی - هخامنشی

۵ - نوع دیگر ، کلاهی است استوانه‌ای ، بلند ، ساده ، بدون خیاره ، صاف که دوره‌ی آن ، دارای زیکراکهای بلند و تیز است ، و هنوز آثار زیکراکهای

شکسته‌ی آن برجاست . (اين نيز تاج ميباشد . بر روی آن جاي ميخهائی که صفحات طلا را رويش کويده بوده‌اند ، پيداست « شكل ۶۴ ») .



شكل ۶۴ تاج هخامنشی

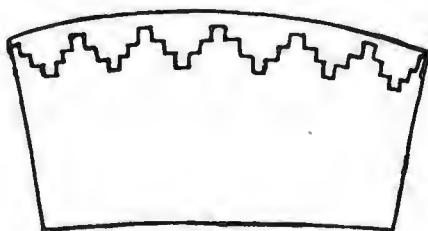
۶ - تاجی است با کنگره‌های بلکانی ، و آن بر سر مجسمه‌ی تمام گردی است لاجوردی « که در موزه‌ی ايران باستان موجود است و از تخت جمشید بدست آورده‌اند . « شكل ۶۵ » .

*

۷ - نوع هفتم کلاهی است که لبه‌ی بالا و پائین « هردو » برجستگی دارد و پارچه‌ای هم بدور آن پيچیده است « شكل ۵۹ » .

*

۸ - نوع هشتم تاج داريوش بزرگ در ييستون است « شكل ۶۶ » .



در سفر اخیر خود به فارس، ضمن تحقیق و به اشاره‌ی بربخی از همکاران موزه‌ی ایران باستان، بنقشی از نقوش افراد ساخته در تخت جمشید برخوردم که کلاهی جز کلاههای دیگر تخت جمشید برس را داشت (از آن عکس برداری و طراحی کردم). این نوع کلاه تنها نوع از انواع کلاههایی است که نقش بر جسته‌های آنها را در تخت جمشید ساخته‌اند (مگر تاج داریوش بزرگ در بیستون «که در عین شباht کنگره‌هایش، با این کلاه از نظر شکل فرق دارد» و همچنین تاج هخامنشی در شکل ۶۵ که تمام‌گرد ساخته شده است). مؤلف.



شکل ۶۵ تاج هخامنشی

کفش پارسی

صرفنظر از نوشههای تاریخ نویسان که درباره‌ی کفش پارسیان کم‌ویش تذکراتی ناروشن داده‌اند، با توجه بنقوش سنگی تخت جمشید و پارساگد (که مستقیم‌ترین و درستترین مدرک میباشند، برای آنان دونوع کفش میتوان در نظر گرفت :

۱ - یک نوع، کفشه است که از لحاظ شکل بسیار ساده است و چون جوراب



شکل - ۶۶ - تاج داریوش بزرگ در بیستون

پا کشیده میشود و بنظر میرسد که درزی برای دوخته شدن جز از راه پشت پاشنه و رویه‌ی کفش ندارد « شکل ۶۷ ».
این کفش را « که در اصل از آن مادیان است » شاهان هخامنشی و همچنین قوم ماد پا دارند . دور دهانه‌ی کفش کوروش در پارساگد زرکوب بوده و نیز



شکل - ۶۷ - کفش داريوش بزرگ

از جلوی دهانه‌ی کفش بظرفین و بسوی کف پا از طلای باریک کوبیده بوده‌اند و جای میخکوبی آن در نقش سنگی پارساگد برجاست « شکل ۶۸ ». .

*

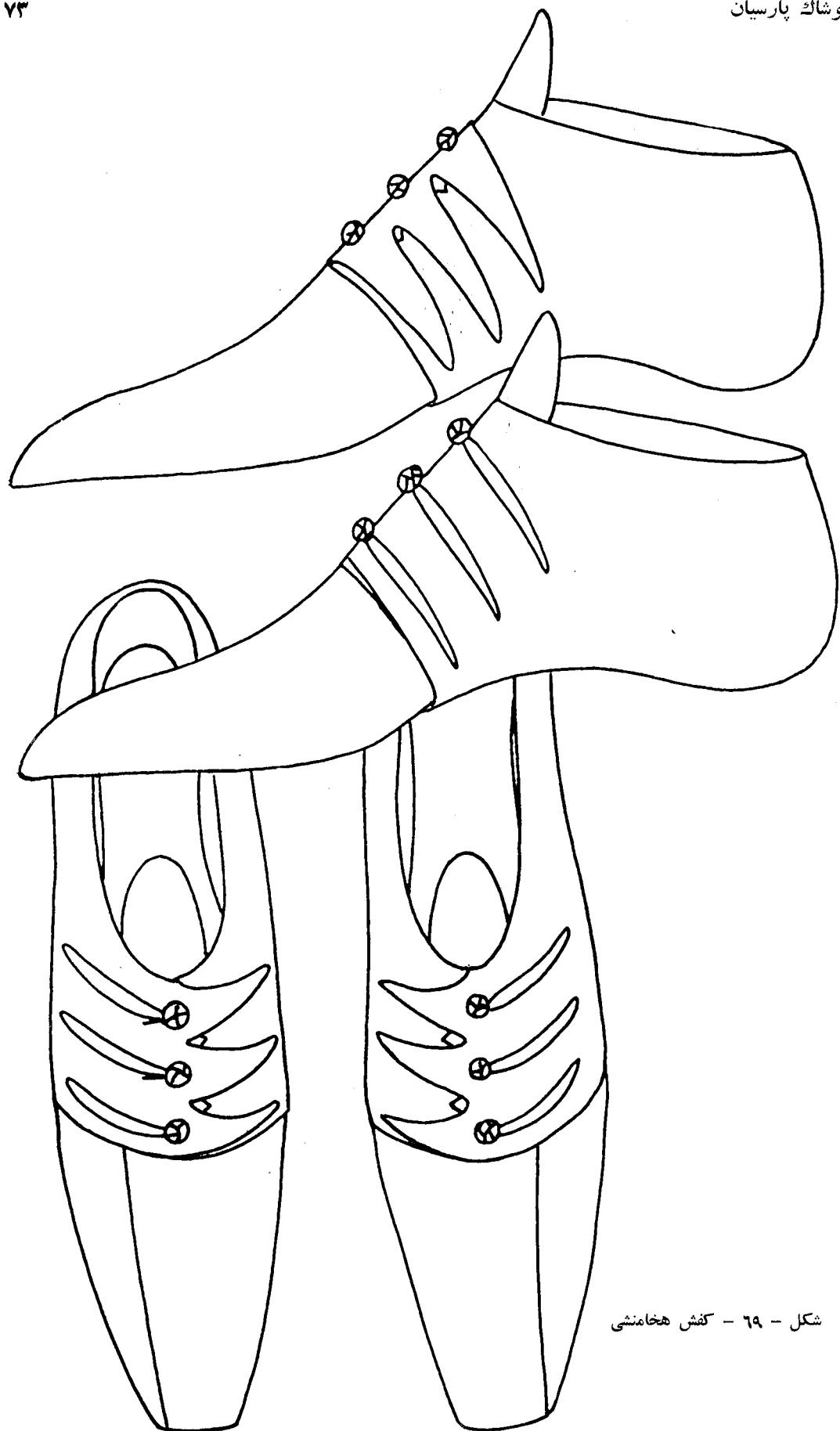
۲ - نوع دوم کفش دو تکه‌ی بند دارد ، و مخصوص خود پارسيان بوده ، همه‌ی بزرگان ، امرا ، سپاهيان پارسي و شاهان از آن پيا دارند « شکل ۶۹ ». .

این نوع کفش در زیر خود تخت اضافي و پاشنه از بیرون ندارد و مانند



شکل - ۶۸ - کفش کوروش بزرگ در پاسارگاد

کفش مادی پاشنه‌ی آن از داخل کار گذارده شده است . زبانه‌ای بلند در جلوی خود ، در زیر محل بندکفش دارد و بوسیله‌ی سه‌بند و گل‌بند چرمی « که از سوراخ‌های مقابل خود رد می‌شوند رویه‌ی کفش برویهم جمع می‌شود . این کفش‌ها اغلب بر نگههای مختلف زرد ، حنائی و ارغوانی تهیه می‌شده است « شکل ۷۰ » .



شکل - ۶۹ - کفش هخامنشی



شکل - ۴۰ - گفشن مخصوص هنرمندان

پوشاك زنان پارسي

تاریخ‌نویسان درباره‌ی پوشاك زنان آن‌مان اکثراً به سکوت گذرانده‌اند ، و نوشه‌هائی که حق مطلب را ادا کند بجا نگذاشته‌اند . این سکوت تاریخ‌نویسان در باره‌ی پوشاك زنان آندوره ، یا بعلت تماس‌نداشتن با آنان (بر اثر تراکت اخلاقی ایرانیان بوده « که زنان در مجتمع عمومی راه نداشته‌اند ») یا بعلت همانندی لباس آنان با لباس مردان پارسی بوده که تذکر این شباخت عادی و معمولی را ایجاد نکرده است (با اینکه یک تذکر از روی منظور یکی از تاریخ‌نویسان روشن کرده است که زنان آندوره بغیر از لباس مشابه لباس ملکه ، میشده است که لباسی از نوع دیگر بپوشند ، آن نوع را تذکر نداده است و در آن باره متأسفانه چیزی ننوشته ، بی‌توجه از آن گذشته است) .

با این‌وصف ، از روی برخی نقوش مانده از آن زمان ، با زنانی بومی برمیخوریم که پوشش جالب دارند « شکلهای - ۷۱ و ۷۲ - ». بیراهن آنان پوششی ساده ، بلند یا دارای راسته‌چین و آستین‌کوتاه است . در پائین دامن « از زانو پائین » شرابه‌هائی تا بمچ‌پا آویزان است .

*

برنانی دیگر از این دوره برمیخوریم که از پهلو بر اسب سوارند . اینان

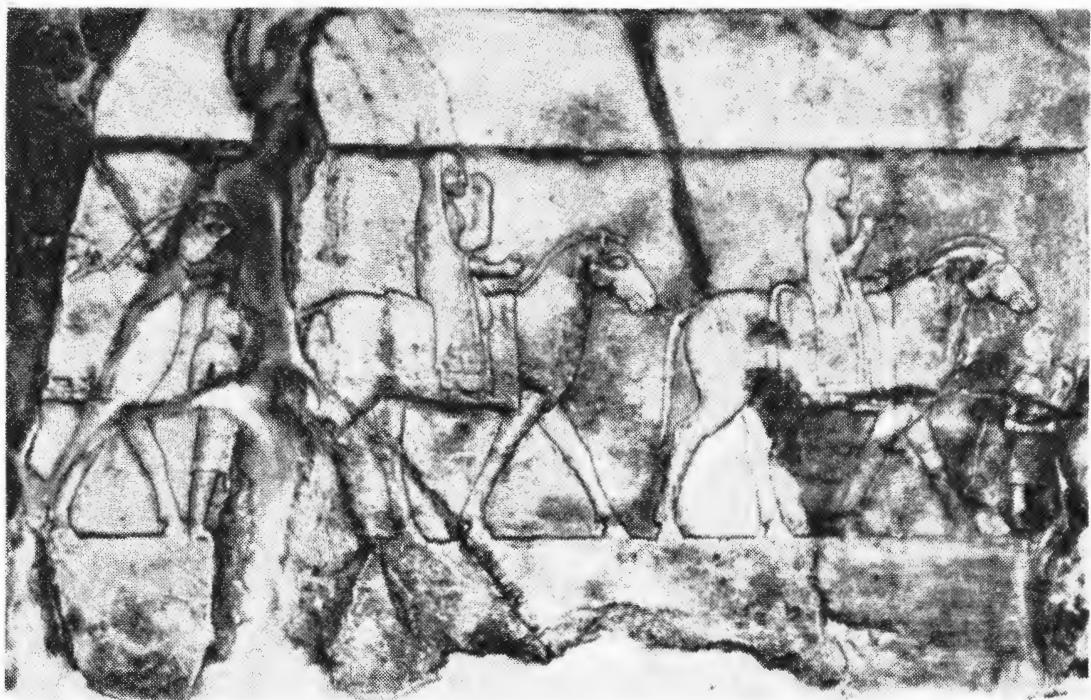


شکل - ۷۱ - پوشش زنی بومی از عهد
پارسی - هخامنشی



شکل - ۷۲ - زن بومی با لباس عهد
پارسی - هخامنشی

چادری مستطیل بر روی همه‌ی لباس خود افکنده‌اند و در زیر آن ، یک پیراهن
دامن بلند ، و زیر این یک نیز پیراهنی دیگر بلندتر تا بمچ پا نمایان است
« شکل ۷۳ ». »



شکل - ۷۳ - زنان بومی عهد پارسی - هخامنشی سوار بر اسب

همچنین از میان نوشتہ‌های موضوعات مختلف تاریخ‌نویسان ، نکاتی بدست می‌آید که بوسیله‌ی آنها می‌شود ردی از نوع بیشتر البسه‌ی زنان پارسی بدست آورده .

*

کنت کورث میگوید : (..... دورتر بفاصله‌ی یک استاد « ۱۸۵ متر » گردونه‌ای می‌آمد که سی سی گامبیس مادر داریوش در آن بود ، و در گردونه دیگر زن داریوش حرکت می‌کرد . خدمه‌این دو ملکه سواره از عقب این گردونه‌ها می‌رفتند . پانزده گردونه دیگر موسوم به آرماماکس^۱ اطفال شاه و مریان و خواجہ‌سرايان آنها را حمل می‌کرد . بعد زنان غیر عقدی شاه می‌آمدند . عده

۱ - آرماماکس = گردونه‌های بسته .

اینها - ۳۶۰ - و لباسشان مانند لباس ملکه‌ها بود^۱ « جلد دوم ایران باستان داریوش سوم صفحه‌ی ۱۲۹۸ - سطر - ۱۲ - » .

باین ترتیب ، می‌بینیم که از توضیح کنت کورث نوع لباس زنان این دوره روشن نشد ، ولی هرودوت اندکی ما را باین موضوع تردیک می‌کند : (آمیس‌تریس زن خشیارشا که ملکه بود ، پارچه‌هائی رنگارنگ بدست خود بافته لباس‌گرانبهائی برای شاه تهیه کرد ، و خشیارشاه از داشتن چنین لباسی غرق شف گردید ؛ و آنرا پوشیده بدیدن آرتا اینست رفت . درموقعی که فریفتنه دلربائیهای این زن بود ، بدو گفت : از من چیزی بخواه تا هر آنچه خواهی بدهم . زن گفت : شاه واقعاً هر چه خواهم میدهی ؟ خشیارشا قسم یاد کرد که چنین خواهد کرد و هیچ گمان نمی‌کرد که او همین لباس را خواهد خواست . پس از آنکه آرتا اینست از وعده شاه مطمئن گشت ، از خشیارشا خواست که لباس خود را باو بدهد . شاه در موقع مشکلی واقع شد ، چه می‌ترسید که آمیس‌تریس از سر او آگاه شود ، زیرا قبلاً هم ملکه از طرز رفتار شاه ظنین بود . بنا بر این بالتماس افتاد و آنچه بنظرش آمد از دهات ، نقره ، طلا ، جواهر و حتی سرداری لشکری باو و عده داد تا او را از مسئله لباس منصرف دارد . (هرودوت گوید که سرداری لشکر بزرگترین عطیه‌ایست که در پارس میدهند) ولی هیچکدام از این عده‌ها زن را راضی نکرد و بالاخره خشیارشا لباس خود را باو داد و زن آنرا پوشید . (هرودوت ، کتاب ۹ - بند ۱۰۸ - ۱۱۳ - جلد اول ایران باستان صفحه‌ی ۸۹۰ - سطر - ۳ -).

*

چنین که بنظر رسید ، معلوم گردید زنان پارسی از نوع لباس مردان نیز

۱ - توضیح : استنباط می‌شود که لباس زنان غیرعقدی شاه و دیگران می‌شده که جز لباس ملکه‌ها بوده باشد ؛ و لابد مشابهت لباس - ۳۶۰ - زن غیرعقدی شاه با لباس ملکه‌ها « که وجه امتیازی از این حیث میان ملکه و دیگران وجود نداشته » کنت کورث را وادار بتعجب و تذکر نموده است .

بتن میکرده‌اند (شکل این لباس‌ها از نظر دامن و بالا پوش چنانکه میدانیم جوری است که شانه و آستین آن چون مانند شنل است ، بهر هیکلی جور می‌آید و دامن نیز در صورتیکه قد مرد و زنی با هم زیاد اختلاف نداشته باشد ، میتواند متناسب درآید) و بنا بر این زمینه‌ای بدست آمد تا نظر را متوجه کند که : « لباس زنان ایندوره ممکن است که اختلافی با لباس مردانشان نداشته ، یا لباس مردان با اندکی اختلاف مورد استفاده‌ی زنان نیز قرار میگرفته است » .

*

چون این نظر را با نقوش فرش عهد هخامنشی « شکلهای ۷۴ و ۷۵ » که از پازیریک سیبری بدست آمده است مقایسه میکنیم ، خوب بختانه در می‌باییم که نظر ، درست است « زیرا روی این فرش زنانی را نقش کرده‌اند که لباسی چون لباس مردان پارسی بتن دارند و کفشهایشان نیز همانست که پارسیان پیا میکرده‌اند ، فقط اختلافی که در لباس زنان با مردان وجود دارد ، ترتیبات پیش سینه و شکل یخمهی آنان است که در برخی‌ها زیکراک میباشد . طرح پیش سینه تا بخود یخه می‌پیوندد . « شکلهای ۷۶ - ۷۷ - ۷۸ - ۷۹ » .



(ش - ۱۲) قطعه فرش مکشوف در بازیریک مشتمل بر تصویر ملکه‌ها و بانوان ایران عهد هخامنشی
(نقل از مجله اخبار لندن شاره ۱۱ ژوئیه ۱۹۵۳)



(ش - ۱۷ -) نقش یک قطعه از تصاویر ملکه ها و بانو از ایران عهد هخامنشی بر روی قطعات فرش مکشوف دریاز بیریک (نقل از صفحه ۳۴۹ کتاب سابق الذکر آقای رودنگو)



- ٢٦ - شكل



شكل - ٤٧



شكل - ٢٨

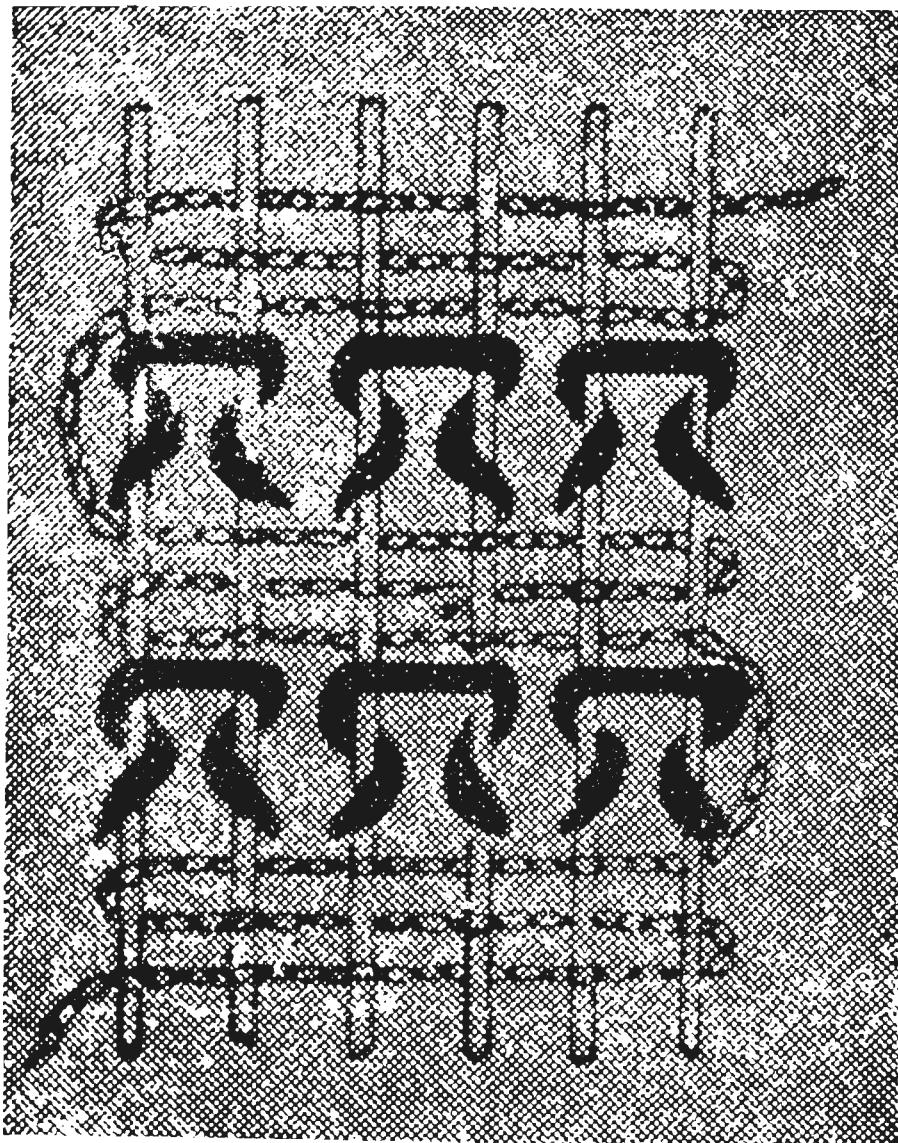


- ٧٩ -

بافندگی زنان قدیم ایران

موضوع بافندگی پارچه « یا بافندگی بطور کلی در ایران » مبحث شایان توجه است ، زیرا تن پوش از نیازمندیهای اولیه‌ی هر فرد است ، و در قدیم هر خانواده میباشد نیازمندیهای ضروری را تا حد امکان خود تهیه و تأمین کند ، ازینرو هر خانواده در خانه‌ی خود دستگاه بافندگی داشته است و در خانواده‌ها ، زنانی یافت نمیشده‌اند که از بافندگی سررشه نداشته باشند . (در قدیم « حتی امروزه هم » در شهرستانهای ایران اکثر خانواده‌ها بیافتن انواع پارچه و فرش‌های عالی مشغولند .) و اصولاً آشنائی بکار بافندگی از خصوصیات هنری بانوان ما و جزو عرضه و شخصیت هر زن ایرانی میباشد . اگر زنی با آن آشنائی نداشته باشد ، زن با هنر و خانه‌دار محسوب نشده و خواستار ندارد . در قدیم ، چنانکه دیدیم ، حتی ملکه آمیس‌تریس زن خشیارشا هم « با اینکه از همان اوان کودکی و فراگیری بافندگی شاید نیازی با آن نداشته » از نظر ارائه‌ی ذوق و نشانه‌ی کمال « که بانوئی با شخصیت و هنرمند است » با آن دست برده بوده و برای شاه نیز با دست خود پارچه باfte و لباس تهیه کرده بوده است . آیا میتوان تصور کرد کردار ملکه‌ها و زنان با شخصیت ایران قدیم برای بانوان ایرانی « که چون امروز امور متنوع نداشته‌اند » سرمشق نبوده ، و زنان برای پیروی از اعمال آمیس‌تریس‌ها و همچشمی در ابراز هنرمندی و تظاهر بکدبانوئی ، سعی در بافندگی نداشته‌اند ؟ « شکل ۸۰ » .

شاید روی همین اصل بوده باشد که پیشنهاد اسکندر مقدونی به سی‌سی گامبیس مادر داریوش سوم مبنی بر تقدیم بافندگانی برای تهیه‌ی پارچه‌های یونانی و آموختن اینکار بنوهایش « دختران داریوش » آنقدر گران آمده باشد که بگریه افتاده و اسکندر را وادار بر عایت اصول و رسوم عمومی کرده باشد :
کنت کورث میگوید (وقتی که اسکندر در شوش توقف داشت ، البسه



(ش - ۹) - طرز گره زدن قالیچه عهد هخامنشی
بنحویکه در صفحه ۳۵۵ کتاب «تمدن مردم
ناحیه کوهستانی آلتانی در عهد سکاها» تأثیف
رودنکو ۱. نشان داده شده است



The Battle of Alexander, section from the floor mosaic in the House of the Faun in Pompeii (probably c. 50 B.C., after a Greek prototype c. 300 B.C.)

از کتاب
Encyclopaedia of Art.

و پارچه‌های ارغوانی زیاد از مقدونیه برای او فرستادند ، و او پارچه‌ها را با زنهائی که آنرا بافته بودند نزد سی‌سی گامبیس مادر داریوش فرستاد . پیغام داد که اگر این لباسها پسند او باشد بنوه‌های خود این صنعت را بیاموزد و تعلیم دهد ، که این نوع لباس‌ها را بافته و ساخته هدیه کنند . ملکه همینکه این بشنید بگریه افتاد . فرستاد گان برگشته قضیه را باطلاع اسکندر رسانیدند و او نزد ملکه رفته چنین گفت : « مادر ، لباسی که من در بر دارم نه تنها هدیهٔ خواهران من است ، بل خود آنها ، این هدیه را بافته‌اند ، عادت ما ، مرا به اشتباه انداخت و تو نباید جهالت مرا حمل بر اهانت کنی ، تصور میکنم که اگر من از عادات ملت تو آگاه باشم ، از رعایت آن کوتاهی نکنم . مثلاً من میدانم که موافق عادات شما ، پسر نمی‌تواند در حضور مادرش بی‌اجازه بشنید و بنا بر این هر زمان که من نزد تو آمدہ‌ام پیش تو ایستاده‌ام تا تو بمن اشاره کرده‌ای بشنیتم) « کتاب - ۵ - بند - ۲ - جلد دوم ایران باستان صفحه‌ی ۱۴۰۸ - سطر - ۱۳ - » .



شکل - ۸۱ - میکویند صحنه‌ی جنگ داریوش سوم با اسکندر است

ارغوانی ، رنگ مرغوب و محبوب دوران قدیم .

موضوعی که در حین تحقیق و برخورد بچگونگیهای زندگانی مردم این زمان ایران ، اغلب ، نظر را متوجه خود میکند ، از میان انواع رنگها ، محبوبیت رنگ ارغوانی و امتیاز آن نسبت بدیگر رنگها است . زیرا نوشته‌اند که همیشه شاهان ایران هنگامیکه میخواسته اند با بهترین لباس خود تظاهرات شاهانه یا مذهبی کنند ، لباس ارغوانی می‌پوشیدند . مردم دیگر نیز برنگ ارغوانی با نظر آسمانی و تقدس می‌نگریستند . در داستان اسکندر و سی‌سی‌گامیس دیدیم که پارچه‌ی مرغوب تقدیمی یونانی ، ارغوانی بوده ، و تاریخ‌نویسان که در باره‌ی بهترین پارچه‌های شوش مطالبی نوشته‌اند از پارچه‌های ارغوانی سخن گفته‌اند ؛ و بالاخره از میان نوشته‌های تاریخ‌نویسان مستفاد میشود که از همان قدیم الایام نیز مردم ایران و اینیران نسبت برنگ ارغوانی کشش مخصوص داشته و آنرا محبوب‌ترین ، شاهانه‌ترین و مقدس‌ترین رنگها می‌شناخته‌اند .

*

گزنهون میگوید (روزی که کوروش به سان قشون مشغول بود رسولی نزد او آمده اطلاع داد که چون سفرائی از طرف هندیها نزد پادشاه ماد آمده‌اند ، او ، کوروش را میطلبید و تقاضا میکند که بیدرنگ ترد وی رود . رسول را مأمور کرده بودند لباس فاخری به کوروش بدهد که او با این لباس بقصر پادشاه درآید . کوروش دسته‌ای از قشون خود برداشته ترد کیاکسار رفت و چون پادشاه ماد او را در لباس ساده دید ایراد کرد که چرا لباس ارغوانی او را نپوشیده و این رفتار باعث سرافکندگی او در پیش سفرای هند خواهد شد . کوروش جواب داد « اگر لباس ارغوانی پوشیده طوق و یاره استعمال میکردم ، ولی دیر فرمان نورا بجای می‌آوردم آیا بهتر از آن بود که همین امروز با قشونی که حاضر است

اوامر تورا فوراً انجام داده آمدہام « کیا کسار را این جواب خوش آمد و امر کرد سفرای هند را داخل کنند) . « گرنفون - کتاب دوم فصل - ۴ - ایران باستان جلد اول صفحه‌ی ۳۰۷ - سطر - ۱۲ - » .

*

بعلاقه و اهمیت توجه مردم ایران برنگ ارغوانی از روی نوشه‌ی کنت کورث در باره‌ی حرکت داریوش سوم و سپاه ایران بهتر می‌شود بی‌برد . او می‌گوید : (. . . . پس از اینکه روشنائی روز همه‌جا را فرو گرفت ، شیپورچی‌ها ، شیپور حرکت را از بارگاه شاه دیدند . بالای این بارگاه صورت آفتاب را در قاب بلورین بقدرتی بلند نصب کرده بودند که همه میتوانستند آنرا مشاهده کنند . ترتیب حرکت چنین بود « پیشا پیش قشون در محرابهای سیمین آتشی می‌بردند که این مردمان آنرا جاویدان و مقدس میدانند . مغها که در اطراف آتش بودند ، سرودهای ملی میخوانندند . در پس مغها بعده روزهای سال - ۳۶۵ - نوجوان در لباسهای ارغوانی حرکت میکردند) . « کنت کورث کتاب - ۳ - بند - ۳ - جلد دوم ایران باستان صفحه‌ی ۱۲۹۵ - سطر - ۲۰ - » .

*

از قرار نوشه‌ی تورات ، لباس ارغوانی ، عالیترین نوع لباسی بوده که همیشه پادشاهان بصورت هدیه‌ی گرانقدر ، مقریین را با آن مفتخر میکرده‌اند . در باب پنجم از بند یک کتاب دانیال نوشه شده است : (. . . بشصّر پادشاه ضیافت عظیمی برای هزاران نفر از امرای خود برپا داشت و در حضور آن هزار نفر شراب نوشید . بشصّر در کیف شراب امر فرمود که ظروف طلا و نقره را که جّدش نبوکدنصر از هیکل اورشلیم برد بیاورند تا پادشاه و امرایش و زوجه‌ها و متعه‌هایش از آنها بنوشنند . آنگاه ظروف طلا را که از هیکل خانه

خدا که در اورشلیم است گرفته شده بود آوردند و پادشاه و امرايش و زوجهها و متعدهایش از آنها نوشیدند . شراب می‌نوشیدند و خدایان طلا و نقره و برنج و آهن و چوب و سنگ را تسبیح می‌خواندند . در همان ساعت انگشت‌های دست انسانی بیرون آمد و در برابر شمعدان بر گچ دیوار قصر پادشاه نوشته و پادشاه کف دست را که می‌نوشت دید . آنگاه هیئت پادشاه متغیر شد و فکرهایش اورا مضطرب ساخت و بندهای کمرش سست شده زانوهاش بهم می‌خورد . پادشاه با آواز بلند صدا زد که جادو گران و کلدانیان و منجمان را احضار نمایند ، پس پادشاه حکیمان بابل را خطاب کرده گفت هر که این نوشته را بخواند و تفسیرش را برای من بیان نماید به ارغوان ملبس خواهد شد و طوق زرین بر گردنش (نهاده خواهد شد) و حاکم سوم در مملکت خواهد بود . آنگاه جمیع حکمهای پادشاه داخل شدند اما نتوانستند نوشته را بخوانند یا تفسیرش را برای پادشاه بیان نمایند . پس بخشصّر پادشاه بسیار مضطرب شد و هیئت‌ش در او متغیر گردید و امرايش مضطرب شدند . اما ملکه بسب سخنان پادشاه و امرايش بهمانخانه درآمد و ملکه متکلم شده گفت ای پادشاه تا باید زنده باشی ، فکرهایت تو را مضطرب نسازد و هیئت تو متغیر نشود . شخصی در مملکت تو هست که روح خدایان قدوس دارد ، و در ایام پدرت روشنائی و فطانت و حکمت ، مثل حکمت خدایان در او پیدا شد و پدرت نبوکد نصر پادشاه یعنی پدر تو ای پادشاه اورا رئیس مجوسان و جادو گران و کلدانیان و منجمان ساخت . چونکه روح فاضل و معرفت و فطانت و تعبیر خوابها و حل معماها و گشودن عقده‌ها در این دانیال که پادشاه اورا به بلطuschّر مسمی نمود یافت شد . پس حال ، دانیال طلبیده شود و تفسیر را بیان خواهد نمود . آنگاه دانیال را بحضور پادشاه آوردند و پادشاه دانیال را خطاب کرده فرمود آیا تو همان دانیال از اسیران یهود هستی که پدرم پادشاه از یهودا آورده در باره تو شنیده‌ام که روح خدایان در تو است و روشنائی و فطانت و حکمت فاضل در تو پیدا شده است . و الان حکیمان و منجمان را بحضور من آورده‌ام تا این نوشته را

بخوانند و تفسیرش را برای من بیان کنند اما نتوانستند تفسیر کلام را بیان کنند و من در باره تو شنیده‌ام که بنمودن تعبیرها و گشودن عقده‌ها قادر می‌باشی. پس اگر بتوانی آن نوشه را بخوانی و تفسیرش را برای من بیان کنی بارگوان ملبس خواهی شد و طوق زرین بر گردفت (نهاده خواهد شد) و در مملکت حاکم سوم خواهی بود. پس دانیال بحضور پادشاه جواب داد و گفت عطایای تو از آن تو باشد و انعام خودرا بدیگری بده لکن نوشه را برای پادشاه خواهم خواند و تفسیرش را برای او بیان خواهم نمود. اما تو ای پادشاه، خدایتعالی بپرست نبوکد نصر « و از بند ۲۸ باب پنجم تا سر باب ششم » سلطنت تو تقسیم گشته و به مادیان و فارسیان بخشیده شده است. آنگاه بلشسر امر فرمود تا دانیال را بارگوان ملبس ساختند و طوق زرین بر گردنش (نهادند) و در باره‌اش ندا کردند که در مملکت حاکم سوم می‌باشد.

پوشائے جنگی پارسیان

گزنهون میگوید (وقتی که شاه برای شکار بیرون میآید و اینکار در هر چند ماه چند دفعه روی میدهد نصف پاسبانان را با خود بشکار میبرد . اشخاصی که همراه او میروند باید این اسلحه را دارا باشند : یک کمان ، یک ترکش ، شمشیری در غلاف یا یک تبر ، سپری که از ترکه بید بافته ، دو زوین برای اینکه یکی را انداخته ، دیگری را اگر لازم باشد بدست داشته باشند . اگر پارسی‌ها شکار را ورزش عمومی میدانند و اگر شاه در رأس شکارچیان چنانکه بجنگی رود حرکت میکند ، از این جهت است که او ، شکار را آموزگاه حقیقی

جنگ می پندارد « جلد اول ایران باستان صفحه‌ی - ۲۴۷ - سطر - ۱۳ - » .

*

چنین است طرز زندگانی نوجوانان و پس از آنکه ده سال بدينمنوال گذراندند در طبقه مردان داخل ميشوند . از وقتی که آنها از اين حال بiron شدند در مدت ۲۵ سال بتربيي که ذكر خواهيم کرد زندگانی ميکنند : اولاً آنها خودشان را برای مشاغلی که صاحبان آن باید از حيث عقل رشید باشند و سن ، نيروي آنان را زايل نکرده باشد باختيار کارگزاران دولت ميگذارند . اگر واقعاً لازم آيد که بجنگ بروند ، چنین کسان تير و زوين ندارند ، اسلحه آنها برای جنگ تن بتن است و با اين مقصود ، چنانکه پارسيها را مينمايند ، جوشني بر تن دارند ، سپری بدست چپ و شمشير يا ساطوري بدست راست . « گزفون ، جلد اول ایران باستان صفحه‌ی - ۲۴۸ - سطر - ۱۹ - » .

*

گزفون در موردي ديگر از سلاحهای پارسيان « که از چه جنسی ساخته ميشده است نام ميبرد : (کوروش پس از دعا خوانی غذا خورد ، بعد مراسم قرباني بجا آورده به اسب نشست و بقشون خود فرمان حرکت داد . اسلحه تمام سپاهيان مانند اسلحه کوروش بود . يعني قبای ارغوانی رنگ با زرهی بر تن و خودی با پر بسر داشتند . اسلحه تعرضی آنها عبارت بود : از شمشير و نيز زويني از چوب پِستنگ^۱ (غيرا) . اعضا و جوارح اسبان با سلاح دفاعي پوشیده بود . تفاوتی بين اسلحه سپاهيان و خود کوروش نبود . جز از اين حيث که اسلحه کوروش مانند آئينه می درخشيد ولی اسلحه سپاهيان مطلقاً بود « جلد اول

۱ - پستنگ = سجد (فرهنگ گياهي حسينعلی بهرامي) .

ایران باستان صفحه‌ی ۳۵۴ - سطر ۸۸ - بنقل از کتاب ۷ - فصل ۱ - گزنوون » .

*

سر پرسی‌سایکس ، بنقل از هرودوت توضیح بیشتری از لباس و سلاح

پارسیان میدهد :

(. . . اما ملبوس و اسلحه پارسی‌ها ، و آن بطوریکه از بیان مختصر هرودوت مستفاد میشود بشرح زیر میباشد : کلاه نرمی از نمد موسوم به تیاراس بر سر میگذاشتند و قبای الوان تنگ آستین داری در بر میکردند که در آن پولک‌هایی از آهن مثل فلس ماهی ترتیب داده بودند و در پا زیر جامه استعمال مینمودند و بجای سپرهای معمولی^۱ سپرهایی استعمال میکردند که بشکل سبد ساخته شده بود ، که زیر آن ترکش آویزان بوده است . نیزه‌های کوتاه و کمان‌های بزرگ و تیرهایی از نی داشتند . گذشته از این ، طرف راست روی شال کمر کارد یا خنجری هم آویزان میکردند) « سایکس جلد اول تاریخ ایران صفحه‌ی ۲۲۸ - سطر ۱۶ - » .

*

توضیحی از اوستد موجود است که در تأیید و تکمیل توضیحات هرودوت ، الگوی روشن‌تری از لباس و سلاح سپاهیان پارسی بدست میدهد : (. . . پس از بیمرگان ، بلندترین پایه را سربازان پیاده‌ی پارسی دارند که کلاه نمدین و سربند برسر و تنزیب آستین‌دار رنگارنگ (کیتونس) روی زره با پولک‌های آهنین و شلوار برتن . برای دفاع ، سپر بافته دارند . یک کمان درازی که ترکش آن پر از تیرهای نی است . یک نیزه‌ی کوتاه و یک شمشیر کوتاه که از کمر بندی

۱ - مقصود از سپرهای معمولی ، شاید همان سپرهای معمول و مخصوص هخامنشیان باشد .

روی ران آویخته است برای حمله همراه دارند « تاریخ شاهنشاهی هخامنشی صفحه‌ی ۳۲۳ - سطر - ۱۹ - » .

*

ضمناً در صفحه‌ی ۹۷ - سطر - ۷ - همین کتاب او مستد « موضوع الواح شوشی » نوشته شده است که : (لوحهای دیگر ، سیاههای از سازوبرگ سپاهیان میدهند ، در آنها از کمان چند تائی بشکل آسوری یاد شده ؛ زه برای کمان ، تیر و نی که از آن تیرها را می‌ساختند ، نیزه ، سپر و پوستهایی که با آنها سپرها را می‌پوشانیدند) .

*

با این ترتیب ، تاریخ نویسان با نوشهای خود برای هخامنشیان اسلحه‌ای که شامل : « تیر ، کمان ، ترکش ، تبر ، سپر ، شمشیر ، قمه ، زره ، جوشن ، کلاه خود با پر و برگستان برای اسب » می‌باشد معترفند . مدارک سنگی نیز مقداری از این اسلحه را واجد است . فقط آنچه تاریخ نویسان از آن نام نبرده‌اند کماندان است که از آن در تخت جمشید بفرآوانی ساخته شده است .

زره - جوشن

در مورد زره یا جوشن ، بر حسب لغت‌نامه‌ی برهان قاطع دو نوع تن پوش فلزی معرفی شده است . (جوشن سلاحی باشد غیر زره ، چه زره تمام از حلقه است و جوشن حلقه و تنگه‌ی آهن با هم باشد) ولی برخی‌ها جوشن را مغرب زره میدانند و بنابراین ، اختلافی میان ایندو قائل نیستند . بهرجهت این

زره یا جوشن از حیث اندازه و قد ممکن است چون نیم تنه کوتاه و یا چون قبا بلند باشد .

*

تاریخ نویسان در موارد بیشماری از چگونگی این تن پوش‌ها نوشته‌اند ولی متأسفانه در نقوش سنگی تخت جمشید نشانی از آنها نیست ، فقط بكمک این نوشته‌ها و استفاده از جوشن‌های دوره‌های بعد « زمان اشکانیان و ساسانیان » باید بچگونگی جوشن‌های این زمان پی برد .

*

گرنفون نوشته است که کوروش گفت : (. . . باید برای پارسی‌هائی که می‌آیند « آنها یکه در راهند » ، اسلحه ترتیب داد ، مانند اسلحه هم‌تیم‌ها ، یعنی جوشنی که سینه را پوشاند و سپری برای دست چپ و قمه یا شمشیری برای دست راست . با این اسلحه بجای اینکه از دور بجنگیم و تلفات ما بیشتر باشد حمله و جنگ تن بتن می‌کنیم و « جلد اول ایران باستان صفحه‌ی ۳۰۵ - سطر - ۹ - » .

*

در سطر - ۲۴ - همین صفحه ، گرنفون می‌گوید : (کوروش سربازان خود را بورزشای گوناگون مشغول داشت و با آنها آموخت که با جوشن و سپر و شمشیر مستقیماً بدشمن حمله کنند و تیر و زوین را از دست آنها گرفته گفت ، اگر می‌خواهید برای متحده‌ین خود مفید باشید باید جنگ تن بتن بکنید .

تاریخنویس مذکور « که میگویند در جنگ کوناکسا با کوروش دوم - که با اردشیر دوم میجنگیده - همراه بوده » مینویسد : (. . . ناگاه باتاگیاس یکی از معتمدین کوروش بتاخت در رسید و فریاد زد که شاه با قشون خود باحوال « حاضر جنگ » حرکت میکند و بزودی خواهد رسید . پس از شنیدن این خبر ، کوروش در حال از گردونه بزیر جست ، جوشن خودرا در بر کرده بر اسب نشست و فرمان داد که سپاهیان اسلحه بردارند) « گزنفون ، کتاب اول فصل - ۸ - جلد دوم ایران باستان صفحه‌ی ۱۰۱۴ - سطر - ۱۱ - » .

*

ایضاً در همین کتاب صفحه‌ی ۱۰۱۷ - سطر - ۱۸ - از قول گزنفون نوشته شده است : (. . . در این حال کوروش شاه را دید و چون نتوانست خودداری کند فریاد زد « من مرد را دیم » و زوینی بسینه او انداخت که از جوشن گذشته جراحی وارد کرد) .

پلوتارک گوید : وقتی که دو سیاه بهم افتادند ارته گرس رئیس کادوسی‌ها بکوروش برخورد باو چنین گفت : ای ظالمتر و دیوانه‌ترین مر « که نام کوروش - بهترین نام پارسی - را لکه‌دار کرده‌ای » برای چه سفر شومی این یونانی‌های پست را بخدمت خود در آورده‌ای ؟ برای اینکه ثروت پارسی‌ها را غارت کنند و کسی را که آقا و برادر تو است بکشی و حال آنکه او بیک میلیون مرد ، که از تو رشیدتراند فرمان میدهد . در حال ، این نکته بتو مسلم خواهد شد چه قبل از اینکه روی شاه را بهینی سرت بیاد فنا خواهد رفت این بگفت و زوینی بطرف کوروش پرتاب کرد که بسینه او آمد ، ولی بواسطه خوبی جوشن کوروش اثر نکرد و فقط اورا تکان داد . پس از آن ارته گرس چون اسب خود را بر گردانید کوروش پیکانی بطرف او انداخت که بگردن او آمد . « اردشیر بند - ۱۰ - جلد دوم ایران باستان صفحه‌ی ۱۰۲۰ - سطر - ۱۲ - » .

بنقل از کتربلایس، صفحه‌ی ۱۰۲۱ - ۲۲ - سطر - ۱۰۲۱ - جلد دوم ایران باستان نوشته شده است که : (. . . بعد کوروش زوینی بطرف شاه انداخت که جوشن اورا دریده بقدر دو انگشت در سینه‌اش فرو رفت و از اسب افتاد) . در صفحه‌ی ۱۰۲۲ - همین کتاب سطر - ۱۷ - نوشته شده است : (. . . در این حال چند نفر از اهالی کن Caune واقع در کاریه که از مردم فقیر و پست بودند کوروش را از دوستان خود شمرده « یعنی از طرفداران اردشیر دانسته » داخل جرگه آنها شدند، ولی از جوشن سرخ رنگ آنها دریافتند که اینها از طرفداران شاه نیستند، چه سپاهیان شاه جوشن سفید در بر^۱ داشتند) .

*

تا اينجا، نوشته‌های تاریخ نویسان در تأیيد وجود جوشن در زمان هخامنشیان بود، ولی، اينکه در اين جوشن‌ها چه شکل حلقه و آهن بکار ميرفته است، برخی‌ها مطالبی دارند :

(سترابون می‌نويسد « زره از حلقه‌های آهن ساخته شده است . صفحه‌ی ۱۵۴۵ - سطر - ۱۰ - ایران باستان جلد دوم ») .

.....

۱ - با در نظر گرفتن جمله‌ی اخير کتربلایس « که گرنفون نيز آنرا بطریقی دیگر تأیید میکند » استنباط میشود که اولاً پارسیان برای استفاده از زره ناگزیر از پوشیدن لباس آستین‌دار مادی بوده‌اند « زیرا بالاپوش پارسی برای اينکه زره روی آن پوشیده شود چون مانند شنل است مناسب نبوده است » و در ثانی اگر لباس‌های زیر زره را رنگارنگ می‌گفته‌اند برای اين بوده که رنگ در گیرودار جنگ برای تشخيص دوست و دشمن ازهم، بهترین وسیله میباشد « خاصه اگر بقول گرنفون روی جوشن‌ها را نيز رنگ میکرده باشد » .

(در کتاب ایران باستان جلد دوم صفحه‌ی ۱۰۱۴ - ۲۲ - بنقل از گرنفون نوشته شده است : وقتی که قشون اردشیر « دوم » نزدیک شد، چشم از برق اسلحه فلزی خيره میگشت و بخوبی صفووف سپاه و زوینهای سپاهیان دیده میشد. در طرف چپ دسته‌هائی از سواره نظام بود که جوشن‌های سفید در بر داشت) .

هرودوت می‌نویسد : (قبای آستین‌دار رنگارنگ در بر ، زرهی که حلقه‌های آهنین آن بفلس‌های ماهی شباهت داشت برتن ، شلواری که ساق‌ها را می‌پوشید در پا داشتند) « جلد اول ایران باستان صفحه‌ی - ۷۳۰ - سطر - ۵ - » .

او مستد همین زره یا جوشن را بطریقی روشن‌تر توضیح میدهد ، او می‌نویسد : « پس از بیمرگان بلندترین پایه را سربازان پیاده‌ی پارسی دارند که کلاه نمدین و سربند برسر ، و تنزیب آستین‌دار رنگارنگ (کیتونس) روی زره با پولک‌های آهنی و شلوار بر تن دارند . تاریخ شاهنشاهی هخامنشی صفحه‌ی - ۳۲۳ - سطر - ۱۹ - سپاهیان شهرستانی » .

*

با این توصیف ، در هیچ‌جا از نوشه‌های تاریخ نویسان ، بوجه روشن ذکری نیست که سپاهیان پارسی دارای شلوار زرهی بوده‌اند یا نه ؛ ولی در وصف عمومی نوشه‌های سپاهیان پارسی غرق آهن و پولاد بوده‌اند (البته مردمی که همه‌گونه پوشش جنگی و برگستان برای اسبان خود بکار می‌برده‌اند ، باینهم توجه داشته‌اند که شلواری نیز از زره برای حفاظت کامل سپاهیان الزام‌آور است .

*

بنقل از گزنفون در جلد اول ایران باستان نوشته شده است که : (عرابه‌ران باستثنای دو چشم از سر تا پا مسلح است) ایضاً بنقل از او نوشته است : (... اسلحه تعرضی آنها عبارت بود از شمشیر و نیز زوینی از چوب پستنگ « غبیرا » اعضاء و جوارح اسبان با سلاح دفاعی پوشیده بود) و در جائی دیگر « جلد اول ایران باستان صفحه‌ی - ۳۴۵ - سطر - ۵ - » بنقل از گزنفون نوشته است : (... پس از چندی آبراداتاس دریافت که کوروش عربه‌های

دادار و اسبهای زره پوش را می‌پسندد). و بنقل از گز نفوون در جلد اول ایران باستان صفحه‌ی ۳۵۲ - سطر - ۴ - ایضاً مطلبی جامعتر نوشته شده است: (روز دیگر صبح کوروش مراسم قربانی بجا آورده و سپاهیان او پس از صرف غذا، قباهای و جوشن‌های زیبا در بر کرده کلاه‌خودهای قشنگ بر سر گذارند. باسبها غاشیه^۱ پوشانده کفل آنها را زره‌پوش کردند. پهلوهای ارابه‌ها هم زره‌پوش بود. تمام سپاه از آهن و مفرغ میدرخشید).

*

شکل - ۸۲ - یک سپاهی زره پوشیده‌ی هخامنشی بر حسب دریافت از روی نوشهای تاریخ نویسان.

*

شکل - ۸۳ - یک سواره نظام زره‌پوشیده‌ی پارسی بر حسب دریافت از روی نوشهای تاریخ نویسان و نقش فرش عهد هخامنشی.

*

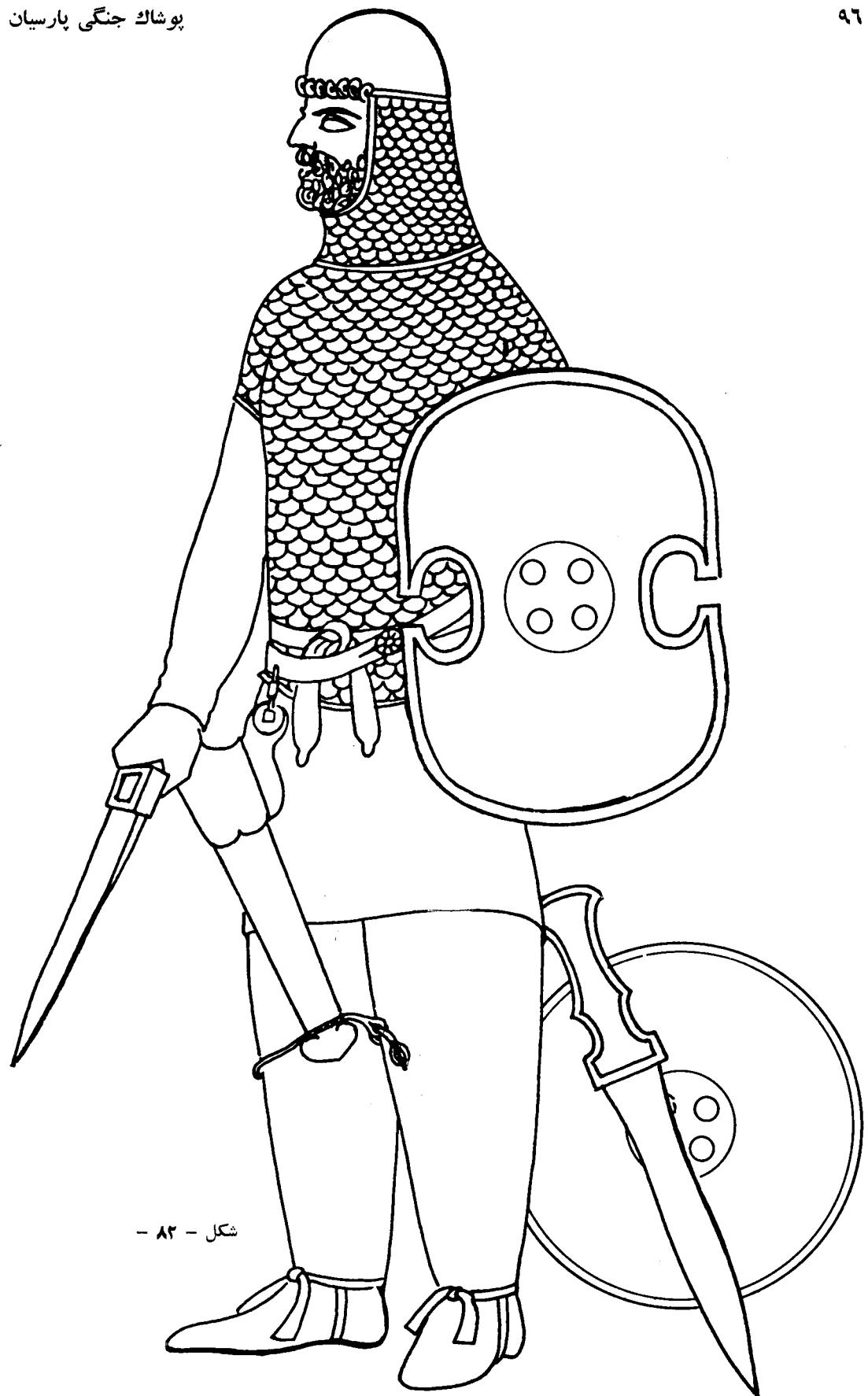
شکل - ۸۴ - نقش یکی از سواران که بر حاشیه‌ی فرش عهد هخامنشی بافته شده است.

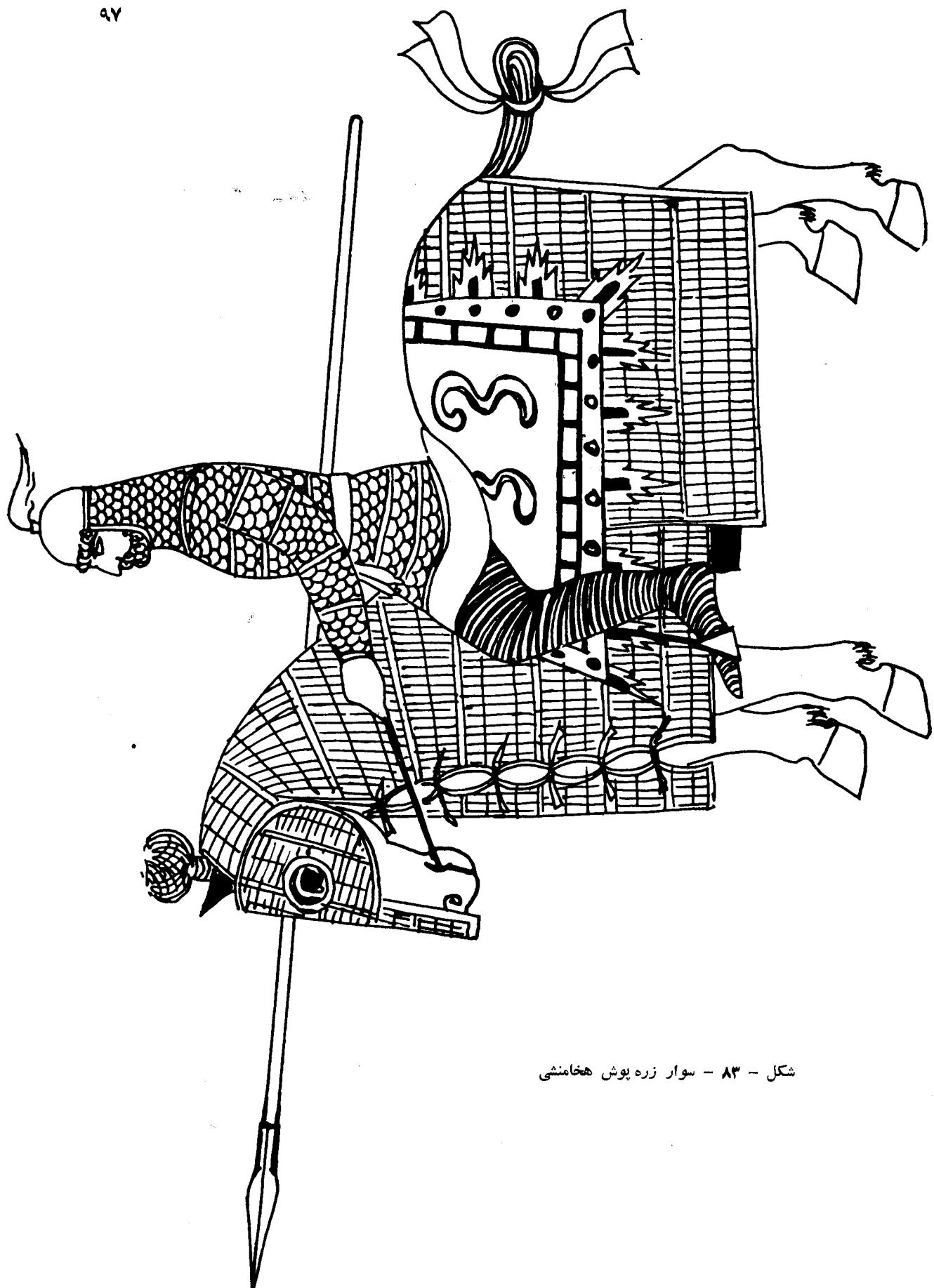
*

شکل - ۸۵ - یکنفر پارسی بَرَسْم^۲ بدست حامل قمه‌ی مادی.

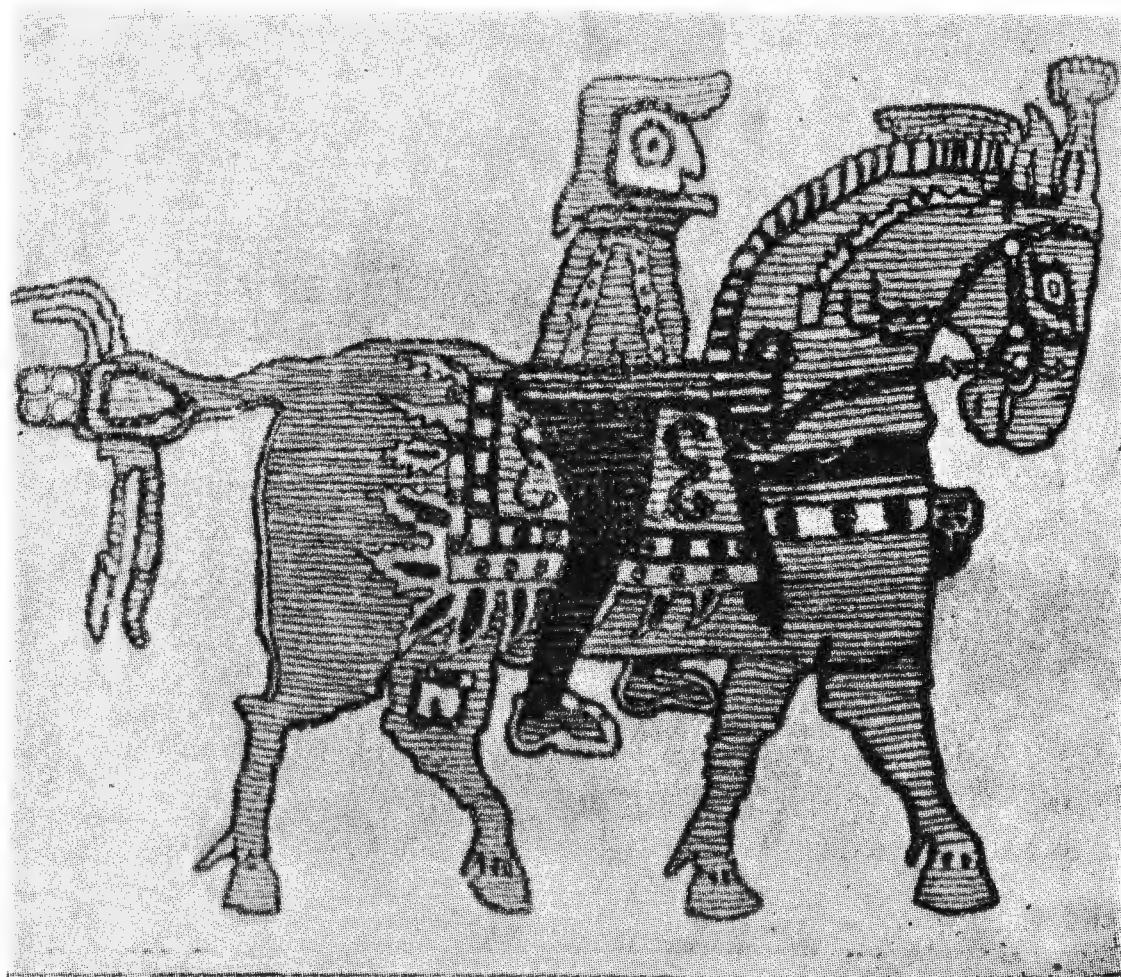
۱ - غاشیه = زین‌پوش (فرهنگ آن دراج).

۲ - بَرَسْم = ترکهای گز بهم پیوسته (فرهنگ بهدینان).





شکل - ۸۳ - سوار زره پوش هخامنشی



• (ش - ۱۰) نقش یکی از سواران در حاشیه فرش عهد هخامنشی بتحولیکه در صفحه ۲۵۴ کتاب «تمدن ناحیه کوهستانی آلتانی در عهد سکاها» تالیف ا. رودنکو نشان داده شده است

- ۸۴ -

عرا بهای جنگی هخامنشیان

بر عکس زره « که نشانه ای از آنها بر نقوش سنگی نیست » نمونه هایی از عرا بهای مختلف شکاری و جنگی در دست است ، از قبیل :



شکل - ۸۵ - یکنفر پارسی بَرْسَمْ بدست

۱ - شکار شیر با عрабه ، که روی مُهر هخامنشی کنده شده است .

« شکل ۵۲ ». .

۲ - شکار گوزن با عрабه ، نقش روی کوزه‌ی موجود در موزه‌ی

هرمیتاژ « شکل ۸۶ ». .



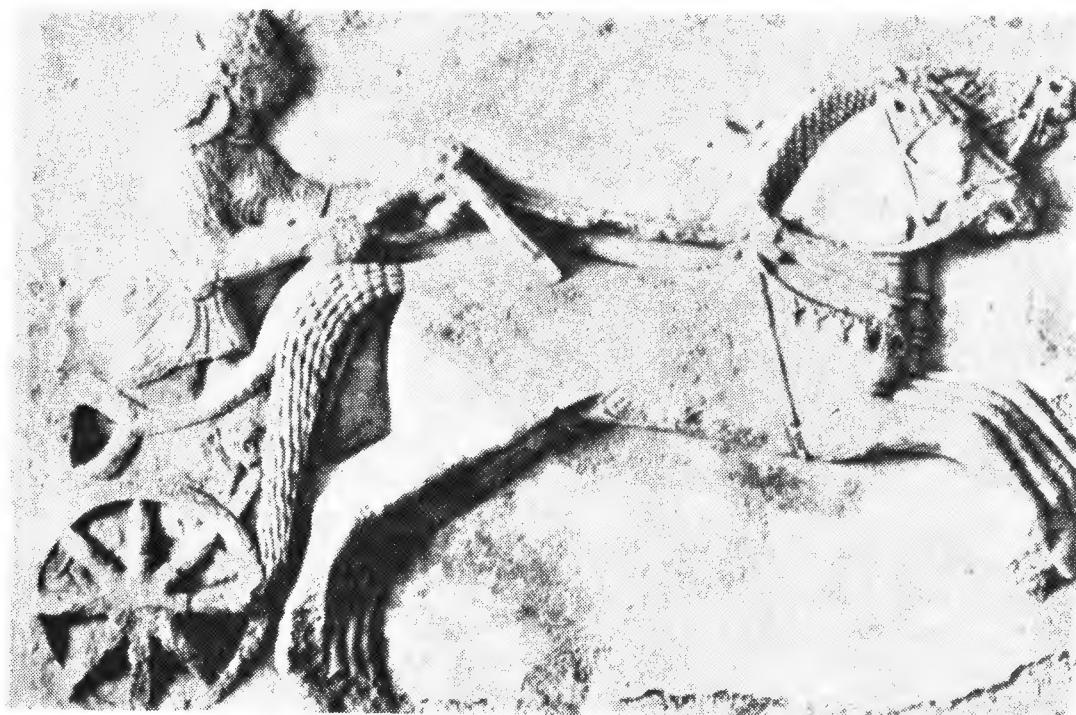
شکل - ۸۶ -

۳- عربه‌سوار شلاق بدست، نقشی بر جسته از عهد پارسیان «شکل ۸۷» .

۴- عربه‌های نیمه زره‌پوش ساخته بر تخت جمشید «شکل ۸۸» .

*

در باره‌ی چگونگی این عربه‌ها در جلد اول ایران باستان بنقل از گزنفون مطالبی نسبت^۱ مفصل دارد. گزنفون میگوید: (طرز استعمال عربه‌ها تا آترمان موافق معمول اهالی تررووا بود و این طرز اکنون هم در نزد اهالی «سیرن» متدائل است. مادیها، سریانی‌ها، اعراب و سایر مردمان آسیا نیز تا آترمان باین طرز عربه‌ها را بکار می‌انداختند) «در صفحه‌ی ۳۴۲- سطر ۳- » ایضاً نوشته شده است: (کوروش فهمید که پادشاه آسور میخواهد دشمنی جدید برای



شکل - ۸۷ - یک عрабهی چرخ کوتاه از عهد پارسیان

او تدارک کند و چون احتمال جنگ را قوی میدید بتکمیل قوای خود پرداخت .
توضیح آنکه اسبهایی از اسراء و دوستان خود گرفته بر عده سوار نظام پارسی
افزود و عرابهای زیاد بهر وسیله که می توانست بدست آورد .

.

کوروش دید که قسمت زبدۀ قشون را روی عرابه‌ها می‌نشانند و آنها را برای
زد خوردهای بی‌اهمیت بکار برده در موقع عمدۀ جدال ، از وجودشان نتیجه
نمی‌گیرند .

.

این بود که کوروش استعمال چنین عرابههایی را موقوف کرد و عرابههایی ساخت
که برای جنگ مناسبتر بود : چرخهای این عرابه‌ها قوی‌تر است و بنا بر این
احتمال شکستن آنها کمتر ، محور دراز است زیرا هر قدر وسعت چیزی بیشتر



شکل - ۸۸ - عرابی نیمه زره‌پوش هخامنشی

بашد ، احتمال واژگون شدنش کمتر است . نشیمن (جای عرابه‌ران) از چوبی است ضخیم و بشکل برجی بلند می‌شود . ولی عرابه‌ران را بالاتر از آرنج نمی‌پوشد ، تا او در اداره کردن اسبها آزاد باشد . عرابه‌ران به استثنای دو چشم از سر تا پا مسلح است . در دو انتهای محور ، دو داس آهنین بعرض دو آرش جا داده‌اند . دو داس دیگر در زیر قرار گرفته و نوک تیز آنها ، که بطرف زمین است باید در وقت جنگ بسپاهیان برخورده تن آنها را سوراخ کند « شکل ۸۹ » این اختراع جدید کوروش حالا هم در ممالکی که مطیع شاهان پارس‌اند ، استعمال می‌شود) .

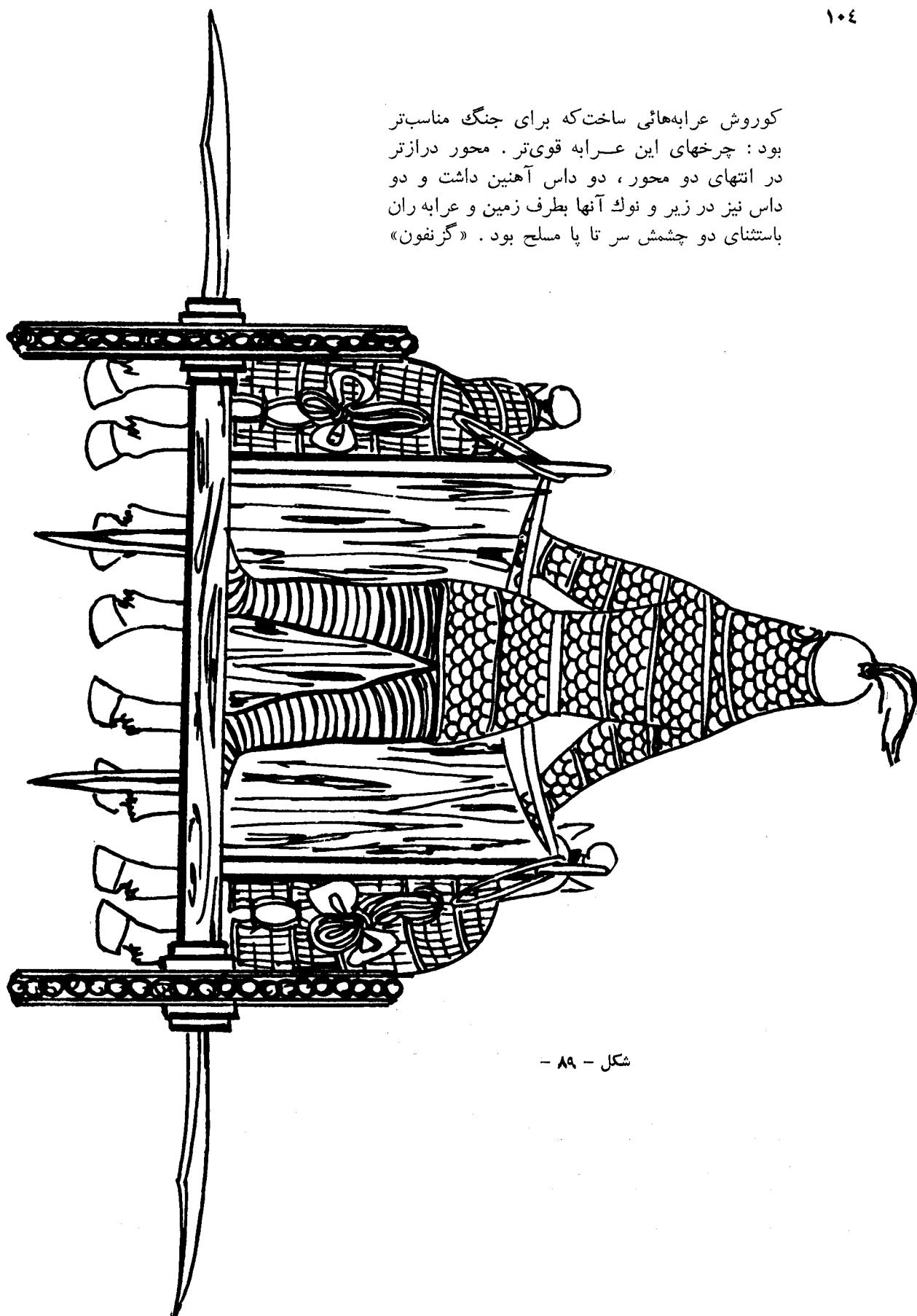
*

گزنفون در مورد سپاهیان کوروش دوم « که با اردشیر دوم می‌جنگید » نوشته است : (سپاه ایرانی کوروش مرکب بود از صدهزار نفر و بیست ارباب داس‌دار) « صفحه‌ی ۲۲ - سطر - ۱۰۱۲ - جلد دوم ایران باستان » و در صفحه‌ی ۶ - سطر - ۱۰۱۵ - همین کتاب ، در مورد وضع جنگی اردشیر دوم نسبت بکوروش دوم ، نوشته است : (در پیش‌پیش قشون اربابهای مسلح بداس ، یکی بفاصله زیاد از دیگری حرکت می‌کرد . داس‌ها را بمحور بسته بودند . بعضی داسها در طرفین اربابه و برخی در زیر آن بودند) .

اختراع دیگر کوروش

پس از چندی آبراداتاس دریافت که کوروش اربابهای داسدار و اسبهای زره پوش را خیلی می‌پسندد . بر اثر آن صد عرباب داسدار بساخت ، اسبهای این عربابها را از سواره نظام خود انتخاب کرد و خودش بر عربابی سوار شد که

کوروش عرابههای ساخت که برای جنگ مناسب‌تر بود : چرخهای این عرابه قوی‌تر . محور درازتر در انتهای دو محور ، دو داس آهینه داشت و دو داس نیز در زیر و نوک آنها بطرف زمین و عرابه ران باستثنای دو چشم سر تا پا مسلح بود . « گرنفون »



- ۸۹ -

دارای چهار مالبند و هشت اسب بود . وقتی که کوروش این عرابه را دید در نظرش مجسم شد که میتوان عده مالبندها را هشت کرد ، هشت جفت گاو باین مالبندها بست و این قوه برای کشیدن بر جی که با چرخها دارای - ۱۸ - پا ارتفاع باشد کافی است . کوروش پیش‌بینی کرد که چنین بر جها را ۱۱۳ گر در پس صف وادارد برای افواج او کمکی بزرگ و برای دشمن باعث آسیب زیاد خواهد بود . بعد او در این بر جها دالانهائی تنگ و کنگره‌هائی بساخت و در هر برج بیست نفر جا داد . چون بر جها حاضر شد کوروش آنها را برآه انداخت و معلوم گشت که راه انداختن این ماشین با هشت جفت گاو سهولت‌تر و راحت‌تر از حرکت دادن عرابه کوچکی است که برای بنه بکار می‌رود . (گزنهون - کتاب - ۶ - فصل - ۱ - صفحه‌ی ۳۴۵ - سطر - ۴ - از جلد اول ایران باستان) .

سپرهای هخامنشی

در باره‌ی سپرهای این زمان ، اغلب تاریخ نویسان نوشته‌اند که از ترکه‌های بید بافته می‌شده و روی آنرا با چرم می‌پوشانیده‌اند . او مستد ، در مبحث « الواح شوشی » می‌گوید : (لوحهای دیگر سیاهه‌ای از سازوبرگ سپاهیان میدهند . در آنها از کمان چندتائی بشکل آسوری یاد شده ؛ زه برای کمان ، تیر و نی که از آن تیرها را می‌ساختند ، نیزه ، سپر و پوست‌هائی که با آنها سپر را می‌پوشانیدند) « تاریخ شاهنشاهی هخامنشی صفحه‌ی ۹۷ - سطر - ۷ - » .

*

هروdot ، نوشته است که پارسیان بجای سپرهای معمولی ، سپرهای

استعمال میکرده‌اند که بـشـکـل سـبـد سـاـخـتـه شـدـه بـوـدـه است .

*

سترابون میگوید : (جوانان پارسی ، سپرهای لوزی داشتند) .

*

او مستد از نوعی سپرهای سبد بافت چهارگوش مادی سخن میگوید .

*

بهـرـحال ، آـنـچـه تـارـيـخ نـوـيـسان نـوـشـتـهـاـنـدـهـيـچـكـدـامـ بهـصـراـحتـ ، شـباـهـتـ بـآـنـچـهـ درـنقـوشـ سنـگـیـ تـختـ جـمـشـیدـ مـوـجـودـ استـ ، نـدارـدـ مـگـرـ اـزـ آـنـ هـرـوـدـوـتـ «ـ كـهـ سـپـرـ سـبـدـيـ مـذـکـورـهـيـ اوـ درـ دـسـتـ سـپـاهـيـانـ تـابـعـ پـارـسـيـانـ مـيـباـشـدـ»ـ .

*

سـپـرـیـ رـاـ هـمـ كـهـ كـسـاتـتوـسـ حـجـارـ ، بـرـ روـیـ سنـگـ بـرـایـ مرـدانـ باـصـطـلاحـ پـارـسـیـ سـاـخـتـهـ استـ ، هـمـانـ سـپـرـیـ استـ كـهـ مـرـدانـ يـوـنـانـیـ بـرـهـنـهـ بـدـسـتـ دـارـنـدـ وـ اـزـ آـنـ نوعـ سـپـرـ ، نـشـانـهـاـیـ درـ تـختـ جـمـشـیدـ نـیـسـتـ «ـ شـکـلـ ـ ٩ـ٠ـ ـ »ـ . وـلـیـ آـنـچـهـ مـلـاـكـ تـشـخـيـصـ وـ پـذـيرـشـ اـسـتـ مـدارـكـ مـوـجـودـ درـ تـختـ جـمـشـیدـ وـ مـدارـكـ زـنـدـهـيـ دـيـگـرـ استـ . اـزـ روـیـ اـيـنـ مـدارـكـ ، بـسـهـ نوعـ سـپـرـ سـرـبـازـانـ پـارـسـيـ ياـ هـخـامـنـشـيـ بـرـ مـيـخـورـيـمـ :

۱ - نوعی است سبدی و گرد « شکل - ۹۱ - » .

۲ - نوعی دیگر، سپر بیضی شکل است و در دو پهلوی خود دو سوراخ دارد و هر سوراخ به سمت بیرون سپر راه دارد و از لای آن دشمن را می‌دیدند .
« شکل - ۹۲ - » :



شکل - ۹۰ - نقل از تاریخ
ایران « سایکس »



شکل - ۹۱ - سپرهای
سبدی هخامنشی

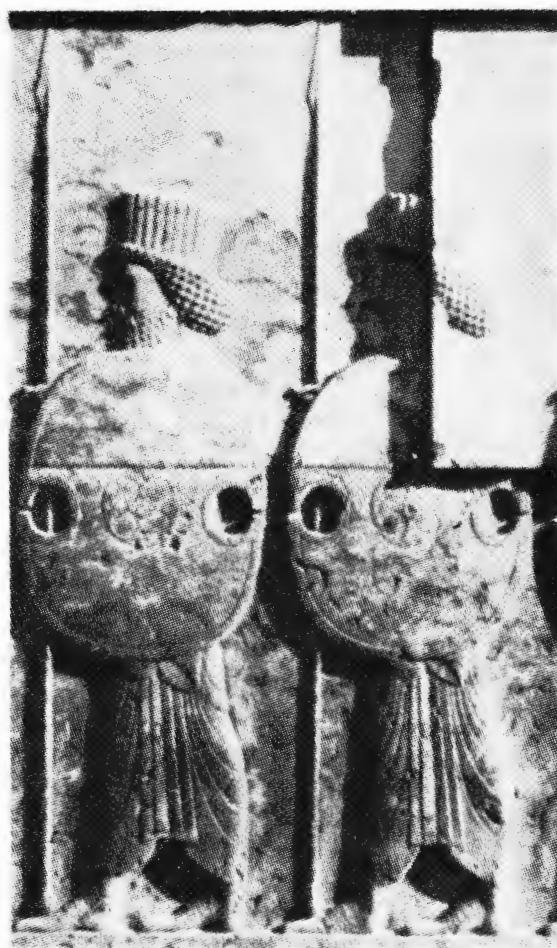


شکل - ۹۳ - سپرهای معمولی هخامنشی

این نوع سپر ، بفراوانی در تخت‌جمشید ساخته شده و از نوع معمول و مخصوص هخامنشیان است و عجیب است که تاریخ نویسان از این نوع سپر یا مشابه آن تذکری نداده‌اند . این سپرهای گاهی ترئیناتی بر گردآگرد و همچنین در وسط خود دارند « شکل - ۹۳ - » .

*

۳ - نوع سوم ، سپرهای قدی هستند که می‌گویند از ترکه‌های بید ساخته



شکل - ۹۳ - سپر هخامنشی

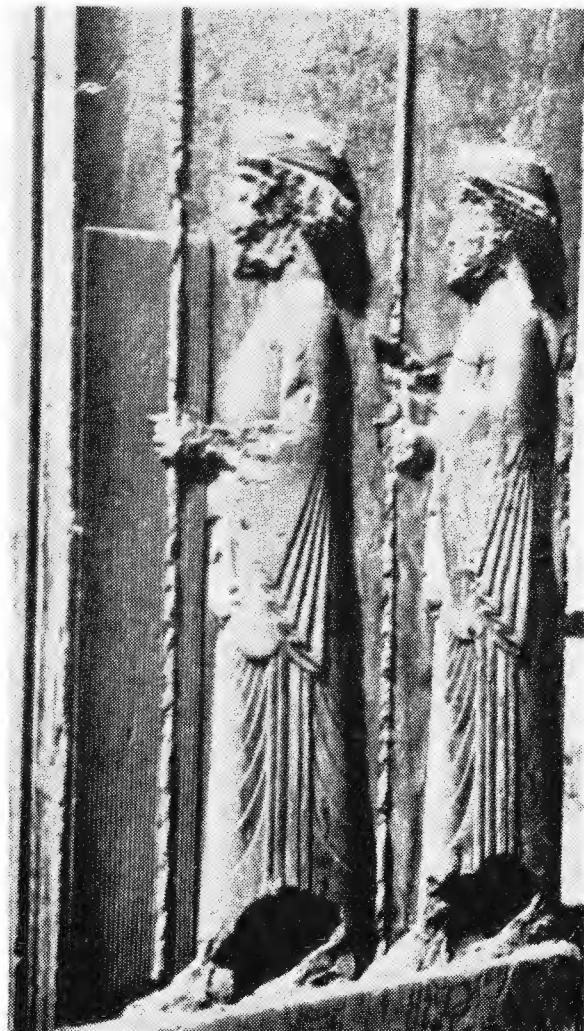
میشده است « شکل - ۹۴ و ۹۵ ». از این نوع سپرهای نمونه‌هایی در پازیریک سیبری کشف شده است که دارای بافت‌های منقوش است « شکلهای - ۹۶ - ۹۷ - ۹۸ ». »

تیردانهای هخامنشی

از تیردانها یا ترکش‌های پارسی - هخامنشی تاریخ نویسان فقط نام



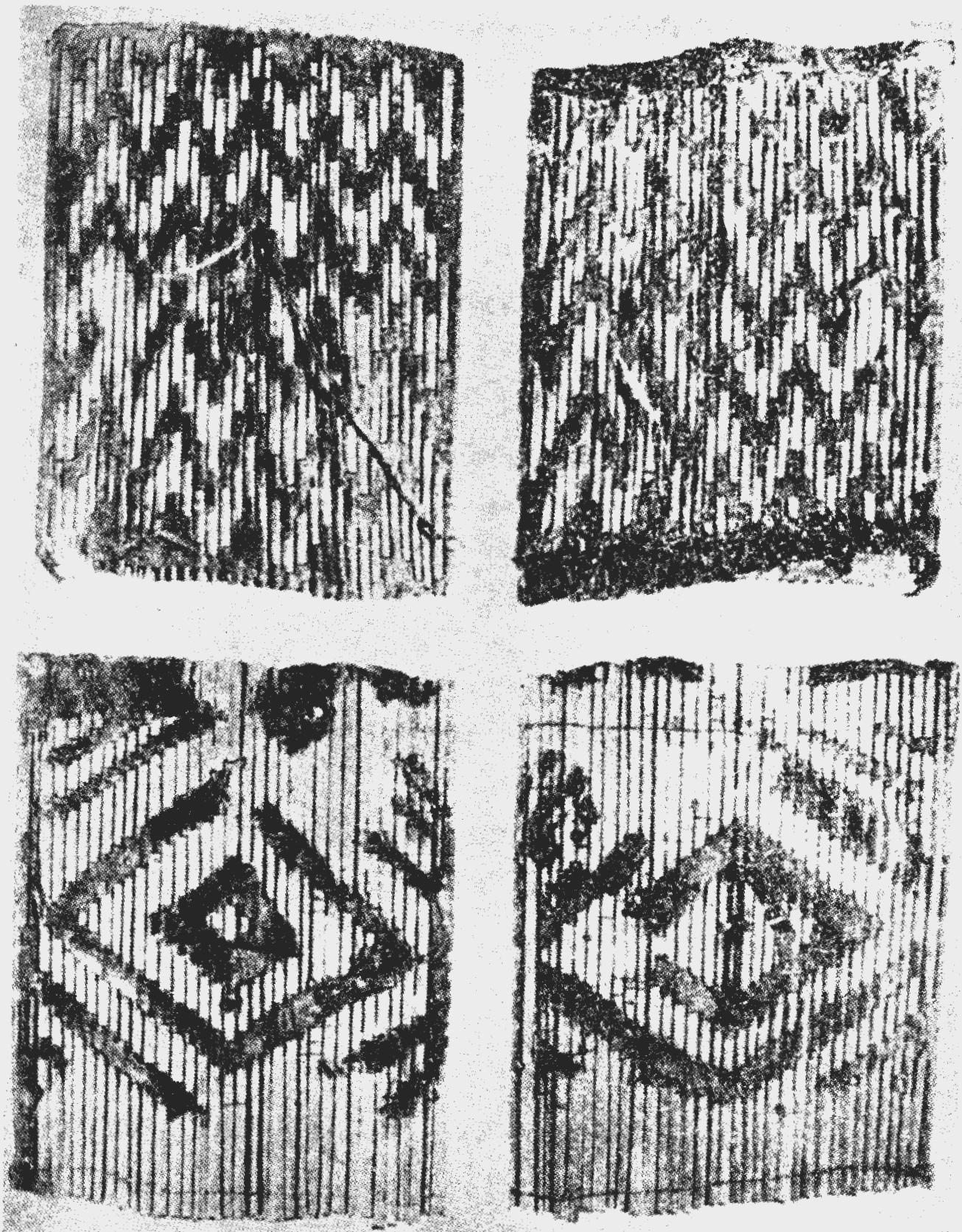
شکل - ۹۵ - سپر قدی



شکل - ۹۴ - سپر قنی هخامنشی

برده‌اند و درباره‌ی چگونگی آن چیزی ننوشته‌اند. ولی از آنها تاکنون بدوسکل دیده شده است: نوعی از آنها بر سنگهای تخت‌جمشید تراشیده شده و نوعی دیگر از نقوش کاشی لعابدار شوش باقیمانده است.

۱ - نوع اول: بشکل هرم ناقص، بلند و چهاربر با روکش چرمی است که قاعده‌ی بزرگ آن در بالا و کوچکش در پائین است «شکل - ۹۹ -» این تیردان بوسیله‌ی تسمه‌ای چرمی که بقسمت بالا و پائین آن پیوند است روی



(ش - ۳۰) - قطعات سپر عهد هخامنشی مکشوف در پازیریک (نقل از صفحه تصاویر
شماره ۸۷ کتاب سابق الذکر آقای رودنسکو)

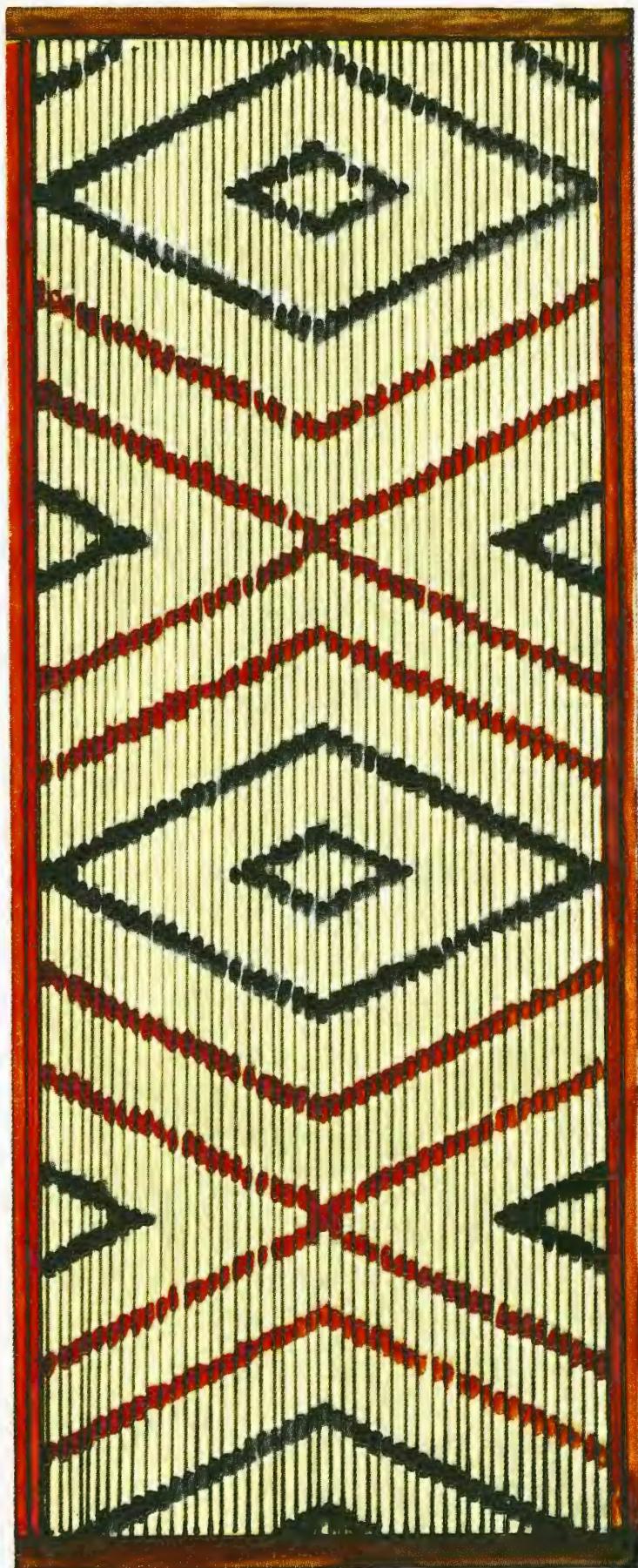


شکل - ۹۹ - تیردان هخامنشی

دوش چپ افکنده و آویخته میشود . بعلاوه ، برای قشنگی ، رشتههائی از گردنه‌ی ترکش در دو مرحله‌ی سه‌تائی آویخته است . ضمناً ، این نوع تیردانها دری دارند که بوسیله‌ی زبانه‌ای چرمی « در جای از نیمه پیائین تیردان » « گل گره زده میشود .

*

۲ - تیردان نوع دوم : تیردانهای هرمی گرد میباشند ، و نقوشی بشکل

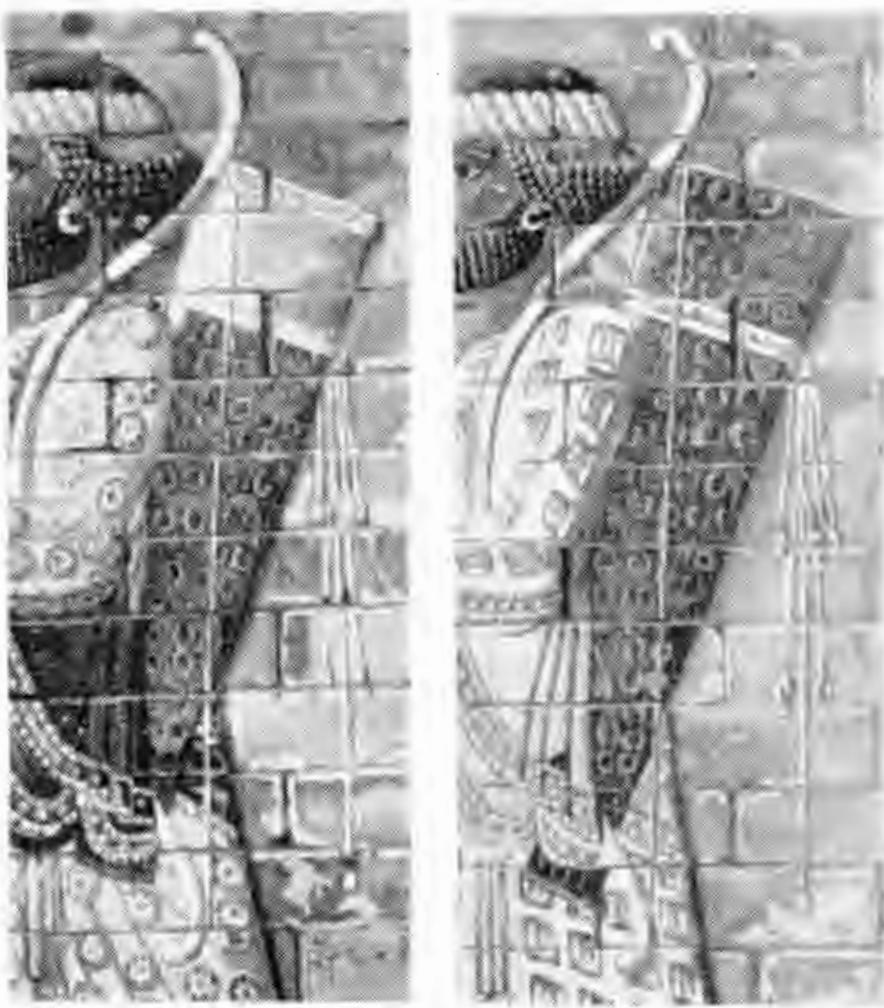


شکل - ۹۷ - سیر قدی عهد هخامنشی از روی یافته‌های
آنعهد در پازیریک



شکل - ۹۸ - سپر قدی عهد هخامنشی از روی یافته‌های
آنعهد در بازیریک

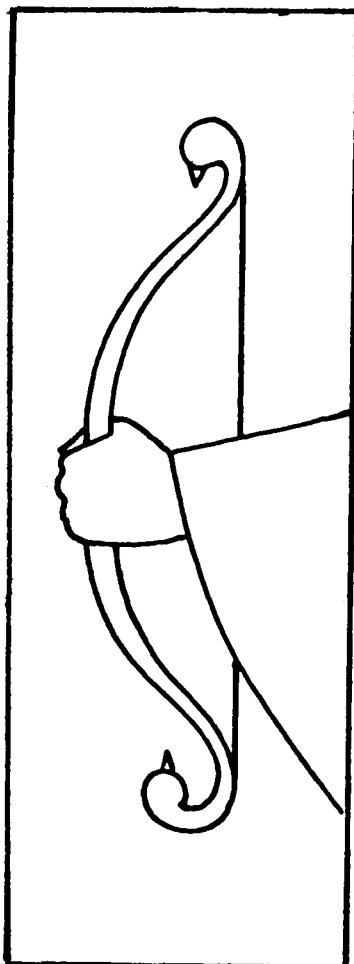
لوبیای مقابله با رنگهای آبی - سبز کمرنگ، بر روی آنها نقش کرده‌اند. این تیردانها مانند نوع اول، رشته‌هائی در سه مرحله‌ی چهارتائی، سه‌تائی و یک‌تائی بخود آویخته دارند « شکلهای ۱۰۰ و ۱۰۱ ». .



شکل - ۱۰۰ و ۱۰۱ - تیردانهای شوشی

در فاصله‌ی یک‌چهارم از بالا، پهنای گردنه‌ی تیردان هاست که یکی دارای زمینه‌ی آبی - سبز و دو حاشیه‌ی زیکراک سفید و سبز - آبی است، و دیگری دارای زمینه‌ی قهوه‌ای و در پائین یک باریکه حاشیه‌ی زیکراک سفید و سبز - آبی

میباشد . این تیردانها در زیر تسمه‌ی محل دوش ، از جنس پارچه‌ی پنبه‌دوزی شده یا چیزی مانند آن دارند که تحمل سنگینی تیردان را برداش آسان و آنرا سبکبار میکند . برای این نوع ترکش‌ها دری تشخیص داده نشد ، و اگر همچنان گرد و رو باز و بدون در باشند ، شاید دنباله‌ی تیرها از آنمیان دیده میشد ولی از آنهم چیزی بنظر نرسید (میشود احتمال داد که تیر نسبت به تیردان کوتاهتر بوده است ، یا ، دری بر آنها « مانند در قوطی‌های گرد » در محل حاشیه‌ی زیکزاکی پائینی جرم شده تصور کرد که نشان دادن آن از نظر فنی در آنzman خالی از اشکال نبوده است .



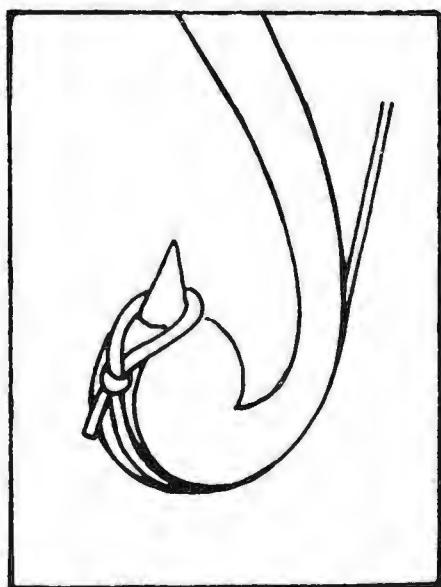
شکل - ۱۰۳ - کمان هخامنشی

کمانهای هخامنشی

کمان ایندوره صورتی ساده داشته است « شکل - ۱۰۲ - ». در دو سر آن روی گردیها ، نوکی تیز از آهن تعییه شده بوده است که حلقه‌های زه ، بآن بند میشده و در محل شکاف پشت گردی ، جا میگرفته است ، « شکل - ۱۰۳ - ». کمان را نیز مانند ترکش بر دوش چپ می‌افکنده‌اند ، و برای اینکه در محل خود ایستاده نلغزد بر سمت چپ سینه روی پیراهن ، بندی را می‌دوخته‌اند و با دوسر آزاد آن بند در موقع لزوم کمر کمان را با آن گل گره میزده‌اند . این بند را نقوش

کاشی لعابدار شوش بر روی سینه بیمرگان
شوشی بروشنى نشان می‌دهند « شکل

. « - ۵۶ -



شکل - ۱۰۳ - سر کمان

شکل - ۱۰۴ - کماندان هخامنشی



کماندان هخامنشی

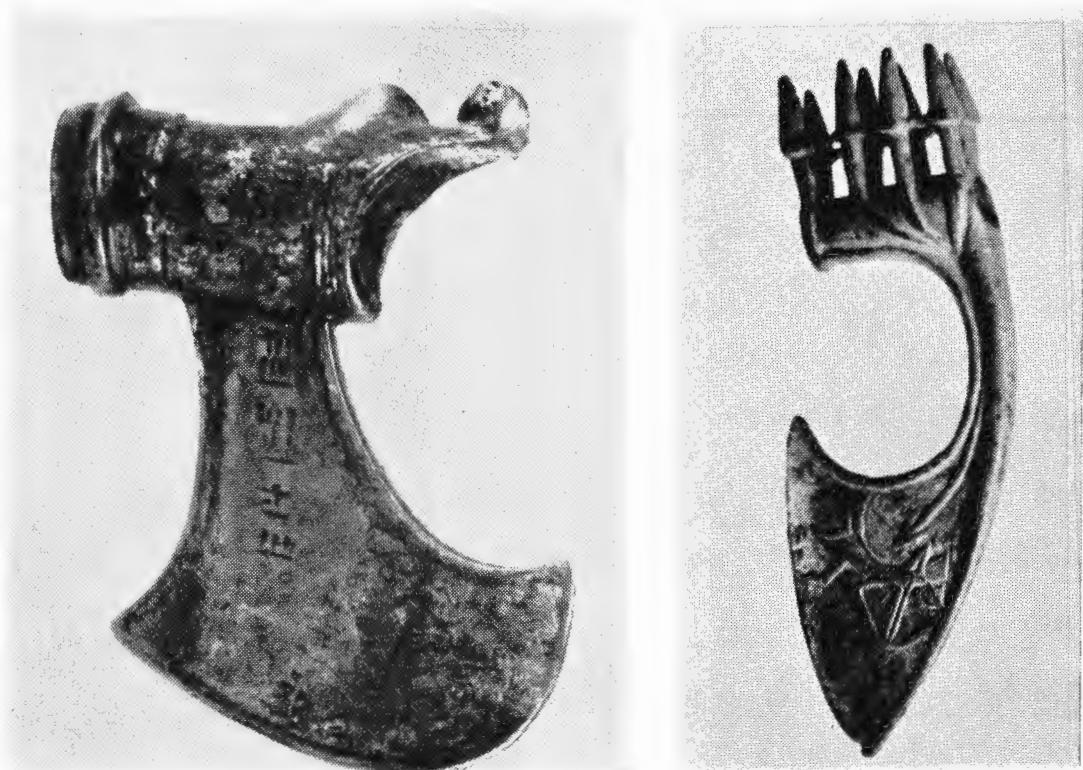
کماندان ، رزم افزاری است که
تاریخ نویسان اصلاً از آن ذکری نکرده‌اند
ولی مورد استفاده‌ی مادیان و پارسیان
هردو ، بوده و بر سنگهای تخت جمشید
به فراوانی از آنها ساخته‌اند . « شکل

. « - ۱۰۴ -

پارسیان ، کماندان را در جلوی
بدن و از گرهی کمربند می‌آویخته‌اند .

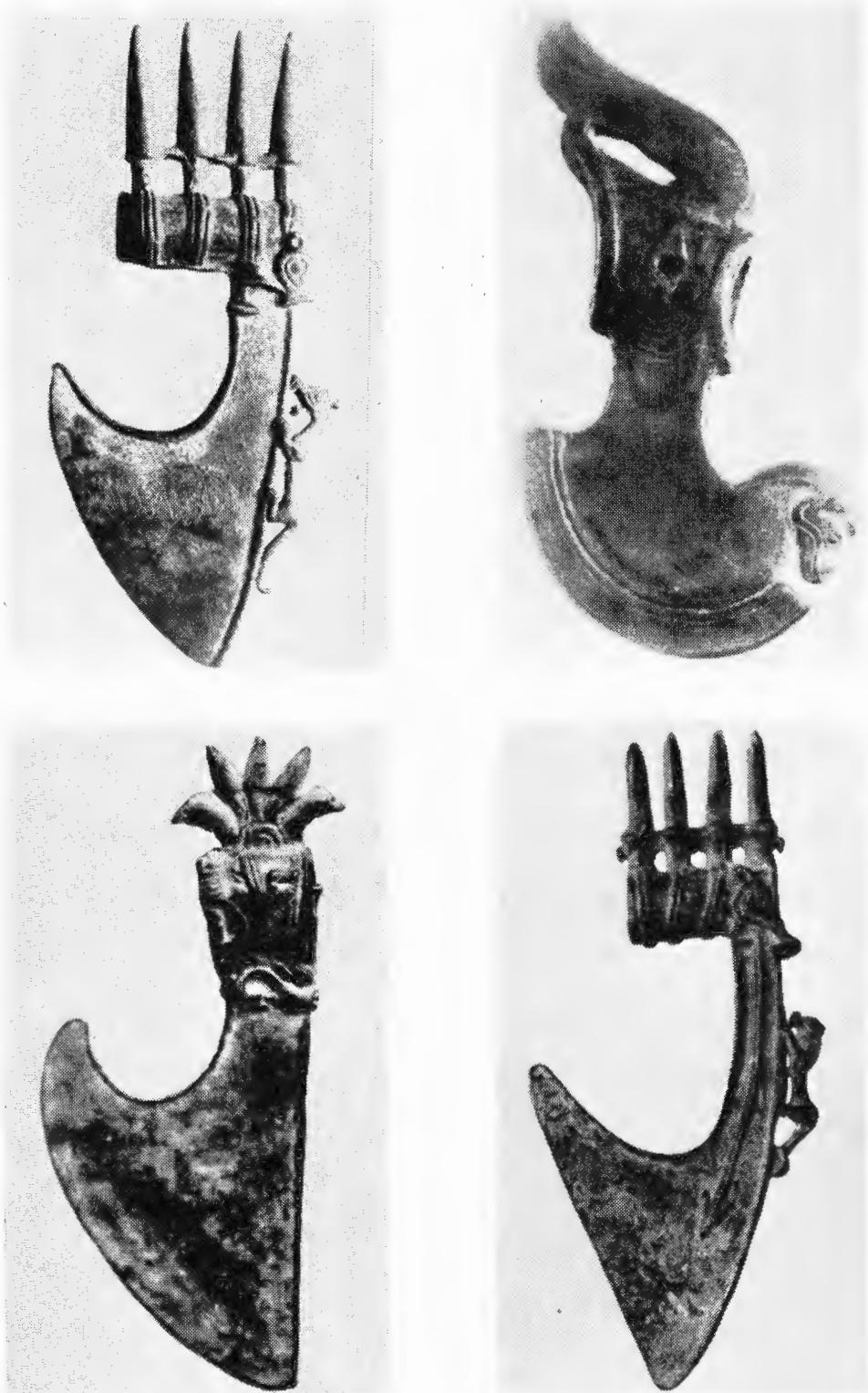
تبر ، کمربند و قمهی پارسی - هخامنشی

تاریخ نویسان ، ضمن اشاره به اسلحه‌ی مختلف پارسی از تبر ، نیز یاد کرده‌اند . ضمن انواع تبرهای پارسی « شکلهای ۱۰۵ - » عالیترین نوع تبری که

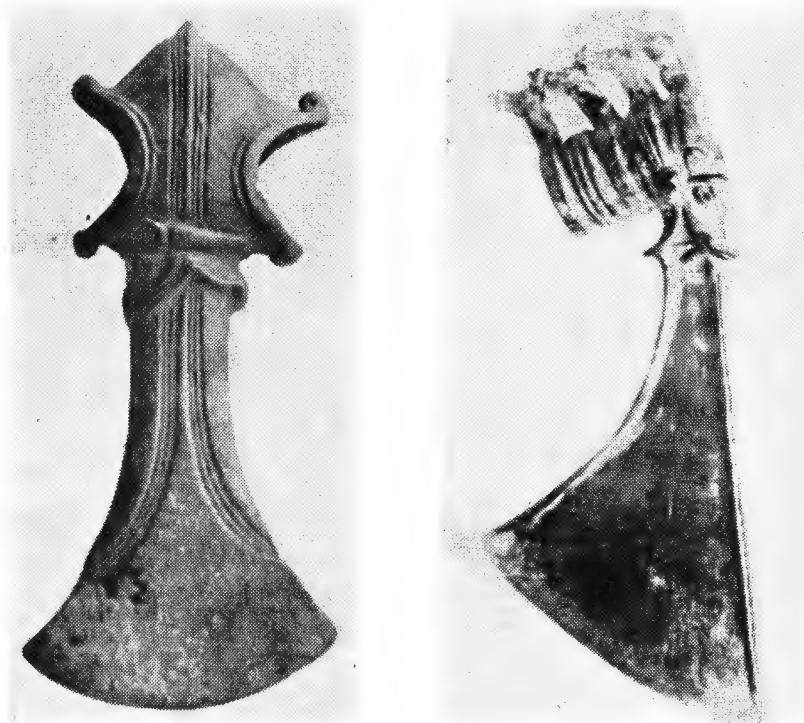


شکل - ۱۰۵ - انواع تبرهای پارسی - هخامنشی

از جمله‌ی نقوش سنگی تخت جمشید است میتوان تبر اسلحه‌دار مادی را که بر سنگ داریوش بزرگ ساخته‌اند ، نام برد « شکل - ۲۱ - » :
 (این نقش بر جسته اینک در موزه‌ی ایران باستان بیاست) .

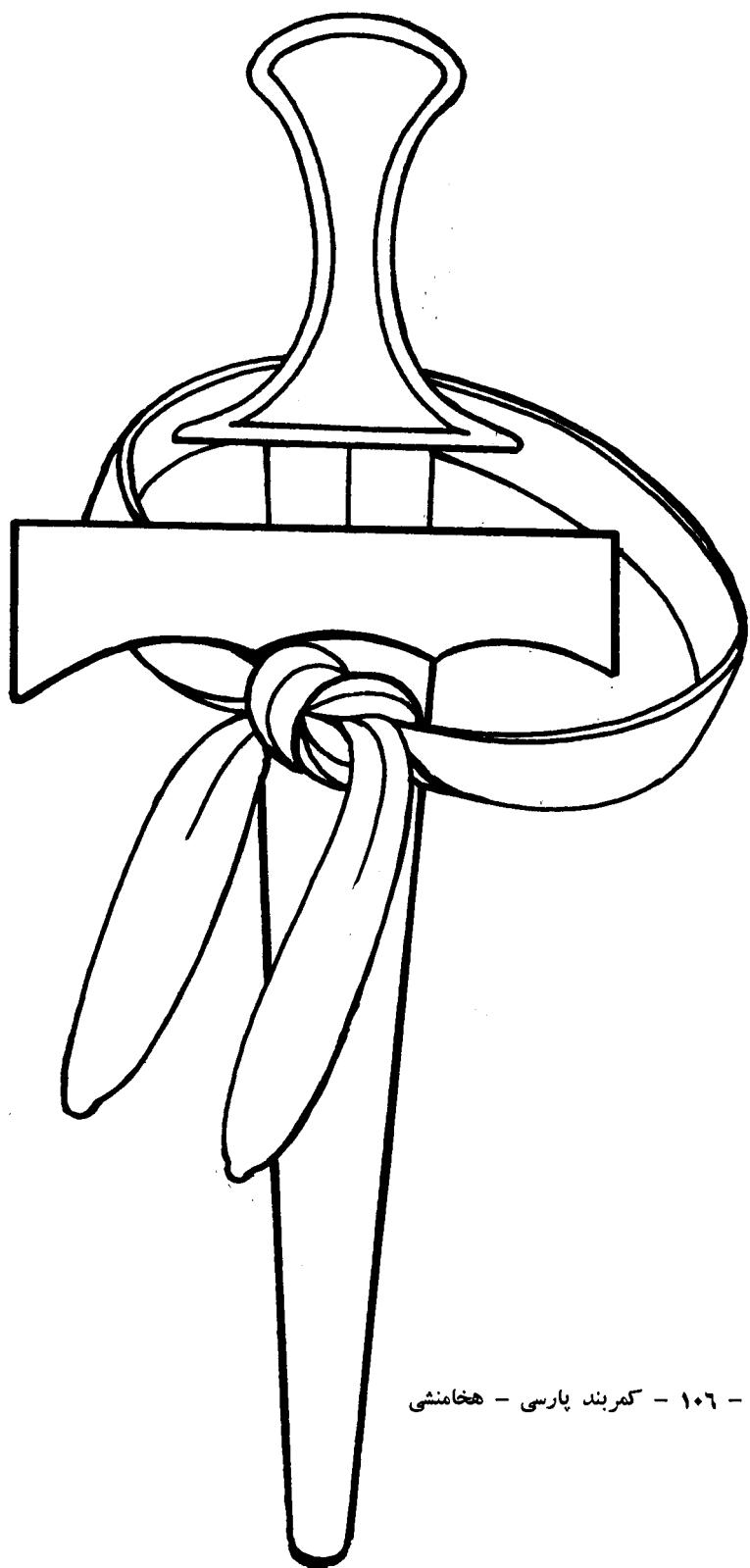


مربوط بشکلهاي - ۱۰۵ - تبرهای پارسی - هخامنشی



مربوط بشکلهای - ۱۰۵ - تبرهای پارسی - هخامنشی

کمربند هخامنشیان ، طبق نقش سنگی ، کمربندی است از چرم ، ولی هرودوت متذکر شده است « که کارد یا خنجری روی شال کمر آویزان میکردند » . با توجه بکمربند داریوش سوم « که کنت کورث گفته است : شبیه کمربند زنان بوده » بنظر میرسد که میشده است سپاهیان پارسی از شال کمر نیز در مواردی استفاده کنند . بهرجهت ، کمربند چرمی هخامنشیان « مانند کمربند مادیان » یک تکه چرم به بلندی دو دور کمر بوده و در محل ختم یک دور کمر ، در جلو ، چرم باریک شده پس از یکبار دو سر آن از هم دیگر رد و زیر و رو شدن ، دوباره گره بر میدارد . پس از آن ، چرم ، شکل عوض کرده دو سر آن از حالت باریکی درآمده هر یک بشکل محَّب از دو طرف منحنی میشود و در انتهای خود چون نوک پستان یک گردی میگیرد ، و این کمربند همان است که مادیان داشتند و پارسیان از آن استفاده کردند « شکلهای - ۳۹ - ۴۰ - ۴۳ - ۱۰۶ ». »



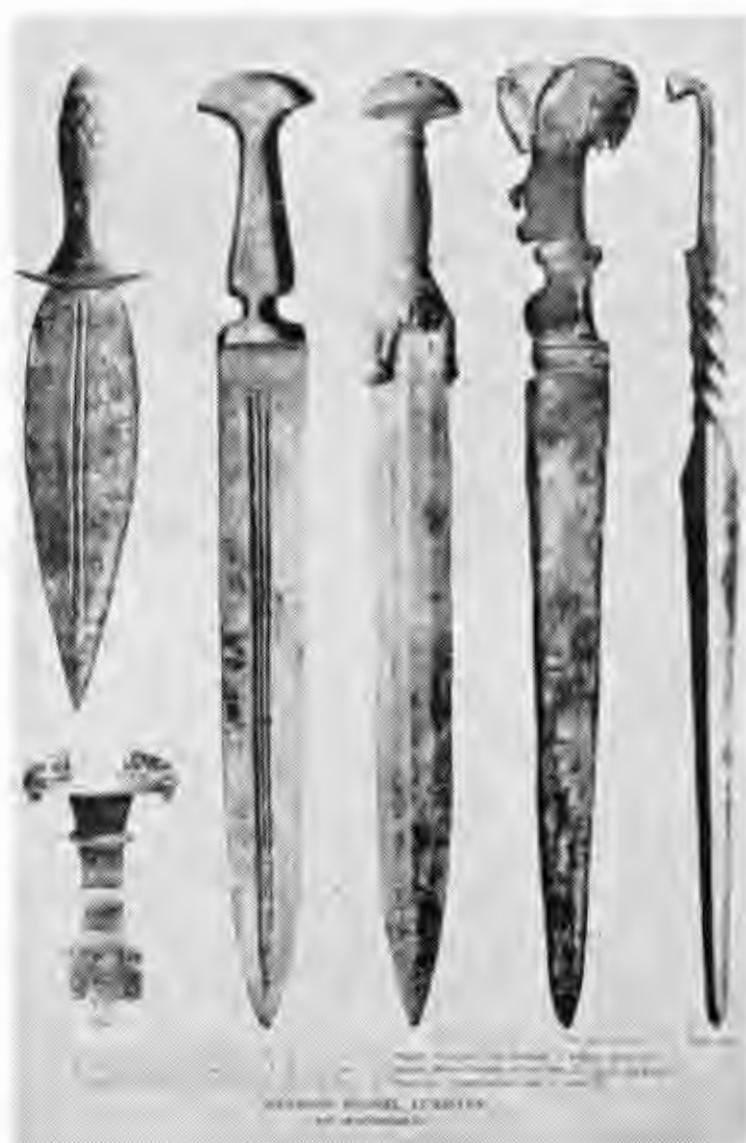
شکل - ۱۰۶ - گمربند پارسی - هخامنشی

قمهی هخامنشیان در نقوش سنگی تخت جمشید به وفور نشان داده شده و آثار اصلی آن نیز بدست آمده و مقداری در موزه‌ی ایران باستان موجود است
« شکل‌های - ۱۰۷ - » .



شکل - ۱۰۷ - قمه‌های پارسی

هخامنشیان آنرا در جلوی بدن و پشت گره کمربند فرو میکردند .



مربوط بشکل - ۱۰۷ - انواع قمه‌های پارسی - هخامنشی

غلاف قمه‌ی پارسی - دستگیره‌ی عجیبی دارد و احتمال می‌رود که در موقع لزوم از آن به مانند چکش و ضربه زدن بدشمن استفاده می‌کردند. زیرا هیچ علت دیگری برای وجوب این شکل غلاف بنظر نمی‌رسد « شکلهای - ۲۶ - ۳۸ - ۳۹ - ۴۰ و ۴۳ - ۱۰۶ ». «

پرچم - علامت

راجع بعلامت یا پرچم هخامنشی، گزنفون در دو جا از عقاب زرین بعنوان پرچم ذکر میکند. تاریخ نویسان دیگر همگی بسکوت گذرانده، در این باره اطلاعی نداده‌اند.

در کتاب ایران باستان جلد اول صفحه‌ی ۳۵۵-۴- بنقل از گزنفون چنین نوشته است: (. . . . از طرف راست کری سان تاس فرمانده سواره نظام، با سوارها حرکت میکرد و از طرف چپ آرساماس فرمانده پیاده نظام. کوروش با آنها توصیه کرد که چشم به بیرق داشته با قدم‌های مساوی حرکت کنند. بیرق کوروش عبارت بود از هیکل عقابی زرین با بالهای گشاده که به نیزه بلندی نصب کرده بودند. امروز هم بیرق پارسی‌ها چنین است).

*

درجای دیگر «کتاب ایران باستان جلد دوم صفحه‌ی ۱۰۱۹-۲- سطر -

بنقل از گزنفون » چنین نوشته است: (. . . . اردشیر در اینجا پیاده نظام نداشت ولی روی تپه بقدیر سوار بود که یونانیها نتوانستند بدانند اینجا چه میشود ولی همینقدر ملتفت شدند که بیرق شاه عقابی است از طلا که بالهای خود را گشوده و بر نوک نیزه‌ای قرار گرفته) « سفر جنگی کوروش کتاب - ۱ - فصل - ۱۰ - جنگ کوناکسا » « شکل - ۱۰۸ و ۱۰۹ - ».

*

هخامنشیان که مانند همه‌ی مردم بر حسب خوی و منش خود علائمی چون عقاب را « که نمودار غرور و بلند پروازی است » پیشاپیش سپاه میبردند،



شكل - ١٠٩ -



شکل - ۱۰۸ - عقاب روی صفحه طلا

مسلمان علائمی دیگر نیز داشته‌اند که ما از آن اطلاع نداریم، زیرا اعطای علامت لیاقت بسرداران، از طرف شاهنشاهان هخامنشی «در داستانی که خواهد آمد» دلیل کافی بر این نظر است که هخامنشیان نسبت بداشتن علائمی متناسب با اعمال و روحیاتشان توجه و دقت داشته‌اند.

(دیلن ، در باره‌ی کشته شدن کوروش دوم می‌گوید : « در این موقع اردشیر بطرف او زوین پرتاپ کرد و دیگران نیز تیرهای انداختند و او افتاد و مرد . بروایت دیگران ، کوروش از دست یکنفر از اهالی کاریه افتاد و شاه برای پاداش او مقرر داشت که در تمام جنگها در پیشاپیش قشون برود و سر خروسی را از طلا ، بر سر نیزه‌اش دارد . زیرا پارسیها اهالی کاریه را بدان سبب که چیزی مانند تاج خروس بر خودهای خود دارند ، خروس مینامینند « جلد دوم ایران باستان صفحه - ۱۰۲۱ - سطر - ۱۰ » .

پوشاك پارتى « اشكانى »

در تخت جمشيد ، از ميان تعدادي اقوام مختلف « که زير تخت شاهي را گرفته‌اند » مردي نموده شده است که او را پارتى معرفی ميکنند « شكل - ۱۱۰ - نقش نفر بشماره‌ی - W 7 - » :

مردي است با پيراهن تا بزانو بلند ، داراي کمربندي ، شلواري گشاد و کفشي ساقه بلند « با نوك پنجه‌ای اندك به سوي بالا برگشته » و موهاي سرش بوسيله‌ي نواري در پشت سر بسته است .

تاریخ نویسان با نوشتده‌های فراوان در باره‌ی این قوم گزارش‌هائی داده‌اند که اگر آنها با مدارك زنده و پذيرفتني مقايسه شود مطالبي را کم و بيش روشن ميکند .

*

چنان‌که از نوشتده‌های ژوستن « كتاب - ۴۱ - » و هروديان « كتاب - ۶ - بند ۲۰ - » استتباط ميشود ، لباس پارتى‌ها عبارت بود از رداي بلندی که تا قوزك پا



شکل - ۱۱۰ - یکنفر اشکانی بشانه‌ی ۷ W

میرسید^۱ و زیر آن چیزی مانند ارخالق و شلوار می‌پوشیدند. این لباس از رنگهای

۱ - لباس پارتی « حتی پیراهن کسانی از این قوم که برای اجرای مراسم مذهبی پیراهن بلند سفید پوشیده‌اند » طبق مدارک موجود در دورا اوروپوس ، تا بقوزک پا نرسیده فقط تا بوسط ساق ختم شده است « مؤلف ».

مختلف بود و بقول لوگیان گاهی لباس زردوز یا سیم بفت نیز می‌پوشیدند، و بقول یوسف فلاویوس « کتاب - ۱۸ - فصل - ۲ - بند - ۴ - » خنجر یا قمه‌ای بر کمر داشته و آنرا بسان اسلحه یا ابزار کار، بکار می‌بردند. (نقل از جلد سوم ایران باستان صفحه‌ی ۳۶۸۶ - سطر - ۲۰ -) .

*

سرپریسی سایکس می‌نویسد : (. . . لباس پارتیها مانند پارسی‌ها قبلی بلند و گشاد بود که در آنزمان معمول مردم ماد بود، و شلواری فراخ که میان جماعت پتان آن هم مرسوم است. بجای کلاه چیزی بشکل نوار بر گرد سر می‌بستند که از دو طرف منتهی بدو رشتۀ دراز می‌شد و یا « تیار » تاج گردی مخصوص پادشاهان هخامنشی بر سر می‌گذاشتند. موهای ریش و سررا پیچیده مجعد مینمودند ولی این رسم باختلاف اوقات تغییر می‌کرد. هنگام جنگ سلاح آنها کلاه‌خودی بود از فولاد صیقلی شده، یراق اسبها بسیار با ثروت و قیمتی و دهنۀ و گل میخهای زرین معمول بوده است. اسلحه عمده ملی، کمانی بوده پر قوت و شمشیری هم حمایل می‌کردند. بستن قمه در میان طبقات بدون تخلف معمول بود. حربه عمده سواران سنگین اسلحه، نیزه بوده است. لباس اشک اول بطوریکه در مسکوکات دیده شده و گاردنر آنرا ذکر مینماید بدین قرار بود : « خودی مخروطی شکل شبیه بخودهای آشوری‌ها بر سر داشتند که دنباله یا آویزه‌ی زره از اطراف آن برای حفظ گوش و گردن آویخته بوده است، و نیماتی یونانی بر آن بسته. گوشواره‌ها بگوش آویخته و گردن بندی ساده در گردن داشت، زرهی در بر مشتمل بر پولک‌ها و یا حلقه‌ها که بازوها را تا بند دست و پاها را تا قوزک می‌پوشانیده است، و روی آن عبا یا جبهۀ نظامی پوشیده، کفش‌ها را با بند بساق پا می‌بست ».

اما پادشاهان بعد از اشک این لباس را متروک و فقط « بجامۀ نرم

و عباری بر روی آن اکتفا میکردند « (جلد اول تاریخ ایران باستان صفحه‌ی ۴۹۸ - سطر - ۲۳) . »

*

در تحقیقاتی که شد و مقایسه‌هایی که بعمل آمد ، نظر سایکس بنقل از گاردنر بحقیقت تزدیکتر است ؛ زیرا از چند جهت نمونه‌های موجود است که شکل لباس پارتیان یا اشکانیان را روشن میسازد .

*

لوحی است گلی ، نقش برجسته‌ی مردی اشکانی را نشان میدهد که دست راستش را بعلامت حرمت ، بسوی ستاره‌ای بجلو برد . قبائی آستین بلند تا بمچ دست پوشیده و دامن آن نیز تا بزانو میرسد . طرح گربیان آن که از بر گردن تا تنه‌ی گاه آرنج دست راست فرود آمده ، در یکطرف فقط معلوم است . بدور کمر قبا ، چیزی بمانند کمربند پیچیده ، شلوار او گشاد و پر چین است . دستبند بمچ و یاره بگردن دارد . کفش او بعلت خردشدن لوح در اینقسمت ، قابل تشخیص نیست « شکل - ۱۱۱ - » .

*

در شکلی دیگر « که مربوط بنقوش سنگی تنگ سروک بهبهان است و محققین آنها را از اشکانیان میدانند » ، مردانی را ساخته‌اند که با همهی خرابی‌ها که بر آنها وارد آمده ، شامل خصوصیاتی است که به روشن شدن مقصود کمک میکند : در این نقش « شکل - ۱۱۲ - » مردی که در سمت چپ قرار دارد « و هم اوست که اندکی در هیئت عمومی سالم مانده است » قبائی بلند تا بزانو پوشیده و یخهی سه‌گوش آن بخوبی قابل تشخیص است . کمربندی



شکل - ۱۱۱ - لوح گیانی مرد اشکانی

بر میان بسته دارد و شمشیری بوسیله‌ی دو تسمه‌ی چرمی از آن در جلوی بدنش حمایل است .

*

در میان نقوش دیگر تنگ سروک دو مرد دیده میشود که ایستاده پیراهن



شكل - ۱۱۳ - نقشی از تنگ سروک بهبهان

بلند تا بزانو پوشیده‌اند . دست راست خودرا روی سینه بالا آورده و دست چپ را در محاذی کمر بر روی شال یا رو اندازی که بر دوش چپ افکنده‌اند ، گذارده آنرا نگاهداشته‌اند . کمربندی چون کمربند مادی - پارسی بر میان بسته دارند و شلواری گشاد پوشیده‌اند . بنظر میرسد که دمپای شلوار جمع شده و در گردنه‌ی پا بهم آمده است . بر روی پیراهن یا شلوار صافشان طرح چین و چروک تشخیص داده نشد « - ۱۱۴ - » .

*

بر همین زمینه پوشاك ، در نقش دیگری از تنگ سروک ، دو مرد اشکانی پوشیده دارند که یکی ایستاده و دیگری بر تختی لمیده ، بر بالشی تکیه زده است . « شکل - ۱۱۴ - » .



شکل - ۱۱۳ - نقش اشکانیان از تنگ سروک

مرد ایستاده ، طوقی بگردن ، شنلی بر دوش و کلاهخودی جالب بر سر دارد . (از این نوع کلاهخود ، علاوه بر دو نفر دیگر این عکس که در سمت چپ روی صندلی نشسته‌اند ، و بر دور سر یکی از آنان هاله‌ی نورانی نمایان است ، برای مردی نیز ، که در میان بشقابی حکاکی شده ساخته‌اند « که اورا در



شكل - ۱۱۴ - نقش تگ سروک مربوط به اشکانیان

حال جنگ با پلنگ نشان میدهد » .

اهل فن برای این نقش بشقاب « که از اشکانیان یا ساسانیان است » علامت پرسش گذاشته‌اند « شکل - ۱۱۵ - » .



شکل - ۱۱۵ - مرد با کلاه‌خود مشترک اشکانی - ساسانی؟

موهای سر مرد ایستاده در شکل - ۱۱۴ - در دو طرف صورت پُر پشت است و دنباله‌هائی از کلاه‌خود در پشت سرش بر دیوار سنگی نمودار است . پیراهنش بلند و اندکی از زانو به پائین است . کمربندی بسته و کمانی بدست چپ گرفته است ، و دو سر شنلی که بر دوش افکنده ، در جلوی سینه بهم آمده است .

*

در شکل - ۱۱۴ - مردی که بر تخت لمده و بر بالش تکیه زده است ،

پیراهنی تا بزانو بلند پوشیده ، حلقه‌ای از گل بدست راست گرفته و کلاهخودی مخروطی بر سر نهاده است . موهای پُر پشت سرش ، بر روی دوشایش انباشته و طوقی برگردن دارد .

*

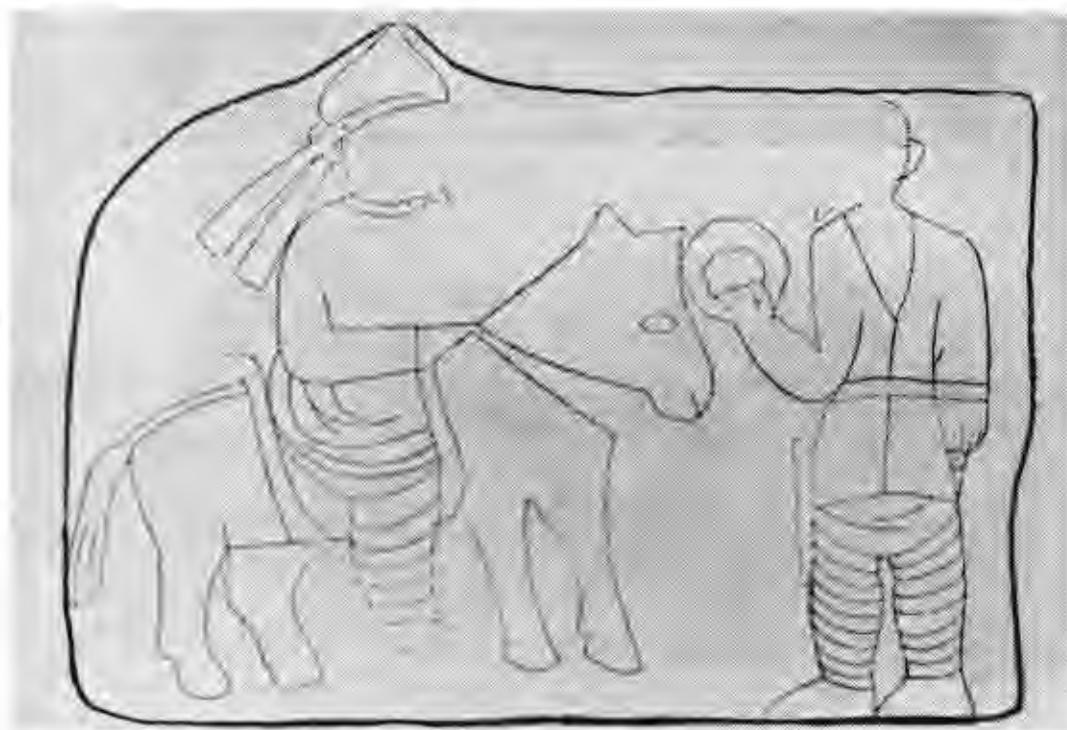
در نقش دیگری از تنگ سروک ، سواری را که کمانی بدست چپ دارد و با تیر بحیوانی حمله کرده است ، ساخته‌اند که موهای سرش همچون اشکانیان



شکل - ۱۱۶ - نقش شکارچی سوار اشکانی در تنگ سروک

دیگر ، پُر پشت و انباشته بر دوشش افشار است و کلاهخودی میانه مخروط « از گلی شکل » بر سر نهاده است « شکل - ۱۱۶ - » .

جز اینها، از نمونه‌های لباس اشکانیان، پیکرهاي برجسته بر کوهی در سر پل ذاب هست « شکل - ۱۱۷ - » که نوع لباس سواران پارتي را بیاد

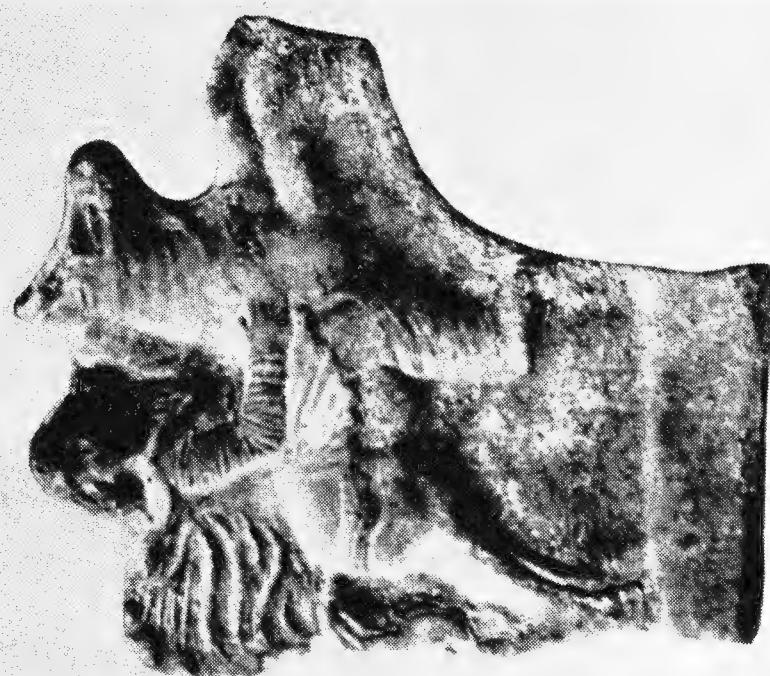


شکل - ۱۱۷ - طرح نقش برجسته اشکانیان در سرپل ذاب

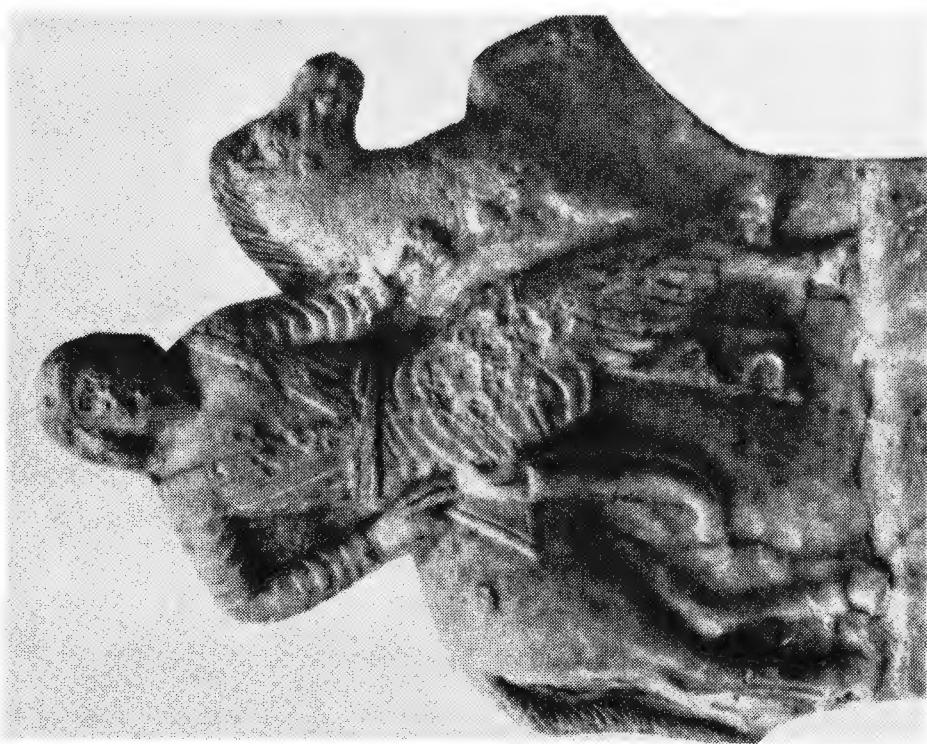
می‌آورد « شکلهای - ۱۱۸ - ۱۱۹ و ۱۲۰ » زیرا این سواران، پیراهن پرچین و شلوار گشاد بهمان طریق که تاریخ نویسان نوشته‌اند بر تن دارند، و مانند این نوع لباس بر سکه‌های اشکانی نیز حک شده است. « شکل - ۱۲۱ - » و امروزه، قسمت اعظم مردم شرق ایران از این نوع تن‌پوش دارند. پیراهن مردم شرق ایران دارای چین‌هائی است که از هشت تا - ۱۶ - ترک تشکیل می‌شود. « شکلهای - ۱۲۲ - ». این ترک‌های منظم آنها، یادآور طرحهای پوشش‌هائی است که بر استخوانهای مانده از زمان اشکانیان، حک شده است. جزئیاتی در این طرحها دیده می‌شود که آشنائی با البسه‌ی اشکانی را بیشتر می‌کند: (بر یکی از آنها طرح مردی

شکل - ۱۱۸ - سوار اشکانی

۷۸ - سوار اشکانی
گل بجه



شکل - ۱۱۹ - سوار اشکانی



340 - CAVALIER PARTHE (I^er-III^e S. APR. J.-C.). — MUSEE DE BERLIN

شكل - ۱۲۰ - سوار اشکانی

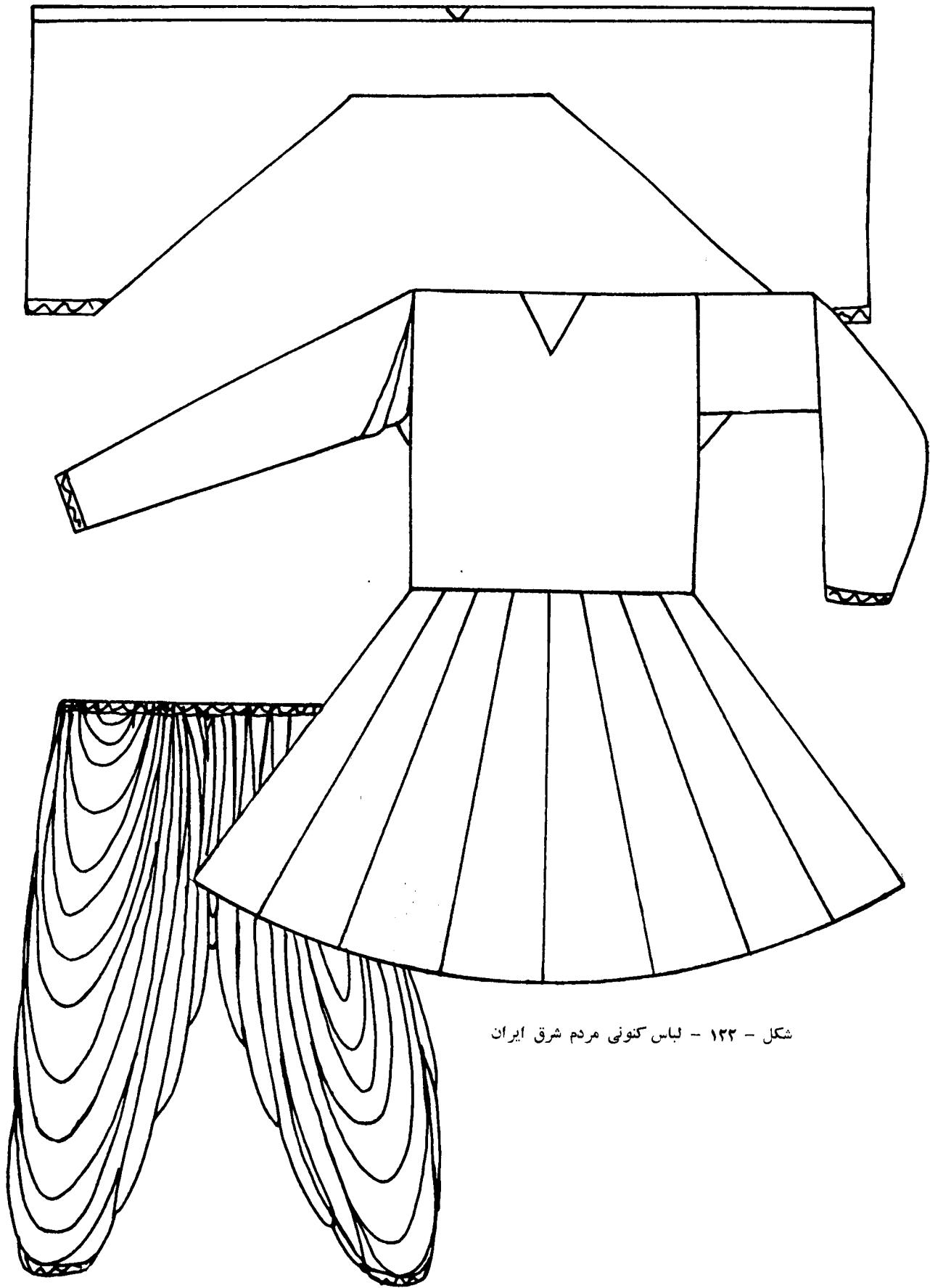


شکل - ۱۲۱ - سکه‌ی مهرداد دوم

است ایستاده با موهائی انباشته . پیراهنی بلند تا بزانو پوشیده که یخهاش گرد است و در جلوی گردی یخه ، شکافی بیانین طرح کرده‌اند که نشان میدهد حلقه‌ی یخه‌ی گردن را تنگ میگرفته‌اند و برای اینکه سر بتواند از آن رد شود آنرا در جلو چاک میداده‌اند . آستینش بلند است ، آنچنان که از روی انگشتان دست نیز گذشته و آنرا پوشانیده است . این آستین زائد ، از مج دست بیانین قیفی‌شکل و چیندار است . کمربندی « که از گردیهای بهم پیوسته تعبیه شده است » بکمر بسته دارد و دامن پیراهن در دو پهلوی چپ و راست از محل برجستگی لگن خاصره بیانین ، ترکهای چیندار عمودی دارد . شلواری نیز چیندار بیاکرده است که تا بوسط ساق میرسد « شکل - ۱۲۳ - ».)

*

بر استخوان دیگری ، مردی اشکانی ایستاده حکاکی شده است که با همان مشخصات است « شکل - ۱۲۴ - ». جز اینکه از زیر گردن تا انتهای دامنش



شكل - ۱۴۲ - لباس کنونی مردم شرق ایران



شكل - ۱۴۳ - مردان اشکانی ، حکاکی بر روی استخوان ، با شلوار کوتاه



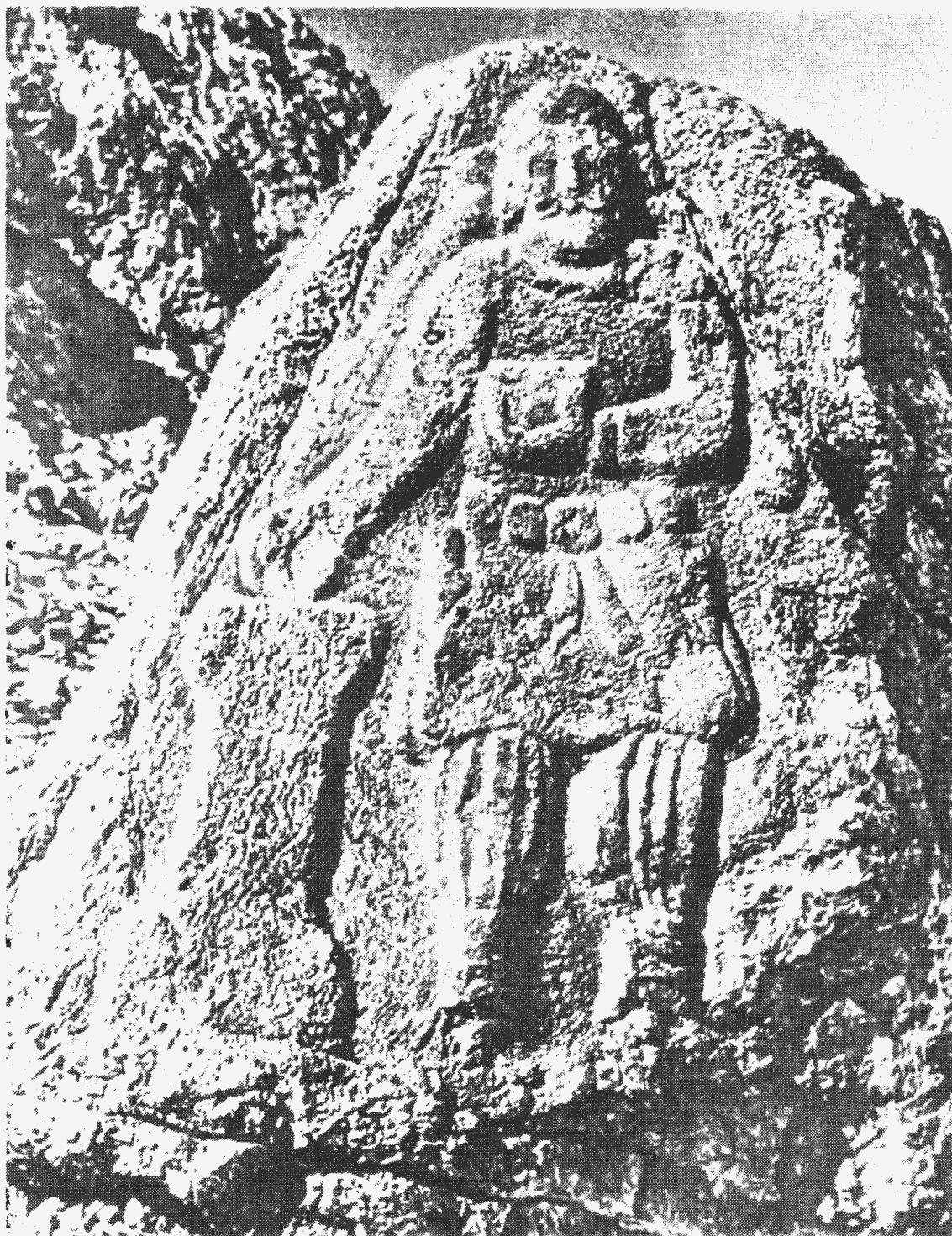
شکل - ۱۴۴ - مردان اشکانی با شلوار کوتاه ، حک شده بر استخوان

در جلو، یک حاشیه‌ی پهن حک شده دارد که با ترئین لباس مهر اشکانی « نقاشی‌های متعلق به دورا اوروپوس در بین النهرين » همانند است « شکل - ۱۲۵ - » .



شکل - ۱۲۵ - چهره و لباس مهر اشکانی

در بیستون بر روی قطعه سنگی ، نقشی بر جسته از مردی اشکانی هست که در برابر بخوردانی پایه دار ایستاده است « شکل - ۱۲۶ - » : پیراهنی تا



شكل - ۱۳۶ - نقش مرد اشکانی در بیستون

بزانو بلند پوشیده ، حلقه‌ای بر گردن و جامی بر کف دست چپ و کمربندی از نوع کمربند حک شده بر استخوانها بر کمر دارد « که دو دنباله از آن ، در جلوی بدن آویخته است ». شلوارش پرچین و گشاد است و کفش ساقه بلند بپا کرده است .

*

جز اينها ، از لباس مردان پارتى مدارك دیگر ، بفراوانى از نواحى بين النهرين و سوريه بدت آورده‌اند که پوشاك مردم نظامي و غيرنظامي اشكاني را روشن ميکند . در يكى از نقوش برجسته‌ى بالمير سوريه ، دو مرد که سربازان اشكاني معرفى شده‌اند ديده ميشود که لباسشان نظير لباس مهر اشكاني دورا اروپوس ميباشد « شكل ۱۲۷ - » : سپاهيان ، پيراهن آستيندار ، گشاد و تا بزانو بلند پوشیده‌اند . آستين‌ها مانند پيراهن پرچين است . دور يخه و دور دaman « و از دامن ببالا در جلو » حاشيه‌های تزئيني زياد دارند . کمربندی چون کمربند مادي - پارسي بسته‌اند و دنباله‌ى آنرا بدو طرف کمربند فرو كرده بقىه را آویخته‌اند . حاشيه‌های پيراهن در يكى ، مركب از گردبهای ريز ، در ميان دو خط موازي و برگهای دو بدو مقابل هم ، قرينه سازی شده است ؛ در ديگرى متتشكل از گردبهای و چهار گوشيهای دنبال هم است . « تزئينات دامن با ديگر تزئينات کناره‌ها ، فرق دارد » شمشيرى بوسيله‌ى تسمىه چرمى بکمر بسته‌اند . شلوارشان پرچين است و در داخل کفش ساقه بلندشان فرو است و شلوار ، بر راستا و روی دو بلندی ساقها ، از بالا تا پائين « که از زانو ميگذرد » هر يك حاشيه‌اي دارند : که يكى ، با برگهای دو بدو مقابل هم قرينه‌سازی شده است و ديگرى چهار گوشها و گردبهای دو طرحی دارد . کفش‌های اين سپاهيان ، ساقه بلند است و زبانه‌ى بلندشان در جلو و بالاي ساقه‌ى کفش بر ساق پيدا است .



شکل - ۱۲۷ - سپاهیان اشکانی . نقش از پالمیر سوریه

در نقش برجسته‌ی دیگر از پالمیر، مردی اشکانی بر تشك مزین لمیده جبه‌ای بر روی پیراهن بتن دارد که جلو باز است و گردآگرد لبی آن از یک گوشی دامن به یخه، تا گوشی دیگر دارای حاشیه‌ی زیبا می‌باشد «شکل - ۱۲۸ - ». این مرد جورابی منقوش و ظریف بیا کرده دارد.

*

نقشی از مردی اشکانی از ساکنین هاترا «Hatra» در بین النهرين هست که یخه‌ی پیراهنش به پهلوی چپ منتهی می‌شود. تبری بدست راست دارد و قبضه‌ی شمشیری بلند را «که با تسمه‌ی چرمی بکمرش آویخته» با دست چپ گرفته است. پیراهنش بر محل یخه و دور دامن دارای حاشیه است. شلواری گشاد و پرچین پوشیده و بجای یکراسته حاشیه بر جلوی آن، صفحاتی گرد «در یکراسته» از بالا تا پائین بر آن نصب است. این ترتیبات گرد، بر روی گفشن نیز ادامه دارد. دمپای شلوار دارای حاشیه‌ای از خود شلوار است «شکل - ۱۲۹ - ».

*

دو مجسمه‌ی بسیار زیبا از دو مرد ملبس بمجلل ترین البسه‌ی اشکانی هست که گیرشمن آنها را در کتاب خود پادشاهان هاترا معرفی کرده است. یکی از آنان که در موزه‌ی موصل هست «شکل - ۱۳۰ - »: کلاهی بلند از نمد بر سر نهاده است (که بر دو پهلوی هموار شده‌اش، نقوشی چهارگوش متتشکل از گردیهای ریز با یک گردی درشت در داخل آنها روی آن تعییه نموده‌اند). این کلاه در گردآگرد لبی خود حاشیه‌ای پهن دارد که آن نیز بر دو کناره‌ی خود گردیهائی برجسته دارد. در جلوی کلاه «از بعد از حاشیه» حاشیه‌ای باریکتر و کنگره‌دار، بلندی کلاه را طی کرده به لبی پشت آن متصل می‌شود. در پس کلاه نیز گردن‌پوش و گوش‌پوشی توأم و هلالی شکل با آن منضم است.



شکل - ۱۲۸ - نیش مردمی اشکانی از بالغیر سویه



شكل - ۱۳۹ - هیئت و پوشاك مردي اشکاني از شهر هاترا در بین النهرين



شکل - ۱۳۰ - مجسمه‌ی پادشاه اشکانی هاترا

بر روی اين گردن پوش نيز ترئيناتي مانند خود کلاه تعبيه شده است « شکل - ۱۳۱ - ».
 کف دست راست اين پادشاه بعلامت « حرمت » بالاست و دست چپش بر قبضه شمشيرى « که با تسمه اي بکمر آويخته » قرار دارد . پيراهنى که سراسر با نقوش چهار گوشه مزین است پوشیده و گردن بندی که از سه حلقه هي بهم پيوسته است بگردن دارد . بر روی پيراهنش کمر بندی چرمين بسته که داراي قلابها و ترئينات فلزى است . بعلاوه ، جبه اي حاشيه دار پوشیده و شلوارش ، همان شلوار گشاد پرچين اشكانى است . کفش او نيز يكپارچه ساده ميباشد .

*

مجسمه هي ديگر که در موزه هي بغداد هست و سنتروك « اشك دهم اشكانى » معرفی شده است ، بجای کلاه عقابي فلزى بر سر دارد که بر لبه اي بالاي نوار فلزى روی مویش و اداشته شده است . « شکل - ۱۳۲ - ». گردن بندی يكپارچه پهن بگردن اوست و کمر بندی فلزى و مشبك بر کمرش بسته دارد . کف دست راست او بعلامت حرمت بالاست و در دست چپش شاخه اي برگي قرار دارد . در جلوی پيراهن بلند آستین دارش از بالاي سينه تا پائين دامن « که بزانو ميرسد » دو حاشيه هي پهن منقش بدايره هائي (که با هم در چهار نقطه تماس دارند « و خود نيز از گردبهائي ريز پهلوی هم چيده بوجود آمده اند ») دارد ؛ و هر دايره نيز در مرکز خود گردي بزرگي دارد . شلوار گشاد و پرچينش نيز به همین ترتيب در جلو از بالا تا پائين داراي يك حاشيه هي پهن و شامل همان نقوش پيراهن است . در جلوی شلوار « روی دمپا » نواری بلند ، گل گره زده بر ر روی کفش مزيتش افتاده است .

*

از مؤثرات پوشاك هخامنشي بر اشكانى ، نشانه هاي از مجسمه هي مردي اشكانى است که نشان ميدهد دامن او از نوع دامن پارسيان است ولی پيراهنش



شکل - ۱۳۱ - کلاه پادشاه اشکانی هاترا



شکل - ۱۳۲ - اشک دهم «ستروک» پادشاه اشکانی

یخه گرد میباشد و جلوی آن تا پائین باز است و جا بجا بوسیله‌ی بند هائی بهم گل گره زده شده است. آستین پیراهنش پرچین است. کف دست راست او بعلامت حرمت بالا است؛ و پارچه‌ای چون دستان بلند بر دوش چپش افکنده است. گیرشمن، این مرد را شاهزاده‌ای از شمی ایلام می‌نامد، و در اینکه پارتی باشد مشکوک است « شکل - ۱۳۳ - ».

*

مجسمه‌ای فلزی از مردی در موزه‌ی
برلین هست که او را پارسی معرفی می‌کنند
ولی شنل مادی بر دوش و شلوار و پیراهن
اشکانی به تن و کلاه مهری بر سر دارد
« شکل - ۱۳۴ - ».



شکل - ۱۳۴ -



شکل - ۱۳۳ - مرد اشکانی ؟

پوشک رزمی پارت‌ها

در باره‌ی پوشک رزمی اشکانیان ، تاریخ‌نویسان مطالب روشن داده‌اند (ولی این عجیب است قومی چون پارت که طی پانصد سال در ایران قدرت داشته و برای اعتلای شخصیت ایرانی جنگها کرده و فاتح درآمده است و پشت دشمن از شنیدن یا بردن نام آنان می‌لرزیده است ، اکنون آثاری باندازه‌ی لااقل نصف آثار هخامنشی یا ساسانی از آنان نمانده است و وضعشان درست بحفره‌ای مانند است !)

بهرجهت ، علاوه بر نوشه‌های برخی از تاریخ‌نویسان ، مدارکی دیگر هست که وضعشان را از نظر پوشش جنگی روشن می‌کند .

*

پلوتارک می‌نویسد : رومیها از این صدای فوق العاده ، مرعوب شده بودند که ناگاه پارتی‌ها روپوش‌هایشان را کنده بسبب کلاه‌خودها و جوشن‌های رخشان مانند شعله‌هائی از آتش درخشیدند . در رأس آنها سورنا از جهت صباحت منظر و قد و قامتش نمایان بود . صورت لطیف‌ش مینمود که برخلاف نام جنگیش است زیرا آنرا مانند مادیها می‌آراست « یعنی گلگون می‌کرد » و موهای روی پیشانی را از یکدیگر جدا می‌ساخت « مقصود فرق سراست » و حال آنکه پارتی‌ها مانند سکاها می‌گذارند این موها بحال طبیعی بروید تا مهیب‌تر بنظر آیند . (کراسوس جلد سوم ایران باستان صفحه‌ی ۲۳۰۸ - سطر ۱۲ -) .

.....
در صفحه‌ی ۲۳۱۰ - سطر ۱۶ - همین کتاب نوشته است : (رومیها بامید اینکه پارتی‌ها چون عده کم آنها را بهینند جنگ تن بتن خواهند کرد ،

ایستادند ولی پارتی‌ها اسبهای جوشن‌دار خودرا در مقابل رومیها داشته سوار نظام سبک اسلحه‌شان را در جلکه بحرکت درآورده‌اند) «پلوتارک»

ایضاً در صفحه‌ی ۲۳۱۱ - ۵ - سطر - می‌نویسد : (وقتی که کراسوس جوان، با آنها می‌گفت به سواره نظامی که غرق آهن است حمله کنید، رومیها دسته‌ایشان را که بسپر دوخته بود و پاهایشان را که تیر سراسر آنرا گذشته بزمین می‌خکوب کرده بود نشان میدادند در اینوقت کراسوس بسواره نظام نهیب داده خود را بمیان دشمن افکند و سخت حمله کرد) .

و، در صفحه‌ی ۱۱ - ۲۳۱۱ - جلد سوم ایران باستان پلوتارک «کراسوس» نوشه است : (رومیها با زوین‌های کوتاه و سست ضربت‌هائی بجوشن‌هائی از آهن یا پوست میزدند ولی پارتی‌ها که با نیزه‌های قوی مسلح بودند ضربت‌هائی وحشت‌انگیز بجسم گالیها که تقریباً بر همه یا سبک اسلحه بودند وارد می‌آورده‌اند . بیش از همه، اعتماد کراسوس جوان، باین سوارها بود و با آنها رشادت‌های حیرت‌آور کرد . آنها نیزه‌ها را با دست می‌گرفتند و بعد پارتی‌ها را از اسب بزیر می‌کشیدند و چون آنها بزمین می‌افتدند بواسطه‌ی سنگینی اسلحه‌شان نمی‌توانستند برخیزند .

*

دیوکاسیوس، خصوصیات رزم افزار پارتیان را قسمت بندی کرده می‌نویسد : (سواره نظام پارت از دو قسمت متمایز تشکیل می‌شود . قسمتی سواره نظام سبک اسلحه بود و اسلحه دفاعی یعنی جوشن و زره و غیره نداشت، اینها فقط با تیر و کمان مسلح بودند . اینها هیچگاه جنگ تن‌بتن نمی‌کردند . فقط از دور تیر می‌انداختند . قسمت دیگر، قشون سواره نظام سنگین اسلحه بود یعنی قسمتی

که غرق آهن و پولاد می‌گشت و کلاه‌خود ، زره یا جوشن ، بازو بند و زانو بند وغیره داشت و حتی اسباب‌های شان غرق آهن بودند . اسلحه تعرضی اینها کامل بود . نیزه و شمشیر و خنجر داشتند . این سواره نظام برای حمله و داخل شدن در جنگ تن‌بتن تدارک شده بود .) « جلد سوم ایران باستان ص - ۲۳۲۹ - سطر - ۶ - » .

ایضاً دیوکاسیوس - پارت‌ها - جلد سوم ایران باستان ص - ۲۶۶۴ -

سطر - ۱۹ - می‌نویسد :

(اسلحه دفاعی عبارت بود اولاً : از زرهی بلند که تا بزانو میرسید . این زره را از پوست شتر ساخته با آن قطعاتی از آهن یا پولاد میدوختند . ثانیاً کلاه‌خودی از آهن یا پولاد بر سر می‌گذاشتند و یک شلوار چرمی گشاد هم که تا قوزک پا می‌رسید و گاهی پائین‌تر هم می‌آمد می‌پوشیدند) .

اسلحة‌ی تعرضی سپاه سنگین اسلحه عبارت بود از : نیزهٔ ضخیم و محکم و بلند ، تیر و کمان و شمشیری دو دمه شبیه بقمه ، سواران سنگین اسلحه اسباب‌های شان را هم با زره یا برگستان از چرم مسلح می‌ساختند و قطعاتی از آهن یا پولاد بر آن نصب می‌کردند (دیوکاسیوس - جلد سوم ایران باستان ص - ۲۶۶۵ - سطر - ۴ -) .

*

با توجه بگزارش تاریخ نویسان ، معلوم می‌گردد که پارتیان دارای رزم افزارهای زیر بوده‌اند :

(تیر و کمان ، نیزه‌ی ضخیم و بلند ، شمشیر دو دمه ، خنجر ، رانپای چرمی ، کلاه‌خود ، زره تا بزانو ، زانو بند ، بازو بند و برای اسبان خود برگستان) . و بر اینها باید زوین و سپر را نیز افروزد زیرا در شکل - ۱۱۴ - تنگ سروک ، افسران پارتی که بر صندلی نشسته‌اند هر یک با دست راست خود بالای زوینی را

که دنباله‌هایی بر گردن
آنها بسته است گرفته
و بر آن تکیه زده‌اند
و همچنین شکل -
۱۳۵ - که یکردیف
سپاهیان اشکانی را با
نیزه‌های کوتاه و سپر
« از پالمیر سوریه »
نشان میدهد .

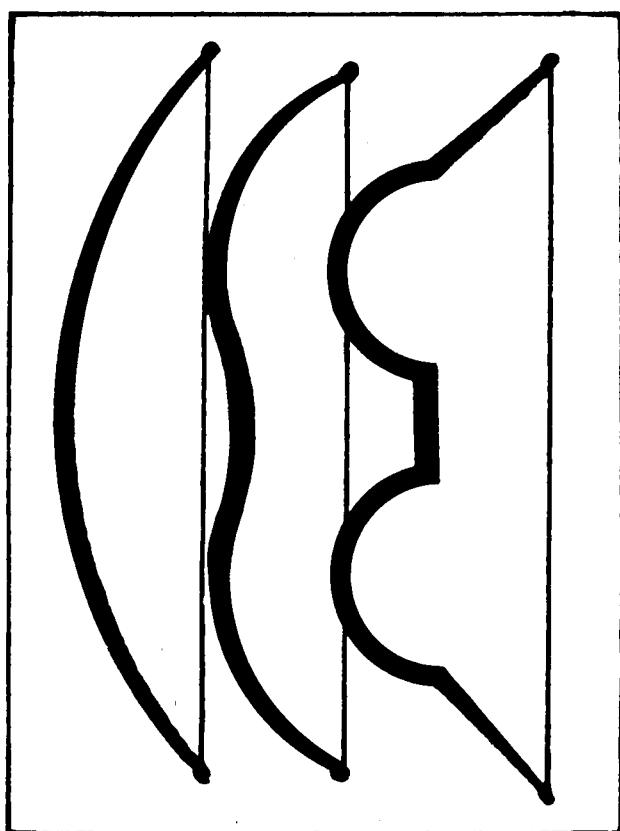


شکل - ۱۳۵ - ریزه سپاهیان اشکانی در پالمیر

کمان پارتی - اشکانی

پارتی ها رویه هر فته از سه نوع کمان استفاده میکردند « شکلهای

: « - ۱۳۶ -



شکلهای - ۱۳۶ - کمانهای اشکانی

- ۱ - از نوع کمانهایی که در یک نقاشی از دورا اوروپوس طرح شده است . « شکل - ۱۳۷ - » .
- ۲ - از نوع کمانهایی که بر سکه های اشکانی حک شده است « شکل . « - ۱۳۸ - » .



شکل - ۱۳۷ - سکان اشکانی در یک نقاشی از دوران اوروپوس بین النهرين



شکل - ۱۳۸ - سکان اشکانی بر سکه واردان اشکانی



شکل - ۱۳۹ - سه مرد با پوشش‌های اشکانی در بالیر

۳- از نوع کمانهایی که تیز انداز اشکانی از آن استفاده کرده است

• « - ۱۲۰ - شکل »

شمشیر پارتی

شمشیر دو دمه‌ی پارتی، در شکل‌های ۱۲۹ و ۱۳۹ - بخوبی مشهود است.



رانپای^۱ اشکانی

رانپاهای اشکانی را بر روی
مجسمه‌ی مرد شمی «که میگویند باید سورنا
یا سورن باشد» و همچنین روی مجسمه‌ی
یکی از افسران پارتی میتوان دید.

مرد شمی ایلامی « که مجسمه‌ی مفرغی او باندازه‌ی قد آدمی ساخته شده و در موزه‌ی ایران باستان تهران موجود است « شکل - ۱۴۰ - » : سربندی از نوارهای پیوسته بهم در هشت رج بر روی پیشانی و رستنگاه موی سر بسته و دو سر هر سمت سربند در پشت سر بهم قلاب است « شکل - ۱۴۱ - » . گذرنده

۱- رانپا، شلواری چرمی است و دو لنگهی آن از هم جداست.

شكل - ١٤٠ - مرد ایلامی «سورن اشکانی؟»



شکل - ۱۴۱ - نیمرخ مرد ایلامی یا سورن اشکانی

بگردن دارد و تن بر هنهاش را پیراهنی آستیندار « ظریف با حاشیه‌ای از پوست نرم » جلو باز پوشیده و لبه‌ی راست این پیراهن یا نیم تن‌هی ظریف ، بر روی لبه‌ی سمت چپ آمده بوسیله‌ی کمر بندی منقّش ، بر تن استوار است . در پشت ، یخه‌اش بر گرده ، راست طرح شده و مقداری از بن گردن و بالای پشت را نشان میدهد . از زیر دامن کوتاه این نیم تنه ، شلواری بسیار کوتاه که با تنه‌ای ران

چسبیده در زیر شکم نمودار است . در بالای رانپای چرمی‌ای که پوشیده با لبه‌ی این شلوار کوتاه فاصله‌ای هست که عضله‌ی برهنه‌ی ران را نشان میدهد ، و در این محل ، گوشه‌ی رانپای او در زیر پیراهن « محلی که قمهاش جا دارد » بند است « شکل - ۱۴۲ - ». .



شکل - ۱۴۲ - نیمرخ رانپای مرد
ایلامی با بالشچه‌اش

(استنباط میشود که گوشی هریک از لنگه های رانپا بکمربندی که در زیر پیراهن است متصل باشد) .

.....

در پشت ، بر روی لمبر مرد ایلامی ،
چیزی چرمین شبیه بالشچه وصل است که
گوئی بکار نرم جا نشستن و تکیه دادن
بر زین می آید (این بالشچه نیز باید بر
همان کمربندی که دو گوشی رانپا با آن
با آن وصل است متصل باشد « شکل -
۱۴۳ - ») .

*

مجسمه بی سر و شکسته مرد
اشکانی که در پالمیر است ، رانپا را بر
روی شلوار گشاد و پرچین مجلل
حاشیه داری نشان میدهد . بر تن این مرد
پیراهنی ابریشمین و حاشیه دار است .
شنلی برداش افکنده که در اثر شکستگی
مجسمه ، فقط دو سر آن که بهم آمده
است پیداست « شکل - ۱۴۴ - » .



شكل - ۱۴۳ - هیئت عمومی مرد ایلامی از پشت



شکل - ۱۴۴ - مرد اشکانی با رانپا از پالمیر

کلاهخود و جوشن اشکانی

از انواع کلاهخودهای اشکانی « خودهای مخروطی » همچنین زره یا جوشن مردان و برگستوان اسبان که راه ذهن را برای تجسم اشکانیان در لباس جنگی مخصوص خودشان باز میگذارد، مدارکی هست که از تنگ سروک بهبهان و نمرود داغ و هاترا در اختیار است.

*

نقشی از تنگ سروک با همهی خراییهای وارد بر آن « شکل - ۱۴۵ - » : مردی را نشان میدهد که بر اسب سوار است. نیزه‌ی بلند ضخیمی را بدهست راست گرفته و آنرا بمحاذی پشت اسب بحالت حمله بجلو داده است. تیردانی دو تائی و بهم پیوسته بر پاله‌نگ اسبش آویخته است که بعلت خرد شدگی و خرابی، نقوش و تزئینات روی آن از میان رفته، ولی نظیر آن را در شکل - ۱۴۶ - که دو سوار اشکانی را در پالمیر با سپر و نیزه نشان میدهد بهتر میتوان دید.

اسب مرد زره پوش، سراسر جوشن پوش است « گو اینکه صورت سوار بر اثر ضربات وارد خرد گردیده چیزی را در دید اول معلوم نمی‌دارد، ولی با دقت بیشتر در پائین، روی چال‌گردن و ترقوه، نقش زره‌های صورت نمودار است. دو دنباله از پس گردن و شانه‌ی راست بیالا در اهتزاز است. سینه‌ی سوار پوشیده از یک تخته آهن، بشکل جلوی بالا تنه از کمر بیالا را پوشانده است. از زیر چال‌گردن تا مقابل ناف، شیاری بر جوشن سینه هست که آنرا بدو قسمت چپ و راست جدا میکند و بر محل پستان طرحی گرد دارد که نمایش گردی و برآمدگی جوشن در محل سینه است؛ و در پائین جوشن سینه، طرحی احنای شکل شکم را در زیر نشان میدهد و این طرح در فاصله‌ی میان نیزه و کمر بند



شکل - ۱۴۵ - سوار زده پوش ننگ سرود بیهان



شکل - ۱۶۶ - سواران اشکانی با سپر و نیزه و تیردان در پالمر

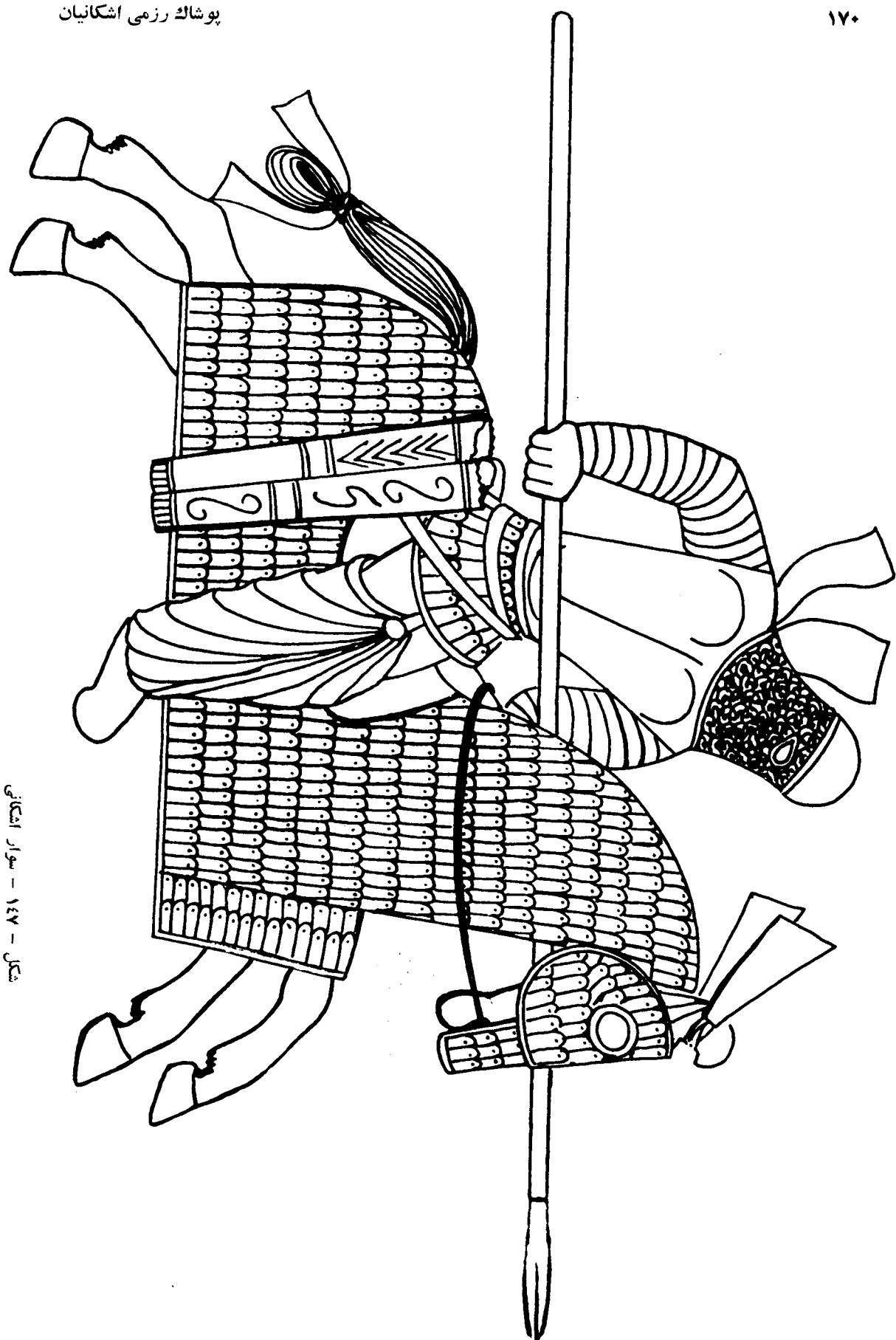
نمودار است . بازوی راست ، اثری از جوشن نشان نمی‌دهد ولی بازوی چپ شیارهای مرتب حلقه‌ای پهن آهنین را بنظر می‌رساند که دور بازو را به تدریج تا پائین گرفته است .

محل ناف سوار را نیزه‌ی ضخیم پر کرده ولی از آن بیانین ، نقش چند کمربند و تسمه مشهود است ، که یکی کمربند میان تن و دیگرها از آن تیردان و شمشیر می‌باشد « شکل - ۱۴۷ - » .

از کمر بیانین سوار ، زره تا بوسط ران بشکل تکه‌های آهنی کوچک و نظیر جوشن اسب است و پس از آن بر روی ران و ساق پا طرحهای از چین‌های شبیه به رانپا محسوس است . اسب در حال تاخت است و دستهایش بجلو و بالا داده شده است . کاکل اسب بوسیله‌ی نواری پهن بسته شده و دنباله‌ی آن در هو است . بر گستوانی که اسب را پوشانده حد آن در عقب ، بالای ساق و در جلو بالای ساعد است . مهار اسب بر جلوی زین گذارده است . بنظر میرسد که صورت اسب نیز جوشن‌پوش است زیرا یک گردی بر حوالی محل چشم مشهود است که باید این گردی از آن جوشن دور چشمش باشد نه گردی خود چشم . بر گستوان اسب ، از لحاظ اتصال آهن و شکل تکه آهن‌ها ، شباهت به همان بر گستوانی دارد که در طاق بستان برای اسب سوار جوشن‌پوش « که می‌گویند ساسانی است » ساخته شده است « شکل - ۱۴۸ - » .

*

نقشی بر جسته از اشکانیان « موجود در موزه‌ی بریتانیا » مردی را نشان میدهد که با نیزه ، به شیری حمله کرده است . این مرد کلاه‌خودی بر سر دارد و سراپا جوشن‌پوش است و بر بازوی او نیز از جوشن‌های حلقوی پوشیده است . جوشن این مرد نظیر جوشن بر گستوان اسب تنگ سروک است . « - ۱۴۹ - » .





شکل - ۱۴۸ - اسب جوش پوش طاقبستان

جالبترین نقشی که جوشن سوار و اسب هردو را بطور کامل از اشکانیان نشان میدهد، طرحی است کار یکی از مردم با ذوق دورا اوروپوس « شکل ۱۵۰ - » : در این طرح ، سواری را ساخته اند که کلاه خودی مخروطی مرکب از پاره آنهای مستطیلی « در سه رج » بر سر نهاده و بر نوک مخروط ، دنباله های نواری در اهتزاز است . از پائین کلاه خود زرهی که تا بدوش میریزد ، آویخته است . بر سینه ، تا زیر پستانها و بالای شکم زره های بافته و از آن پائین تخته های آهن مستطیلی « در دو رج » بلند تعییه شده است و بقیه : « دامن تا زانو » مانند زره روی سینه ، ریز بافت است . آستین از شانه تا مچ دست از حلقه های آهن استوانه ای پوشیده شده است ، پاهای نیز از همین حلقه های آهنی تا انتهای انگشتان پا دارد . نیزه ای بلند بر دست راست سوار است و اسب او سراپا زره پوش است و زره آن از صفحات گرد آهن « که نیمانیم بر رویهم است » تعییه شده است .



شکل - ۱۶۹ - مرد اشکانی در شکار شیر « هوزه‌ی بزیابی »



شکل - ۱۵۰ - طرح مرد اشکانی زرهپوش « در دورا اوروپوس »

نظیر کلاهخود مخروطی سوار اشکانی کلاهخودی بشکل دیگر و ساده در نمود داغ بدست آورده‌اند، « شکل - ۱۵۱ - » :

این کلاهخود زائدۀ‌ای بمنظور حفاظت گوشها و گردن در پشت سر دارد و بر گردانه لبه‌اش نیز حاشیه‌ای پهن ساخته‌اند، و در جلوی آن « از بالای حاشیه » گردیهائی بشکل پولک تا بنوک مخروط بر آن تعییه کرده‌اند.

*

کلاهی بنوع دیگر از اشکانیان بر قطعاتی از صدف طرح شده است « که اینک در موزه‌ی ایران باستان تهران موجود است » و مربوط بقطعاتی از ترئینات صدفی جعبه‌ای چوبی می‌باشد « شکل - ۱۵۲ - ».

*

نوعی دیگر از کلاهخود‌های اشکانی بر سر بلاش سوم است که جنس آن باید از نمد باشد و در جلوی آن تا قبه‌اش ترئینات گردی بر دیف بنظر میرسد. گوش پوشاهای آن تا بر استای چانه، بلند است و پائین لبه‌ی کلاهخود را دو نوار که در پشت سر گل‌گره زده شده است ترئین کرده و همچنین دو دنباله‌ی پهن از پشت کلاهخود بسوی دوشها آویخته است « شکل - ۱۵۳ - ».

*

نقشی دیگر از لباس رزمی اشکانیان، لباس مجسمه‌ایست از یک افسر اشکانی که در موزه‌ی موصل هست « شکل - ۱۵۴ - » :

کف دست راست این افسر بعلامت حرمت بالاست، و دست چپش بر قبضه‌ی شمشیری بلند نهاده است. حلقه‌ای بگردن دارد و شنلی که « دو سر آن بر روی شانه‌ی راستش بهم قلاب شده » بر دوش افکنده است. پیراهنی تا بزانو



شکل - ۱۵۱ - مجسمه‌ی یک مرد اشکانی با کلاه‌خود مخروطی در نمود داغ



شکل - ۱۵۳ - نوعی سکله عهد اشکانی که بر روی تکههای صدف طرح شده است



شکل - ۱۵۳ - پلاش سوم با کالاهنود



شكل - ۱۵۴ - افسر پارتی « اشکانی » موزهی موصل

بلند پوشیده و بر دو راستای از سینه پیاها ترئیناتی بر هر دو طرف پیراهن « هر یک در دو رج » دوخته است . آستین‌ها پر چین است و کمربندی با قلاب آهنی و گل‌میخها بر میان بسته دارد ؛ و از آن ، در سمت چپ تسمه‌ای چرمی بسته‌ی شمشیرش بسته و تسمه‌ای دیگر که بر کمرش متکی است پیائین‌تر شمشیرش بند است . شلواری گشاد و پر چین پوشیده و بر راستای بلندی هر دوپا ، بر روی شلوار ترئیناتی از صفحات گرد و فلزی دوخته که تا بر روی کفش و نوک آن نیز ادامه یافته است .

*

علاوه بر نمونه‌هایی که ارائه شد ، با توجه به سه مرد اشکانی شکل - ۱۳۹ - و طرح مرد زره پوش دورا اوروپوس در شکل - ۱۵۰ - « که انواع زره متدالو آن عهد را ارائه میدهند » طرحی بر بشقاب منتسب بساسانیان ، از دو جنگجو در موزه‌ی هرمیتاژ ، موجود است که دو پیاده‌ی زره پوش را در جنگ تن بتن نشان میدهد . این طرح از حیث شکل زره ، ترکیب و اتصال آهنگهای آن و کلاه‌خود ، شباهتی نزدیک به زره‌های اشکانی دارد و یادآور زره‌های شکلهای - ۱۳۹ - و - ۱۵۰ - میباشد « شکل - ۱۵۵ - » :

این جنگجویان هر دو زره کامل پوشیده‌اند . کلاه‌خودی بلند ، نوک‌تیز ، سه شاخ بر سر دارند . بر بدنه‌ی اصلی کلاه‌خود « یا شاخ وسطی » خطوطی از پائین تا بنوک آن « که رویش یک گردی تعییه شده » شیار کرده‌اند ؛ و بر گردان لبه‌ی کلاه‌خود ، زرهی زنجیری که سرتاسر شانه‌ها و سینه را پوشانده آویخته است . این زره ، روی گونه‌ها را نوک‌تیز پوشانده و سپس هلالی شکل بسوی زیر چانه دور بر میدارد و صورت در میان این زره پیداست .

هر دو جنگجو جوشنی بلند تا بزانو پوشیده‌اند که آستین دارست . جوشن در جلو از بالا تا پائین خطی را نشان میدهد که باید محل بازکردن و افکنند



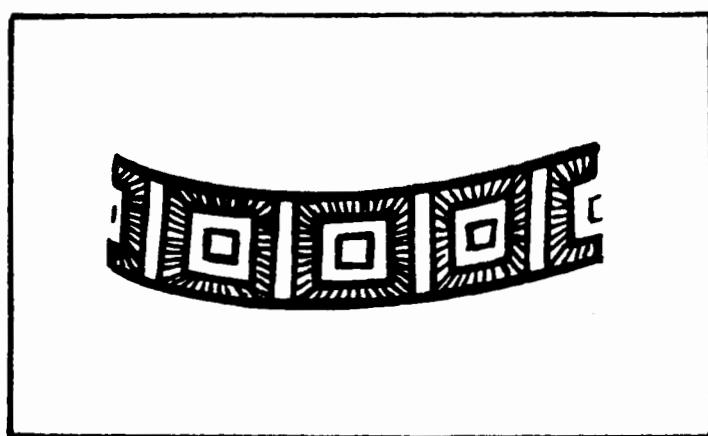
شکل - ۱۰۵ - نقش دو مرد جنگجو بر بشقاب موجود در موزه هرمنیاز

آن از تن باشد . از بالا تا پائين جوشن ، هر طرفش را به - ۹ - بخش موازي کرده و در ميان هر بخش دو ردیف آهن‌های گرد پولکي نیمانیم بروبيهم ساخته‌اند . آستین را نيز که تا آرنج از نوع جوشن بدن است ، در امتداد بازو قسمت‌بندی کرده و ميان هريک از آنها را نيز با زره پولکي نیمانیم تعبيه نموده‌اند . آستین از سر آرنج تا مج دست داراي زره زنجيری « چون زره کلاه‌خود » ميباشد ، و برای پشت دست نيز تا شروع انگشتان ، تکه‌ای بر زره مج بسته‌اند . مرد سمت چپ کمانی بدست چپ دارد که مانند يكی از انواع کمان اشكانيان است و با دست راست تيری را بر زه نهاده بسوی مرد مقابل خود نشانه رفته است ؛ و حريف نيز با نيزه‌ای بلند باو حمله برده است . هردو کمربندی مزيّن بگردديها و شمشيري بر سمت چپ بدن بسته دارند و زره پائين تنهاشان نيز مانند زره حلقوی « اشكانی-ساساني » گرداگرد ران و ساق تا نوك انگشتان پا را پوشيده است . در ميان دو پاي هريک « بر روی زمين » سپري منقوش و در زير آنها دو تبر زين و در وسط معركه مقداري شمشير و گرز شکسته بطور پراکنده طرح کرده‌اند و گلی هفت پر نيز « شبیه گل بر روی سپرهای شکل - ۱۴۶ - سپاهيان اشكاناني پالمير » در آنميان خودنمائي ميکند .

کمربند ، سربند و گفشن اشكانى

در باره‌ی کمربند اشكانى روی نقوش سنگی تنگ سروک بهبهان و سپاهيان اشكانى پالمير « شکل - ۱۲۷ - و ۱۳۹ - » آنرا چرمی ساده و شبیه بکمربند مادي - پارسي ساخته‌اند ، و طرحهای بر روی استخوانهای مانده از آنهده « شکلهای - ۱۲۳ - ۱۲۴ - » و نقش اشكانى ييستون « شکل - ۱۲۶ - » کمربندهائی را نشان ميدهند که از ترتئيناتی گرد و محّدب « که ميتواند قلابهای فلزی باشد » مرکب است ، ولی بر کمر سورنا يا مرد شمی ايلامی کمربندی پهنه

است که داراي نقوش چهارگوش است و هر چهارگوشی ، چهارگوشهاي ديگري در ميان خود دارد که بوسيله‌ی خطوط مайл « هاشوري » بهم ارتباط دارند
« شكل - ۱۵۶ - » .



شكل - ۱۵۶ - سربند سورنا

(متأسفانه گل کمر ضایع شده و ازینرو نمیتوان پی برد که چگونه شکلی داشته است) ولی شکل‌های « - ۱۳۰ و ۱۳۲ - » نمونه‌های خوب از کمربند‌های اشکاني ارائه میدهند .

سربند اشکاني

سربند اشکاني از يك تا چند بند بافت‌هی ابریشمی مرکب بوده است که در پشت سر ، دوسر سربند‌ها بهم قفل میشده است ، یا بوسيله‌ی نواری گل‌گره زده میشد و دنباله‌های آن در پشت سر می‌آويخته است (شکل‌های - ۱۵۷ - « مهرداد دوم » و - ۱۵۸ - « بلاش دوم » - ۱۵۹ - « واردان ») .



شکل - ۱۵۷ - مهرداد دوم اشکانی



شکل - ۱۵۸ - بلاش دوم اشکانی



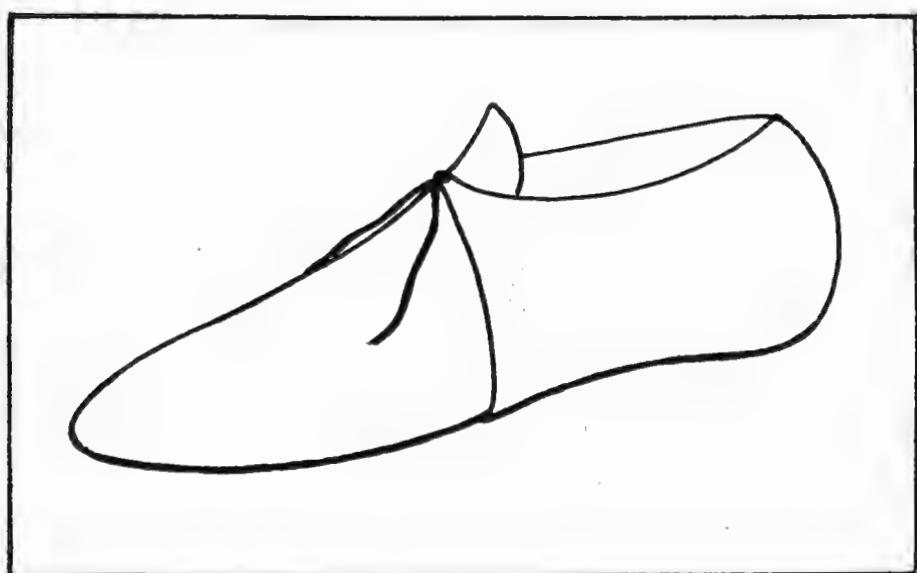
شکل - ۱۵۹ - واردان اشکانی

کفش اشکانی

کفش پارتی بچهار شکل دیده شده است :

۱ - نوعی از آن ساده است و رویه‌ی آن دارای دو تکه چرم است و بوسیله‌ی یک بند در جلوی دهانه‌ی کفش ، گل‌گره زده می‌شود « شکل - ۱۶۰ - » (اینچنین کفشهای ، در پای پارتیانی است که نقاشی آنها در دورا اوروپوس شکل‌های ۱۶۱ - ۱۶۲ - و نقش بر جسته‌ی آن در پالمیر هست « شکل - ۱۷۴ - ») .

۲ - نوع دوم ، کفشی است که در پای مرد « شمی - ایلامی » یا سورن است ، و پنجه‌های کفش بسوی بیرون پا متوجه است و بر رویه‌ی کفش ، نیز درزی دارد « شکل - ۱۶۳ - » .



شکل - ۱۶۰ - طرح کفش اشکانی از روی نقاشی دورا اوروپوس



شکل - ۱۶۱ - نقاشی دورا اوروپوس



شکل - ۱۶۲ - نقاشی دورا اوروپوس . مردان اشکانی و کفش آنان را نشان میدهد



شکل - ۱۶۳ - کفش مرد ایلامی «سورنا»

۳- نوع سوم ، کفشهی است ساقه بلند با پنجهی برگشته بروی خود ،
دو تختی ، و دارای بندهای فراوان تا بالا « که بر گردنی پا بسته میشود »
(این نوع کفش ، در پای اشکانیان ایلامی است و نمونهی مفرغی آنها در موزهی
ایران باستان موجود است « شکلهای - ۱۶۴ - ۱۶۵ و ۱۶۶ - ».)



شکل - ۱۶۴ - کفشهایلامی اشکانی

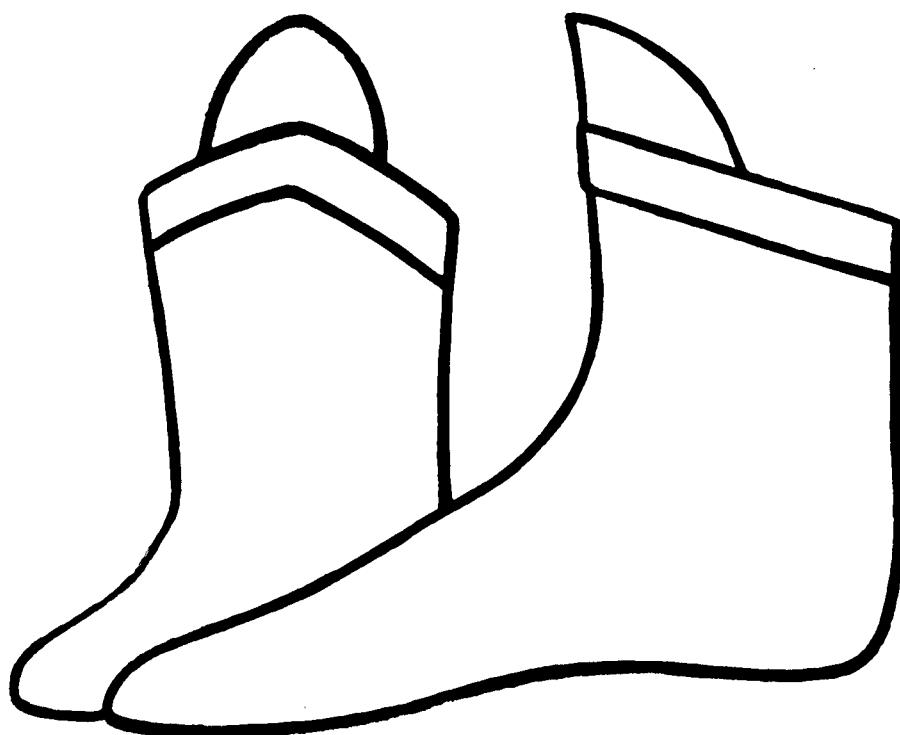
کفشه اشکانی

۱۸۹



شکل - ۱۶۶ - ۱۶۵ - کفشه ایلامی اشکانی

۴ - نوع چهارم ، از کفش‌هایی است که نقش برجسته‌ای از آنها متعلق به پالمیر در موزه‌ی لوور قرار دارد « شکل‌های ۱۲۷ و ۱۶۷ - » :



شکل - ۱۶۷ - نوع چهارم کفش اشکانی

این لوح دو سپاهی اشکانی را نشان میدهد که هریک نیم چکمه‌ای پیا دارند ، از آن‌یکی ، نیم چکمه‌ایست که لبه‌ی ساقه‌ی آن نواری چرمی دارد که دهانه‌ی کفش را جمع کرده پیا می‌چسباند ، و زبانه‌ی بلند کفش در روی رو نمایان است ، و خود ساقه در نیمرخ هلالی شکل است .

پرچم اشکانی

از عهد اشکانی دو پرچم فلزی هر دو بر یک اسلوب ساختمان « ولی در جزئیات اندکی متفاوت » در شهر هاترا واقع در بین النهرين در دست است .
۱ - اولی « شکل - ۱۶۸ - » نیزه‌ای بلند است که از بالا پائین دارای

مشخصات زیر میباشد :

(بالای نیزه عقابی بر روی هلال ماه نشسته است . دو گوشی هلال ماه بسوی بالا است ، « و دو گردی نیز بر روی آن قرار دارد ». زیر هلال ماه دنباله‌ای از پارچه‌ی پرچین آویخته است ، و پائین هلال ماه ، صورت مهر روی صفحه‌ای گرد ساخته شده است و پائین قر ، یک گردی مسطح بی‌نقش دارد « شاید که سائیده شده باشد » و پائین این گردی سه حلقه‌ی پهن است « که هریک دارای خطوط و گردیهای ریز ترینی هستند » این سه حلقه در حالیکه از زیر هم‌دیگر آویخته‌اند نیزه‌ی پرچم از میان آنها گذشته است) .

.....
۲ - پرچم دیگر بر همین اسلوب است منتهی در زیر صورت مهر ، آن گردی مسطح ، در اینجا دارای دو خط نصف النهاری در طرفین گردی میباشد ، و نیز دو هلال بزرگ و کوچک توی هم « که نوکشان بسوی پائین است » اضافه دارد ؛ و این دو هلال ، میان گردی مسطح و سه حلقه‌ی پائینی قرار دارند « شکل - ۱۲۹ - » .

*

(علاوه بر پرچمهای مذکوره ، پرچمی دیگر بر روی سکه‌هایی از نقره نقش است که می‌نویسند مربوط به سیصد پیش از میلاد مسیح است و بنام کسانی موسوم به بغداد اول « Bagdates I » و فرادات اول میباشد « Autophradates. I » « شکلهای ۱۶۹ - ۱۷۰ - » : خود پرچم ، عبارت است از یک چهارگوش ، با خطوطی



شکل - ۱۶۸ - پرچم اشکانی از شهر هزارا



شکل - ۱۶۹ - سکه‌ی بغداد اول



شکل - ۱۷۰ - سکه‌ی فرادات اول

متقطع « که از گوشهای آن رسم شده » و در هر خانهی سه‌گوشی که روی این چهارگوش بوجود آمده ، یک‌گردی بعنوان زینت در آنها نقش شده ، و از زیر خط پائین چهارگوش ، ریشه‌هائی آویزان است « خود چهارگوش بر نیزه‌ای استوار است ». .

پوشاك زنان اشكانى

لباس زنان اشكانی پيراهنى بلند تا بروى زمين ، گشاد ، پرچين ، آستين دار و يخه راست بوده است . پيراهنى ديگر داشته‌اند که روی اولى مى‌پوشيدند . قد اين‌يک ، نسبت باولى كوتاه و ضمناً يخه باز بوده است . روی اين دو پيراهن چادری سر مي‌کردند . پيراهن‌ها از پارچه‌های منقش « مخصوصاً قلابدوزی شده » تهيه ميشده است و كفشه سادهی مردان اشكانی را پيا مي‌کرده‌اند . كمربند آنان منحصر بنواری بود که برای جمع کردن گشادی پيراهن در زير پستانها می‌بستند . هيئت مجلل و با شکوه زنانه‌شان ، در پوشیدن البسه‌ی پرچين دست دوزی شده ، و بكار بردن زیورآلات فراوان و گاهی كلاههای با ابهشان بود .

*

مجسمه‌ای از شهر هاترا بنام پرسنس و اشفاری در موزه‌ی بغداد هست که گفته شده است دختر ساترولك اشكانی « اشك دهم » است « شكل - ۱۷۱ - ». پرسنس و اشفاری ، بر سکوئی نشسته كلاهی بشکل مخروط ناقص و پنج قسمتی بر سر نهاده است . در بالاي كلاه ، از يك قطعه فلنر تخت و گرد دانه نشان ، دو رشته جواهر گرد بدبو سوي پيشاني اش فرود آمده ، و گوشواره هائي سنگين بگوش آويخته دارد . گردن‌بندي نازك بر گردن و دو رشته سينه ريز وزين نيز روی سينه‌اش گستره است ، و زنجيری از طرفين اين سينه ريزها بواسطه پستانها راه



شکل - ۱۷۱ - مجسمه‌ی پرنس و اشفاری « موزه‌ی بغداد »

یافته گوهری را که بشکل دل است بخود آویخته دارد . دامن پرچین پیراهن آستیندارش « که بسیار بلند است » از زیر چادرش در جلو پیداست . پیراهن دیگری پوشیده که سر شانه‌ی آن در محل چپ بوسیله‌ی دگمه‌ای به تکه‌ی پشت آن وصل است . کف دست راستش بعلامت حرمت بالا است و بر میچ این دست دانه‌هائی درشت « رشته کرده » بشکل دستبند دارد ، و دست چپش بر روی زانوی چپ ، بند چادر را که از روی شانه‌اش افکنده ، گرفته است .

*

از پالمیر نقشی سنگی از زنی در موزه‌ی لوور هست « شکل - ۱۷۲ - »



شکل - ۱۷۳ - بانوی اشکانی
از پالمیر

Mortuary Relief from Palmyra, Musée du Louvre

که عمامه‌ای جالب بر سر دارد . تشکیلات عمامه چنین است :
در رویرو ، صفحه‌ای فلزی ، مستطیل با نقوش بر جسته ، دارد .
در طرفین این صفحه ، جواهری بر دو صفحه نصب است ، و این سه صفحه با هم
چون کمربندی قسمت پائین عمامه و بالای پیشانی را محاصره کرده‌اند . گیسوان
این بانو از دو طرف صورت بسوی بالا و پشت سر ، جمع است . خود عمامه ، از
چندین رج کلاف حلقه‌ای برویهم چیده ، تشکیل شده است (این نوع عمامه ،
هم اکنون در میان زنان لرستان مرسوم است) . همه‌ی دو پهلو و پشت عمامه را
چادری گشاد پوشیده و سر و سینه‌ی او از آن میان پیداست . با دست چپ قسمتی
از چادر را در پائین سینه‌ی چپ جمع کرده و با دست راست ، چادر بخش مقابل
صورت را بوضعی مطبوع گرفته است . یخه‌ی پیراهن ، در اصل راست است
ولی بعلت گشادی پیراهن و عرض زیاد شانه‌ها ، زاویه‌ه دار شده است . بر روی
این چین‌ها نیز گردن‌بند و سینه‌بند جا دارد . بر شانه‌ی چپ این بانو ، صفحه‌ای
گرد و فلزی با نقوش بر جسته وجود دارد که گوشه‌ی چادر به آن وصل است .
چادر از این محل « پس از آنکه روی پستان چپ را پوشانده » از زیر پستان
راست بسوی زیر بغل و به پشت و روی سر رفته شانه و پهلوی چپ را فرا گرفته
است . « بانو ، بلندی چادر را در این قسمت با دست چپ خود چسبیده بقیه را رها
کرده و با دست راست نیز سمت راست چادر را برای بهتر ماندن و صورت را
ضمناً حفظ کردن گرفته است » .

*

نقش بر جسته‌ی دیگری از پالمیر در موزه‌ی لوور هست که زنی از دوره‌ی
اشکانی را نشان میدهد « شکل - ۱۷۳ - » : این زن ، چادری بر سر دارد
و از زیر آن عمامه‌اش که خوب جوری بافتش پیداست نمایان است . بر بالای
پیشانی و پائین عمامه ، فلزی پهن ، منقوش و بر جسته چون نواری موهای جلوی



شکل - ۱۷۳ - بانوی عهد اشکانی از پالمیر « موزهی لوور »

سرش را پوشیده و بقیه بوضع مطلوبی بعقب سر برده شده است . یک رشته گرد بند از دانه‌های گرد بگردن ، و گوشواره‌ای کوتاه بگوش دارد . یخه‌ی راست پیراهن او که سه گوش بر روی سینه ریخته ، پیداست ، و گوشه‌ی چادر « که زیر یک قطعه فلز بشکل حیوان بند است » از شانه‌ی سمت چپش آویزان است .

*

مجسمه‌ی اشکانی زنی از پالمیر در موزه‌ی دمشق هست که پوشش زنان این دوره را بوضعی بسیار روشنتر نشان میدهد « شکل - ۱۷۴ - » : این بانو ، نشسته و چادری او را پوشانده است . گوشه‌ی چادر ، در زیر یک تخته فلز بیضی منقوش « که بوسیله‌ی زنجیری بگردن افکنده شده » بند است . ساختمان عمامه « که چادر نیز آنرا پوشانده » بهمان نحو معمول است و باز طبق معمول در زیر عمامه ، نواری فلزی ، موی سر را محاصره کرده و یک رشته جواهر گرد از بالای نوار بدو طرف صورت ، روی موی سر ، سرازیر گشته است . این بانو ، یک رشته گرد بند چسبیده بگردن دارد و پائین‌تر از آن ، دور یخه‌ی پیراهن زیرین ، پیداست . بر روی این پیراهن دو رشته سینه ریز وزین هست و میان رشته‌ی پائینی و زنجیر چادر ، خط یخه‌ی پیراهن روئی « که معمولاً بوسیله‌ی دگمه‌ای بر شانه‌ی تکه‌ی پشتی وصل میشود » نمایان است . بر معچ دستش النگو و در گوش‌ها گوشواره دارد . در این نقش آنچه جالب است و با نقوش دیگر فرق دارد ، پیراهن زیری این بانو است « که آستین آن سرخود بوده از زیر پیراهن گشاد و سر شانه‌ی عریضش نتیجه شده است ». آستین سرخود پیراهن ، در سمت چپ مجسمه و بر روی بازوی راست آن « بعد از برهنگی ساعد » نمایان است .

*

علاوه بر این مجسمه‌ها نفاشی‌هایی بر دیوار معبد زوس شهر دورا اوروپوس



در بین النهرين کشیده‌اند که مربوط باشکانیان است و عده‌ای را با لباس مخصوص برگزاری مراسم مذهبی نشان میدهد « شکل - ۱۷۵ - » :



شکل - ۱۷۵ - برگزاری مراسم مذهبی اشکانیان « دورا اوروبوس »

در آن میان ، زنانی را نیز ساخته‌اند که پوشش آنان با رنگ آمیزی‌هاش مدرکی جالب برای شناسائی بیشتر با لباس بانوان آن عهد است « شکل - ۱۷۶ - » :

در این نقاشیها زنی بنظر میرسد که عمامه‌ای بر سر نهاده و موهاش از زیر آن نمایان است ، و کف دست راستش را بعلامت حرمت بالا گرفته است . چند رج گردن‌بند فلزی بگردن دارد . چادری ارغوانی و بزرگ بر سر افکنده که سرتاسر بدنش را پوشانده است « شکل - ۱۷۷ - » .



شکل - ۱۷۶ - زنان اشکانی در میان مردان

زندگی دیگر را بر این دیوار نقاشی کردند که روی پیراهن ارغوانی خود چادری سراسر سفید پوشیده و بر روی آن یک تکه پارچه‌ی ارغوانی افکنده است. از زیر این پوششها کلاهی بلند و استوانهای و پر زیور جلب نظر می‌کند. کلاه، حاشیه‌هائی در قسمت پائین دارد و از بالای آن نیز دو رشته‌ی زیور دار پائین آمده هر یک بطرفی از چهره بسوی گوش و زیر روسربند ارغوانی فرو می‌شود. چند رج تزئینات فلزی گرد، به گردن دارد و از رج آخری زیورهای فلزی نوک تیز

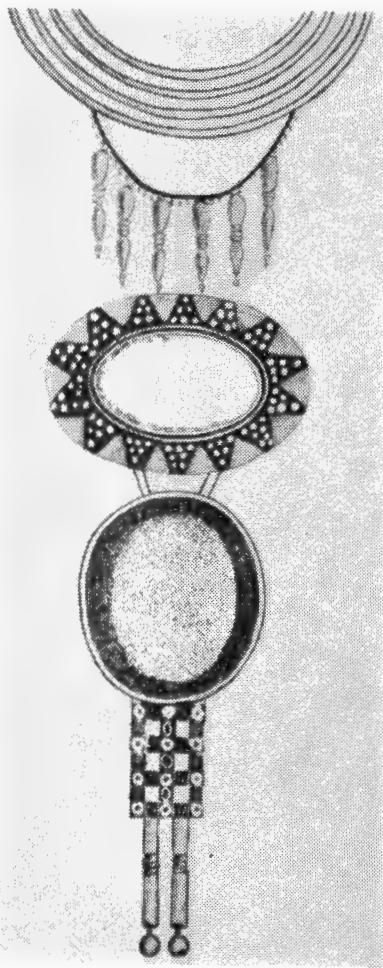


شکل - ۱۷۷ - زن اشکانی دورا اوروبوس

آویزان است، و دو صفحه‌ی بیضوی، بالا و پائین هم قرار دارند « از صفحه‌ی بیضی زیری مقداری زیورآلات آویخته است . این بانوکشی نظیر کفشهای ساده‌ی اشکانیان طبق شکل - ۱۷۶ - پا کرده است « شکلهای - ۱۷۸ و ۱۷۹ - » .

*

مجسمه‌ی کوچک زنی از سرب باندازه‌ی ۱۴ سانتیمتر ، از دوره‌ی اشکانی



شکل - ۱۷۹ - زیورآلات زن اشکانی



شکل - ۱۷۸ - زن اشکانی دورا اوروپوس

در موزه‌ی دولتی استاندار است که لباس آن شباهتی زیاد بلباس شکلهای زنان بر سکه‌ی اشکانیان دارد «شکل - ۱۸۰ -» : بانوئی است که گردن بندی پهن در دو ردیف و سینه ریزی پیوسته با آن سه گوش در فاصله‌ی میان دو پستانش آویخته است . پیراهنی پرچین پوشیده ولی بالاتنه‌اش تا زیر پستان عریان است . جلوی دامن پیراهن تا بیانین شکم ، بالا برده شده و با دو گوشی چادرشی که از پشت کمر و لمبر بجلو آورده شده با هم در یکجا گره زده است ، و پاهای لختش تا همان اندازه که دامن بالا رفته پیداست . دستهای این بانو بشکل علامت ضرب در



شکل - ۱۸۰ - مجسمه‌ی زن اشکانی از سرب

» × « بر رویهم نهاده شده است .

*

بر روی سکه‌ی بلاش دوم اشکانی
ملکه‌ای را نشان داده‌اند که تاجی دوره
باریک « با کنگره‌های تیز سه گوش
و گردیهائی روی آنها » بر سر نهاده است .

« شکل - ۱۸۱ - » :

این تاج دنبال‌مهائی دارد که در
پشت سر آویزان است . موهای سر ،
بوضعی ساده بیالا و عقب سر جمع شده
است . ملکه ، پیراهن بی آستین پر چین
و بلند « تا پشت پا » پوشیده و نواری
چون کمربند در زیر پستانها بسته است .
ضمناً پارچه‌ای بزرگ مانند چادر شب
امروزی که کمر و لمبر او را پوشانده
در جلوی بدن گره زده است و با دست
راست حلقه‌ی پیمان را بشاه تقدیم می‌کند .
(در سکه‌ی بلاش سوم و همه‌ی سکه‌های
این دوره که زنی را ساخته‌اند نیز چنین
پوششی برای شان نقش کرده‌اند « شکل - ۱۸۲ - ») .

.....

طرح یک زن اشکانی از روی سکه . « شکل - ۱۸۳ - » .



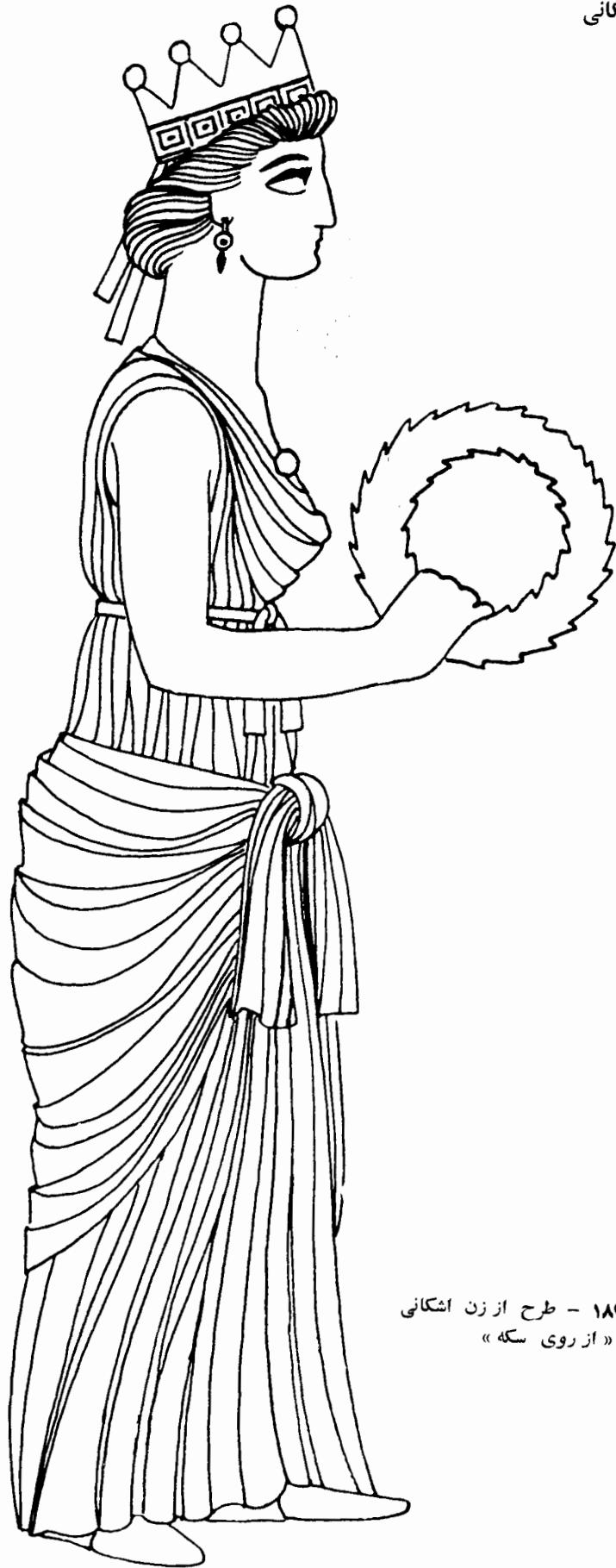
شکل - ۱۸۱ - سکه‌ی بلاش دوم اشکانی



شکل - ۱۸۲ - سکه‌ی بلاش سوم اشکانی

پوشش زنان اشکانی

۲۰۷



شکل - ۱۸۳ - طرح از زن اشکانی
«از روی سکه»

چادر و انواع پيراهن زنان اشكاني

چادرهائی که در اين نقوش نموده شد ، ساختمانش برخلاف چادرهای عبائی بوده و استوانهای میباشد . « گاهی قسمت عقب آنرا باندازهی يك سروگردن ، بلندتر میگرفته‌اند » قسمت بالا و جلوی چادر « که انتهای بالائی درز عمودی آن نيز هست » على الرسم در زیر يك قطعه فلز « که ممکن است گرد يا بيضی و يا به شکلهای دیگر باشد » محکم بند کرده و بدو طرف آن قطعه فلز ، نيز رسماً ابریشمین يا زنجیرهائی ظریف « که با آنها بند چادر میتوان گفت » برای بگردن افکنندن يا از شانه بزیر بغل انداختن ، وصل میگردداند « شکل - ۱۸۴ - » .

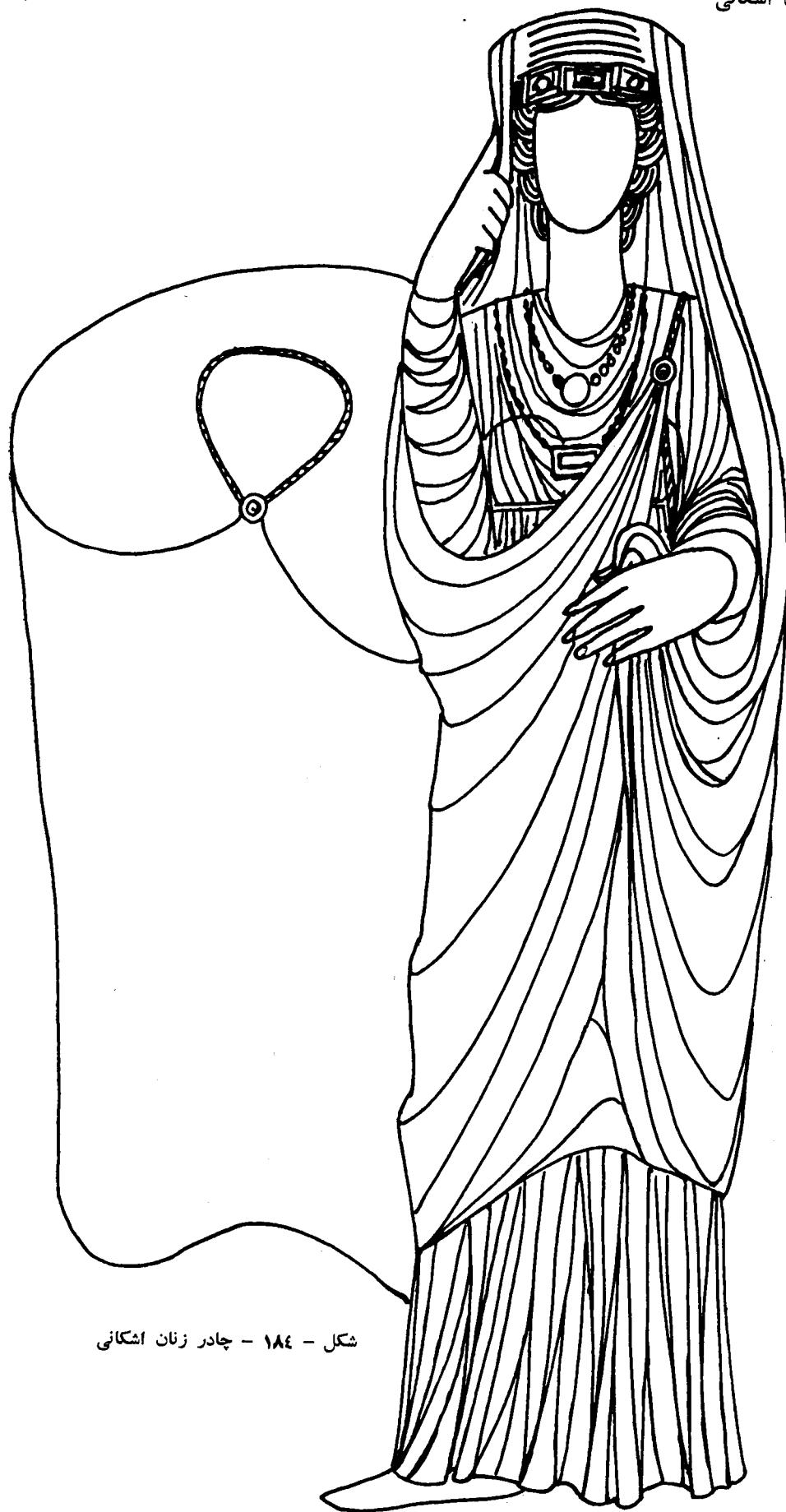
*

پيراهن بانوان اشكاني بر چهار نوع است :

- ۱ - نوع اول ، پيراهن بلندی است تا بکف زمين ، گشاد و با يخهی راست . پارچهی اين پيراهن دو تکهی مستطيل است « شکل - ۱۸۵ - » و در زير پستانها نواری دارد که گشادي ساده و راستهی پيراهن را در پائين پستانها جمع میکند . در نتيجه ، همهی پارچه ، چيندار بسوی بدن متوجه ميشود .
- ۲ - نوع دوم پيراهنی است بآستین و لسى دارای سرشانههائی باريک « که دو بدو در جلو و عقب بوسيلهی دگمه یا سگکی بهم وصل ميشوند . يخهی آن باندازهی همهی پهناي پارچه ، راست و باز است و حلقهی آستینها در پهلو است و در اينصورت وقتی دگمههای سرشانه در محل خود قرار گرفت ، تيزی يخهی جمع شده در جلوی بدن ، پس از پوشاندن پستانها بصورت سه گوش از راه ميانهی دو پستان تا بالائي ناف راه پيدا ميکند « شکلهای - ۱۸۶ - ۱۸۷ - » .

پوشش زنان اشکانی

۴۰۹



شکل - ۱۸۴ - چادر زنان اشکانی



شکل - ۱۸۵ - پیراهن زنان اشکانی

پوشش زنان اشکانی

۲۱۱



شکل - ۱۸۶ - پیراهن زنان اشکانی



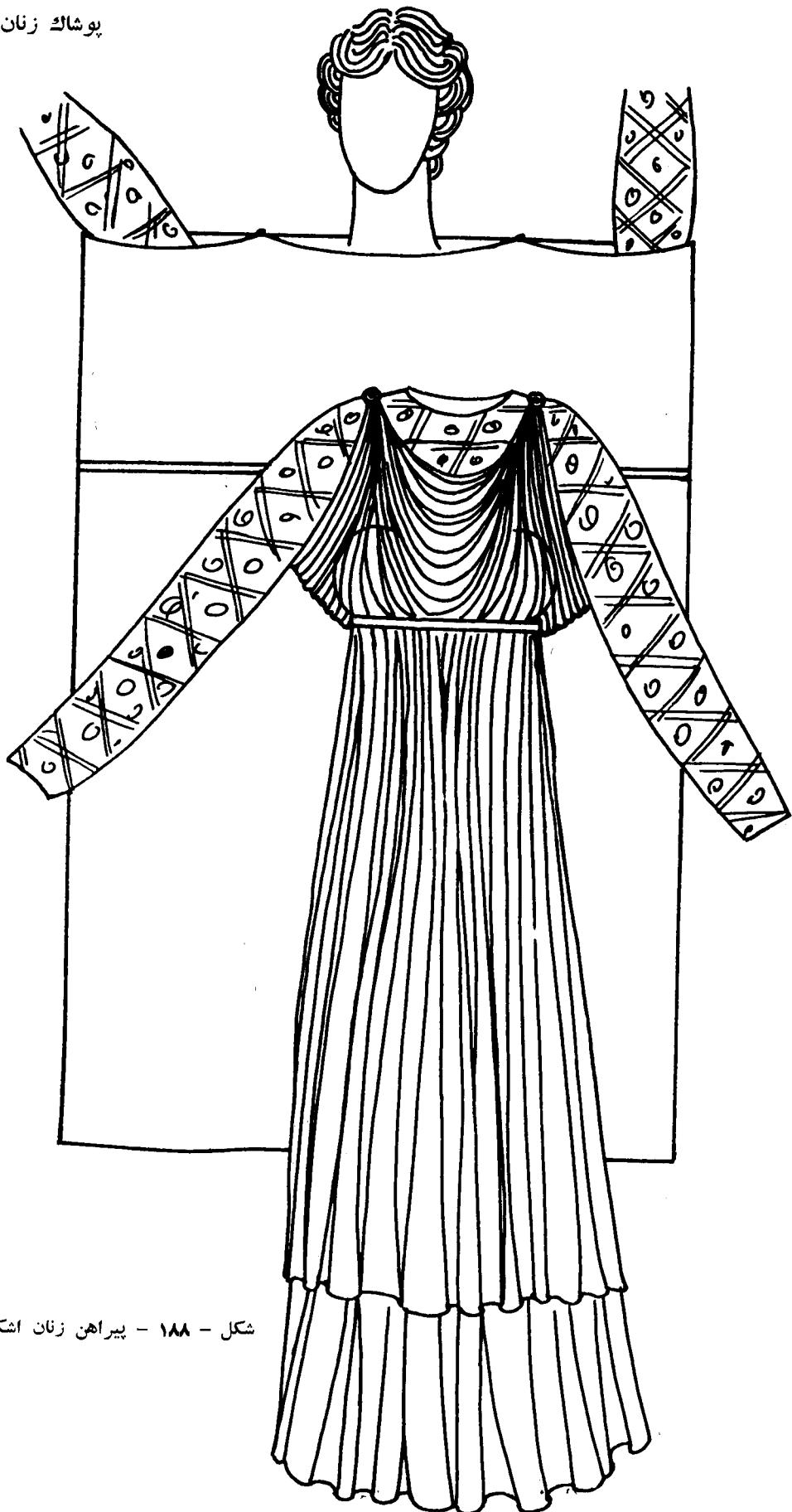
شکل - ۱۸۷ - مجسمه‌ی اشکانی زنی بنام اویال از شهر هاترا « موزه‌ی بغداد »

۳ - گاهی نیز با تنگ‌تر گرفتن یخه « که در این صورت ، حلقه‌ی آستین‌ها در بالای پارچه قرار می‌گیرد » تیزی یخه‌ی جمع شده ، تا حد میان دو پستان می‌ایستد « شکل - ۱۸۸ - ». .

قد این پیراهن چون پیراهن روئی شکل - ۱۸۶ - یا - ۱۸۷ - نسبت به پیراهن زیری خود کوتاه است ولی بقیه‌ی آن ، چون پیراهن‌های دیگر ، گشاد و متشکل از دو تکه پارچه‌ی مستطیلی است ؛ و نواری در زیر پستانها دارد .

* *

۴ - نوع چهارم پیراهنی آستین‌دار است . این پیراهن نیز ، همان دو تکه پارچه‌ی مستطیلی و با همان خصوصیات است : « گشاد ، بلند و یخه راست » جز اینکه آستینی بلند « بیش از بلندی بال ، بمنظور افقی چین‌دار شدن » با دم آستین تنگ و چسبان با آن میدوزند « شکلهای - ۱۷۱ - ۱۸۴ - ۱۸۶ - ۱۸۷ و ۱۸۸ - ». .



شكل - ۱۸۸ - پیراهن زنان اشکانی

پوشاك ساسانيان

در بارهی لباس این دوره ، روی قاعدهی طبیعی ، نظر اینست که اصولاً در هنگام بهم ریختن یک رژیم سیاسی و پیشرفت تدریجی آن ، نیازمندیهای اساسی یک جامعه « که قرنها با آن خوگرفته‌اند » بزودی تغییر شکل نمی‌دهد . خاصه اگر برهم زندگان رژیم ، داخلی و خودی بوده باشد نه ییگانه : « که سعی در بهم ریختن زوار اوضاع و تغییر دادن تدریجی احوال یک جامعه بصور گوناگون ، برای در اختیار داشتن آنان دارد » بنا بر این ، روی کارآمدن ساسانیان « که خودی بوده‌اند » قاعده‌تاً نبایستی اثر زیادی در عوض کردن پوشاك مردم داشته باشد ؛ مگر در برخی موارد که از نظر کارآمد نبودن پوشاك یا مسائل دیگر ، تعویض ، ایجاد کرده باشد « مانند کوروش بزرگ که با سیاست مدارا . تحبیب قلوب میکرد ». (مدارکی هست که نشان میدهد ساسانیان از برخی البسه‌ی معمول اشکانیان و رزم افزار آنان استفاده میکرده‌اند).

*

تاریخ نویسان در بارهی پوشاك ساسانیان مطالبی ننوشته‌اند مگر برخی که بتوضیحاتی مختصر آنهم در بارهی پوشش جنگی آنان اکتفا کرده‌اند . آنچه

در اینجا از لباس ساسانیان نوشه میشود بر مبنای مدارکی است که نقوش سنگی مناطق مختلف ایران یا کنده کاری های روی ظروف موجود در موزه های کشورهای بیگانه ارائه میدهند.

*

در طاق بستان « یا بهستان » بر تن نقوش برجسته‌ی سه نفری که در حالت ایستاده و مردی دیگر افتاده در زیر پای آنان ، بر دیوار خارج از طاقهای بزرگ و کوچک ، ساخته‌اند ، دو نوع لباس دیده میشود شکل « - ۱۸۹ - » :

۱ - نوعی از آن بر تن دو مرد طرفین است که پیراهنی است تا بزانو بلند ، با آستین مچ تنگ و چسبان . مرد طرف راست ، حلقه‌ای ساده بگردن دارد و با دست راست خود حلقه‌ی پیمان یا منصب را گرفته و دست چپ را به تهی گاه خود نهاده است . شنلی بدوش افکنده که پرچین است و دوسر آن که بر روی سینه با دو قلاب گرد ، بند شده است ، هریک چین چین بر روی هم مرتب ریخته ، دنباله‌ای نیز پرچین و باز از هم ، دارد که از تاج آویخته و در پشت سر نمایان است ، و کمر بندی که دو قلاب گرد با دنباله‌های آویزان دارد بر کمر بسته است . دامن این دون نقش در دو پهلو و جلو ، ترکهای چین‌دار دارد « شکلهای - ۱۹۰ و ۱۹۱ - » .

بنظر میرسد که با توجه بفتن قرینه سازی و در نظر گرفتن قرینه‌ی ترک وسط در پشت لباس ، پیراهن این نقش ، چهار ترکی باشد (حذف دو ترک پیراهن از جلو و عقب آن ، همان خواهد شد که اشکانیان بر روی استخوانها لباس خود را طرح کرده بوده‌اند « شکل - ۱۲۳ - ». شلوار مردان این نقش طاق بستان ، گشاد و پرچین است و چین‌ها ، از جلوی ساق و راستای بلند پا به طرفین و عقب طرح ریزی شده است .

.....



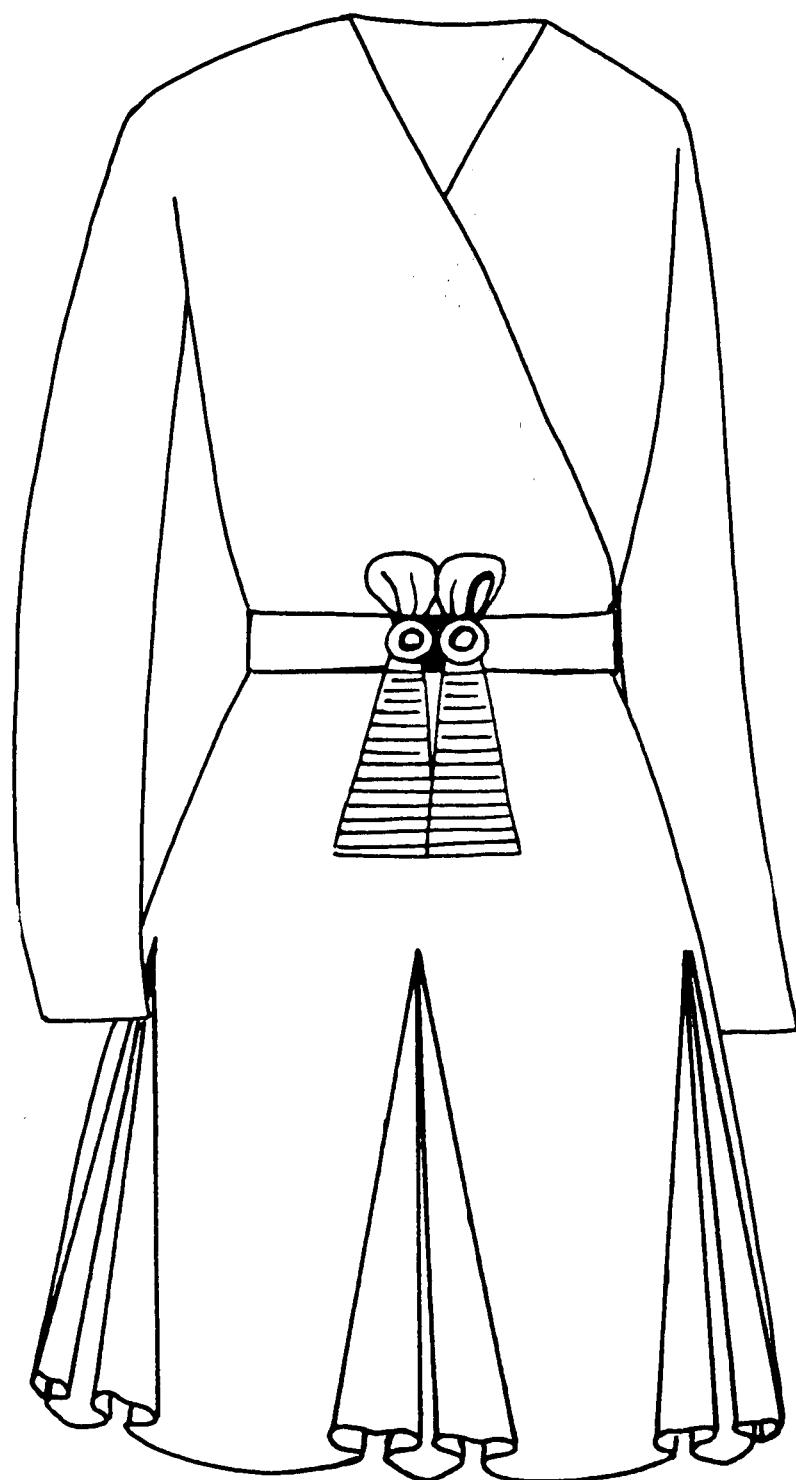
شکل - ۱۶۴ - نقش چهارتاقی طاق بستان در کرمانشاهان



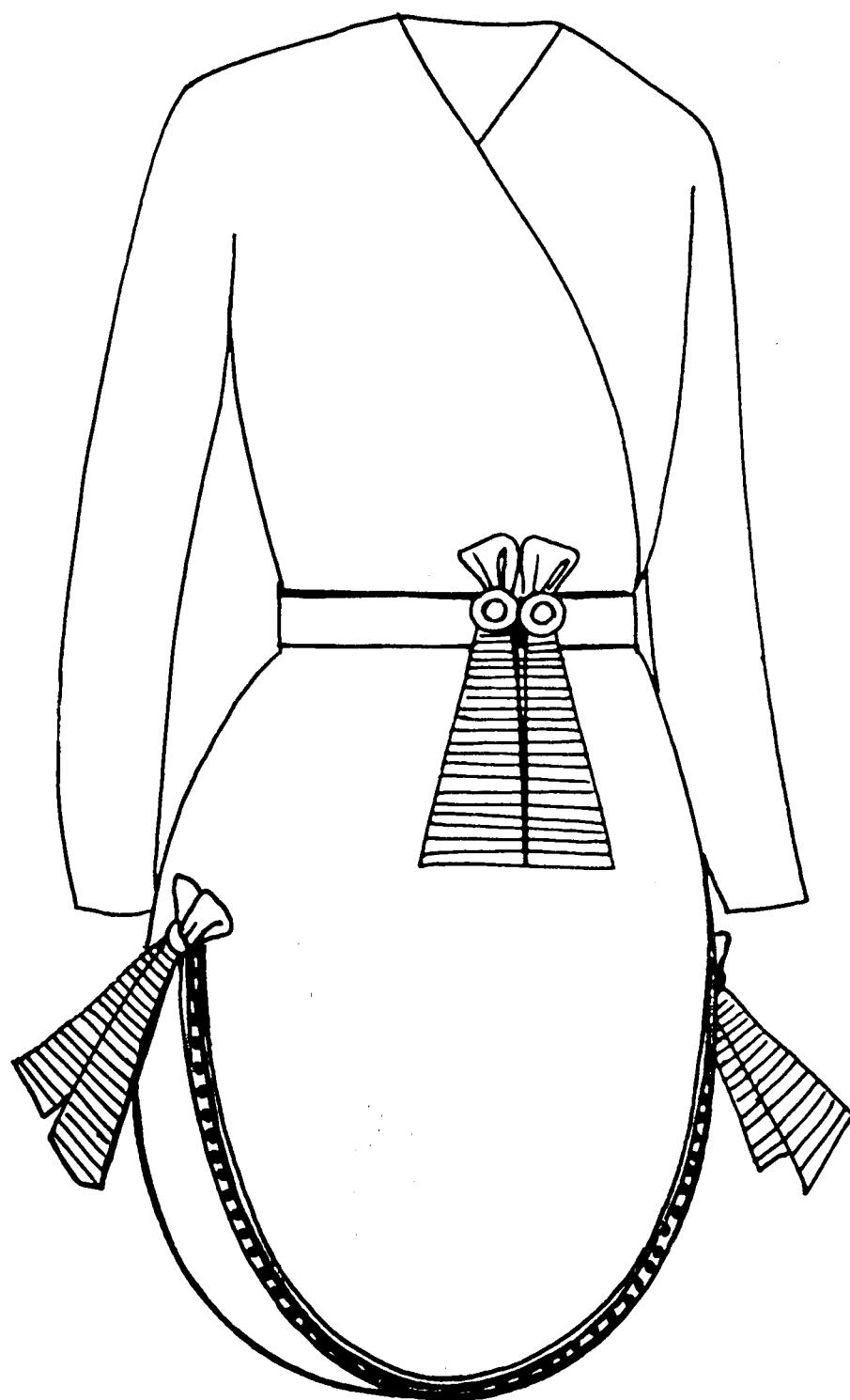
شکل - ۱۹۰ - نمایش پیراهنی از نقش چهارقمری در طاق بستان

۲ - مرد وسطی ، چون آن دو نفر گردن بندی « منتهای از دانه های گرد » بگردن دارد و شمشیری بدست چپ گرفته و با دست راست ، حلقه‌ی پیمان یا منصب را بمرد سمت چپی خود میدهد . ارخالقی پوشیده است و حاشیه‌ی یخه‌ی آن بر روی سینه و زیر بغل سمت راستش نمایان است . دامن پیراهنش در جلو نیمگرد و حاشیه‌دار میباشد . (با توجه به پهلوی نقش ، معلوم میگردد که دامن در قسمت پشت نیز چنین است) . « شکل - ۱۹۲ - » .

نظیر این نوع دامن در چندینجا طرح گردیده و نمونه‌های کافی دارد . (علاوه بر نقش مورد ذکر ، دو نقش دیگر در طاق بستان بر دیوار روبروی طاق کوچک « شکل - ۱۹۳ - » و در جام خسرو اول « انوشیروان شکل - ۱۹۴ - متعلق بموزه‌ی هرمیتاژ » و در جام یافته از دیلمان گیلان شکل - ۱۹۵ - و بر سنگ حکاکی شده‌ی موزه‌ی بریتانیا شکل - ۱۹۶ - که



شکل - ۱۹۱ - پیراهن مردان طاق بستان



شكل - ۱۹۳ - پیراهن مردان طاق بستان



شکل - ۱۹۳ - پوشان مردان طاق‌کوچک بستان

میگویند بهرام چهارم است » و در بشقابی بنام شاپور سوم که پلنگی را با شمشیر ضربت زده است شکل - ۱۱۵ - و در نقش بشقاب بهرام گور و سپینود « شکل - ۱۹۷ - » موجود است)

*

۳ - پیراهن یا قبای دیگری هست که دامن آن در جلو از روی یک پا تا پای دیگر ، نیمدايرهای دارد که انحنای آن بیالا است و بنظر میرسد که پشت قبا و پهلوهای آن نیز چنین باشد و در اینصورت هنگام سواری در جلو و پشت زین ، دامن جا خالی داشته مزاحمت ندارد « شکل - ۱۹۸ - ». این قبا نیز دامنش چون قbahای دیگر دارای حاشیه میباشد و از آن در بشقابی که خسرو انوشیروان را در وسط ساخته و حواشی آنرا منقش کرده‌اند ،



شكل - ۱۹۴ - نقش خسرو انشیروان روی بشقاب



شکل - ۱۹۵ - بشقاب یافته از دیلمان گیلان منتب بشاپور دوم



شکل - ۱۹۶ - سنگ حکاکی شده « موزهی بریتانیا »

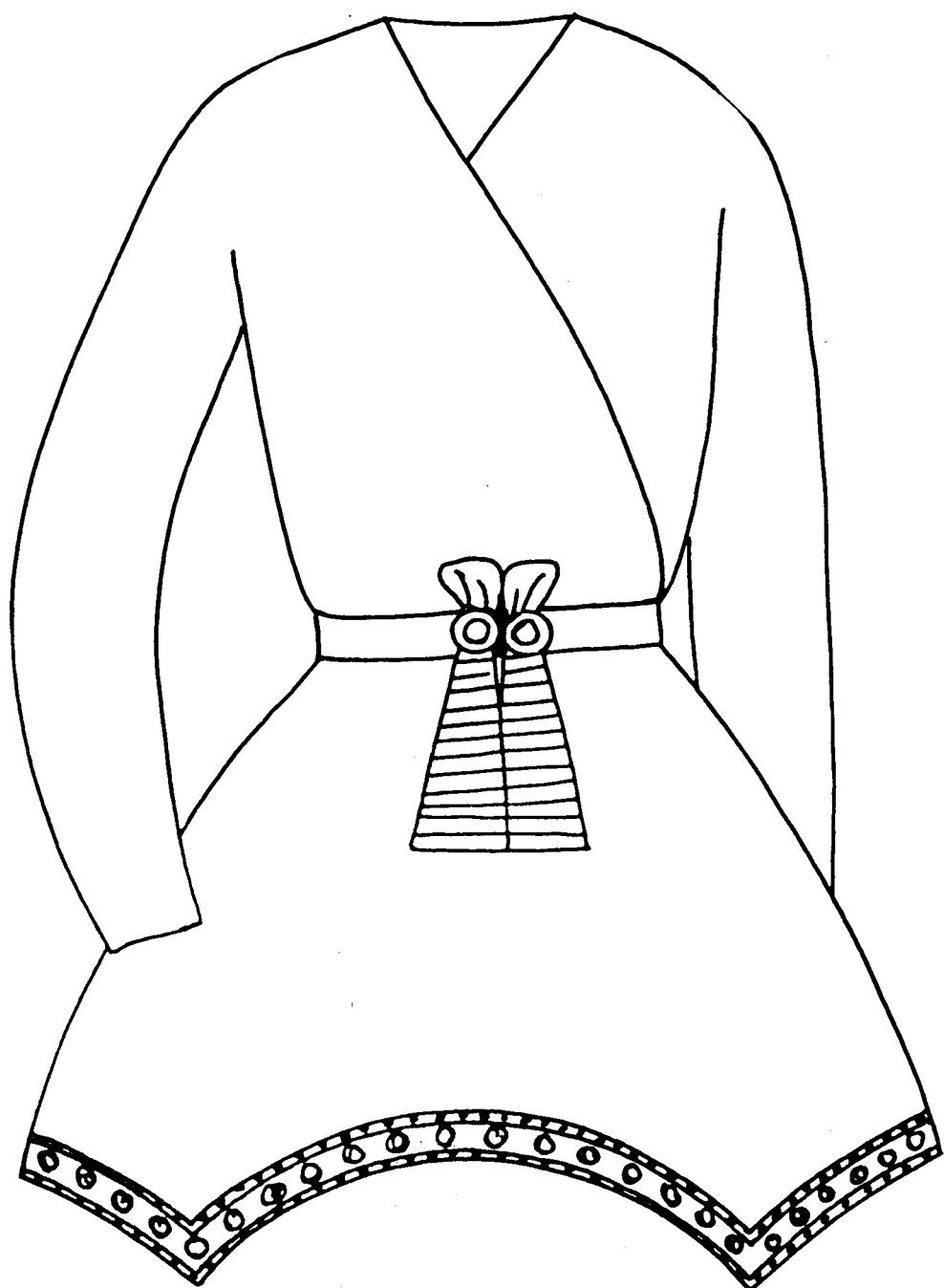


شکل - ۱۹۷ - بهرام گور و سپینود

نشان داده شده است « شکل - ۱۹۹ - » .

*

۴ - قبای دیگری هست که دامنش در قسمت جلو مانند نوع سوم بشکل نیمدايره از يك پهلو تا پهلوی دیگر بیالا انحنا دارد ، و بنظر ميرسد که عقب دامن نيز چنین باشد ، زیرا در دو پهلو ، گوشه های دو نیم دایره ای جلو و عقب دامن ، مانند قباهاي چاکدار نظير هم بوده و باز است « شکل - ۲۰۰ - ». بر سراسر انحناها و چاکهاي پهلوی دامن ، حاشيه داده اند . اين نوع دامن در نقش سنگي فيلسوار طاق بستان « شکل - ۲۰۱ - » و در بشقاب خسرو اول انوشیروان برای ملازمین طرفین شاه « شکل - ۱۹۶ - » نشان داده شده است .

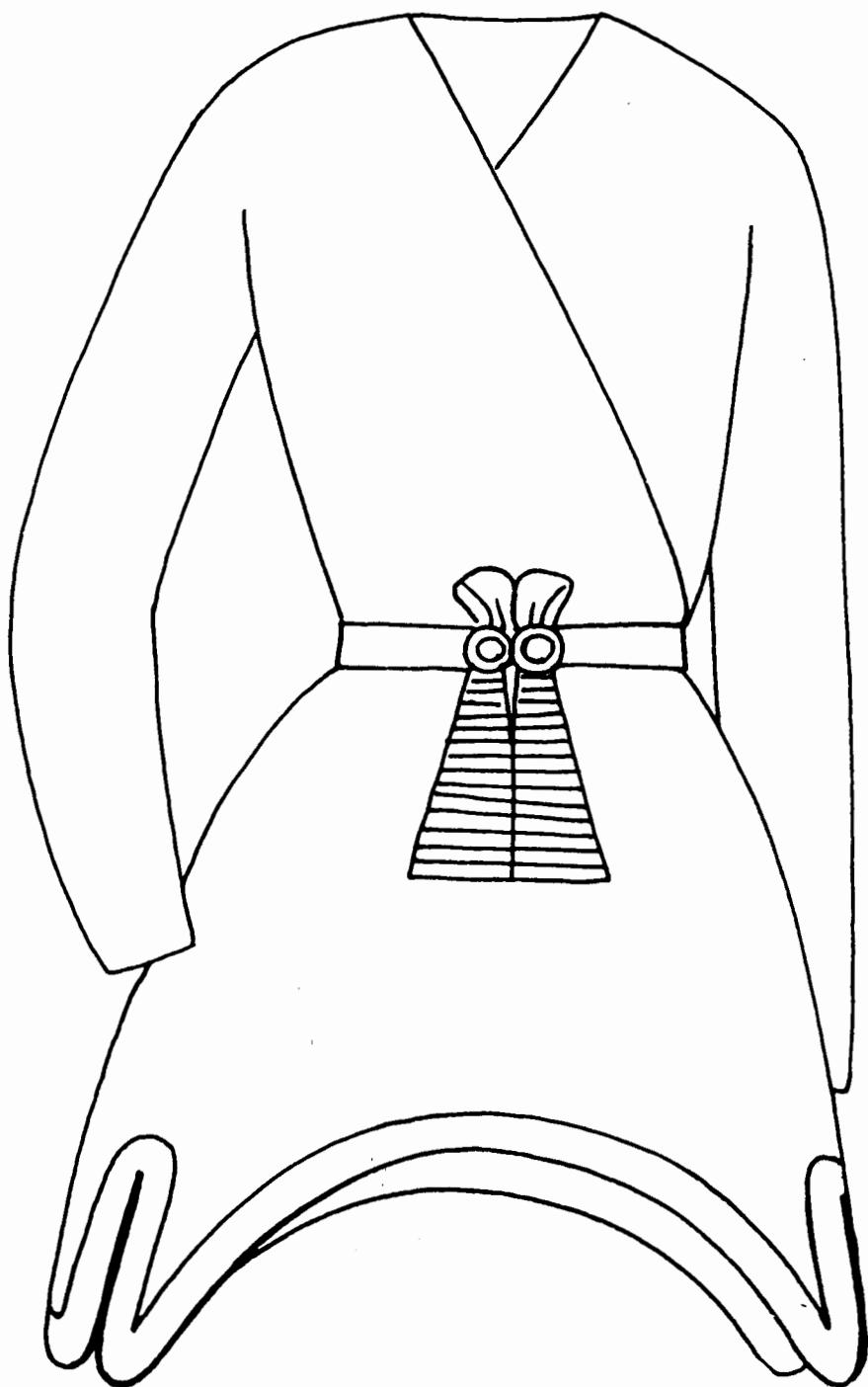


شکل - ۱۹۸ - نوعی قبای عهد ساسانی



شکل - ۱۹۹ - نقش خسرو انوشیروان

۵ - نوع دیگر پیراهن یا قبائی است ساده با دامن دوره گرد و یخهی اوریبی که از گردن بپهلوی چپ میرسد « شکل - ۲۰۲ - » و از آن بر تن مجسمه‌ی شاپور اول در غار شاپور و نقش رجب است « شکل‌های - ۲۰۳ و ۲۰۷ - ». (بر تن شاپور اول در زیر پیراهن روئی پیراهنی با یخهی گرد دیده میشود که نشانه‌ی وجود پیراهن زیرین و شکل یخهی آن است) .



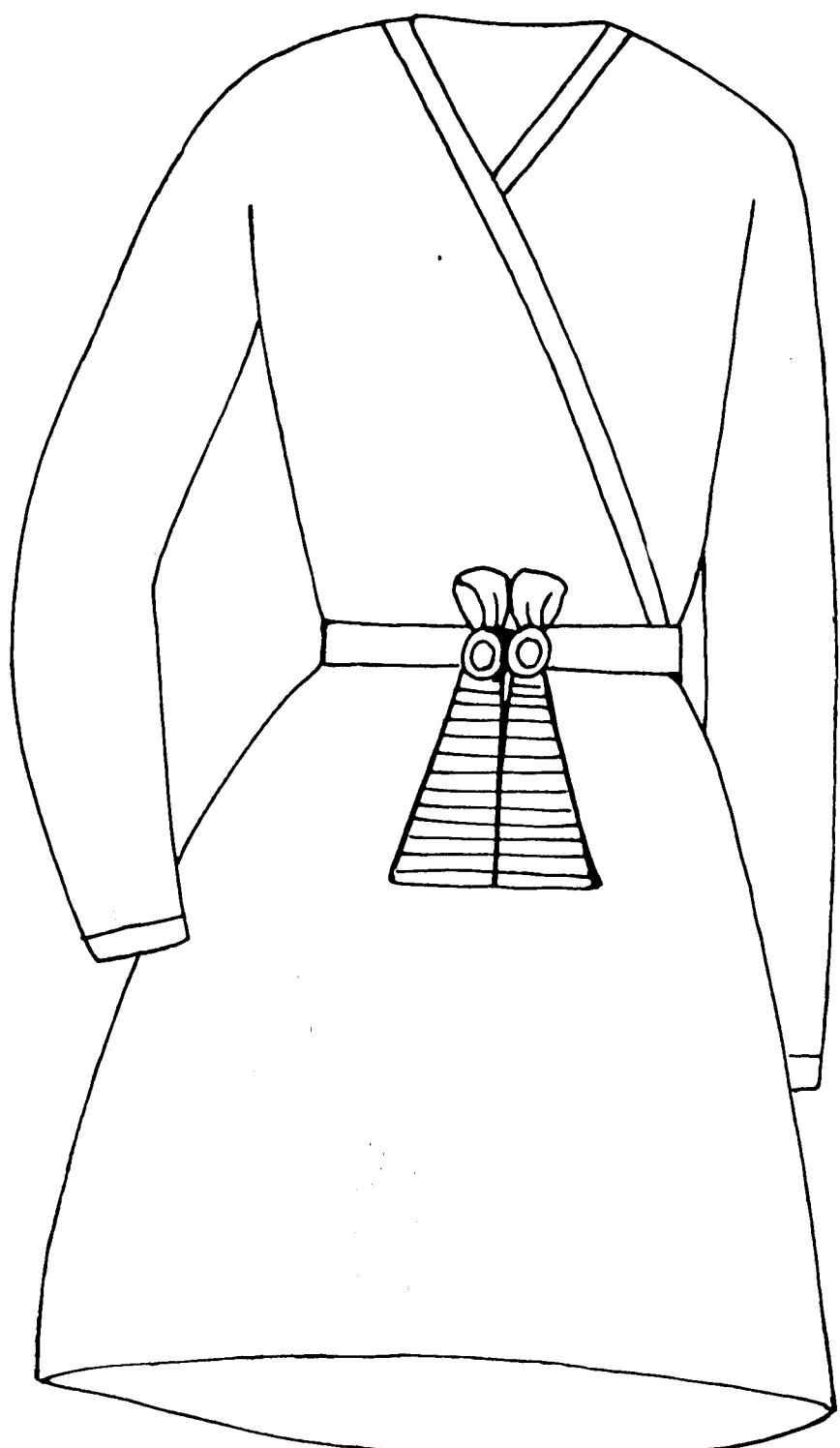
شکل - ۲۰۰ - نوعی قبای ساسانی در طاق بستان



شکل - ۲۰۱ - قبای یکی از مردان طاق بستان

۶ - قبای دیگری هست که جلوی آن از محل چال گردن تا به انتهای
دامن سرتاسر باز است و بر رویهم آمده است و دامن دوره گرد آن دارای حاشیه
میباشد . « شکل - ۲۰۴ - » و نمونه‌ی آن در میان نقش طاق بستان « مرد
سوار قایق در شکل - ۲۰۵ - » میباشد .

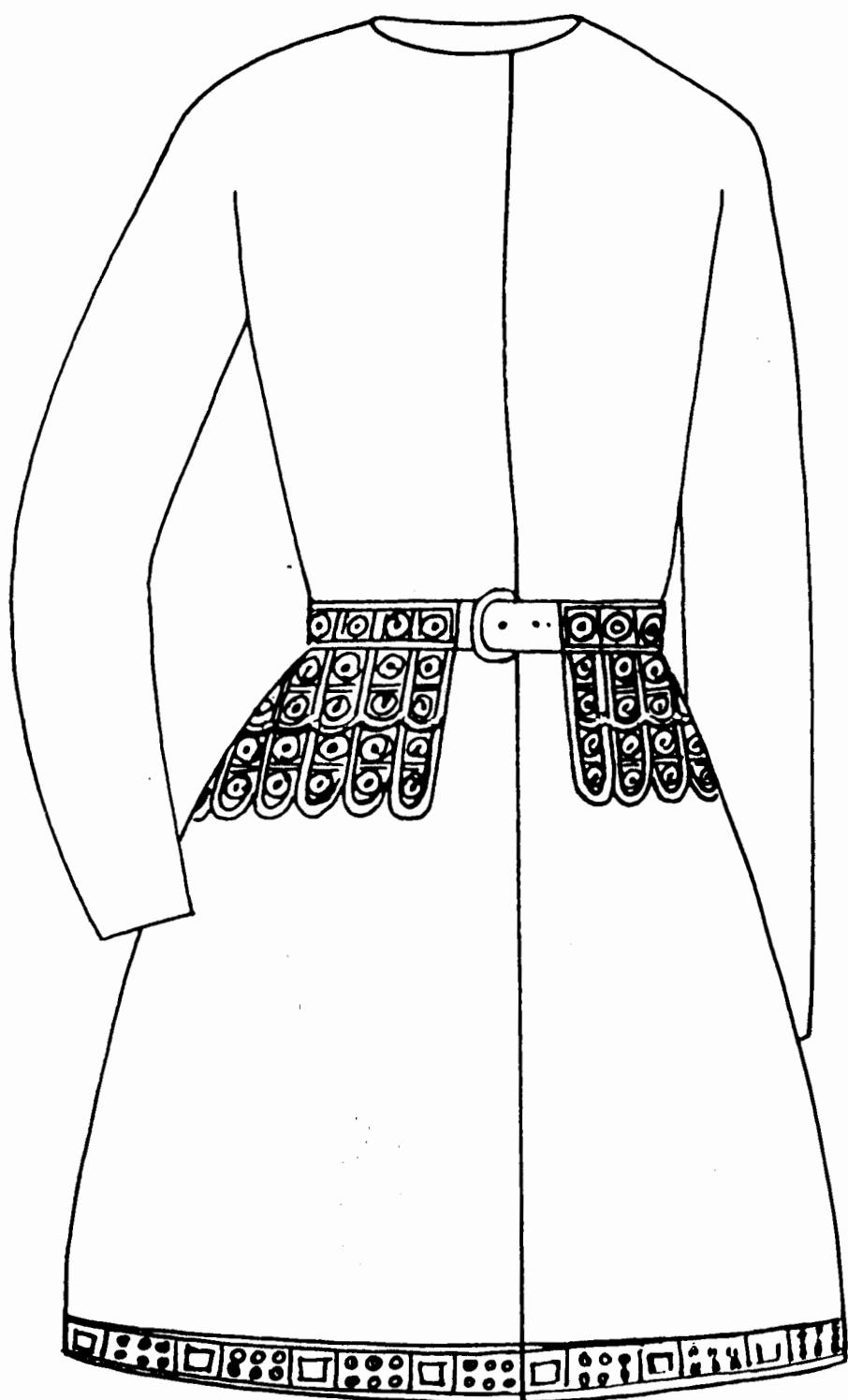
۷ - پیراهنی دیگر از ساسانیان هست که دامن آن از کمر پیائین دارای



شکل - ۳۰۴ - نوعی پیراهن مردان ساسانی



شکل - ۲۰۳ - مجسمه‌ی شاپور اول

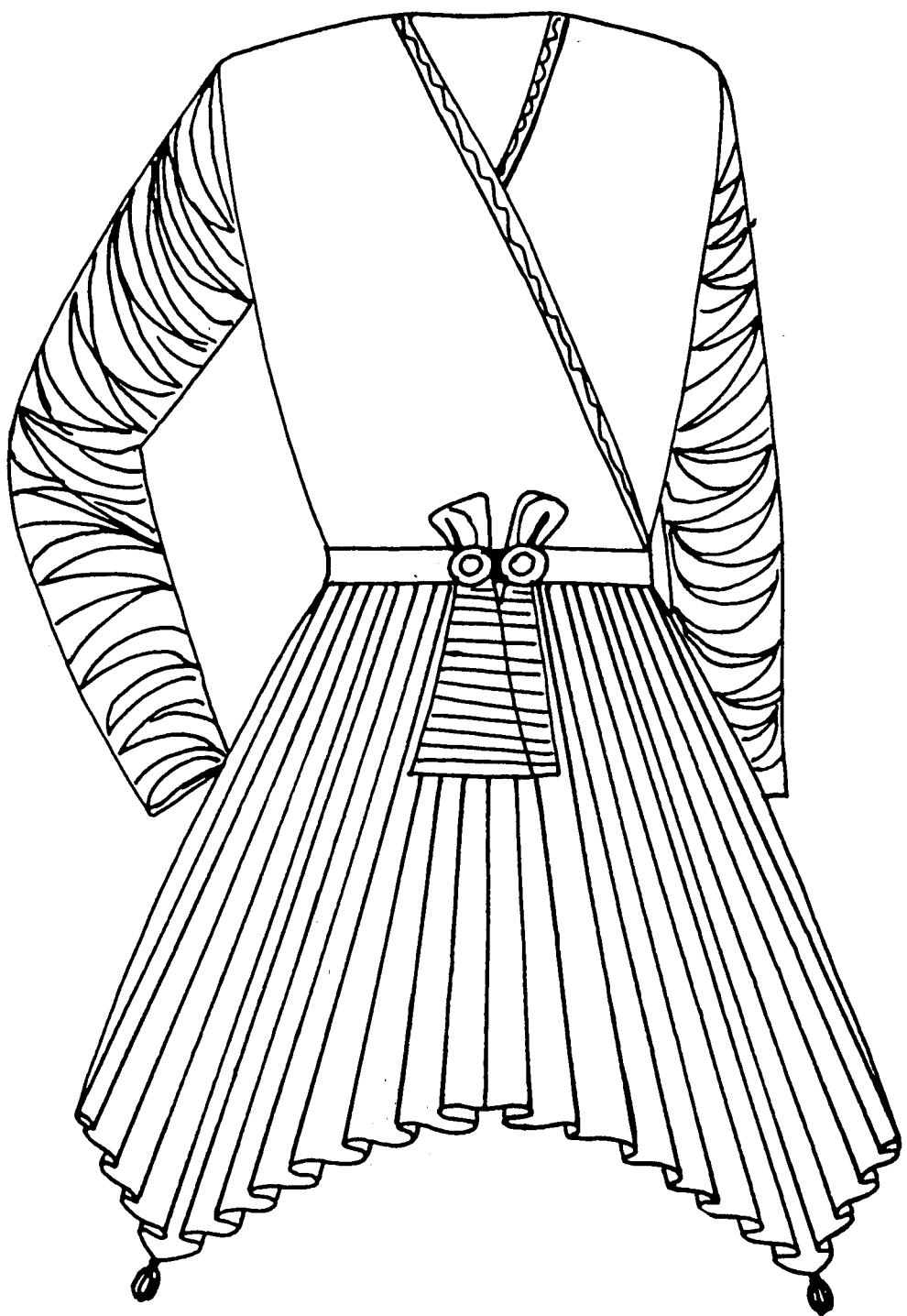


شکل - ۳۰۴ - نوعی لباس مردان ساسانی در طاق بستان



شکل - ۲۰۵ - مرد سوار قایق در طاق بستان

چین‌های فراوان مرتب و عمودی است . انگاره‌ی عمومی آن مانند دامن از نوع پیراهن چهارم است « یعنی قوس دامن بسوی بالا است و هریک از گوشه‌های قوسهای دامن در انتهای خود منگوله‌ای آویخته دارد » « شکل - ۲۰۶ - ». از طرز کار در نقش ، بنظر میرسد که پشت دامن و پهلوهایش نیز باید اینچنین چین‌هائی داشته باشد . از این پیراهن ، بر تن شاپور اول در نقش رجب



شكل - ۳۰۶ - نوعی پیراهن مردان ساسانی در نقش رجب

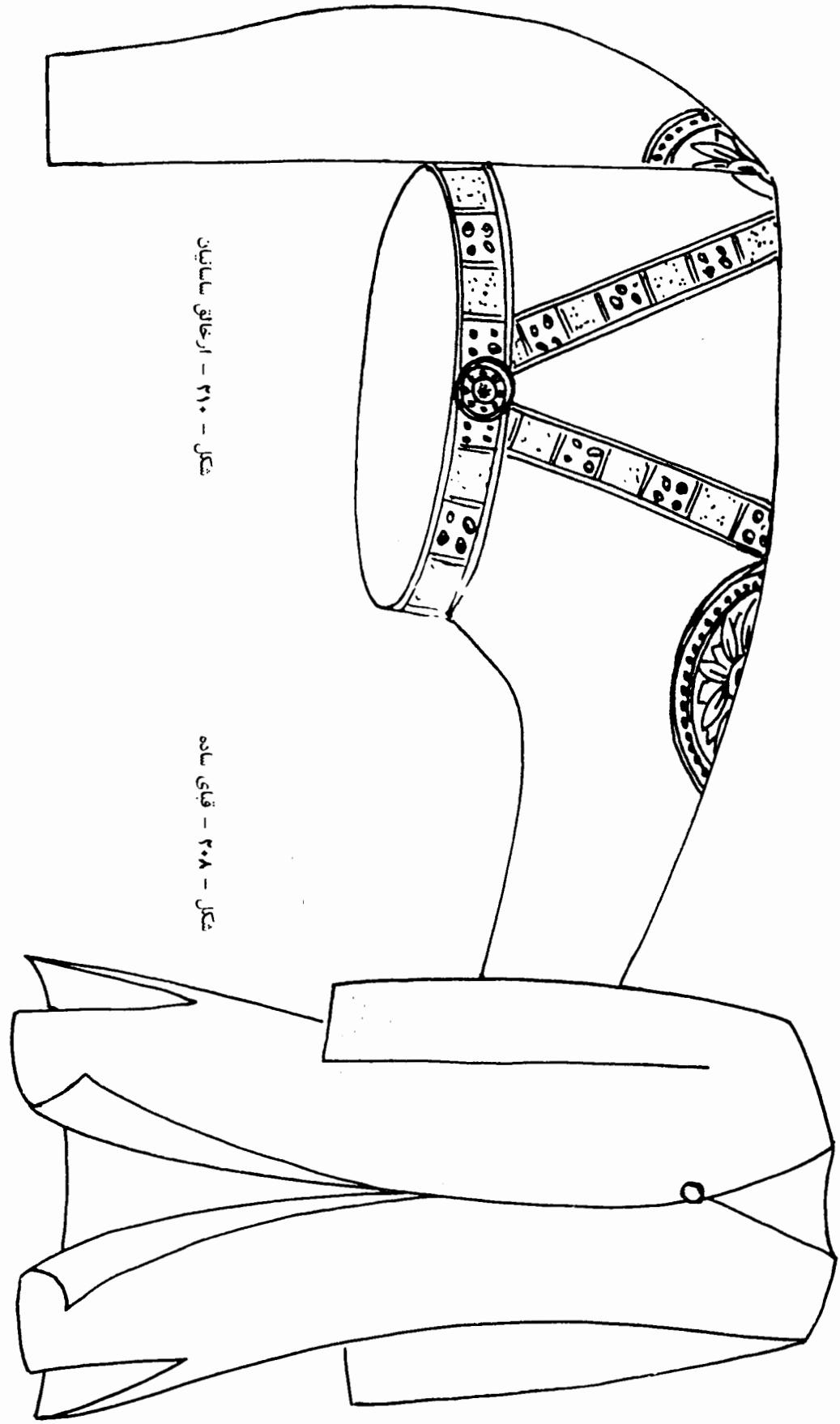
« شکل - ۲۰۷ - » ساخته‌اند .

۸ - بعلاوه‌ی این انواع پیراهن‌ها ، ساسانیان قبائی هم داشته‌اند که در موقع



شکل - ۲۰۷ - شاپور اول در نقش رجب

لزوم بر روی پیراهن‌های خود می‌پوشیده‌اند . این قبا تا بزانو بلند و جلو باز بوده و بوسیله‌ی دگمه‌ای بر روی سینه قلاب می‌شده است و از آن ، در نقش رجب بر تن ملتزمین رکاب شاپور اول است « شکل - ۲۰۸ - » .



شکل - ۳۱۰ - ارخال ساسانیان



شکل - ۲۰۹ - شاپور اول و ملتمن و افسران در نقش رجب

۹ - گاهی که قبا بتن نمی‌کردند، بر روی پیراهن خود ارخالق می‌پوشیدند (ارخالق پوششی است آستین بلند با یخه‌ی ساده، جلو باز، بلندی قد آن از پشت یخه بیاین تا معادی زیر استخوان پهن پشت کتف، و در جلو تا زیر پستانها و سر جناق سینه می‌باشد. نوک لبه‌ی دو طرف آن بوسیله‌ی دگمه‌ای بزرگ و گرد بر روی سینه بهم قلاب می‌شوند. اغلب، دارای حاشیه‌های ترئینی بر گردانگرد یخه، لبه و دامن هستند « شکل - ۲۱۰ - »).

نمونه‌هایی فراوان از ارخالق بر روی سنگها مخصوصاً بشقاوهای نقره‌ای موجود است: (بر تن نرسی « شکل - ۲۱۱ - » در نقش چهارنفری طاق بستان

« شکل - ۱۸۹ - » در نقش دونفری طاق کوچک بستان « شکل - ۲۱۲ - »

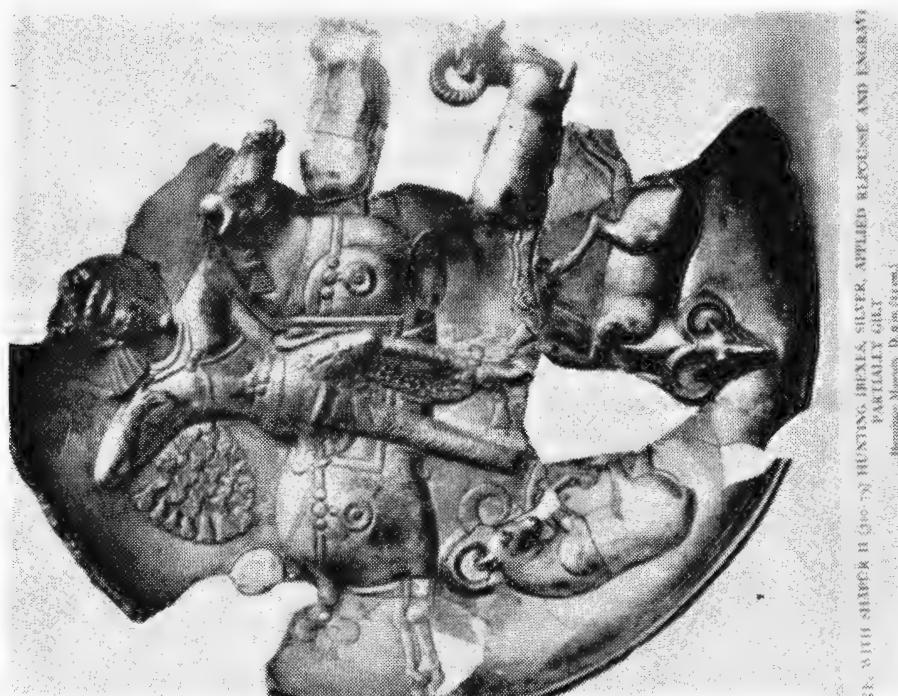


شکل - ۲۱۱ - نرسی که نوعی ارخالق بر تن دارد



شکل - ۲۱۲ - پیراهن دامن‌گرد و ارخالق بر تن دونفر از نقوش طاق بستان

و نقش شاپور دوم در شکار قوچ روی بشقاب « شکل - ۲۱۳ - » و نقش بهرام گور در شکار گراز « شکل - ۲۱۴ - » و نقش سوار بشقاب بدست آمده از



شکل - ۲۱۳ - شاپور دوم در شکار قوچ



شکل - ۲۱۴ - بهرام گور در شکار گراز



شکل - ۲۱۵ - نقش ارخالق ساسانیان بر بشقاب بدست آمده از ساری

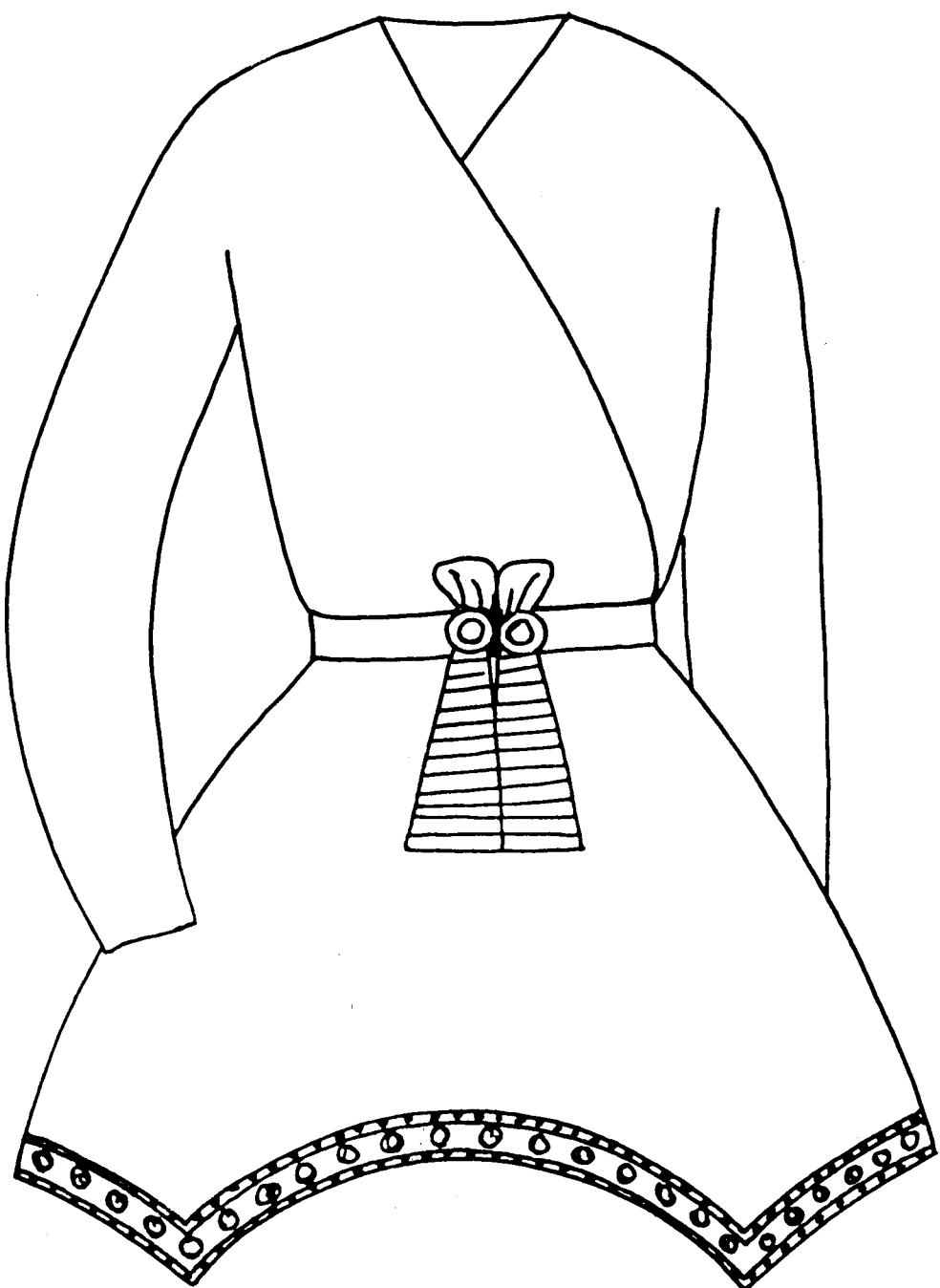


شکل - ۱۹۷ - بهرام گور و سپینود

نشان داده شده است « شکل - ۱۹۹ - » .

*

۴ - قبای دیگری هست که دامنش در قسمت جلو مانند نوع سوم بشكل نیمدايره از يك پهلو تا پهلوی دیگر ببالا انحنا دارد ، و بنظر میرسد که عقب دامن نيز چنین باشد ، زیرا در دو پهلو ، گوشه های دو نیم دایره ای جلو و عقب دامن ، مانند قbahای چاکدار نظیر هم بوده و باز است « شکل - ۲۰۰ - ». بر سراسر انحناها و چاکهای پهلوی دامن ، حاشیه داده اند . اين نوع دامن در نقش سنگی فيلسوار طاق بستان « شکل - ۲۰۱ - » و در بشقاب خسرو اول انوشیروان برای ملازمین طرفین شاه « شکل - ۱۹۴ - » نشان داده شده است .

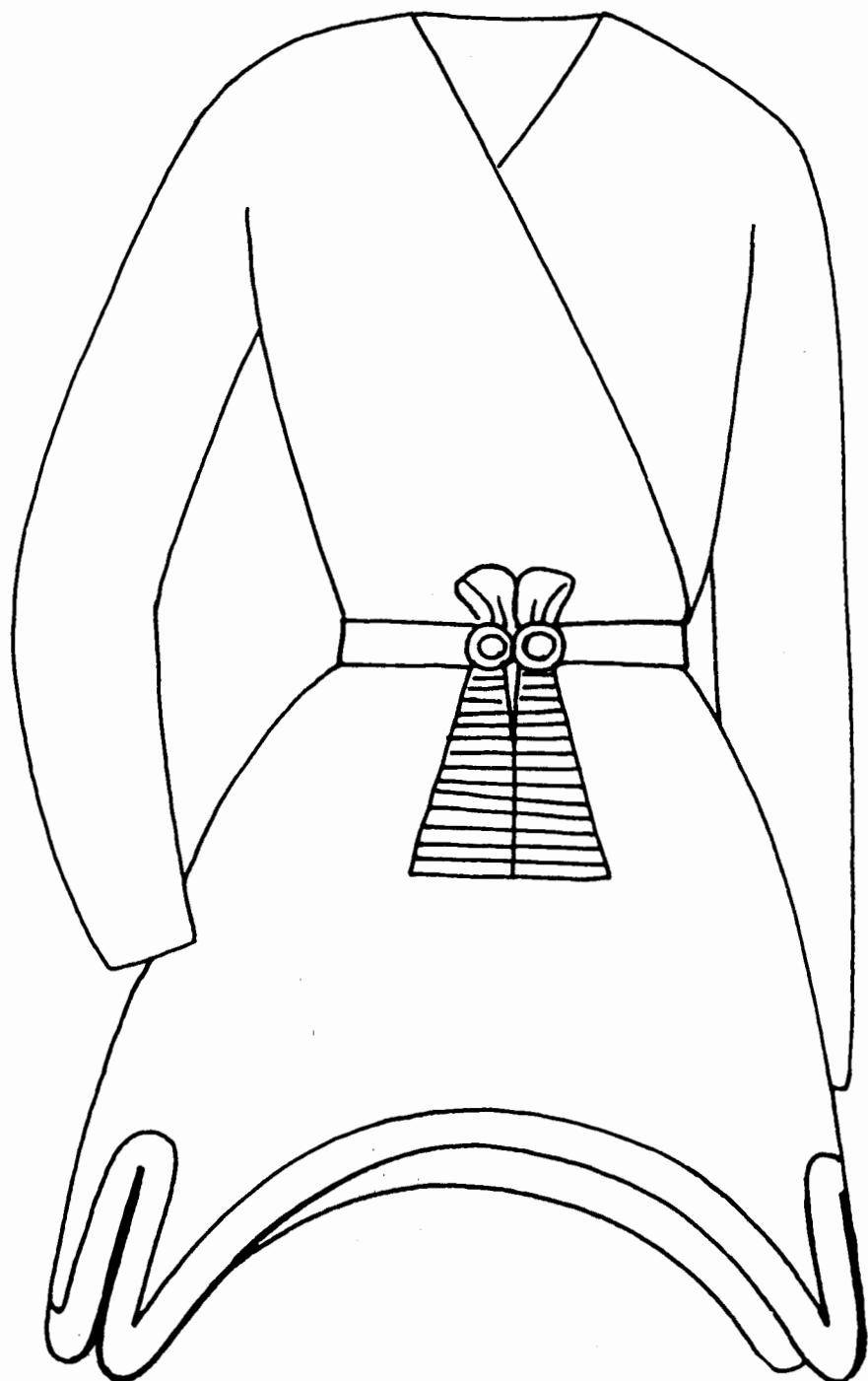


شکل - ۱۹۸ - نوعی قبای عهد ساسانی



شکل - ۱۹۹ - نقش خسرو انوشیروان

۵ - نوع دیگر پیراهن یا قبائی است ساده با دامن دوره گرد و یخمهی اوریبی که از گردن بپهلوی چپ میرسد « شکل - ۲۰۲ - » و از آن بر تن مجسمه‌ی شاپور اول در غار شاپور و نقش رجب است « شکل‌های - ۲۰۳ و ۲۰۷ - ». (بر تن شاپور اول در زیر پیراهن روئی پیراهنی با یخمهی گرد دیده میشود که نشانه‌ی وجود پیراهن زیرین و شکل یخمهی آن است) .



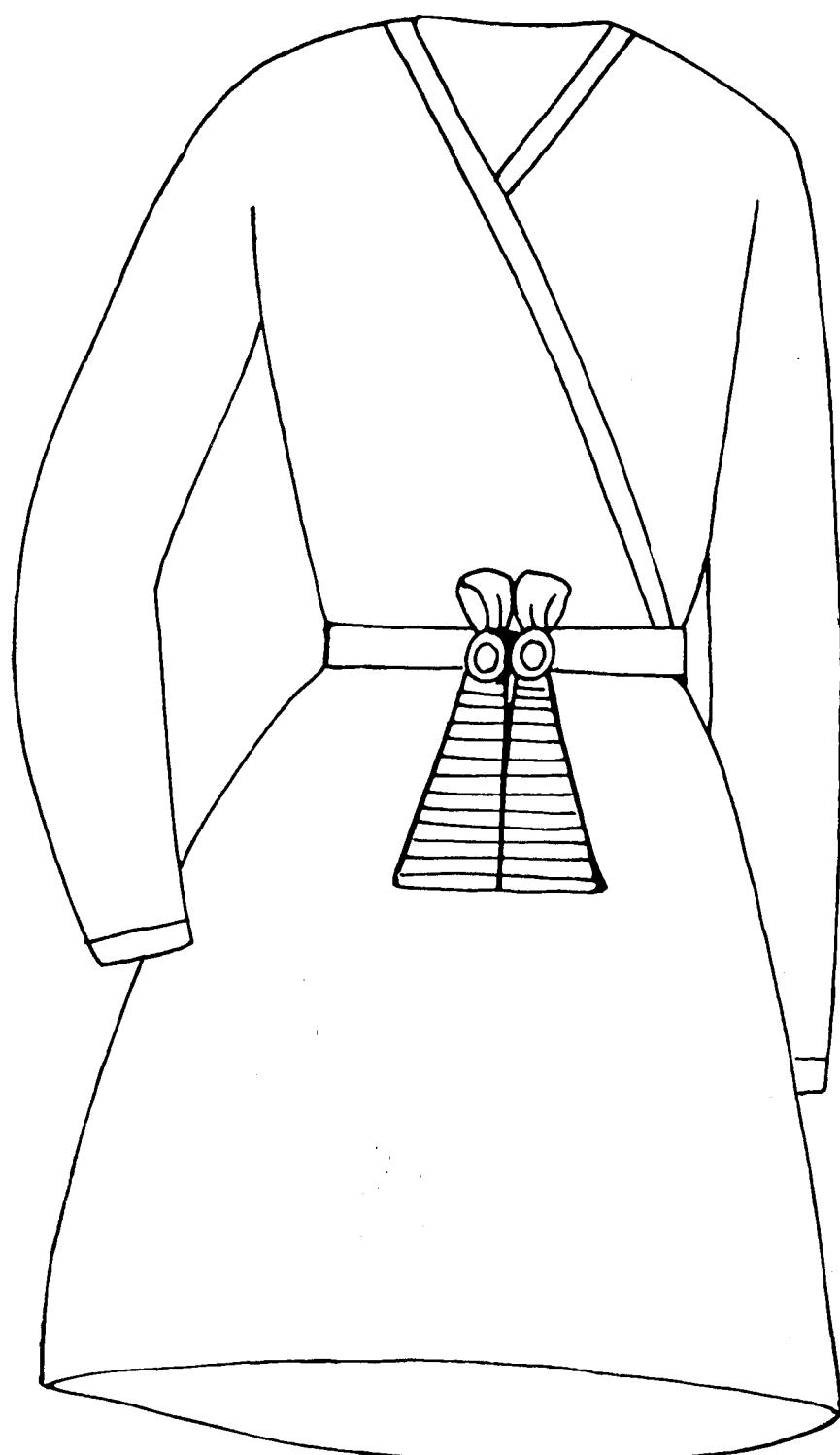
شکل - ۴۰۰ - نوعی قبای ساسانی در طاق بستان



شکل - ۲۰۱ - قبای یکی از مردان طاق بستان

۶ - قبای دیگری هست که جلوی آن از محل چال گردن تا به انتهای دامن سرتاسر باز است و بر رویهم آمده است و دامن دوره گرد آن دارای حاشیه میباشد. « شکل - ۲۰۴ - » و نمونه‌ی آن در میان نقش طاق بستان « مرد سوار قایق در شکل - ۲۰۵ - » میباشد.

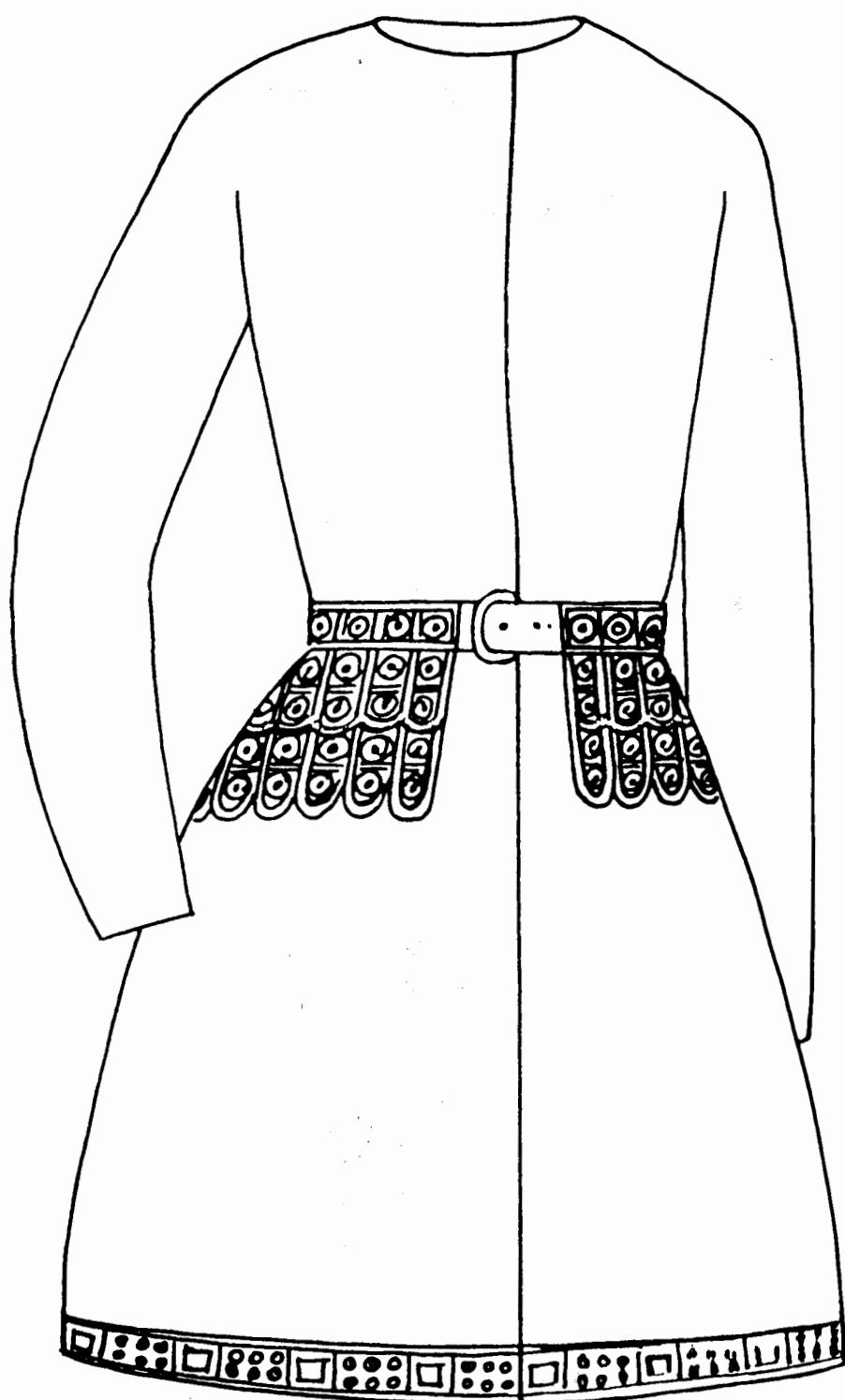
۷ - پیراهنی دیگر از ساسانیان هست که دامن آن از کمر پیائین دارای



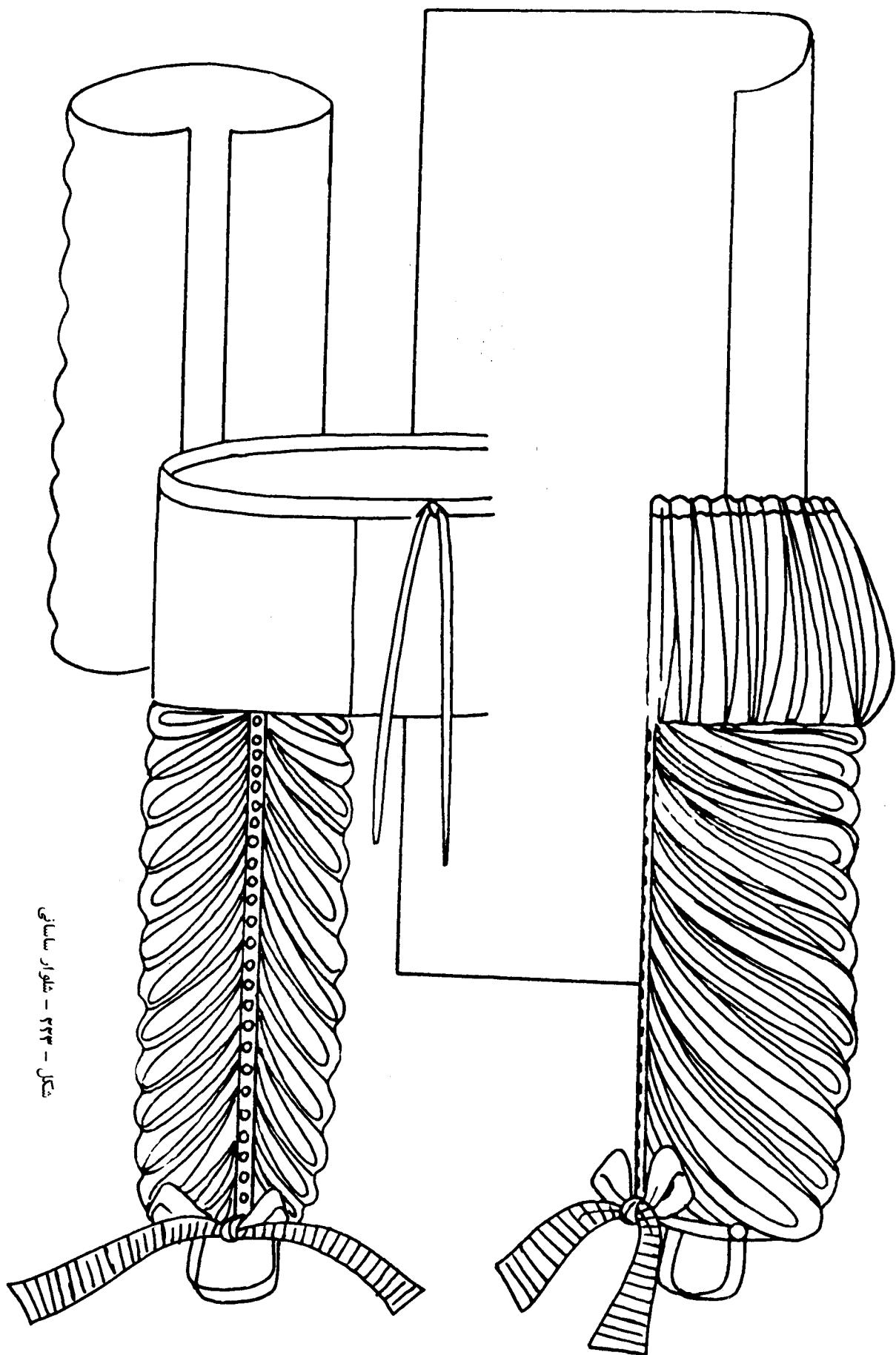
شکل - ۲۰۴ - نوعی پیراهن مردان ساسانی



شکل - ۳۰۳ - مجسمه‌ی شاپور اول



شکل - ۳۰۴ - نوعی لباس مردان ساسانی در طاق بستان



شکل - ۲۲۳ - شلوار ساسانی

یا دگمه است و در جلو با دو نوار دراز چیندار ، گل گره زده شده ، رکابی از آن « که شاید برای دوام از جنسی محکم‌تر از پارچه ، مثلاً چرم باشد » زیر قلاب گرد یا دگمه‌ی بزرگ وصل است که بزیرکفش برای نگاهداری لنگه‌های شلوار که بیالا کشیده نشده استوار بماند ، قرار میگیرد . « شکلهای ۲۲۴ و ۲۲۵ - » .



شکل - ۳۴ - حاشیه و رکاب شلوار ساسانی در طاق بستان

در بدرو امر دلیلی که مدرک تعبیه‌ی نوار بر رو ، و راستای شلوار باشد یافت نمیشود ، زیرا بر روی نقوش سنگی و فلزی چیزی از آن بصراحت دیده نمیشود ولی با دقت بیشتری بالاخره روی بشقاوهای ایندوره ، نوارهای زیور دار بر روی شلوار دیده میشوند : (مانند بشقاوی که جنگ با پلنگ را نشان میدهد « شکل ۱۱۵ - » که بر روی راستای پای چپ نوار بخوبی محسوس است . و در بشقاب خسرو اول انوشیروان « شکل ۱۹۴ - » و در بشقاب شاپور دوم در شکار قوچ



شکل - ۴۵ - حاشیه و رکاب شلوار ساسانی در تنگ چوگان

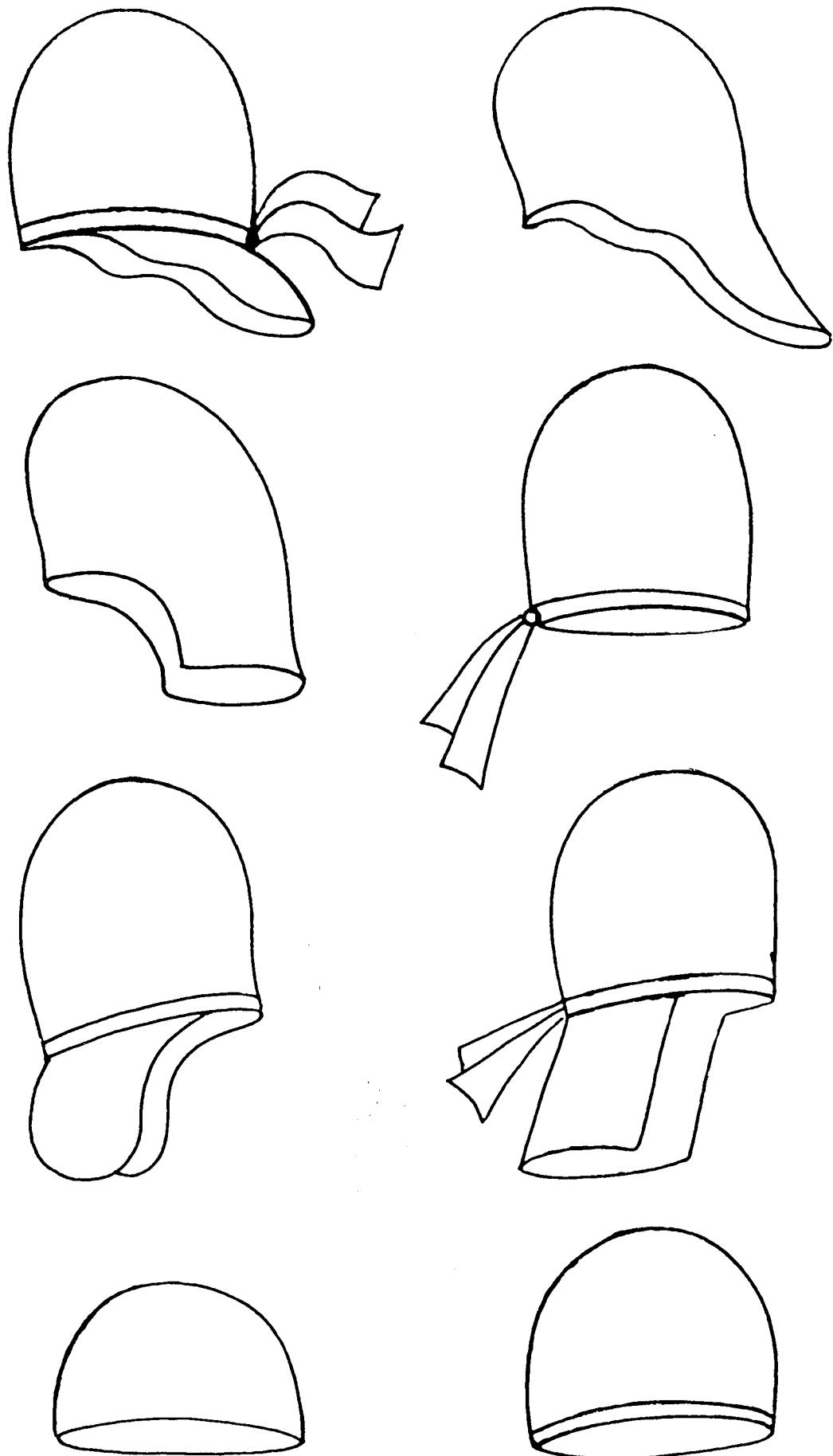
« شکل - ۴۳ - » و بهرام گور در شکار گراز « شکل - ۴۴ - » و بشقابهای دیگری که طرح آنها نوار منظور را بخوبی مینمایانند) .

کلاه ساسانیان

کلاه معمول ساسانیان جز تاجها در برخی مواقع از جنس نمد بوده و شکل آنها گرد است و سه نوع بلند و کوتاه و کوتاهتر دارد ، و بر دورهی لبهی آنها نواری با دنباله‌ی دراز در پشت می‌بستند . گاهی در پشت کلاه ضمیمه‌ای از جنس خود آن برای حفاظت پشت‌گردن تعییه می‌شده است « شکلهای

• - ۴۶ - »

در کلاه بلند و ضمیمه‌اش اندک تنوع در شکل آنها از نظر انحنایها



شکل - ۲۳۶ - انواع گلاههای ساسانی

« که گاهی گوش را می‌پوشاند و یا پیشانی کلاه جلو آمده تر بوده وجود داشته است.

از انواع این کلاهها در نقش رجب برای ملتزمین شاپور اول « شکل ۲۰۹ - » و در نقش رستم برای خویشاوندان بهرام دوم « شکل ۲۲۷ - »



شکل - ۲۲۷ - بهرام دوم و خویشاوندانش در نقش رستم

و در تنگ چوگان شاپور « شکل - ۲۲۸ - » و در نقش رجب « شکل - ۲۲۹ - » بر روی سنگها ساخته‌اند؛ ولی تنوعات تاجهای ساسانی بقدری زیاد است که خود به تنهاei موضوع کتابی جداگانه می‌تواند باشد، زیرا انواع و اقسام آنها بر روی سکه‌های فراوان ایندوره و نقوش سنگی و بشقابهای فلزی ساخته شده است.



شکل - ۳۲۸ - کلاه ساسانی در تنگ چوگان



شکل - ۳۲۹ - نوعی کلاه ساسانی در نقش رجب

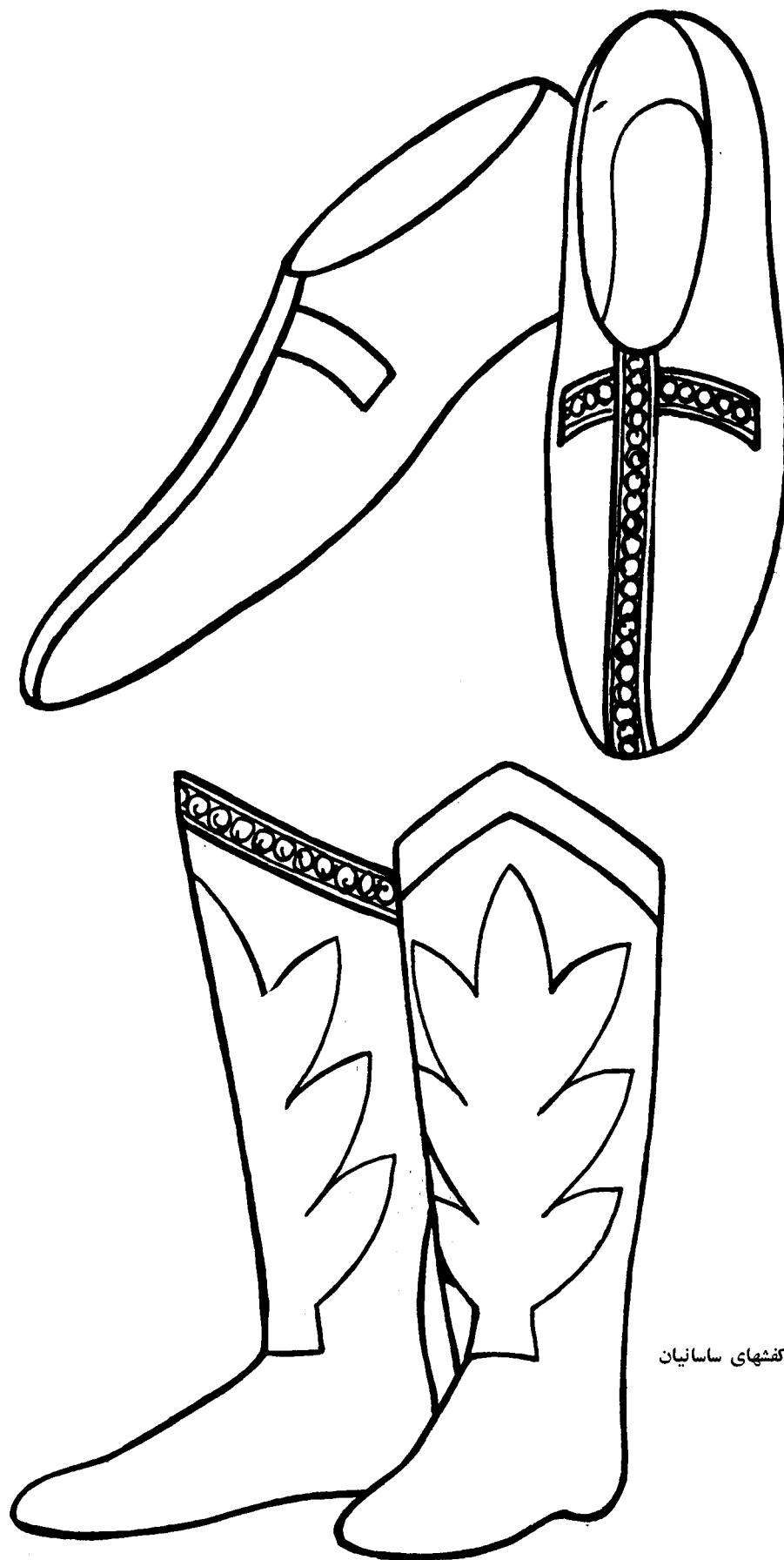
کفشن ساسانی

از کفش‌های این دوره طبق مدارک موجود « جز کفش جنگی که زره پوش بوده است » دو نوع دیگر دیده شده است . « شکل - ۲۳۰ - » :

۱ - نوعی از آن کفشهای ساده و ساقه‌ی آن تا قوزک پا است و از جلوی دهانه‌اش تا بسربینجه، نواری از چرم دوخته دارد و کمی از جلوی دهانه‌ی کفشه بپائین نواری دیگر از راست بچپ از رو یا زیر نوار اولی رد شده است. این دو نوار با هم صورت صلیب پیدا می‌کنند. از این نوع کفش در پای سپاهیان و پادشاهان روی نقوش تنگ چوکان شاپور ساخته‌اند «شکل-۲۳۱ و ۲۲۵»؛ و گاهی بر روی نوارهای کفش، مانند اشکانیان جواهر و زیورهایی کار گذارده‌اند کفش نقش بر جسته‌ی چهارنفری طاق بستان «شکل-۲۲۴».

۲ - نوع دیگر کفشه است ساقه بلند تا بزانو (چکمه) که گاهی بر روی جلوی ساقه‌ی آن نقش‌هایی کار زده‌اند. از این نوع کفش بر روی نقوش سنگی دیده نشده است ولی در بشقاب هنری بخسرو اول «شکل - ۱۹۴ -» در پای ملتزمین طرفین شاه هست، و در پای بهرام گور در بزم با سپینود «شکل - ۱۹۷ -» و در پای دو نفر از نوازنده‌گان نقش شاهزاده «شکل - ۲۷۲ -» و در پای شاپور اول در جنگ با والرین که بر عقیق حک شده است «شکل - ۲۵۰ -».

با این ترتیب ، ساسانیان دارای یک یا دونوع قبا ، دونوع کفش ، چند نوع کلاه نمدی عادی ، یکنوع شلوار ، سه نوع شنل ، دو نوع رو دوشی کوتاه ، چند نوع ارخالق ، هشت نوع پیراهن و انواع زیادی تاج بوده‌اند . لباسشان اغلب



شکل - ۲۴۰ - گفشهای ساسانیان



شکل - ۴۳۱ - گفشن ساسانی . حجاری ننگ چوگان شاپور

قلابدوزی - زر دوزی و نقره دوزی نشان داده شده است؛ و دارای نقوش بسیار و ریزه کاربهای پرکار فراوان است . یخهی پیراهن ها نیز گرد و هم اوریب « از سر شانهی راست به پهلوی چپ » بوده است . برخی از تذکره نویسان در بارهی رنگ لباس پادشاهان ساسانی نوشه هائی بجا گذاشته اند که ذهن را بشکوه رنگ آمیزی آندوره آشنا میکند .

*

حمزه اصفهانی میگوید کتابی را دیده است که در آن پادشاهان ساسانی را نقاشی کرده بوده اند :
اردشیر را کشیده اند که قبای نگاره دار پوشیده ، شلوارش آبی آسمانی و تاجش سبز روی زمینه زرین است و نیزه ای هم در دست دارد .

در مجمل التواریخ نوشته شده است :

.... و نسبت او در سیرالملوک چنین آمده است : اردشیر بن پاپک ابن سasan ابن فانک بن مهونس بن سasan بن بهمن بن اسفندیار و خدای تعالی علیهمتر است برآن . و اندر کتاب صورت پادشاهان بنی سasan گفته است : که پیراهن او بدینارها بود و شلوار آسمانگون و تاج سبز در زر و نیزه قائم در دست .

.....
شاپور پسر اردشیر ، قبایش آبی آسمانی و شلوارش قرمز گلدوزی شده ، تاجش قرمز آمیخته به سبز است . نیزه‌ای هم بدست دارد . حمزه‌ی اصفهانی .

.....
شاپور پسر اردشیر بود . در کتاب الصور اورا پیراهن آسمانگون گوید و شلوار وشی^۱ سرخ و تاج سرخ در سر ، ایستاده نیزه در دست گرفته . مجمل التواریخ .

.....
هرمز پسر شاپور اول ، قبایش سرخ و قلابدوزی شده شلوارش سبز و تاجش سبز روی زمینه‌ی زرین و سوار بر شیر است و در دست راستش نیزه‌ای است و بدست چپس سپر دارد ، حمزه‌ی اصفهانی .

.....
هرمز پسر شاپور بن اردشیر بود و اندر کتاب صورة گفته است پیراهن وشی سرخ داشت و شلوار سبز و تاج سبز در زر داشت (اندر دست) راست نیزه و اندر چپ سپر داشت ، بر شتری نشسته . مجمل التواریخ .

۱ - وشی بفتح اول و کسر ثانی : پارچه‌ی لطیف گلدار و منقوش « برهان قاطع » .

بهرام پسر هرمنز ، قباش سرخ ، شلوارش سرخ تاجش آبی آسمانی
با دو تیغه‌ی ماه و یک ماه زرین یک نیزه در دست راست گرفته ایستاده
است و یک شمشیر هم در دست چپ دارد که با آن تنہ داده است . حمزه‌ی
اصفهانی .

بهرام پسر هرمزد شاپور بود ، صورت او با پیراهن سرخ و شلوار
سرخ و تاج آسمانگون نگاشته اندر دست راست نیزه و اندر چپ شمشیر
بدان فرو چفسیده . مجلمل التواریخ .

بهرام پسر بهرام ، قباش آبی آسمانی و قلابدوزی شده ، شلوارش
سرخ . روی تختی نشسته و دستش را روی شمشیر نهاده است . تاجش
سبز است و دو بال کوچک با یک ماه گرد زرین دارد . حمزه‌ی اصفهانی .

بهرام الثاني : پسر بهرام بن هرمزد بود . بصورت او نگاشته با
پیراهنی وشی سرخ و شلوار سبز ، و تاج آسمانگون (میان) دو شرفه^۱
زرین . بر سریر نشسته و کمانی بر زه کرده اندر دست راست گرفته و سه چوبه
تیر اندر چپ گرفته . مجلمل التواریخ .

نرسی پسر بهرام ، قباش سرخ و قلابدوزی شده ، شلوارش آبی آسمانی
قلابدوزی شده ، خودش ایستاده و دو دستش را روی شمشیر گذاشته است و تاجش

۱ - شرفه : بضم و فتحه و کسره اول در عربی مطلق کنگره را گویند « خواه کنگره قلعه
و خواه کنگره بام و دیوار خانه و غیره باشد » .

سرخ است . حمزه‌ی اصفهانی .

بهرام الثالث : پسر بهرام بن بهرام هرمزد بودست و لقبش سکان شاه و سکان نام سیستان است . پیراهن بهرام بهرامیان آسمان‌گون بودست با شلوار سرخ ، بر سریر نشسته و بر شمشیر تکیه زده و تاج او سبز میان دو شرف زر اندر ساخته . نرسه بن بهرام : (۲۲ - آ) نرسی نیز گویند ، برادر این بهرام بود ، نرسی بن بهرام بن هرمزد ، پیراهنش وشی سرخ بود و شلوار وشی بر لون آسمان ، بر پای استاده نگاشته است با تاج سرخ و بهر دو دست بر شمشیر فرو چفییده . مجلمل التواریخ .

هرمزد پسر نرسی . قبايش سرخ و قلابدوزي شده است . شلوارش آبی آسمانی قلابدوزي شده . تاجش سبز ، ایستاده و دو دستش روی شمشیر است حمزه‌ی اصفهانی .

هرمزد پسر نرسی بود ، در صورت ساسا (نیان) پیراهن سرخ وشی صورت کرده است ، با شلوار آسمان‌گون و تاج سبز بر سر نهاده و به هر دو دست تکیه بر شمشیر زده . مجلمل التواریخ .

شاپور هرمز ، قبايش گل سرخی و قلابدوزي شده ، شلوارش سرخ قلابدوزي شده . روی تخت نشسته در دستش تبرزینی است . تاجش آبی آسمانی و گردآگرد آن برنگ زر است دو گپهی زرین دارد که یک تیغه‌ی ماه از زر در میان آن است . حمزه‌ی اصفهانی .

شاپور : پسر این هرمزد بود و او را عرب ذوالاكتاف لقب کردند .

پیراهن او مورد بود وشی ، شلوار سرخ وشی ، بر تخت نشسته تبرزین اندر دست و تاج بلون آسمان بزر ، منقش برنگها اندر میان دو شرفه زر و صورت ماه بر سر نگاشته . مجملالتواریخ .

.

اردشیر پسر شاپور . قبایش قلابدوزی برنگ آبی آسمانی . شلوارش سرخ قلابدوزی شده تاجش سبز نیزه‌ای در دست راست دارد و دست چپش را بر روی شمشیر نهاده است . حمزه‌ی اصفهانی .

.

اردشیر : پسر هرمzed بن فرسی بود ، برادر شاپور ، پارسیان او را نکوکار خواندند ، پیراهن او آسمان‌گون بود وشی بدینارها و شلوار سرخ ، بدست راست نیزه و بچپ اندر شمشیر بود بدان چفسيده (۲۲ - ب) و تاج سرخ بر سر نهاده . مجملالتواریخ .

.

شاپور پسر اردشیر ، قبایش سرخ و قلابدوزی شده ، شلوارش آبی آسمانی . زیر قبایش قبای دیگری است که زرد است . تاجش سبز آمیخته به سرخ که دو بال کوچک و یک ماه زرین دارد . خودش سرپا ایستاده و گرزی بدست راست دارد که سر آن چون پرنده ایست و دست چپش زوی دسته‌ی شمشیرش نهاده است . حمزه‌ی اصفهانی .

.

شاپور بن شاپور : پسر ذو الاكتاف بود ، در کتاب صور پیراهن او وشی سرخ و اندر زیرش دیگری زرد و شلوار آسمان رنگ ، تاج میان دو شرفه زر اندر برنگ سبز ، ایستاده نگاشتست ، قضیبی آهن صورت مرغی بر سرشن بدست راست و بدست چپ بر قبضه شمشیر فرا خمیده . مجملالتواریخ .

.

بهرام پسر شاپور ، قبایش قلابدوزی آبی آسمانی . شلوارش سرخ
قلابدوزی ، تاجش سه گپه و یک ماه زرین دارد . ایستاده نیزه‌ای بدست راست
گرفته و دست چپ را روی شمشیرش نهاده است ، حمزه‌ی اصفهانی .

.....

بهرام بن شاپور : و اورا کرمان شاه خوانندی ، تاج او سبز گوید ،
در میان سه شرف زر و پیراهن آسمان‌گون و شلوار وشی‌کرده ، بدست راست
اندر نیزه ، و بدست چپ بر شمشیر فرا خمیده . مجلمل التواریخ .

.....

یزدگرد پسر بهرام ، قبایش سرخ . شلوارش آبی آسمانی . تاجش آبی
آسمانی . ایستاده است و نیزه‌ای بدست دارد . حمزه‌ی اصفهانی .

.....

یزد جرد : پسر بهرام بود ، پارسیان اورا بزه گر خوانند . پیراهن او
سرخ بود و شلوار بلون آسمان و تاج همچنان ، ایستاده نیزه اندر دست .
مجلمل التواریخ .

.....

بهرام گور پسر یزدگرد ، قبایش آبی آسمانی ، شلوارش سبز قلابدوزی
شده . تاجش آبی آسمانی . روی تخت نشسته و یک گرز در دست دارد . حمزه‌ی
اصفهانی .

.....

بهرام گور : پسر یزدگرد بود و بهرام گور را پیراهن در کتاب صورت
آسمان‌گون نگاشتست و شلوار سبز وشی و گرز اندر دست . مجلمل التواریخ .

.....

یزدگرد پسر بهرام ، قبایش سبز ، شلوارش سیاه قلابدوزی شده
با زر ، تاجش آبی آسمانی . روی تخت نشسته و به شمشیرش تنمه

داده است . حمزه‌ی اصفهانی .

بیزد جرد : پسر بهرام گور بودت و پیراهن سبز داشت و شلوار وشی سیاه رنگها با زر و تاج آسمان رنگ ، بر تخت نشسته و تکیه زده بر تیغ (۲۳ - آ) . مجمل التواریخ .

فیروز پسر بیزد گرد ، قبایش سرخ . شلوارش آبی آسمانی زر دوزی شده تاجش آبی آسمانی . روی تخت نشسته نیزه‌ای در دست دارد . حمزه‌ی اصفهانی .

فیروز : پسر بیزد گرد بن بهرام گور بود ، پیراهن سرخ نگاشتست و شلوار آسمان‌گون به زر وشی کرده و تاج هم بدین رنگ . بر تخت نشسته نیزه اندر دست گرفته . مجمل التواریخ .

بلاش پسر فیروز ، قبایش سبز ، شلوارش سرخ قلابدوزی شده با سیاه و سپید است . تاجش آبی آسمانی . ایستاده و نیزه‌ای در دست دارد . حمزه‌ی اصفهانی .

بلاش : پسر فیروز ، پیراهن سرخ داشت و شلوار سرخ ، با سیاهی و سفیدی بهم آمیخته ، تاج آسمان‌گون ، ایستاده نیزه در دست گرفته . مجمل التواریخ .

قباد پسر فیروز ، قبایش آبی آسمانی است و با سیاه و سپید قلابدوزی شده است . شلوارش سرخ ، تاجش سبز ، روی تخت نشسته و بشمشیر تنہ داده است ، حمزه‌ی اصفهانی .

قباد : پسر فیروز بودست و پیراهن قباد آسمان‌گون بود سیاهی و سفیدی آمیخته و شلوار سرخ و تاج سبز ، بر تخت نشسته و به تیغ فرا خمیده . مجملالتواریخ .

خسرو پسر قباد ، قبایش سپید و با رنگهای گوناگون قلابدوزی شده . شلوارش آبی آسمانی . بتخت نشسته و بشمشیر تنہ داده است . حمزه‌ی اصفهانی .

کسری نوشروان : پسر قباد بود . پیراهن او سفید بود برنگها آمیخته و وشی کرده و شلوار آسمان رنگ . بر تخت نشسته و بر شمشیر (۲۳ - ب) فرا خمیده . مجملالتواریخ .

هرمز پسر خسرو انشیروان ، قبایش سرخ قلابدوزی شده ، شلوارش آبی آسمانی و قلابدوزی شده تاجش سبز . روی تخت نشسته و گرزی در دست دارد و دست چپش را روی شمشیر نهاده است . حمزه‌ی اصفهانی .

هرمز پسر نوشروان بود ، پیراهن وشی سرخ داشت و شلوار آسمان‌گون بود با تاج سبز ، بر تخت نشسته ، بدست راست اندر گرزی داشت و چپ بر قبضه تیغ نهاده . مجملالتواریخ .

خسرو پرویز پسر هرمز ، قبایش پشت‌گلی قلابدوزی شده ، شلوارش آبی آسمانی ، تاجش سرخ ، نیزه‌ای بدست دارد . حمزه‌ی اصفهانی .

کسری پرویز : پسر هرمزد نوشروان بود ، پارسیان او را خسرو پرویز

خواندنندی ، پیراهن مورد وشی داشت و شلوار آسمان گون و تاج سرخ نیزه
در دست ، مجلمل التواریخ .

شیرویه پسر خسرو پرویز ، قبایش قلابدوزی شدهی سرخ ، ایستاده
و یک شمشیر بریخت سه گوشی بدست دارد . حمزهی اصفهانی .

شیرویه : پسر کسری پرویز بود و اندر کتاب صورت آل ساسان گوید :
پیراهن وشی سرخ داشت و شلوار آسمان رنگ و تاج سبز ، بر پای ایستاده بدست
راست شمشیری کشیده . مجلمل التواریخ .

اردشیر پسر شیرویه ، قبایش آبی آسمانی گوناگون ، تاجش سرخ .
ایستاده یک شمشیر بدست راست دارد و دست چپش نیز روی شمشیر است . حمزهی
اصفهانی .

اردشیر : پسر شیروی بود و کودک (۲۴ - آ) پیراهن آسمان گون
داشت و تاج سرخ . بر پای ایستاده نیزه بدست راست و بدیگر دست شمشیر
چفسیده . مجلمل التواریخ .

پوراندخت دختر پرویز ، قبایش قلابدوزی شدهی سبز ، شلوارش
آبی آسمانی . روی تخت نشسته و تبرزین بدست دارد . حمزهی اصفهانی .

بوران دخت : دختر پرویز بود ، پیراهن وشی سبز داشت و شلوار
آسمان گون و تاج همچنان ، بر تخت نشسته تبرزین در دست . مجلمل التواریخ .

آزرمیدخت قبایش سرخ و قلابدوزی با رنگهای گوناگون . شلوارش آبی آسمانی بررنگهای گوناگون . تاجش سبز . روی تخت نشسته تبرزین را بدست راست دارد و دست چپش روی شمشیر است . حمزه ای اصفهانی .

.

آزرمیدخت : خواهر بوران بود دختر کسری پرویز ، پیراهن او سرخ نگاشتست ملون ، و شلوار آسمان گون و تاج برس ، بر سریر نشسته ، بدست راست تبرزینی و چپ بر تیغ تکیه زده . مجمل التواریخ .

.

یزد گرد پسر شهریار ، قبایش سبز و قلابدوزی شده شلوارش آبی آسمانی قلابدوزی شده ، تاجش سرخ . نیزه ای بدست دارد و دستی را نیز روی شمشیر نهاده است . حمزه ای اصفهانی .

.

یزد جرد آخر ملوك عجم : پسر شهریار بن کسری پرویز بود . پیراهن وشی سرخ داشت و شلوار آسمان گون و تاج سرخ ، نیزه اندر دست و بر شمشیر فرا خمیده و همه ملوك بنی سasan را موزه سرخ بوده است والسلام . مجمل التواریخ .

پوشانه رزمی ساسانیان

آرتور کریستین سن در کتاب ایران در زمان ساسانیان ، مطالبی دارد که توجه بآن ، ذهن را نسبت به ایسهی جنگی و همچنین برخی خصوصیات سپاهیگری آن دوره روشن میکند .

در صفحه‌ی - ۱۳۷ - سطر - ۳ - می‌نویسد : (نخبه‌ی سپاه عهد ساسانی مانند دوره‌ی اشکانیان عبارت بود از اسواران زره پوش و دسته نجبا . سواره نظام « اسواران » در صف جنگ مقام اول را حائز و فتح و ظفر منوط بقوت و شجاعت آنها بود . ایرانیان ، افواج منظم سواره نظام را با صفوی چنان انبوه بمقابله‌ی رومیان میفرستادند که از برق زره و سلاح آنان چشم دشمن خیره میشد . افواج سوار ، گوئی یکپارچه آهن بودند . تن افراد بکلی از صفحات آهن پوشیده شده بود و چنان این آهن بر بدن می‌چسبید که مفاصل خشک زره بسهولت از حرکات اعضاء بدن تبعیت میکرد . برای محافظت چهره ، نقابی برخ می‌افکندند و بدینجهت هیچ تیری ممکن نبود بر بدن کارگر شود مگر سوراخ‌های کوچکی که در مقابل چشم و شکافهای باریکی که زیر منخرین تعبیه کرده بودند و از آنجا با کمال صعوبت نفس می‌کشیدند . بعضی از آنها نیزه در دست گرفته در یک جا بیحرکت می‌ایستادند چنانکه گفتی به وسیله آهن بهم متصل شده‌اند . در جوار آنان تیر اندازان دستها را دراز کرده کمان نرم خود را بزه میکردند بقسمی که زه بجانب راست سینه تماس میگرفت و پیکان نیز بدست چپ می‌پیوست) .

*

چند علامت در روی کلاههای بلند بعضی از افراد که در حجاری‌ها شاه را احاطه نموده‌اند دیده می‌شود . ممکن است عالم مزبور نشانه تعلق هریک

از افسران واحدهای مختلف سپاه بصفوف و طبقات مختلف خود باشد . «کریستن سن صفحه‌ی ۱۳۷ - ایران در زمان ساسانیان سطر - ۲۵ - » .

*

افراد پیاده از روستائیان بودند که خدمت نظام از وظایف آنان محسوب میشد . بدون امید اجرت و پاداش بجنگ میرفتند . سلاح ایشان شبیه زره پوشان رومی بود . بعضی از این گروه ، سپرهای بلند و خمیده داشتند که از نی ساخته شده و پوستی بر آن کشیده بود . «کریستن سن صفحه‌ی ۱۳۸ - ایران در زمان ساسانیان سطر - ۱۹ - » .

*

در زمان کسری سلاح کامل اسواران مرکب بود از یک برگستان اسب و جوشن بلندی و زره سینه پوشی و ران بندی و شمشیری و نیزه‌ای و سپری مدور و گرزی که بکمر بسته میشد و تبرزینی و ترکشی که حاوی دو کمان با چند زه و سی تیر بود . دو کمند بافته را از پشت سر بکلاهخود متصل میکردند . بمناسبت زره سنگینی که داشتند اسواران را تنوریگ میخوانندند . سلاح عمدۀ در جنگ ، نیزه و کمان یعنی همان اسلحه باستانی بود که ایرانیان از قدیمترین ازمنه با نهایت استادی بکار میبردند . «کریستن سن . کتاب ایران در زمان ساسانیان صفحه‌ی ۲۵۸ - سطر - ۲۷ - » .

*

طبق نظر کریستن سن ، ساسانیان هنگام جنگ سراسر جوشن پوش بودند (یعنی زره سینه پوش با دامن بلند ، ران بند ، کلاهخود ، شمشیر ، کمان ، نیزه ، سپر و دو کمند بافته و برای اسبان برگستان داشتند) . بدیهی است که

این نوشه‌ها طرح کلی پوشش را در ذهن می‌ریزد ولی شکل آنها را روشن نمی‌کند. اما در مقایسه با نقوش سنگی و طرحهای روی بشقاوهای این عهد «که تنها مدارک قابل پذیرش هستند» میتوان بشکل و جزئیات آنها پی برد.

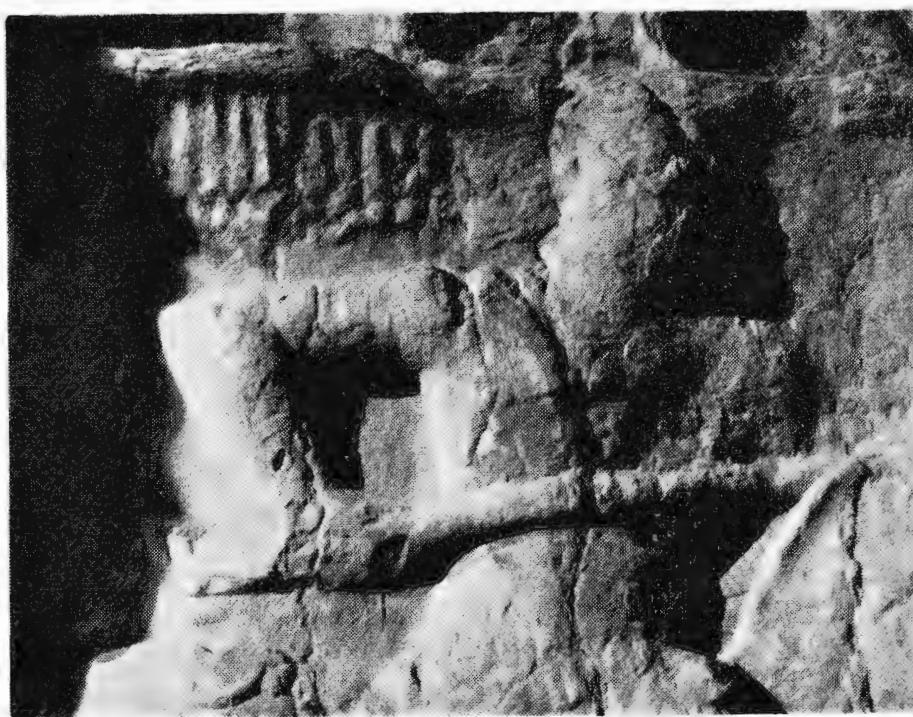
*

در نقش رستم سه صحنه‌ی جنگی از ساسانیان هست که سواران آن جوش پوشاند و آنان را بنامهای برخی از شاهان ساسانی نامگذاری کرده‌اند «صرفنظر از نامهای آنان که جنگجویان فاتح، بقول برخی‌ها هرمنز دوم و یا بقول برخی دیگر بهرام دوم هستند» روی البسه‌ی جنگی آنان «که در هر حال ساسانی است» دقت می‌شود:

.....
 در یکی از این صحنه‌ها، دو جنگجو را ساخته‌اند که غالب و مغلوب هر دو یکجور جوش بتن دارند «شکل - ۲۳۲ -» «فقط کلاه‌خود آنان متفاوت است، و اسب فاتح برگستان دارد و از آن مغلوب ندارد». پشت سر فاتح پرچمدار اسب سوار او سرتاپا جوش پوش پرچمی را «که خرابی زیاد آن وارد آمده و فلاندن شکل - ۱۲۲ - سال پیش آن را در سال ۱۸۴۰ میلادی داده» دو دستی گرفته تازان است. نیزه‌ی بلند و محکم فاتح بر شکم مغلوب فرو کوفته شده اسب و سوار هر دو را سرنگون کرده است. از کلاه‌خود فاتح جز بال پرنده‌ای باقی نیست. بر دوش او دو قبه استوار است که بر میان آن دنباله‌هائی پر چین در اهتزاز است. جوش سینه‌ی فاتح، بنظر میرسد که سطحی صاف بوده و بر اثر عوامل طبیعی یا غیر آن خرد شده است ولی با توجه بیشتری روی جوش سینه‌ی پرچمدار و نقوش دیگر این جنگجو «شکل - ۲۳۳ -» و مقایسه با جوش‌های مردان جنگی نقوش فیروزآباد معلوم می‌شود که جوش سینه، در اصل بشکل سینه و شکم و بر جستگیهای



شکل - ۳۳۴ - جنگی دو هزار در یونی رسم



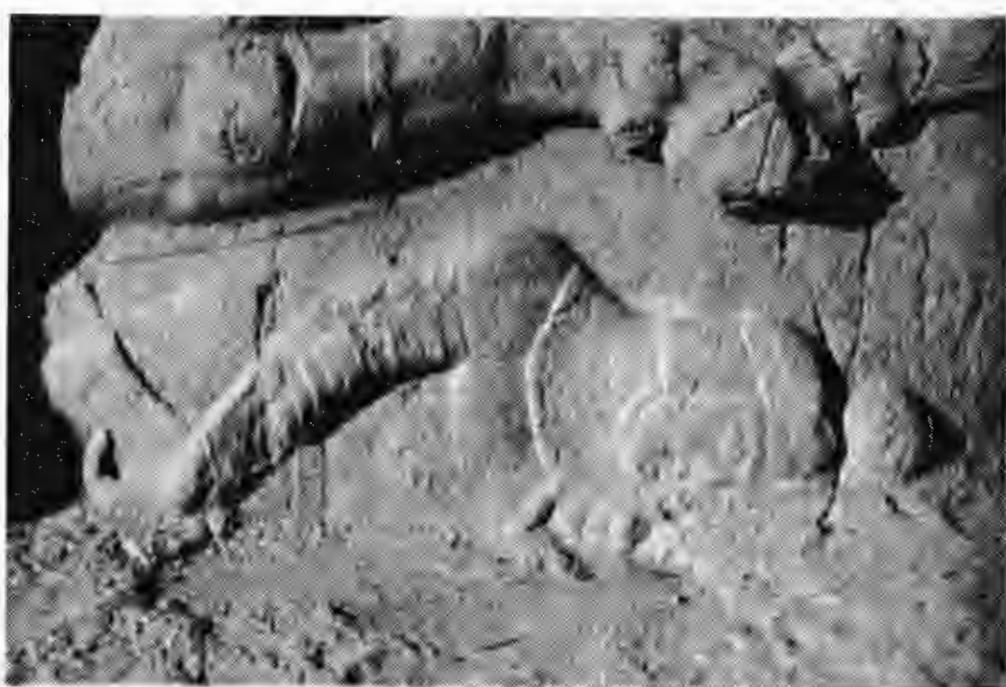
شکل - ۲۳۳ - نقش مرد جنگی فاتح در نقش رستم

آنها از صفحه‌ی آهن مسطح ساخته شده بوده است . بازو و ساعدهش چون بازو و ساعد پرچمدار و سواران مغلوب « شکلهای - ۲۳۴ - و - ۲۳۵ - » از زره‌های استوانه‌ای باریک تا پشت دست و شروع بند انگشتان پوشیده شده و از مچ دست تا زیر بغل ، یکی بر دیگری سوارند و چنان تعییه شده‌اند که حرکت ساعد را بر روی بازو مشکل نمی‌کند . جوشن سینه تا بمحل کمربند مسطح است و پس از آن از زیر کمربند تکه آهن‌های کوچک « شبیه به نوک پر بال پرنده‌گان » از آن بتدريج تا وسط ران آويخته ، دامن زره را تشکيل ميدهند « شکلهای - ۲۳۶ - و - ۲۳۷ - » .

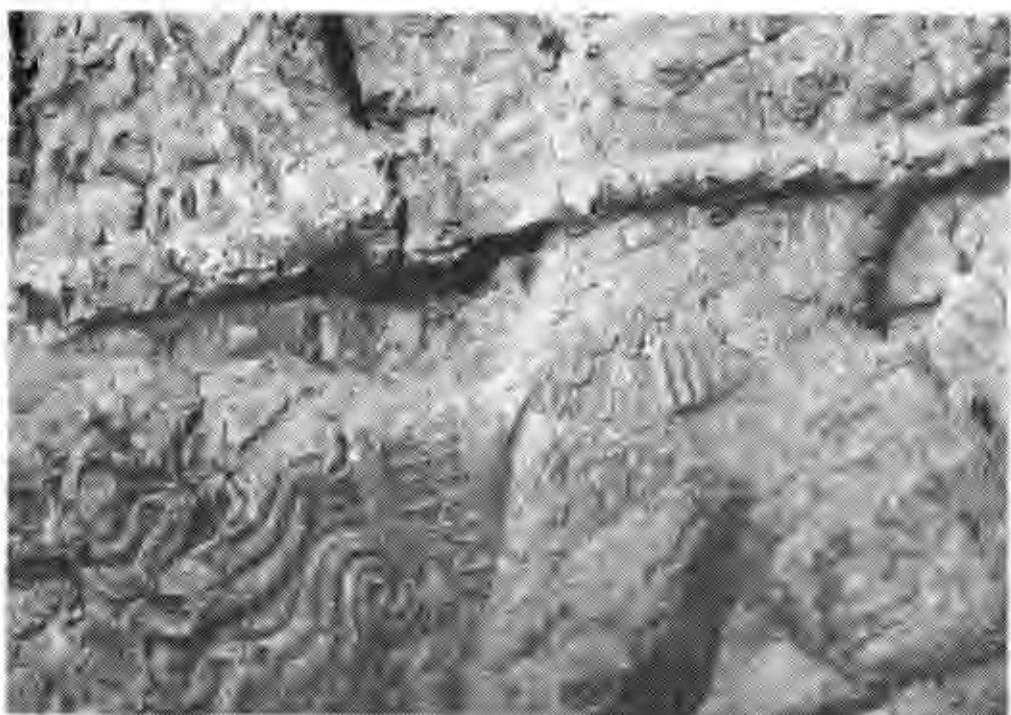
از حلقه‌های بازو و ساعد ، بر ران و ساق پا ديده نميشود « شکل - ۲۳۸ - » زيرا همه جاي آن خرد شده است ، فقط مقداری از دنباله‌های کوچک و پارچه‌ای حلقه‌ها « که دوسر آن بوسيله‌ی آنها در طول پشت ساق



شکل - ۲۳۴ - جنگجوی مغلوب در نقش رستم



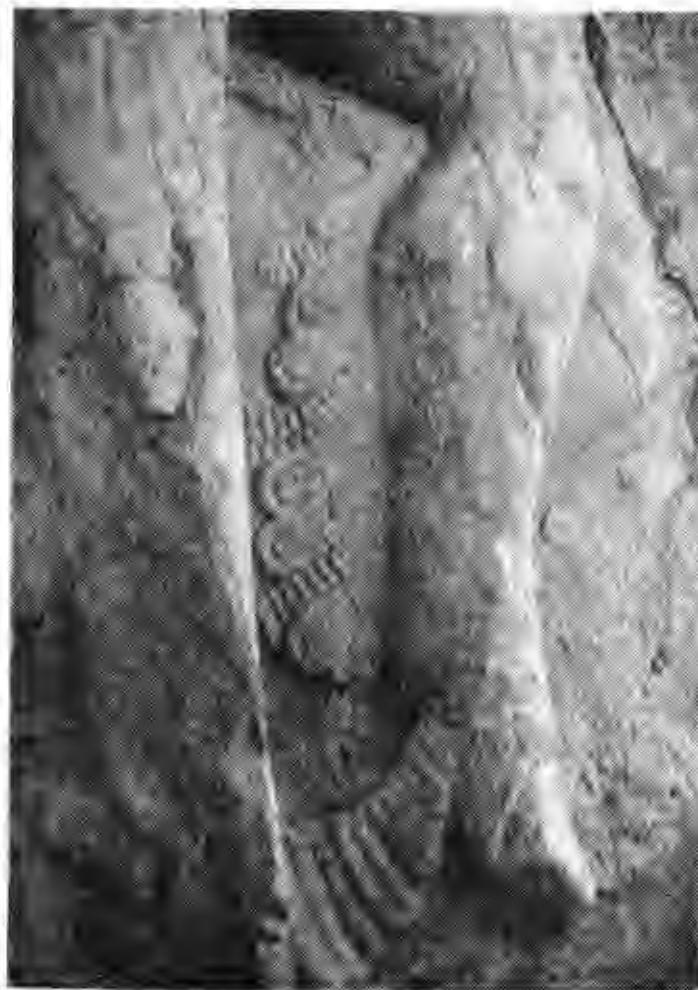
شکل - ۲۳۵ - یکی دیگر از جنگجویان مغلوب در نقش رستم



شکل - ۲۳۶ - دامن جوشن در عقب « نقش رستم »



شکل - ۲۳۷ - محل جلوی دامن جوشن « نقش رستم »

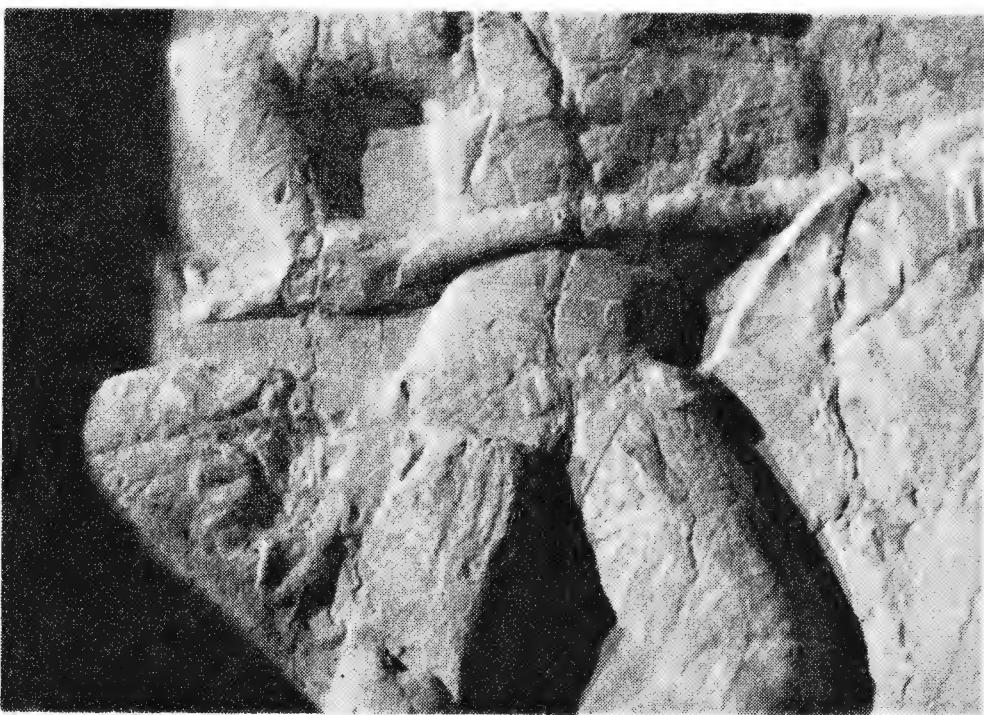


شکل - ۲۳۸ - خرابی جوشن ساق پای جنگجو

و ران گلگره زده میشده است » سالم مانده که بر اثر مقایسه با نقوش دیگر این جنگجو ، بودن جوشن‌های حلقوی بر روی ساق و ران محرز می‌گردد « شکل - ۲۳۹ - » .

بر سر زانو نیز زره‌های گرد مشهود است « شکل - ۲۴۰ - » .

از کمر هریک این مردان ، تیردانی خرد و شکسته بوسیله‌ی دو تسمه‌ی چرمی آویخته است .



شکل - ۲۳۹ - جوشن ساق پای مرد جنگی در نقش رستم

برگستوان اسب فاتح در یک نقش، چرمی و ساده است و در دیگری تکه‌های آهن نصب شده است. دو لبه طرفین این برگستوان‌ها در جلوی سینه و عقب بفاصله‌های کوتاه با نخی «شاید چرمی» گره زده شده است «شکل - ۲۴۱ - » و کناره‌های زیر برگستوان گردیهای بفواصل کوتاه برای زینت آویخته است.

*

بر روی برگستوان دیگری در نبرد دیگر از جنگجویان غالب، در حوالی گردن و سینه و کپل اسب نقش تکه آهن‌های کوچک مستطیلی مشهود است. «شکلهای - ۲۴۲ - و - ۲۴۳ - ».



شکل - ۲۴۰ - حلقه‌های زانوی جوش

در فیروزآباد چند صحنه‌ی جنگی بر سنگ ساخته‌اند که جنگجویان آن همگی سراسر غرق آهن و پولادند و بر اسب برگستوان دار سوارند. یکی از این صحنه‌ها «که میگویند غلبه‌ی اردشیر بر دشمن است» دو مرد را نشان میدهد که یکی کلاهخود پر دار بر سر دارد و جوشن سینه و بازویش چون جوشن جنگجویان نقش رستم است و دیگری که او را غالبانه بغل زده است، نیز کلاهخودی ولی بشکل دیگر دارد. گردن بندی آویخته و جوشن سینه‌اش چون اولی از آهن مسطح، و آستین و دامنش زره زنجیری و شلوارش همان



شکل - ۲۴۱ - بندهای جلوی سینه‌ی برگستان اسب



شکل - ۲۴۲ - برگستان اسب مرد جنگجو در نقش رستم



شکل - ۲۴۳ - زره برگستان اسب « نقش رستم »

حلقه آهنگاهی استوانهای است که نوارهای پشت ساقش نمایان است . بر پشت اسب ، برگستانی از چرم است که بر آن از تکه آهنگاهی بشکل علامتی ، پهلوی هم تعییه شده است « شکل - ۲۴۴ - » .

*

در نقش دیگر فیروزآباد ، اردشیر سوار بر اسب برگستانداری « که روی چرمش با علامتی دیگر پُر شده است » نشسته ، با نیزه‌ی بلندش بکمر



شکل - ۴۴ - نرد چکویان ساسانی « فیروزآباد »

دشمن « که زره کلاه‌خودش گردانید صورت و گردن را پوشانده و فقط دو سوراخ در آن برای دیدن دارد » زده ، اسب و سوار هر دو را سرنگون کرده است . زره دامن دشمن در نقش اولی بعلت خرد بودن سنگ ، پیدا نیست ولی در این یکی پیداست و مینماید که از تکه آهن‌های مستطیلی است . اردشیر گردن بند بگردن و همان جوشن صحنه‌ی قبلی را در بر دارد جز اینکه قبه‌های بر شانه دارد و حمایلی از شانه‌ی چپش بزیر بغل راست آویخته است و دنباله‌های زیادتری از نوار حلقه‌ای ساق و ران نمایان است « شکل - ۲۴۵ - ». از کفش پای دشمن در این نقش اندکی مشهود است و مینماید که از نوع زره ساق پا و بازو ، زره پوش است .

*

در نقش دیگری اردشیر را ساخته‌اند که کلاه‌خود با پر ، یا « مو » یا پر هیبت بسر نهاده ، با همان جوشن‌های صحنه‌های قبلی بر اسبی برگستان دار سوار است « برگستان اسبش در این نقش با عالم آهنی دیگری پوشیده شده است ». اردشیر نیزه‌ی بلند خود را بر پهلوی دشمن زده اسب و سوار هردو را سرنگون کرده است . آنچه در این نقش هست که صحنه‌های دیگر ندارند اینست که در هیچیک از صحنه‌های سه‌گانه‌ی اردشیر « که بدنبال هم آنها را ساخته‌اند » کفش سواران بعلت خرابی و خردشده‌ی سنگها معلوم نبوده است مگر اندکیش در یکی از نقش‌ها ، ولی در این آخری « شکل - ۲۴۶ - » از پنجه‌ی کفش تا زانو تصادفاً سالم مانده نشان میدهد که کفش نیز از زره‌های حلقوی ساق و بازو پوشیده میشده است .

*

در طاق بستان بر دیوار روی طاق بزرگ ، سواری جوشن پوش

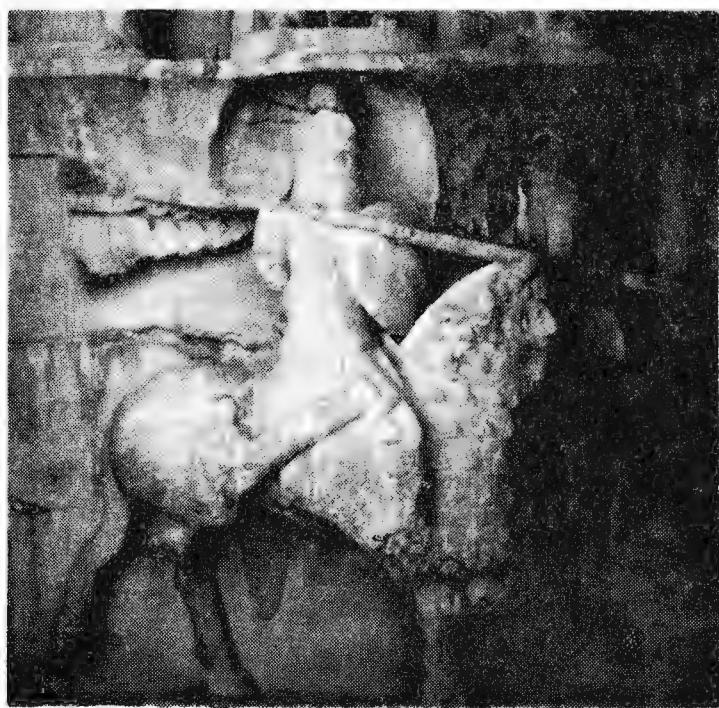


شکل - ۴۵ - نبرد چنگویان ساسانی « فیروزآباد »

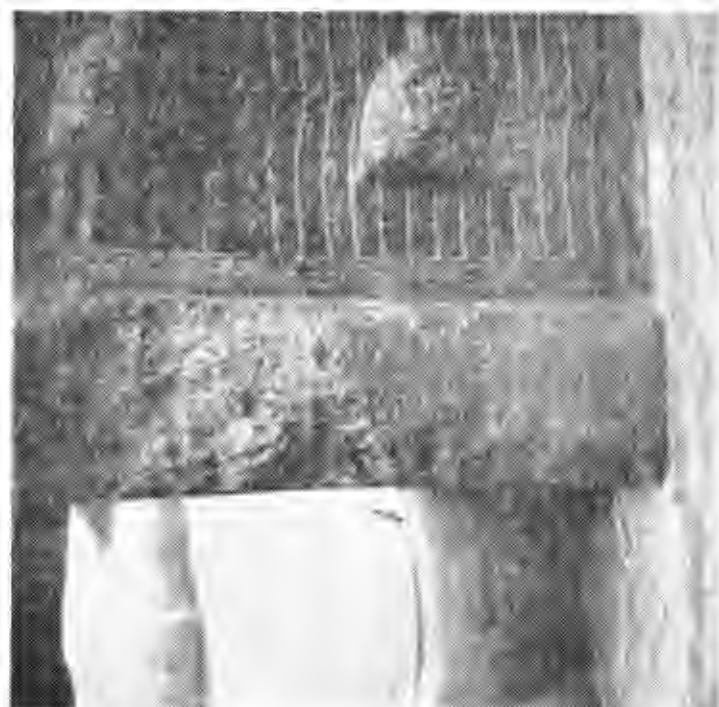


شکل - ۲۴۶ - جنگ اردشیر ساسانی « فیروزآباد »

از سنگ یکپارچه باندازه‌ی طبیعی و پر هیبت ساخته‌اند که نیزه‌ای بلند در محاذی شانه بدهست راست گرفته و سپری گرد منقش در مقابل سینه‌ی چپ بدهست چپ دارد (میگویند دلاوری ساسانی است « شکل - ۲۴۷ - »). کلاهخودی برسر نهاده که زره بلند اطرافش تمام صورت و گردن و مقداری از سینه را فرا گرفته فقط دو سوراخ در محل چشم هست که دیدن را ممکن می‌سازد . همه‌ی زره او تا دامن بلندش زنجیری و ظریف بافته شده و شلواری پر نقش و نگار بپا کرده است . بر بالای کلاهخود او قبه‌ای دنباله‌دار تعبیه شده است . اسب او پوشیده از برگستانی پر از آنهای مستطیلی گوشه گرد و تنگ هم است « شکل - ۲۴۸ - » پوز اسب خرد شده ولی قسمت بالای صورتش سالم مانده و پوشیده از همان نوع جوشن است و چشمان اسب از دو سوراخی که برایش تعبیه کرده‌اند می‌نگرد « شکل - ۲۴۹ - » .



شکل - ۲۴۷ - دلاور جوشنپوش طاقبستان



شکل - ۲۴۸ - جوشن جلوی سینه‌ی اسب طاقبستان

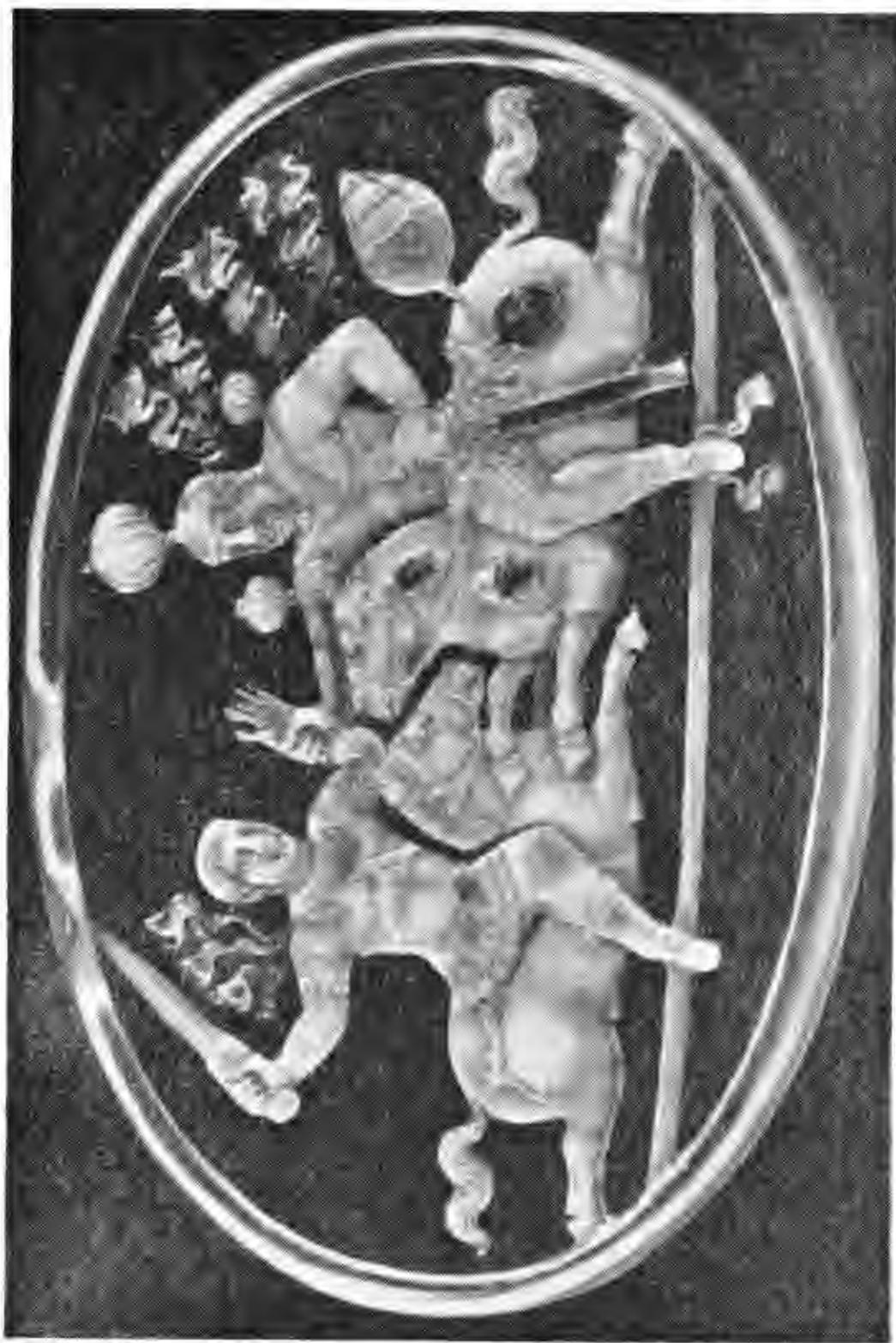


شکل - ۳۴۹ - جوشن سر و سینه‌ی اسب طاق‌بستان

(اگر این دلاور جوشن پوش را بتوان ساسانی شناخت ، برگستوان اسب او عالیترین نمونه‌ایست که از این عهد بیادگار مانده است) .

*

یک نمونه‌ی بسیار جالب از جوشن سوار نظام ساسانی نقشی است از شاپور اول و والرین بر روی عقیق که با دقت و ظرافتی بسیار در خور تحسین آنرا حکاکی کرده‌اند « شکل - ۲۵۰ - » .



شکل - ۲۵ - نقش شاپور و والرین بروی عقیق «کنابخانی ملی پارس»

شاپور در این نقش کلاهخودی با یک قبه‌ی دنباله‌دار « هم حجم با کلاهخود » بر سر نهاده است که در پشت گردن و جلوی گوش بر شقیقه و زیر چانه جوشن دارد . « جوشن چانه در زیر بوسیله‌ی دو بند بهم بسته شده است ». پیراهن آستین دار « شاید چرمی » پوشیده و جوشنی از صفحه‌ی آهن یکپارچه از زیر سینه تا بزیر شکم پوشیده که دامن آن از تکه آهن‌های مستطیلی است ، و بر روی این جوشن در محل جناق سینه ، دو تسمه‌ی چرمی بسوی شانه‌ها رفته در پشت بجوشن می‌پیوندد . بر روی این تسمه‌ها بر سر شانه دو قبه‌ی کوچکتر از قبه‌ی کلاهخود « و بهمان شکل » تعییه شده است .

شاپور با دست راست بند دست چپ والرین را محکم گرفته می‌پیشند و خود با دست چپش قبضه‌ی شمشیر بلندی را گرفته است . شاپور چکمه‌ای بلند تا زانو پوشیده و در فاصله‌ی میان دامن و دهانه‌ی چکمه در بالای زانو ، جوشن حلقوی رانش پیدا است . اسب شاپور بر گستوان چرمی دارد و اندازه‌ی آن مانند همه‌ی بر گستوانهای منقوش بر سنگها « در جلو تا سر بند بازو و در عقب تا سر بند زانو » طرح شده است .

رانپای ساسانیان

ساسانیان علاوه بر اینکه در جنگ ، شلوار زرهی « چرمی یا فلزی » بصورت حلقه‌های استوانه‌ای می‌پوشیدند از رانپا نیز « که معمولاً از چرم تهییه می‌شده » استفاده می‌کردند . ساختمان و چینهای این رانپا مانند رانپاهای اشکانی نیست ، بلکه شبیه شلوار خود ساسانیان است و بهمان طریق چین دار می‌شده و در آن بر خلاف رانپای اشکانی « که در پشت و قسمت داخلی ران بوده است » در جلو نشان داده شده است . گوشهای اتصال آنها نیز بر خلاف رانپاهای اشکانی « که از خود رانپا و یکسره در پهلو و عقب ، بکمر بند وصل

ميشده » در اينجا بوسيله‌ی يك تسمه و قلاب با دگمه‌ی گرد بزرگ از جلو و بالاي نوار و راستاي ساق و ران بكمربند مى‌بيوند .

شاپور اول در نقش رجب « شكل - ۲۰۷ - » و در نقش رستم « شكل - ۲۱۹ - » و در بيشاپور « شكل‌های - ۲۵۱ - و - ۲۵۲ - » در هر چهار جا رانپا پوشیده و بر روی رانش قلاب يا دگمه‌ی گرد بزرگ و تسمه‌ی اتصال رانپا بكمربند بخوبی مشهود است . (مانند اغلب شلوارهای اين دوره) بر نقوش سنگي يا برخى از آنها بر نقوش فلزى « که طرح نوار جلوی شلوار را بر راستاي ساق و ران نشان نمى‌دهد » در نقش اين رانپاها نيز نوار ديده نميشود مگر در نقوش بيشاپور که با دقت کافى میتوان از زير سائيدگى يا نحوه‌ی چين خوردگى محل نوار ، ردّى از برخى خط که بقایای طرح نوار است و تصادفاً هموار نشده است ، بدون نوار را بر جلوی رانپا پذيرفت . طرح چين‌های رانپاهای ساساني مانند شلوارشان از تيغه‌ی ساق و ران بر دو طرف سرازير شده است و در اينصورت رانپائى که باينطريق چين بردار شده است نمي‌تواند بدون نوار بر راستاي پاها ، اينچنان پر چين باشد زيرا در غيراي الحال از نظر فني درست نمی‌باشد « شكل‌های - ۲۵۳ - و - ۲۵۴ - » .

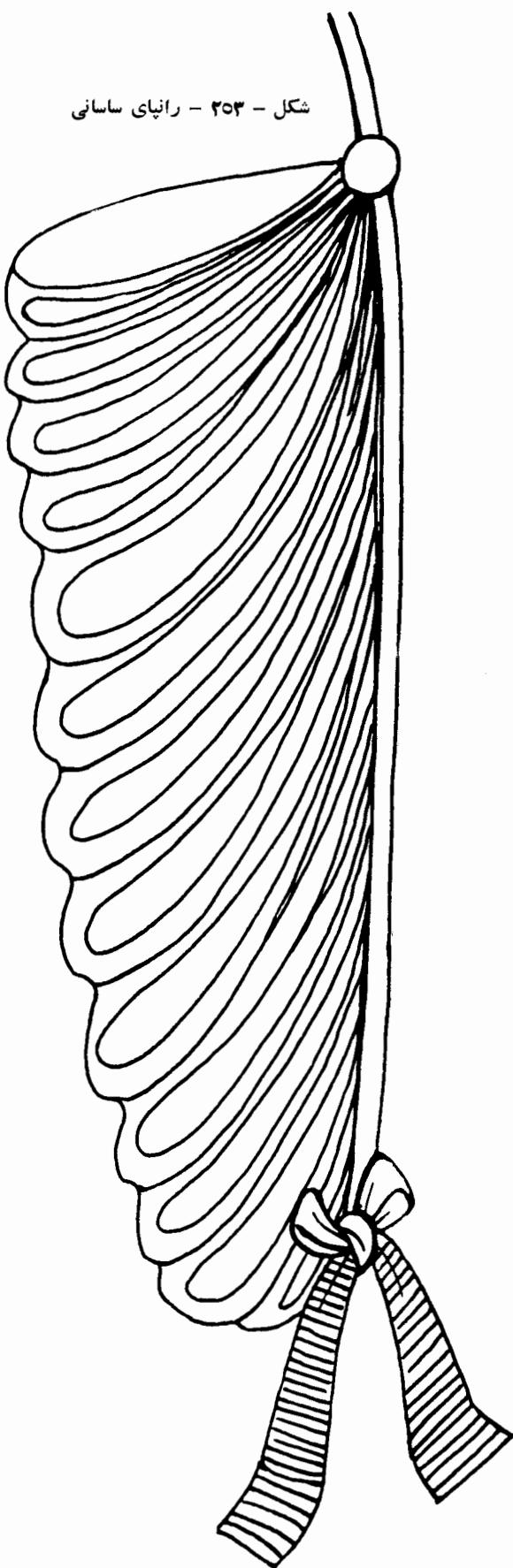


شکل - ۴۵۱ - راپای شاپور اول « در بیشاپور »

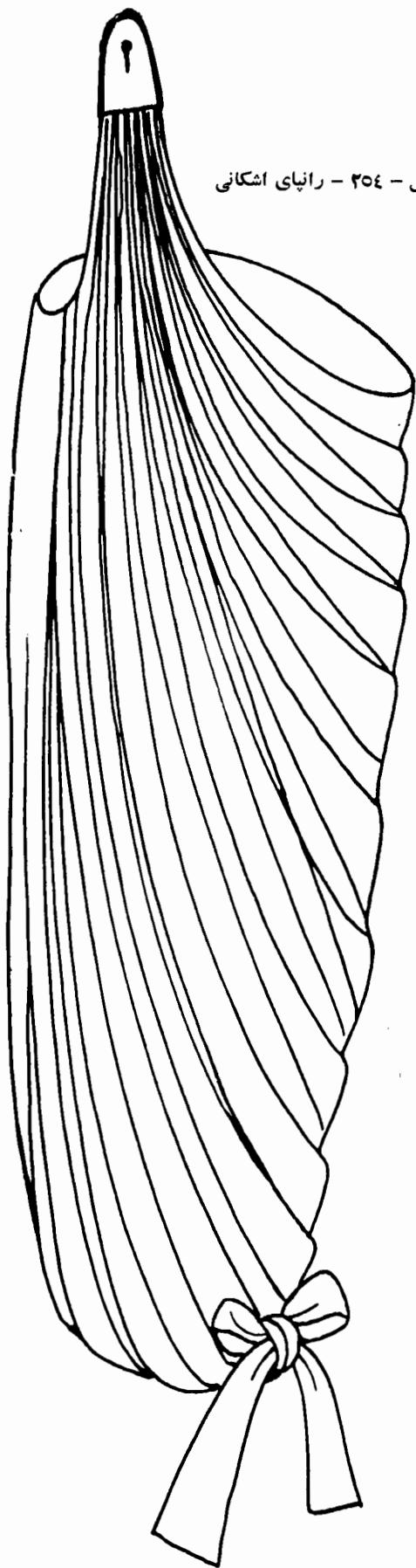


نکل - ۵۲ - راپی شاپور اول مد نقشی دیگر از بیشاپور

شکل - ۴۵۳ - رانپای ساسانی



شکل - ۴۵۴ - رانپای اشکانی



کلاه‌خودهای ساسانی

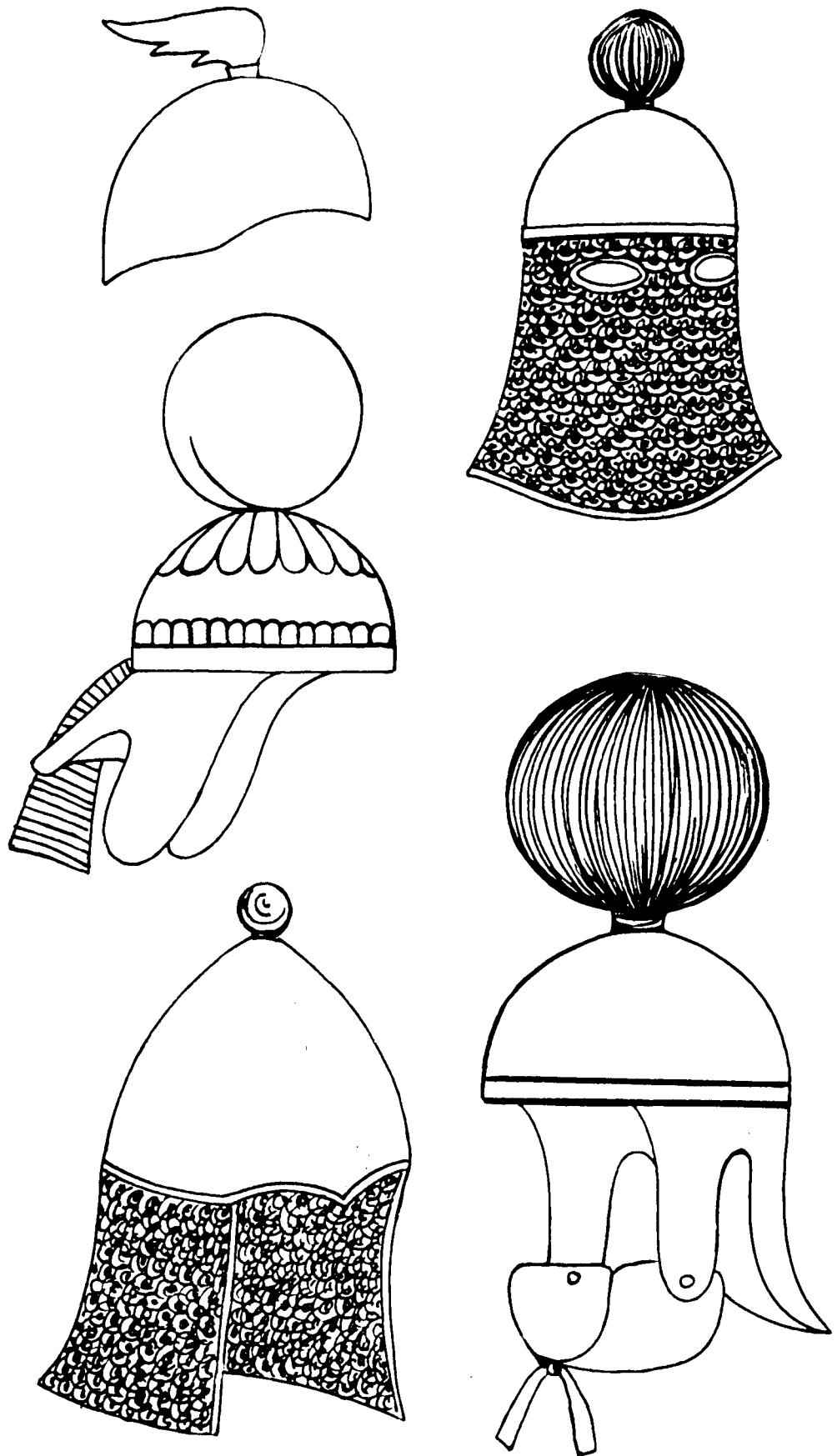
کلاه‌خودهای ساسانی « چنانکه در نقوش سنگی و فلزی نموده شده است » بشكل کلاه نمدی ساده و چون کاسه‌ی مسی است . گاهی هم زوائدی از نظر نقشه و گل و بته ، یا اضافاتی یکپارچه بمنظور حفاظت گوش و گردن دارد « شکلهای - ۲۵۵ - . »

بر بالای این کلاه‌خودها اغلب جائی برای پر یا قبه تعبیه کردند و بر دور لبه آن از زره زنجیری و گاهی صفحات چرمی یا آهنی دارد و از آنها در نقش رستم روی سر اردشیر باکان « شکل - ۲۵۶ - » و در نقوش فیروزآباد بر سر جنگجویان « شکل - ۲۴۴ - » و در بشقابی که میگویند محاصره‌ی قلعه‌ای را بوسیله‌ی ساسانیان نشان میدهد بر سر سواران بیرون قلعه « شکل - ۲۵۷ - » و در سنگ عقیق بر سر شاپور اول که با والرین سواره می‌جنگد « شکل - ۲۵۰ - » و در طاق بستان بر سر سوار جوشن پوش « شکل - ۲۴۷ - » میتوان دید .

سپرهای ساسانی

از سپرهای ساسانی « که گرد و کوچک‌اند » در دو جا بر سنگ و فلز تراشیده و طرح کردند :

- ۱ - در طاق بستان که در دست سوار جوشن پوش است « شکل - ۲۴۷ - » و بر روی آن طرح و نقشی ساخته‌اند « شکل - ۲۵۸ - » .
- ۲ - در بشقاب جنگجویان قلعه « شکل - ۲۵۷ - » که در دست سواران اول سمت چپ است .



شکل - ۳۰۵ - کلاه‌خودهای ساسانی



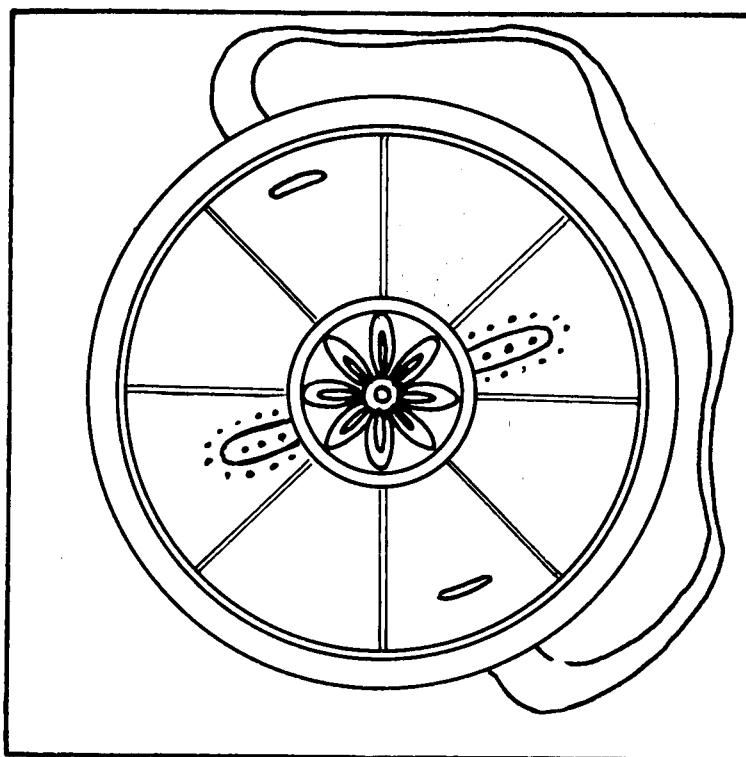
شکل - ۴۵۶ - کلاهخود اردشیر بابکان در نقش رستم

شمشیر ساسانیان

شمشیر ساسانیان بر سنگها مخصوصاً بر بشقابهای فلزی طرح و ساخته شده است، شمشیری است بلند، راست، پهن و دو دمه که در جلوی بدن از کمر آویخته میشده است. بر رو و بالای غلاف نیز جائی داشت که تسمهای چرمی



شکل - ۴۵۷ - سیر ساسانی در دست سوار اول سمت چپ
در پائین



شکل - ۲۵۸ - سپر دلاور طاق بستان

از آن رد شده بدوطرف کمر، بند میشه است: از آن، بر نقوش سنگی تنگ چوگان شاپور « شکل - ۲۵۹ - » و در نقش چهار نفری طاق بستان بر کمر مرد وسطی « شکل - ۱۸۹ - » و بر کمر ملتمنین رکاب شاپور اول در نقش رجب « شکل - ۲۰۹ - » و بر کمر شاپور اول در نقش رستم « شکل - ۲۱۹ - » و بر کمر بهرام دوم در نقش رستم « شکل - ۲۲۷ - » و بر کمر شاپور اول در سنگ عقیق « شکل - ۲۵۰ - » و همچنین بر روی اغلب بشقاوهای این دوره، چون در بشقاب خسرو انوشیروان « شکل - ۱۹۴ - » و بشقاب مرد سواری که از ساری بدست آمده است « شکل - ۲۱۵ - » و در بشقاب مرد



شکل - ۴۵۹ - شمشیر ساسانی در تنگ چوگان

شیر شکار « شکل - ۲۶۰ - » ساخته اند و در شکل - ۲۶۱ - آنرا بهتر میتوان دید .

کمان ساسانیان

در همه‌ی مدارک این دوره ، کمان ساسانیان از نوعی است که در دست مردان بشقابهای نقش شکار بیرون « شکل - ۲۱۶ - » و در بشقاب مرد شیر شکار



شکل - ۳۶۰ - شمشیر و کمان ساسانی

«شکل - ۲۶۰ -» و در بشقاب مرد آهو شکار «شکل - ۲۶۲ -» و در بشقاب وصله داری که مردی را در حال شکار شیر با لباس پرچین و چکمه نشان میدهد «شکل - ۲۶۳ -» ساخته‌اند (طرح روشن تری از کمان ساسانی را در شکل - ۲۶۳ - الف میتوان دید) .



شكل - ٣٦١



شکل - ۳۶۳ - کمان ساسانی در دست مرد آهوشکار



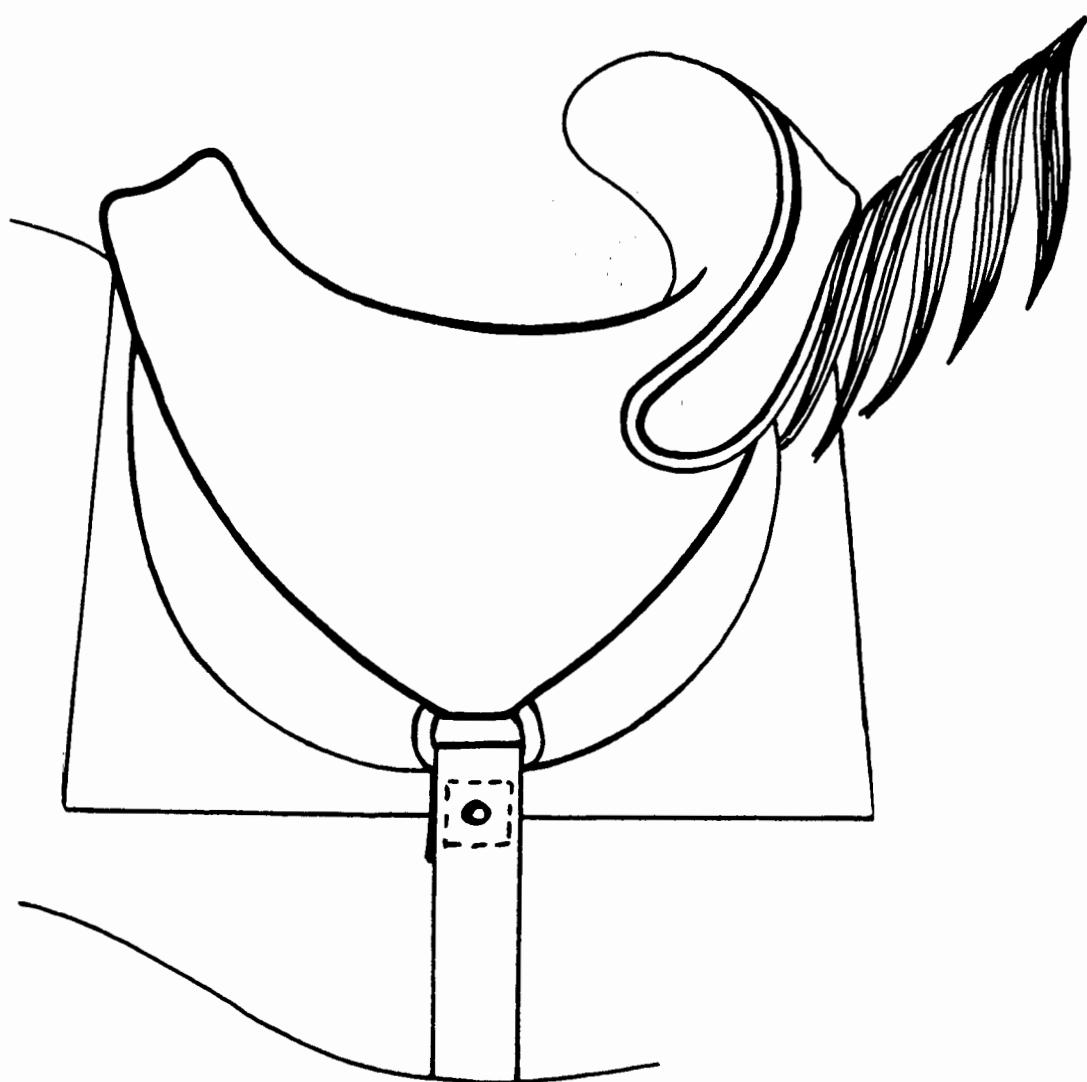
شکل - ۳۶۳ - الف



شکل - ۳۶۳ - کمان عهد ساسانی

زین اسب ساسانیان

ساسانیان علاوه بر زین عادی و معمول ، زینی مخصوص نیز داشته‌اند که جلوی آن دارای زائده‌ای خوابیده بـر روی ران سوار بـود و او را در حین حمله و جنگ و گـربـز و چـابـکـسوـارـی از خطرات پـرتـ شـدـنـ باـزـ مـیدـاشـتـ « شـکـلـ - ۲۶۴ - » مـدارـکـ بـسـیـارـیـ ، زـائـدـهـیـ اـینـ نـوـعـ زـینـهـاـ رـاـ نـشـانـ مـیدـهـدـ ،



شکل - ۳۶۴ - زین مخصوص زمان ساسانیان

ولی نمیتوان معلوم کرد که آیا این زائده یکطرفی یا دو طرفی است ؟
 بهر حال ، از این نوع زینها در نقش رجب برای شاپور اول « شکل - ۲۰۹ - »
 و برای اردشیر بابکان در نقش رستم « شکل - ۲۱۸ - » و در فیروزآباد
 « شکل - ۲۴۶ - » و برای جنگجوی فاتح در نقش رستم « شکلهای - ۲۳۲ -
 - ۲۳۷ - و - ۲۳۹ - » ساخته‌اند .

پرچم ساسانیان

در باره‌ی پرچم این دوره ، کریستن سن می‌نویسد : (واحدهای بزرگ سپاه را « گند » می‌گفتند و فرماندهی آنها با گند سالاران بود . تقسیمات کوچکتر از آن را درفش و از آن کوچکتر را وشت می‌نامیدند . هر درخشی پرچمی مخصوص داشت . نقوش ساسانی نمونه چند از پرچم‌ها و علائم لشکری نشان میدهد . پرچم دراز و کم عرضی می‌بینیم که تا اندازه‌ای شبیه به نواری است که بر سر نیزه‌ها بسته باشند . در یکی از تصاویر نقش رستم پادشاهی از ساسانیان دیده می‌شود که نیزه‌ای در دست دارد و چهار نعل بجانب دشمن می‌تازد . نیزه دشمن در اثر ضربت خرد شده است . در آن نقش علمداری پیداست که چوب پرچمی در دست گرفته است و در بالای آن قطعه چوبی بطور افقی نصب شده است ، و سه گوی بر فراز آن دیده می‌شود . یکی در وسط و دو گوی دیگر در دو سر چوب قرار دارد . دو قطعه پارچه ابریشمی یا چیز دیگر از دو سر چوب آویخته است . در جزو غنائمی که اورلین «Aurline» پس از غله بر زنوبی «Zenoubie» بچنگ آورده بود از چند پرچم ایرانی نام برده شده است . وقتی میخواستند بحمله شروع کنند پرچمی برنگ آتش می‌افراشتند . فردوسی غالباً پرچمهای دلاوران قدیمی را وصف می‌کند و چون این اوصاف از منابع عهد ساسانی اخذ شده بالاشک پرچمهای ساسانیان را نمونه گرفته‌اند . در شاهنامه از پرچم بنفس سلطنتی نام برده شده که صورت خورشید بر آن منقوش است و شکل ماهی زرین در بالای آن ، و نیز از درخشی ذکر بمیان آمده هزین بصورت شیری که در چنگال خود گرزی و شمشیری دارد . پرچم دیگری سیاه رنگ بود و نقش گرگ داشته و یکی دیگر صورت بیر و همچنین بیرقهائی با تصویر غزال یا گراز یا عقاب سلطنتی یا اژدهای هفت سر داشته‌اند .

سپس از پرچمی با صورت خورشید و از پرچم دیگری با نقش گورخر و از یک رایت حاشیه‌دار که متن آن ارغوانی و نقش ماه در آن رسم شده، و پرچم دیگری مزین بشکل گاوی‌میش و غیره نام برده شده است. پرچم ملی عهد ساسانی درفش کاویان بود که بموجب روایت از پیشدامن کاوه آهنگر ساخته شده بود « نقل از کتاب ایران در زمان ساسانیان صفحه‌ی ۱۳۹ - سطر - ۶ - ».)

در دنباله‌ی موضوع پرچم ، کریستان سن در همین کتاب صفحه‌ی ۳۵۸ - سطر - ۳ - می‌نویسد : رستهم که شخصاً حرکات افواج ایران را اداره میکرد و در زیر خیمه نشسته و درفش کاویان را در برابر خود نصب نموده بود کشته شد و درفش کاویان که نمودار شوکت و قدرت ایران بود بدست عرب افتاد . ایرانیان این درفش را متعلق بادوار باستانی تاریخ خویش میدانستند : (چون هزار سال از دوره ظلم دهاک «Dehagh» غاصب سپری شد آهنگری کاوک نام پیشدامن چرمین خود را بر نیزه کرد و قدم در میدان شورش نهاد . شورشیان دهاک را از تخت بزیر آوردند و فریدون را که شاهزاده جوان از نسل پادشاهان سلف بود بر سریر پادشاهی نشاندند . از آن زمان پیشدامن کاوک آهنگر درفش سلاطین ایران شد) . چند تن از مورخان ایران و عرب این درفش را بصورتی که در جنگ قادسیه بچنگ عرب افتاد وصف کردند . بنا بر قول طبری این درفش که از پوست پلنگ بود هشت ارش عرض و دوازده ارش طول داشت . بلعی گوید ایرانیان در هر جنگ که این درفش را در پیش روی داشتند مظفر میشدند و گوهری بر جواهر آن درفش می‌افروزند چندانکه این درفش غرق زر و سیم و گوهر و مروارید شده بود . توصیف مسعودی نیز از این درفش شبیه طبری است جز اینکه گوید آنرا بر چوبه‌ای نصب کرده‌اند که یکی بدیگری می‌پیوست . در عبارت دیگر گوید این علم پوشیده از یاقوت و مروارید و گوهرهای گوناگون بود . بنا بر قول خوارزمی این درفش از

پوست خرس یا به قولی از شیر ساخته شده بود و پادشاهان در جنگها با آن تیمّن و تبرک می‌جستند و آنرا از زر و گوهرهای گرانبها پوشیده بودند. ثعالبی نیز حکایت می‌کند که پادشاهان درفش کاویان را موجب کامیابی خویش می‌شمردند و در ترئین آن بجواهر قیمتی با یکدیگر همچشمی می‌کردند و کمال جهد را در زیور بستن آن مینمودند چنانکه پس از مدتی در یکتای جهان و شاهکار قرون و اعجوب عجایب روزگار شد. این درفش را پیشاپیش سپاه می‌بردند و جز فرمانده کل سپاه کسی را شایسته نگاهداری آن نمی‌دانستند. پس از آنکه جنگ بفیروزی خاتمه می‌پذیرفت پادشاه درفش را بگنجوری که مأمور نگاهداری آن بود می‌سپرد. بنا بر روایت مطهر بن طاهر المقدسی این درفش در آغاز از پوست بزرگاله یا از چرم شیر بود. بعد ایرانیان آنرا از زر و پارچه زربفت ساختند. فردوسی در جلد اول شاهنامه داستان ضحاک چنین گوید:

بپوشند هنگام زخم درای
همانگه بیازار برخاست گرد
به نیکی یکی اختر افکند پی
ز گوهر برو پیکر و زرش بوم
یکی فال فرخ پی افکند شاه
همی خواندش کاویانی درفش
باشی بسر بر نهادی کلاه
بر آویختی نو بنو گوهران
بدانگونه گشت اختر کاویان
جهان را از او دل پر امید بود

از آن چرم کاهنگران پشت پای
همان کاوه آن بر سر نیزه کرد
چو آن پوست بر نیزه بر دید کی
بیماراست آنرا بدیبای روم
بزد بر سر خویش چون گرد ماه
فرو هشت زو سرخ و زرد و بنفس
از آن پس هر آنکس که بگرفت گاه
بر آن بی بها چرم آهنگران
ز دیبای پر مايه و گوهران
که اندر شب تیسره خورشید بود

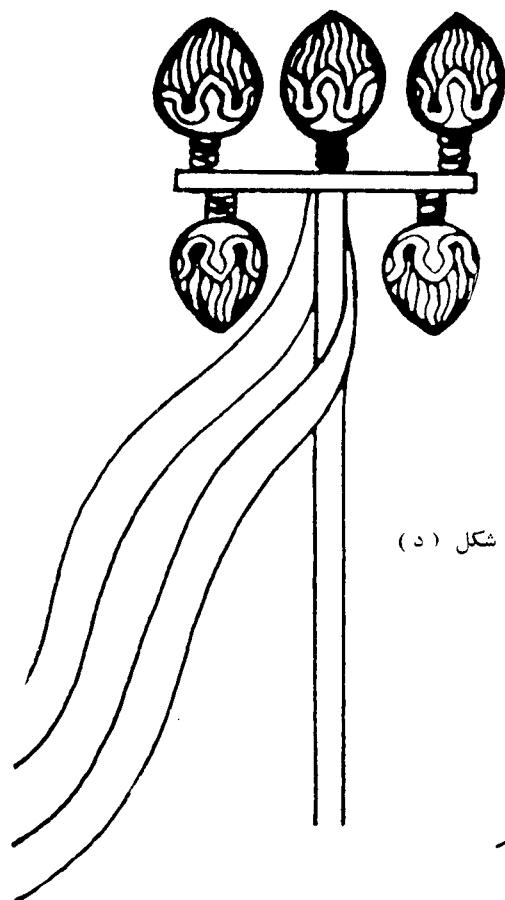
ابن خلدون گوید که صورت طلسی با اعداد و علائم نجومی بر درفش کاویان دوخته شده بود .

*

ایضاً کریستن سن در کتاب ایران در زمان ساسانیان « صفحه‌ی - ۱۴۱ - سطر - ۶ - » می‌نویسد : (در موزه‌ی لینین‌گراد ، جام نقره‌ای محفوظ است که منسوب بقرون نخستین عهد ساسانی است و قلعه را نشان میدهد که دشمن آنرا در میان گرفته است . دیوار کنگره دار این قلعه متکی بر ستونهای بزرگ است و دروازه مسدود قلعه در وسط ستونها نمایان است . در بالای قلعه برجی بنا شده که سه سرباز مسلح بر فراز آن مشغول دیده بانی هستند . پرچمی بلند و باریک بر نیزه که در سمت چپ برج نصب شده در اهتزاز است . در بالای دیوار مقدم برج شیپور زنان که بر گرد آتشدان یا بنای دیگری فراهم آمده‌اند بوسیله‌ی بوق و شیپور محصورین را ازحمله دشمن آگاه می‌کنند . از دو جانب مهاجمین سوار که با شمشیر و نیزه و سپرهای مدور مسلحند در رسیده‌اند . یکی از اسواران پرچمی بدست گرفته که چهار گوشی آویخته دارد) .

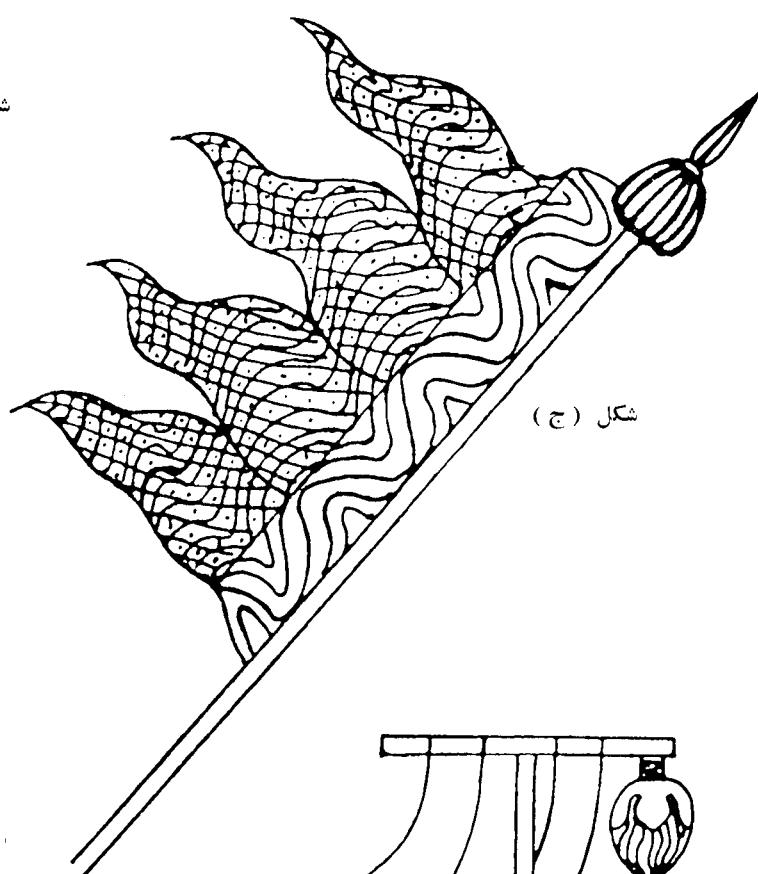
*

کریستن سن در باره‌ی دو پرچم دیگر این نقش که در دست مهاجمین است چیزی ننوشته است ، ولی در هر حال سه نمونه از پرچمهای ساسانیان را که مدارک سنگی « پرچمهای نقش رستم در شکلهای - ۲۳۲ - و - ۲۴۲ - » و بشقاب دارای طرح قلعه « شکل - ۲۵۷ - » تثبیت می‌کنند باضمام طرح « شکل - ۲۶۵ - » ارائه میدهد .

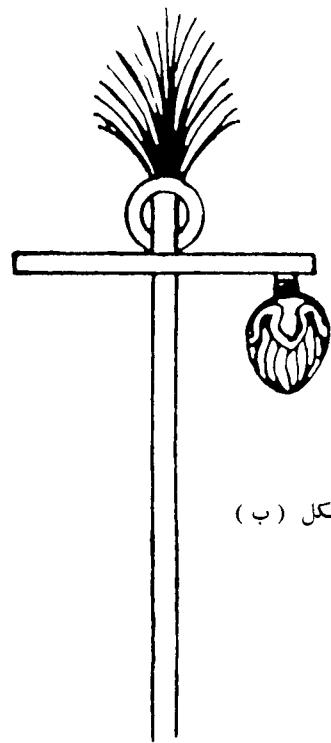


شكل (د)

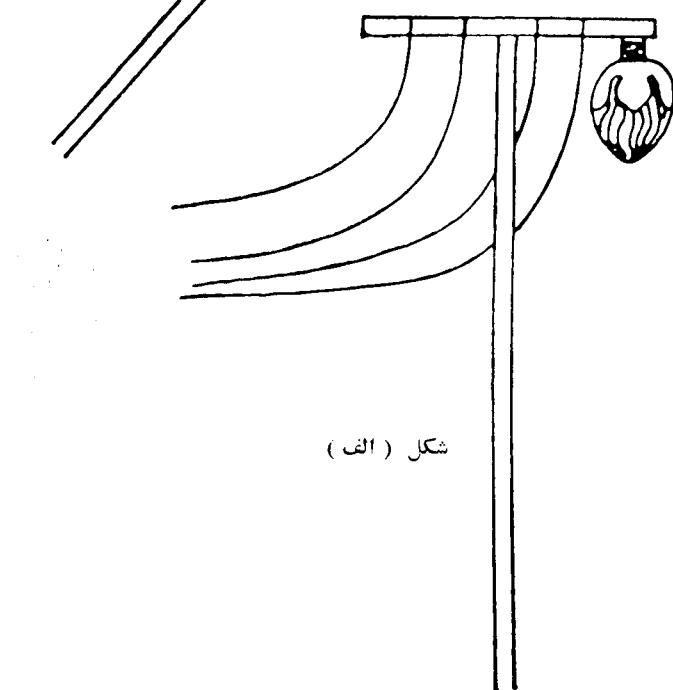
شکل - ۳۶۵ - پرچمهای ساسانیان .
الف : پرچمی است که هم‌اکنون بهمین صورت در نقش رستم
باقی مانده است و فلاندن آنرا در سال (۴۱ - ۱۸۴۰) در
کتاب مسافرت در ایران بشکل (ب) طرح نموده است .



شكل (ج)



شكل (ب)



شكل (الف)

یوشائے یانو ان ساسانی

برای لباس بانوان ساسانی مدارکی از نقوش سنگی (مانند اناهیتا « الهی زیبائی و ثروت ») و چند طرح در بشقابهای موجود در موزه‌های کشورهای بیگانه هست که شکل‌هائی از انواع لباس بانوان این دوره را نشان میدهد .

*

در مقایسه‌ی چندین نقش سنگی اناهیتا و نقوش دیگر با هم ، بنظر میرسد که بانوان ساسانی پیراهن بلند ، بسیار پر چین و گشاد می‌پوشیده‌اند و آن را با نواری در زیر پستان‌ها « مانند بانوان اشکانی » جمع‌کرده می‌بستند « شکل - ۲۶۶ - اناهیتا » و نقش موزائیک یک بانوی ساسانی موجود در موزه‌ی ایران باستان تهران « شکل - ۲۶۷ - ».

از طرز قلم زنی و چین‌سازی پیراهن و دامن پیداست که در انتهای دامن بر پشت پا، پارچه‌ای اضافه و پُرچین با آن دوخته‌اند «مانند شکل - ۲۶۸ -».

گاهی چادری گشاد و پُرچین بسر میکردند که تا بواسطه ساق پا میرسیده است. نقوشی که از بانوان ساسانی در بشقاب‌های نقره‌ای ساخته شده مینماید که هر یک از بانوان چادری بخود پیچیده دارند « شکل - ۲۶۹ - ».

این پیراهنهای بلند با دامن پُر چین ، اغلب دیده شده است که دارای آستین بلند است ولی بی‌آستین نیز دیده شده است « مانند بانوی بادبزن بدست



شکل - ۳۶۶ - آناهیتا در محل نقش رستم

نقش موزائیک بیشاپور که پیراهن بی آستین پوشیده است . « شکل - ۲۷۰ - » .

یخهی پیراهن بانوان ساسانی ، اغلب گرد است ولی یخهی جلو باز تا پائین تر از زیر پستانها نیز « مانند پیراهن روئی بانوان اشکانی » دیده شده

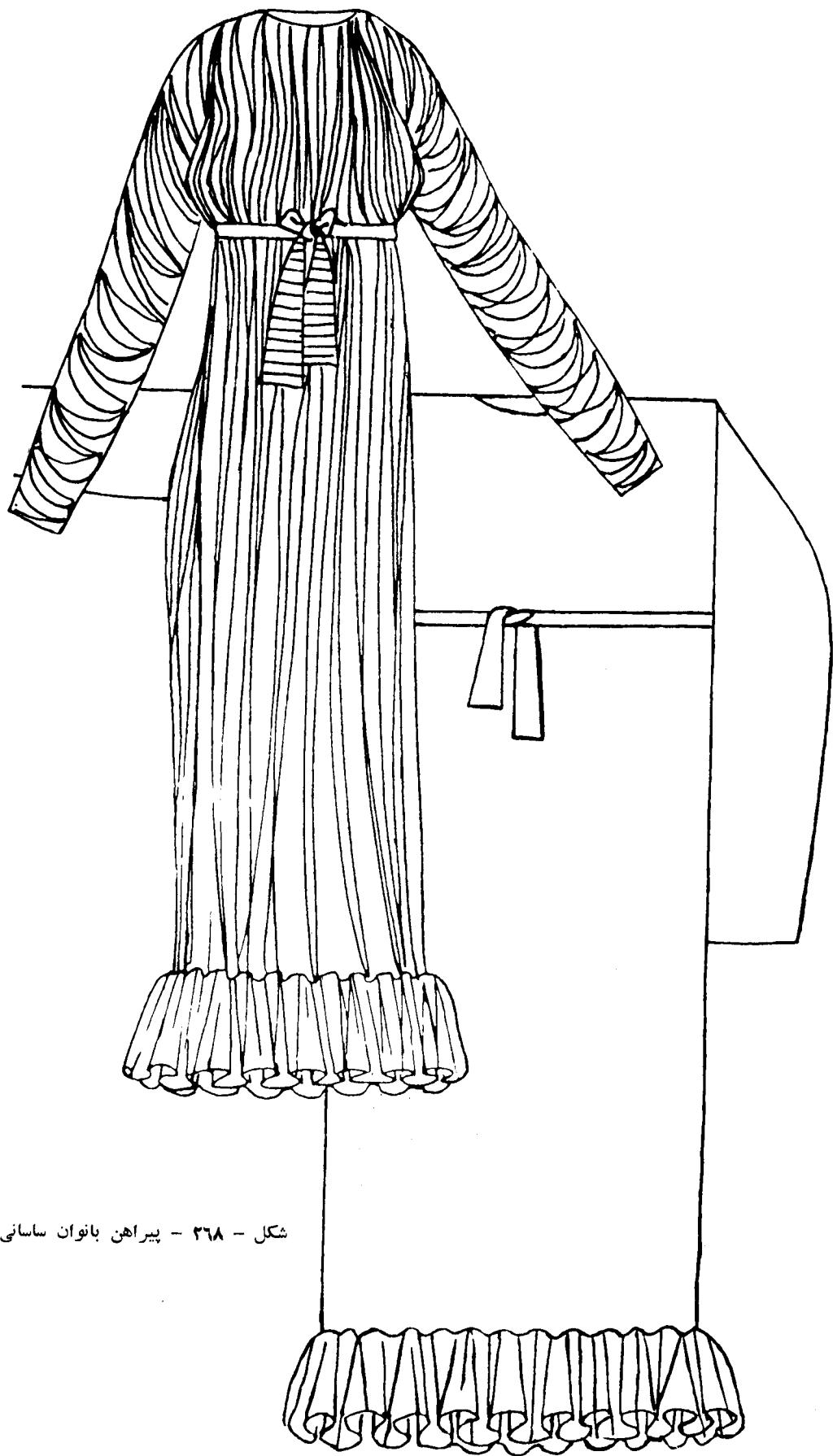


شکل - ۲۶۷ - بانوی ساسانی ، « موزائیک از بیشاپور »

است (نظیر پیراهن رقصهای منقوش روی کوزه‌ی کلاردشت که در موزه‌ی ایران باستان تهران موجود است « شکل - ۲۷۱ - » .

*

در نقش بشقاب ضیافت شاه که بهرام گور و بانو سپینود را ساخته‌اند « شکل - ۱۹۷ - » سپینود پیراهنی بلند با دامن پُرچین پوشیده و بر روی آن نیز پیراهنی دیگر بر تن دارد که بعلت بد نقش شدن و اشتباه کاری سازنده‌ی آن نمیتوان بطور مشخص پیراهن روئی را با آستینین یا بی آستین شناخت زیرا یک آستین مربوط به پیراهن بلند او و دیگری مربوط به پیراهن روئی او است و در این میان بر سینه نیز نقشی از ارخالق دارد ، و ارخالق



شکل - ۳۶۸ - پیراهن بانوان ساسانی



شکل - ۳۶۹ - چادر بانوان ساسانی



شکل - ۳۷۰ - بانوی ساسانی « موزائیک از بیشاپور »



شکل - ۳۷۱ - رقصهای ساسانی بر روی کوزه‌ی بدست آمده از گلاردشت

نیز که با آستین است ، و طرح ، نوعی است که هیچیک از آستین‌ها را نمیتوان برای ارخالق بحساب آورد .

*

در طرح بشقابی که شاهزاده‌ای را در بزم نشان میدهد « شکل - ۲۷۲ - »



شکل - ۲۷۳ - لباس بانوان ساسانی در مجلس بزم شاهزاده

دو زن را ساخته‌اند که هر یک دستمالی روی دهان خود به پشت سر بسته‌اند و هر یک شلواری چون شلوار مردان بیا دارند . قبائی پوشیده‌اند که تا بوسط ساق پا میرسد ، و قبا ، در جلوی دامن سه چاک دارد که با حساب قرینه سازی گردا گرد آن باید دارای شش چاک باشد . بر سراسر دوره‌ی دامن و چاکها حاشیه بسته‌اند « شکل - ۲۷۳ - » .

*

بر روی کوزه‌هائی « موجود در موزه‌ی هرمیتاژ مربوط بساسانیان » رقصه‌هائی را ساخته‌اند که بر هنده‌اند و چادری تن‌نما بخود پیچیده و نیم‌پیراهنی آستین‌دار که پائین آن تا بناف میرسد ، پوشیده‌اند « دوره‌ی پائین این نیم‌پیراهنی ، کنگره‌های منحنی مزین دارد . « شکلهای - ۲۷۴ و ۲۷۵ - » .

*

بانوان ساسانی جبهه‌ای نیز داشتند که در موقع لزوم بر دوش می‌افکندند . مانند اناهیتای طاق بستان در کرمانشاه « شکل - ۲۷۶ - » .

پایان



شکل - ۳۷۳ - پیراهن بانوان ساسانی

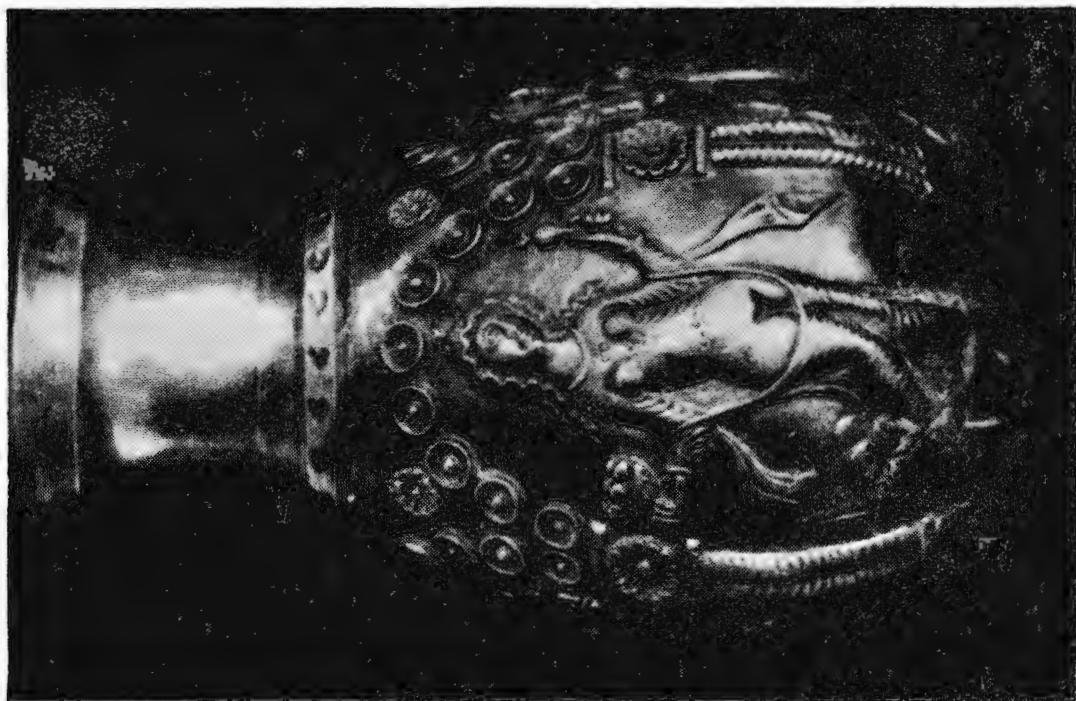
پوشش بانوان ساسانی

۳۱۷



شکل - ۴۷۴ - رقصهای ساسانی

شکل - ۴۷۵ - رقصهای ساسانی





شکل - ۴۷۶ - مجسمه آناتیا در طاق بستان



شکل - ۲۷۷ - نقش یک بانوی ساسانی بر عقیق

بی‌رس نوشه‌ها

توضیحات و مقدمات

پوشاك مادي

۸	پوشاك مادي
۱۰	کلاه مادي
۱۶	پيراهن مادي
۱۸	شلوار مادي
۱۹	کفشه مادي
۲۰	کمربند مادي
۲۴	جبهه و شنل مادي
۲۶	شنل مادي

پوشاك پارسيان : « پارسي - هخامنشي »

پوشاك پارسيان

پی‌رس نوشه‌ها

صفحات

۳۸	بالاپوش پارسیان
۴۱	دامن پارسیان
۶۰	کلاه پارسیان
۶۹	کفش پارسیان

پوشак زنان پارسی

۷۵	پوشاك زنان پارسي
۸۱	بافندگي زنان قدیم ایران
۸۴	ارغوانی ، رنگ مرغوب و محبوب دوران قدیم

پوشاك جنگي پارسیان

۸۷	پوشاك جنگي پارسیان
۹۰	زره - جوشن
۹۸	عربه‌های جنگی هخامنشیان
۱۰۳	اختراع دیگر کوروش
۱۰۵	سپرهای هخامنشی
۱۰۹	تیردانهای هخامنشی
۱۱۴	کمانهای هخامنشی
۱۱۵	کماندانهای هخامنشی
۱۱۶	تبر ، کمربند و قمهی پارسی
۱۲۲	پرچم - علامت

پوشک پارت‌ها

۱۲۴ پوشک پارت‌ها : « اشکانیان »

پوشک رزمی پارت‌ها

۱۵۴	پوشک رزمی پارت‌ها
۱۵۸	کمان پارتی
۱۶۱	شمشیر پارتی
۱۶۱	رانپای پارتی
۱۶۶	کلاه‌خود و جوشن
۱۸۱	کمربند ، سربند و کفش اشکانی
۱۸۲	سربند اشکانی
۱۸۴	کفش اشکانی
۱۹۱	پرچم اشکانی

پوشک زنان اشکانی

۱۹۴	پوشک زنان اشکانی
۲۰۸	چادر و انواع پیراهن زنان اشکانی

پوشک ساسانیان

۲۱۵	پوشک ساسانیان
-----	-------------------------

صفحات	پی‌رس نوشه‌ها
۲۴۱	شنل ساسانیان
۲۴۷	شلوار ساسانیان
۲۵۱	کلاه ساسانیان
۲۵۵	کفش ساسانی
۲۵۷	رنگهای البسه‌ی ساسانیان « از سطر ششم »
۲۶۷	پوشак رزمی ساسانیان
۲۸۶	رانپای ساسانیان
۲۹۱	کلاه‌خودهای ساسانی
۲۹۱	سپرهای ساسانی
۲۹۳	شمشیر ساسانیان
۲۹۶	کمان ساسانیان
۳۰۰	زین اسب ساسانیان
۳۰۲	پرچم ساسانیان
۳۰۷	پوشاك بانوان ساسانی
۳۲۱	پی‌رس نوشه‌ها
۳۵۶	پی‌رس طرح‌ها و عکس‌ها از - ۳۲۵ - تا

بی‌رس طرح‌ها و عکس‌ها

- ۱ - کلاه مادی نوع اول « طرح مؤلف از روی نقوش
بر جسته‌ی تخت جمشید ». ۱۰
- ۲ - کلاه مادی نوع اول « عکس از روی نقوش
بر جسته‌ی تخت جمشید ». ۱۱
- ۳ - نوع دوم کلاه مادی پوشان « طرح مؤلف از روی
نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید ». ۱۲
- ۴ - نوع دوم کلاه مادی پوشان « عکس از روی نقوش
بر جسته‌ی تخت جمشید ». ۱۲
- ۵ - نوع سوم کلاه مادی پوشان « طرح مؤلف از روی
نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید ». ۱۳
- ۶ - نوع سوم کلاه مادی پوشان « عکس از روی نقوش
بر جسته‌ی تخت جمشید ». ۱۳

ردیف	پرس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۷	نوع چهارم کلاه مادی پوشان « طرح مؤلف از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید ». ۷	۱۴	
۸	نوع چهارم کلاه مادی پوشان « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید ». ۸	۱۴	
۹	کلاه نوع پنجم مادی پوشان « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید ». ۹	۱۵	
۱۰	پیراهن مادی « طرح مؤلف از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید ». ۱۰	۱۶	
۱۱	پیراهن مادی « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید ». ۱۱	۱۷	
۱۲	شلوار مادی « طرح مؤلف از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید ». ۱۲	۱۸	
۱۳	شلوار مادی بر تن دو مرد طرفین نقش « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید ». ۱۳	۱۹	
۱۴	کفش مادی « طرح مؤلف از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید ». ۱۴	۲۰	
۱۵	کمربند مادی « طرح مؤلف از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید ». ۱۵	۲۱	

- ۱۶ - کمربند مادی « عکس از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید ». ۲۱
- ۱۷ - یکنفر مادی با قمه « عکس از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید ». ۲۲
- ۱۸ - کمربندهای مادی « عکس از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید ». ۲۲
- ۱۹ - کمربند میخدار مادی « عکس از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید ». ۲۳
- ۲۰ - کمربند کماندان مادی « طرح مؤلف از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید ». ۲۴
- ۲۱ - سر کمربند کماندان مادی بدست اسلحه‌دار مادی « عکس از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید ». ۲۵
- ۲۲ - کماندان مادی « عکس از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید ». ۲۶
- ۲۳ - قمه‌ی مادی « عکس از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید ». ۲۷
- ۲۴ - جبهه‌ی مادی « طرح مؤلف از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید ». ۲۸

ردیف	پرس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۲۵	شتل مادی « طرح مؤلف از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید » .	۲۸	۲۵
۲۶	جبهه و شتل بر دوش قوم ماد « عکس از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید » .	۲۹	۲۶
۲۷	یک سوار مادی « عکس از روی طرح موجود در کتاب تاریخ ایران سرپریسی سایکس » .	۲۹	۲۷
۲۸	تهر نیزه‌ی یکنفر مادی « عکس از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید » .	۳۰	۲۸
۲۹	تهر نیزه‌ی یکنفر مادی « طرح مؤلف از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید » .	۳۰	۲۹
۳۰	پوشش عمومی یکنفر مادی « طرح مؤلف از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید » .	۳۱	۳۰
۳۱	یک منظره از شکار ایرانی « عکس از روی طرح موجود در کتاب تاریخ ایران سرپریسی سایکس » .	۳۳	۳۱
۳۲	جنگ مهر با گاؤنر « عکس از روی کتاب تاریخ ایران سرپریسی سایکس » .	۳۴	۳۲
۳۳	مهر بر هنر با باشلق « عکس از روی کارتی چاپ شده در رم » .	۳۵	۳۳

ردیف	بی‌رس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۳۴	قسمتی از منظره‌ی شکار ایرانی « عکس از روی طرح موجود در کتاب تاریخ ایران سرپرستی سایکس ». .	۳۶	۳۴
۳۵	قسمتی از منظره‌ی شکار پارسیان « عکس از روی طرح موجود در کتاب تاریخ ایران سرپرستی سایکس ». .	۳۶	۳۵
۳۶	جنگ با حیوان افسانه‌ای « عکس از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید ». .	۳۷	۳۶
۳۷	بالاپوش پارسی « طرح مؤلف با استفاده از نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید ». .	۳۹	۳۷
۳۸	بالاپوش پارسی « عکس از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید ». .	۴۰	۳۸
۳۹	بالاپوش پارسی « عکس از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید ». .	۴۰	۳۹
۴۰	بالاپوش جلو باز « عکس از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید ». .	۴۰	۴۰
۴۱	دامن پارسی از رو برو و نیمه‌ی پشت « طرح مؤلف از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید ». .	۴۱	۴۱

ردیف	پی رس طرح ها و عکس ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۴۲	دامن پارسی « عکس از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید ». ۴۲	۴۲	
۴۳	دامن پارسی از پهلو و رو برو « عکس از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید ». ۴۲	۴۲	
۴۴	دامن دو راسته‌چین پارسی « عکس از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید ». ۴۳	۴۳	
۴۵	دامن دو راسته‌چین پارسی « طرح مؤلف از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید ». ۴۴	۴۴	
۴۶	دامن دو راسته‌چین در حال حرکت « عکس از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید ». ۴۵	۴۵	
۴۷	دامنهای یکراسته و دو راسته‌چین پارسی « عکس از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید ». ۴۶	۴۶	
۴۸	وضعیت کمربند و اسلحه‌ی پارسی « طرح مؤلف از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید ». ۴۷	۴۷	
۴۹	وضعیت کمربند پارسی در نیم رخ پشت « عکس از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید ». ۴۸	۴۸	
۵۰	زارع پارسی با بالاتنه‌ی بر هنر با یکدامن « عکس از روی کتاب پوپ ». ۴۹	۴۹	

ردیف	پی رس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۵۱	شکار شیر « عکس از روی کتاب پوپ » .	۴۹	
۵۲	شکار شیر با عَرَابَه « عکس از روی کتاب پوپ » .	۵۰	
۵۳	پادشاه هخامنشی در حال جدال با دو شیر « عکس از روی طرح موجود در کتاب تاریخ ایران سرپرسي سايكس » .		
۵۴	مردی هخامنشی که شیری را بغل زده میفرشد « عکس از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید » .	۵۱	
۵۵	مجسمه‌ی نقره‌ای مردی هخامنشی (عکس از روی کتاب « اشمیت ») .	۵۲	
۵۶	پیراهن‌های منقَّش شوشی « عکس رنگی از روی سربازان جاوید شوشی موزه‌ی لوور » .	۵۲ - ۵۳	
۵۷	نقوش ترئینی روی البسه‌ی شوشی « طرح مؤلف از روی پیراهن‌های منقش سربازان جاوید شوشی » .	۵۴	
۵۸	نقش ترئینی دیگری از لباس شوشی « طرح مؤلف از روی کاشی موجود در موزه‌ی ایران باستان تهران » .	۵۴	
۵۹	سر یکنفر پارسی در سه حالت « عکس از روی کتاب اشمیت » .	۶۲	

ردیف	پرس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۶۰	کلاه نمدی بومیان پارسی « عکس از روی یک کلاه‌کنونی بومیان پارس » .	۶۴	۶۰
۶۱	کلاه پارسیان « طرح مؤلف از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید » .	۶۵	۶۱
۶۲	کلاه‌کوتاه پارسی « عکس از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید » .	۶۶	۶۲
۶۳	نوعی کلاه یا تاج پارسی « عکس از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید » .	۶۷	۶۳
۶۴	تاج هخامنشی « عکس از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید » .	۶۸	۶۴
۶۵	تاج هخامنشی « عکس از روی مجسمه‌ی موجود در موزه‌ی ایران باستان تهران » .	۶۹	۶۵
۶۶	تاج و نقش داریوش بزرگ « عکس از روی نقوش بر جسته‌ی بیستون در کرمانشاهان » .	۷۰	۶۶
۶۷	کفش داریوش بزرگ « عکس از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید » .	۷۱	۶۷
۶۸	کفش کوروش بزرگ « عکس از روی نقوش بر جسته‌ی پارساک در مشهد مرغاب » .	۷۲	۶۸

ردیف	پرس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۶۹	کفش هخامنشی « طرح مؤلف از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید » .	۷۳	۶۹
۷۰	کفش مخصوص هخامنشیان « عکس از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید » .	۷۴	۷۰
۷۱	پوشش زنی بومی از عهد پارسیان « عکس از روی کتاب پوپ » .	۷۶	۷۱
۷۲	زن بومی با لباس عهد پارسی « عکس از روی کتاب اشمیت » .	۷۶	۷۲
۷۳	زنان بومی عهد پارسیان سوار بر اسب « عکس از روی کتاب پوپ » .	۷۷	۷۳
۷۴	تصاویر ملکه‌ها و بانوان عهد هخامنشی « عکس از روی قطعه فرش مکشوف در پازیریک سیبری » .	۸۰	۷۴
۷۵	تصویری از ملکه‌ها و بانوان عهد هخامنشی « عکس از روی قطعه فرش مکشوف در پازیریک سیبری » .	۸۰ - ۸۱	۷۵
۷۶	لباس بانوان هخامنشی از رو برو و نیمرخ « طرح رنگی مؤلف از روی نقش فرش عهد هخامنشی		
۷۶	مکشوف در پازیریک سیبری، واستنباط رنگ آمیزی از روی نقوش شوش و نوشت‌های تاریخ‌نویسان » .	۸۰ - ۸۱	۷۶

ردیف	بیرس طرحها و عکسها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۷۷	لباس بانوان هخامنشی طرح مؤلف از فرش پازیریک	۸۰ - ۸۱	
۷۸	« « « « « « « « -	۸۰ - ۸۱	
۷۹	« « « « « « « « -	۸۰ - ۸۱	
۸۰	نمونه‌ی گرهزندی قالیچه در عهد هخامنشیان .	۸۲	
۸۱	صحنه‌ای از میدان جنگ که میگویند جنگ اردشیر سوم و اسکندر است « عکس رنگی از روی	۸۲ - ۸۳	كتاب : « The picture Encyclopaedia of Art.
۸۲	صحنه‌ی جنگ اردشیر سوم و اسکندر « عکس سیاه سفید » .	۸۳	
۸۳	پوشش جنگی یکمرد هخامنشی « طرح مؤلف از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید و استفاده از نوشت‌های تاریخ نویسان » .	۹۶	
۸۴	سوار زره‌پوش هخامنشی « طرح مؤلف از روی نقش یکی از سواران عهد هخامنشی بر حاشیه‌ی فرش مکشوف از پازیریک سیبری و استفاده از نوشت‌های تاریخ نویسان » .	۹۷	
۸۵	یکی از سواران عهد هخامنشی « عکس از روی نقش حاشیه‌ی فرش آنزمان مکشوف از پازیریک سیبری » .	۹۸	

ردیف	بی‌رس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۸۶	یکنفر پارسی بَرْسَمْ بدست « عکس از روی کتاب هرتسفلد ». .	۹۹	۸۵
۸۷	منظرهای از شکار ایرانیان « عکس از روی طرح موجود در کتاب تاریخ ایران سرپریسی سایکس ». .	۱۰۰	۸۶
۸۸	یک عربه‌ی چرخ‌کوتاه از عهد پارسیان « عکس از روی کتاب پوپ ». .	۱۰۱	۸۷
۸۹	عربه‌ی نیمه زره‌پوش هخامنشی « عکس از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید ». .	۱۰۲	۸۸
۹۰	عربه‌ی جنگی داسدار و سوار زره‌پوش هخامنشی « طرح مؤلف طبق نوشته‌ی گرنفون ». .	۱۰۴	۸۹
۹۱	جنگ پارسیان و یونانیان؟ « عکس از روی کتاب تاریخ ایران سرپریسی سایکس ». .	۱۰۷	۹۰
۹۲	سپرهای سبدی هخامنشی « عکس از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید ». .	۱۰۷	۹۱
۹۳	سپرهای معمولی هخامنشیان « عکس از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید ». .	۱۰۸	۹۲
۹۴	سپر هخامنشی « عکس از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید ». .	۱۰۹	۹۳

ردیف	بی‌رس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۹۵	سپر قدی هخامنشی « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید ». .	۱۱۰	۹۴
۹۶	سپر قدی « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید ». .	۱۱۰	۹۵
۹۷	سپر قدی عهد هخامنشی « طرح رنگی مؤلف طبق سپرهای یافته‌ی مربوط به‌خامنشیان از پازیریک سیبری ». .	۱۱۱ - ۱۱۰	۹۸
۹۸	« « « « « « « « - ۹۸	۱۱۱ - ۱۱۰	۹۷
۹۹	قطعات سپر عهد هخامنشی ، یافته از پازیریک سیبری « عکس سیاه سفید ». .	۱۱۱	۹۶
۱۰۰	تیردان هخامنشی « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید ». .	۱۱۲	۹۹
۱۰۱	تیردانهای شوشی « عکس از روی نقوش کاشی سر بازان جاوید شوشی ». .	۱۱۳	۱۰۰ - ۱۰۱
۱۰۲	کمان هخامنشی « طرح مؤلف از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید ». .	۱۱۴	۱۰۲
۱۰۳	سر کمان « طرح مؤلف از روی نقوش برجسته‌ی تخت جمشید ». .	۱۱۵	۱۰۳

ردیف	پی رس طرح ها و عکس ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۱۰۴	۱۱۵	۱۰۴	۴ - کماندان هخامنشی « عکس از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید » .
۱۰۵	۱۱۶	۱۰۵	۱۰۵ - انواع تبرهای پارسی « عکس از روی کتاب پوب » .
۱۰۵	۱۱۷	۱۰۵	۱۰۶ - تبرهای پارسی (دباله‌ی شکل‌های - ۱۰۵ - همین کتاب « عکس از روی کتاب پوب ») .
۱۰۵	۱۱۸	۱۰۵	۱۰۷ - تبرهای پارسی (دباله‌ی شکل‌های - ۱۰۵ - همین کتاب « عکس از روی کتاب پوب ») .
۱۰۶	۱۱۹	۱۰۶	۱۰۸ - کمربند پارسی « طرح مؤلف از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید » .
۱۰۷	۱۲۰	۱۰۷	۱۰۹ - قمه‌های پارسی « عکس از روی کتاب پوب » .
۱۰۷	۱۲۱	۱۰۷	۱۱۰ - انواع قمه‌های پارسی (دباله‌ی شکل‌های - ۱۰۷ - همین کتاب « عکس از روی کتاب پوب ») .
۱۰۸	۱۲۳	۱۰۸	۱۱۱ - عقاب روی صفحه‌ی طلا « عکس از روی کتاب پوب » .
۱۰۹	۱۲۲ - ۱۲۳	۱۰۹	۱۱۲ - عقاب روی کاشی رنگی « عکس رنگی » .
۱۱۰	۱۲۵	۱۱۰	۱۱۳ - یکنفر اشکانی « عکس از روی نقوش بر جسته‌ی تخت جمشید » .

ردیف	بی‌رس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۱۱۴	مرد اشکانی بر لوح گلی « عکس از روی کتاب فردریک زاره ». .	۱۲۸	۱۱۱
۱۱۵	نقش اشکانیان « عکس از روی نقوش بر جسته‌ی تنگ سروک بهبهان ». .	۱۲۹	۱۱۲
۱۱۶	نقش اشکانیان « عکس از روی نقوش بر جسته‌ی تنگ سروک بهبهان ». .	۱۳۰	۱۱۳
۱۱۷	نقش اشکانیان « عکس از روی نقوش بر جسته‌ی تنگ سروک بهبهان ». .	۱۳۱	۱۱۴
۱۱۸	مرد با کلاه‌خود مشترک اشکانی - ساسانی « عکس از روی کتاب اشمیت ». .	۱۳۲	۱۱۵
۱۱۹	سوار اشکانی در حال شکار « عکس از روی نقوش بر جسته‌ی تنگ سروک بهبهان ». .	۱۳۳	۱۱۶
۱۲۰	نقش اشکانیان (عکس از روی طرح مؤلف « طراحی شده از روی نقش بر جسته‌ی سرپل ذاب »). .	۱۳۴	۱۱۷
۱۲۱	سوار اشکانی « عکس از روی کتاب اشمیت ». .	۱۳۵	۱۱۸
۱۲۲	سوار اشکانی « عکس از روی کتاب اشمیت ». .	۱۳۵	۱۱۹
۱۲۳	سوار اشکانی « عکس از روی کتاب اشمیت ». .	۱۳۶	۱۲۰

ردیف	پی رس طرح ها و عکس ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۱۲۴	سکه‌ی مهرداد دوم « عکس از روی کتاب پوپ » .	۱۳۷	۱۲۱
۱۲۵	لباس کنونی مردم شرق ایران « طرح مؤلف از روی البسه‌ی موجود و مورد استفاده‌ی مردم آنسامان » .	۱۳۸	۱۲۲
۱۲۶	مردان اشکانی ، حکاکی شده بر استخوان « عکس	۱۳۹	۱۲۳
۱۲۷	از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .		
۱۲۸	مردان اشکانی . حکاکی شده بر استخوان « عکس	۱۴۰	۱۲۴
۱۲۹	از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .		
۱۳۰	چهره و لباس مهر اشکانی « عکس از روی کتاب دورا اوروپوس » .	۱۴۱	۱۲۵
۱۳۱	مرد اشکانی « عکس از روی نقش برجسته‌ی تکه سنگی افتاده بر دامنه‌ی کوه بیستون » .	۱۴۲	۱۲۶
۱۳۲	سپاهیان اشکانی از نقوش پالمیر سوریه « عکس شهر هاترا » عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .	۱۴۴	۱۲۷
۱۳۳	مردی اشکانی از نقوش برجسته‌ی پالمیر سوریه « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .	۱۴۶	۱۲۸
۱۳۴	هیئت و پوشش مردی اشکانی . از نقوش برجسته‌ی گیرشمن » .	۱۴۷	۱۲۹

ردیف	پی رس طرح ها و عکس ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۱۳۳	مجسمه‌ی پادشاه اشکانی هاترا « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .	۱۴۸	۱۳۰
۱۳۴	کلاه پادشاه اشکانی هاترا « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .	۱۵۰	۱۳۱
۱۳۵	سنتروک « اشک دهم » پادشاه اشکانی « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .	۱۵۱	۱۳۲
۱۳۶	مجسمه‌ی فلزی مردی مشهور به پارسی « عکس از روی کتاب هرتسفلد » .	۱۵۲	۱۳۴
۱۳۷	مردی اشکانی؟ « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .	۱۵۳	۱۳۳
۱۳۸	ردیف سپاهیان اشکانی از نقوش برجسته‌ی پالمیر « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .	۱۵۷	۱۳۵
۱۳۹	کمانهای اشکانی « طرح مؤلف از روی مدارک نقاشی و مسکوک » .	۱۵۸	۱۳۶
۱۴۰	کمان اشکانی « عکس از روی کتاب دورا - اوروپوس » .	۱۵۹	۱۳۷
۱۴۱	کمان اشکانی بر سکه‌ی واردان اشکانی « عکس از روی کتاب اشمیت » .	۱۵۹	۱۳۸

- ۱۴۲ - سه افسر اشکانی با شمشیر ، از نقوش بر جسته‌ی پالمیر « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن ». ۱۳۹ ۱۶۰
- ۱۴۳ - مرد اشکانی ایلامی « سورن اشکانی ؟ » (عکس از روی مجسمه‌ی موجود در موزه‌ی ایران باستان تهران) . ۱۴۰ ۱۶۱
- ۱۴۴ - نیمرخ مرد اشکانی « عکس ». ۱۴۱ ۱۶۲
- ۱۴۵ - نیمرخ رانپای مرد اشکانی « عکس ». ۱۴۲ ۱۶۳
- ۱۴۶ - هیئت عمومی مرد اشکانی ایلامی از پشت « عکس از روی مجسمه‌ی موجود در موزه‌ی ایران باستان تهران ». ۱۴۳ ۱۶۴
- ۱۴۷ - مرد اشکانی با رانپا از مجسمه‌های پالمیر سوریه « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن ». ۱۴۴ ۱۶۵
- ۱۴۸ - سوار زره‌پوش اشکانی « عکس از روی نقوش بر جسته‌ی تنگ سروک بهبهان ». ۱۴۵ ۱۶۷
- ۱۴۹ - سواران اشکانی با سپر و نیزه و قیردان از نقوش بر جسته‌ی پالمیر « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن ». ۱۴۶ ۱۶۸

ردیف	پی رس طرح ها و عکس ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۱۵۰	سوار زره‌پوش اشکانی « طرح مؤلف از روی مدارک و نوشت‌های تاریخ نویسان » .	۱۷۰	۱۴۷
۱۵۱	اسب زره‌پوش « عکس از روی مجسمه‌ی موجود در طاق بستان کرمانشاهان » .	۱۷۱	۱۴۸
۱۵۲	مرد اشکانی در شکار شیر « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .	۱۷۲	۱۴۹
۱۵۳	سوار اشکانی زره‌پوش . طرح بر دیوار خرابه‌ی دورا اوروپوس « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .	۱۷۳	۱۵۰
۱۵۴	سر یکمرد اشکانی با کلاه‌خود مخروطی در نمود داغ « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .	۱۷۵	۱۵۱
۱۵۵	نوعی کلاه عهد اشکانی، طرح شده بر صدف موجود در موزه‌ی ایران باستان « عکس » .	۱۷۶	۱۵۲
۱۵۶	بلاش سوم اشکانی با کلاه‌خود « عکس » .	۱۷۷	۱۵۳
۱۵۷	مجسمه‌ی افسر اشکانی موجود در موزه‌ی موصل « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .	۱۷۸	۱۵۴

ردیف	پی رس طرح ها و عکس ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۱۵۸	نقش دو مرد جنگی بر بشقاب موجود در موزه‌ی هرمیتاژ « عکس از روی کتاب موزه‌ی هرمیتاژ ». .	۱۸۰	۱۰۵
۱۵۹	کمربند سورن اشکانی (طرح مؤلف از روی مجسمه‌ی مرد اشکانی ایلامی « سورنا » موجود در موزه‌ی ایران باستان تهران) .	۱۸۲	۱۵۶
۱۶۰	مهرداد دوم اشکانی « سکه » عکس از روی کتاب پوپ .	۱۸۳	۱۰۷
۱۶۱	پلاش دوم اشکانی « سکه » عکس از روی کتاب پوپ .	۱۸۳	۱۰۸
۱۶۲	واردان اشکانی « سکه » عکس از روی کتاب پوپ .	۱۸۴	۱۰۹
۱۶۳	کفش اشکانی « طرح مؤلف از روی نقاشی‌های کتاب دورا اوروپوس ». .	۱۸۵	۱۶۰
۱۶۴	کفش اشکانی در نقاشی دورا اوروپوس « عکس از روی کتاب دورا اوروپوس ». .	۱۸۵	۱۶۱
۱۶۵	مردان اشکانی در مراسم مذهبی « عکس از روی کتاب دورا اوروپوس ». .	۱۸۶	۱۶۲

ردیف	بیرس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۱۶۶	کفش مرد ایلامی « سورنا » از روی مجسمه‌ی موجود در موزه‌ی ایران باستان تهران .	۱۸۷	۱۶۳
۱۶۷	کفش ساقه‌دار اشکانی « عکس از روی مجسمه‌ی مفرغی مرد ایلامی، موجود در موزه‌ی ایران باستان تهران » .	۱۸۸	۱۶۴
۱۶۸	کفش ساقه‌دار اشکانی در نیمرخ و از بالا « عکس از روی مجسمه‌ی مفرغی » .	۱۸۹	۱۶۵ - ۱۶۶
۱۶۹	نوعی دیگر از کفش ساقه‌دار اشکانی « طرح مؤلف از روی نقش برجسته‌ی سپاهیان اشکانی پالمیر در شکل - ۱۲۷ - همین کتاب » .	۱۹۰	۱۶۷
۱۷۰	پرچم اشکانی « عکس از روی نقش برجسته‌ای از شهر هاترا ، در کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .	۱۹۲	۱۶۸
۱۷۱	پرچم اشکانی ؟ « عکس از روی سکه‌ی بغداد اول در کتاب هرتسفلد » .	۱۹۳	۱۶۹
۱۷۲	پرچم اشکانی ؟ « عکس از روی سکه‌ی فرادات اول در کتاب هرتسفلد » .	۱۹۴	۱۷۰
۱۷۳	مجسمه‌ی پرنیس - واشفاری - دختر سنتروک اشکدهم « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .	۱۹۵	۱۷۱

ردیف	پرس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۱۷۴	یک بانوی اشکانی از پالمیر « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن ». .	۱۹۶	۱۷۲
۱۷۵	بانوی عهد اشکانی از پالمیر « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن ». .	۱۹۸	۱۷۳
۱۷۶	زن پالمیری « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن ». .	۲۰۰	۱۷۴
۱۷۷	برگزاری مراسم مذهبی اشکانیان « عکس از روی کتاب دورا اوروپوس ». .	۲۰۱	۱۷۵
۱۷۸	زنان اشکانی در میان مردان « عکس از روی کتاب دورا اوروپوس ». .	۲۰۲	۱۷۶
۱۷۹	یک بانوی اشکانی « عکس از روی کتاب دورا اوروپوس ». .	۲۰۳	۱۷۷
۱۸۰	یک بانوی اشکانی « عکس از روی کتاب دورا اوروپوس ». .	۲۰۴	۱۷۸
۱۸۱	زیورآلات زن اشکانی « عکس از روی طرح موجود در کتاب دورا اوروپوس ». .	۲۰۴	۱۷۹
۱۸۲	مجسمه‌ی زن اشکانی از سرب « عکس از روی کتاب فردریک زاره ». .	۲۰۵	۱۸۰

ردیف	بی‌رس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۱۸۱	۱۸۳ - سکه‌ی بلاش دوم اشکانی « عکس ». .	۲۰۶	
۱۸۲	۱۸۴ - سکه‌ی بلاش سوم اشکانی « عکس ». .	۲۰۶	
۱۸۳	۱۸۵ - هیئت عمومی یک زن اشکانی « طرح مؤلف از روی سکه‌های بلاش اول و دوم اشکانی ». .	۲۰۷	
۱۸۴	۱۸۶ - چادر زنان اشکانی « طرح مؤلف از روی مدارک موجود در کتاب پارت و ساسانی گیرشمن ». .	۲۰۹	
۱۸۵	۱۸۷ - پیراهن زنان اشکانی « طرح مؤلف از روی مدارک موجود در کتاب پارت و ساسانی گیرشمن ». .	۲۱۰	
۱۸۶	۱۸۸ - پیراهن زنان اشکانی « طرح مؤلف از روی مدارک موجود در کتاب پارت و ساسانی گیرشمن ». .	۲۱۱	
۱۸۷	۱۸۹ - مجسمه‌ی - او بال - زن اشکانی از شهر هاترا « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن ». .	۲۱۲	
۱۸۸	۱۹۰ - پیراهن زنان اشکانی « طرح مؤلف از روی مدارک موجود در کتاب پارت و ساسانی گیرشمن ». .	۲۱۴	
۱۸۹	۱۹۱ - نقش چهار نفری « عکس از روی نقوش بر جسته‌ی طاق بستان کرمانشاهان ». .	۲۱۷	
۱۹۰	۱۹۲ - نمایش پیراهنی از نقش چهار نفری « عکس از روی نقوش بر جسته‌ی طاق بستان ». .	۲۱۸	

ردیف	پیرس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۱۹۳	– پیراهنی از مردان ساسانی « طرح مؤلف از روی نقوش برجسته‌ی طاق بستان ». ۱۹۱ ۲۱۹		
۱۹۴	– پیراهنی از مردان ساسانی « طرح مؤلف از روی نقوش برجسته‌ی طاق بستان ». ۱۹۲ ۲۲۰		
۱۹۵	– پوشак مردان طاق کوچک بستان « عکس از روی نقوش برجسته‌ی طاق بستان ». ۱۹۳ ۲۲۱		
۱۹۶	– نقش خسرو انوشیروان بر بشقاب « عکس از روی کتاب پوپ ». ۱۹۴ ۲۲۲		
۱۹۷	– نقش شاپور دوم بر بشقاب دیلمان گیلان « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن ». ۱۹۵ ۲۲۳		
۱۹۸	– نقش سنگ حکاکی شده‌ی موجود در موزه‌ی بریتانیا « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن ». ۱۹۶ ۲۲۴		
۱۹۹	– بهرام گور و سپینود « عکس از روی کتاب پوپ ». ۱۹۷ ۲۲۵		
۲۰۰	– نوعی قبای عهد ساسانی « طرح مؤلف از روی نقش خسرو انوشیروان در کتاب پوپ ». ۱۹۸ ۲۲۶		
۲۰۱	– نقش خسرو انوشیروان « عکس از کتاب پوپ ». ۱۹۹ ۲۲۷		

ردیف	پرس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۲۰۲	نوعی قبای ساسانی « طرح مؤلف از روی نقوش برجسته‌ی طاق بستان و نقش خسرو انوشیروان بر بشقاب شکل - ۱۹۴ - » .	۲۲۸	۲۰۰
۲۰۳	قبای یکی از مردان نقش طاق بستان « عکس از روی نقوش طاق بستان » .	۲۲۹	۲۰۱
۲۰۴	نوعی پیراهن مردان ساسانی « طرح مؤلف از روی مدارک موجود در همین کتاب » .	۲۳۰	۲۰۲
۲۰۵	مجسمه‌ی شاپور اول « عکس » .	۲۳۱	۲۰۳
۲۰۶	نوعی لباس مردان ساسانی « طرح مؤلف از روی نقوش برجسته‌ی طاق بستان » .	۲۳۲	۲۰۴
۲۰۷	مرد سوار قایق « عکس از روی نقوش برجسته‌ی طاق بستان » .	۲۳۳	۲۰۵
۲۰۸	نوعی پیراهن مردان ساسانی « طرح مؤلف از روی نقش برجسته‌ی شاپور اول در نقش رجب » .	۲۳۴	۲۰۶
۲۰۹	شاپور اول « عکس از روی نقش برجسته‌ی نقش رجب » .	۲۳۵	۲۰۷
۲۱۰	قبای ساده‌ی ساسانیان « طرح مؤلف از روی مردان نقش برجسته‌ی نقش رجب » .	۲۳۶	۲۰۸

ردیف	پرس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۲۱۱	ارخالق ساسانیان « طرح مؤلف از روی مدارک موجود در همین کتاب » .	۲۳۶	۲۱۰
۲۱۲	شاپور اول و ملتزمین و افسران « عکس از روی نقش بر جسته‌ی نقش رجب » .	۲۳۷	۲۰۹
۲۱۳	نرسی پادشاه ساسانی که نوعی ارخالق بتن دارد « عکس از روی مجسمه‌ی نرسی » .	۲۳۸	۲۱۱
۲۱۴	پیراهن دامن‌گرد و ارخالق بر تن دونفر از نقوش بر جسته « عکس از روی نقوش طاق کوچک بستان در کرمانشاهان » .	۲۳۸	۲۱۲
۲۱۵	شاپور دوم در شکار قوچ « عکس از روی کتاب پوپ » .	۲۳۹	۲۱۳
۲۱۶	بهرام گور در شکار گراز « عکس از روی کتاب پوپ » .	۲۳۹	۲۱۴
۲۱۷	نقش ارخالق ساسانیان بر بشقاب بدست آمده از ساری « عکس از روی کتاب پارت و ساسانی گیرشمن » .	۲۴۰	۲۱۵
۲۱۸	نقش شکار ببر « عکس از روی کتاب پوپ » .	۲۴۱	۲۱۶
۲۱۹	شنل‌های ساسانیان « طرح مؤلف از روی مدارک موجود در همین کتاب » .	۲۴۲	۲۱۷

ردیف	پرس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۲۲۰	اردشیر اول « عکس از روی نقوش برجسته‌ی نقش رستم » .	۲۴۳	۲۱۸
۲۲۱	شاپور اول « عکس از روی نقوش برجسته‌ی نقش رستم » .	۲۴۴	۲۱۹
۲۲۲	بهرام گور در حال شکار شیر « عکس از روی کتاب پوپ » .	۲۴۵	۲۲۰
۲۲۳	بهرام گور با زنان در بزم « عکس از روی کتاب پوپ » .	۲۴۶	۲۲۱
۲۲۴	لباس بهرام گور « طرح مؤلف از روی مدارک موجود در همین کتاب » .	۲۴۸	۲۲۲
۲۲۵	شلوار ساسانیان « طرح مؤلف از روی مدارک موجود در همین کتاب » .	۲۴۹	۲۲۳
۲۲۶	حاشیه و رکاب شلوار ساسانی « عکس از روی نقوش برجسته‌ی طاق بستان » .	۲۵۰	۲۲۴
۲۲۷	حاشیه و رکاب شلوار ساسانی « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تنگ چوگان » .	۲۵۱	۲۲۵
۲۲۸	انواع کلاه ساسانی « طرح مؤلف از روی مدارک موجود در همین کتاب » .	۲۵۲	۲۲۶

ردیف	پی رس طرح ها و عکس ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۲۲۹	بهرام دوم و خویشاوندان « عکس از روی نقوش برجسته‌ی نقش رستم » .	۲۵۳	۲۲۷
۲۳۰	کلاه ساسانی « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تنگ چو گان » .	۲۵۴	۲۲۸
۲۳۱	نوعی کلاه ساسانی « عکس از روی نقوش برجسته‌ی نقش رجب » .	۲۵۴	۲۲۹
۲۳۲	کفش ساسانیان « طرح مؤلف از روی مدارک موجود در همین کتاب » .	۲۵۶	۲۳۰
۲۳۳	کفش ساسانی « عکس از روی نقوش برجسته‌ی تنگ چو گان » .	۲۵۷	۲۳۱
۲۳۴	جنگ دو مبارز « عکس از روی نقوش برجسته‌ی نقش رستم » .	۲۷۰	۲۳۲
۲۳۵	مرد جنگی فاتح « عکس از روی نقوش برجسته‌ی نقش رستم » .	۲۷۱	۲۳۳
۲۳۶	جنگجوی مغلوب « عکس از روی نقوش برجسته‌ی نقش رستم » .	۲۷۲	۲۳۴
۲۳۷	یکی دیگر از جنگجویان مغلوب « عکس از روی نقوش برجسته‌ی نقش رستم » .	۲۷۲	۲۳۵

ردیف	پیرس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۲۳۸	عقب دامن جوشن «عکس از روی نقوش بر جسته‌ی نقش رستم».	۲۷۳	۲۳۶
۲۳۹	محل جلوی دامن جوشن ساسانی «عکس از روی نقوش بر جسته‌ی نقش رستم».	۲۷۴	۲۳۷
۲۴۰	خرابی جوشن در محل ساق پای مرد جنگجو «عکس از روی نقوش بر جسته‌ی نقش رستم».	۲۷۴	۲۳۸
۲۴۱	حلقه‌های جوشن ران و ساق مرد جنگی «عکس از روی نقوش بر جسته‌ی نقش رستم».	۲۷۵	۲۳۹
۲۴۲	حلقه‌های زانوی جوشن «عکس از روی نقوش بر جسته‌ی نقش رستم».	۲۷۶	۲۴۰
۲۴۳	بندهای جلوی سینه‌ی برگستان اسب «عکس از روی نقوش بر جسته‌ی نقش رستم».	۲۷۷	۲۴۱
۲۴۴	برگستان اسب مرد جنگجو «عکس از روی نقوش بر جسته‌ی نقش رستم».	۲۷۷	۲۴۲
۲۴۵	زره برگستان اسب «عکس از روی نقوش بر جسته‌ی نقش رستم».	۲۷۸	۲۴۳
۲۴۶	نبرد جنگجویان ساسانی «عکس از روی نقوش بر جسته‌ی فیروزآباد».	۲۷۹	۲۴۴

ردیف	پرس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۲۴۷	نبرد جنگجویان ساسانی « عکس از روی نقوش برجسته‌ی فیروزآباد » .	۲۸۱	۲۴۵
۲۴۸	جنگ اردشیر ساسانی « عکس از روی نقوش برجسته‌ی فیروزآباد » .	۲۸۲	۲۴۶
۲۴۹	دلاور جوشنپوش « عکس از روی نقوش برجسته‌ی طاق بستان » .	۲۸۳	۲۴۷
۲۵۰	جوشن جلوی سینه‌ی اسب « عکس از روی نقوش برجسته‌ی طاق بستان » .	۲۸۳	۲۴۸
۲۵۱	جوشن سر و سینه‌ی اسب « عکس از روی نقوش برجسته‌ی طاق بستان » .	۲۸۴	۲۴۹
۲۵۲	نقش شاپور و والرین « عکس از روی عقیق موجود در کتابخانه‌ی ملی پاریس » .	۲۸۵	۲۵۰
۲۵۳	رانپای شاپور اول « عکس از روی نقوش برجسته‌ی بیشاپور » .	۲۸۸	۲۵۱
۲۵۴	رانپای شاپور اول « عکس از روی نقش برجسته‌ی دیگری در بیشاپور » .	۲۸۹	۲۵۲
۲۵۵	رانپای ساسانیان « طرح مؤلف از روی مدارک موجود در همین کتاب » .	۲۹۰	۲۵۳

ردیف	بی‌رس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۲۵۶	رانپای ساسانیان « طرح مؤلف از روی مدارک موجود در همین کتاب ». ۲۹۰	۲۹۰	۲۵۴
۲۵۷	کلاه‌خودهای ساسانی « طرح مؤلف از روی مدارک موجود در همین کتاب ». ۲۹۲	۲۹۲	۲۵۵
۲۵۸	کلاه‌خود اردشیر بابکان « عکس از روی نقش بر جسته‌های نقش رستم ». ۲۹۳	۲۹۳	۲۵۶
۲۵۹	سپر ساسانی « عکس از روی بشقاب موجود در موزه‌ی هرمیتاژ ». ۲۹۴	۲۹۴	۲۵۷
۲۶۰	سپر دلاور طاق بستان « طرح مؤلف ». ۲۹۵	۲۹۵	۲۵۸
۲۶۱	شمشیر ساسانی « عکس از روی نقوش بر جسته‌ی تنگ چوگان ». ۲۹۶	۲۹۶	۲۵۹
۲۶۲	شمشیر و کمان ساسانی « عکس از روی نقش بشقاب فلزی ». ۲۹۷	۲۹۷	۲۶۰
۲۶۳	شمشیر ساسانی « طرح مؤلف از روی مدارک همین کتاب ». ۲۹۸	۲۹۸	۲۶۱
۲۶۴	کمان ساسانی در دست مرد آهو شکار « عکس از روی بشقاب فلزی ». ۲۹۹	۲۹۹	۲۶۲

ردیف	پرس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۲۶۵	کمان عهد ساسانی «عکس از روی بشقاب فلزی».	۳۰۰	۲۶۳
۲۶۶	کمان عهد ساسانی «طرح مؤلف از روی مدارک موجود در همین کتاب».	۳۰۰	الف - ۲۶۳
۲۶۷	زین مخصوص زمان ساسانیان «طرح مؤلف از روی مدارک موجود در همین کتاب».	۳۰۱	۲۶۴
۲۶۸	پرچمهای ساسانی «طرح مؤلف از روی مدارک موجود در همین کتاب».	۳۰۶	۲۶۵
۲۶۹	اناھیتا «عکس از روی نقش بر جسته‌ی محل نقش رستم».	۳۰۸	۲۶۶
۲۷۰	بانوی ساسانی «عکس از روی نقوش موزائیک بیشاپور».	۳۰۹	۲۶۷
۲۷۱	پیراهن بانوان ساسانی «طرح مؤلف از روی مدارک موجود در همین کتاب».	۳۱۰	۲۶۸
۲۷۲	چادر بانوان ساسانی «عکس از روی بشقاب فلزی».	۳۱۱	۲۶۹
۲۷۳	بانوی ساسانی «عکس از روی موزائیک بیشاپور».	۳۱۲	۲۷۰
۲۷۴	رقاچه‌ی ساسانی «عکس از روی کوزه‌ی فلزی بدست آمده از کلاردشت».	۲۱۳	۲۷۱

ردیف	پیرس طرح‌ها و عکس‌ها	صفحات	شماره‌ی شکلها
۲۷۵	لباس بانوان ساسانی در مجلس بزم شاهزاده «عکس از روی بشقاب فلزی».	۳۱۴	۲۷۲
۲۷۶	پیراهن بانوان ساسانی « طرح مؤلف از روی مدارک موجود در همین کتاب .	۳۱۶	۲۷۳
۲۷۷	رقصه‌ی ساسانی « عکس از روی کوزه‌ی فلزی آنعهد».	۳۱۷	۲۷۴
۲۷۸	رقصه‌ی ساسانی « عکس از روی کوزه‌ی فلزی آنعهد».	۳۱۷	۲۷۵
۲۷۹	مجسمه‌ی اناهیتا « عکس از روی نقوش سنگی طاق بستان ».	۳۱۸	۲۷۶
۲۸۰	نقش یک بانوی ساسانی « عکس از روی یک عقیق».	۳۱۹	۲۷۷